

جلد ۲

مَسِيرِ یار

مباحث آموزشی
معارف مہدویت



سیرِ یاری (جلد ۲)

عنوان و نام پدیدآور	مسیریاری «کاری از معاونت فرهنگ، آموزش و پژوهش بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه التبریف.
منحصرات نشر	فید: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)، ۱۳۹۸.
شابک	دوره: ۱-8-99746-622-978، ج. ۱، 8-9-99746-622-978، ج. ۲، 5-961308-978-622-978
وضعیت فهرست نویسی	فبیا
موضوع	محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق -
موضوع	محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. - -- دعاها
موضوع	-- Prayers Muhammad ibn Hasan, Imam XII
موضوع	محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. - -- غیبت
موضوع	Muhammad ibn Hasan, Imam XII -- Occultation
موضوع	مهدویت
موضوع	Mahdism
شناسه افزوده	بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)، معاونت فرهنگ، آموزش و پژوهش
شناسه افزوده	بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)
زده بنای کشور	۲۲۴BP
زده بندی دیویی	۴۶۲، ۲۹۷
شماره کتابشناسی ملی	۵۸۱۵۲۵۲
وضعیت رکورد	فبیا

مسیریاری (جلد ۲)

مؤلف:	معاونت فرهنگ، آموزش و پژوهش بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه التبریف
ناشر:	بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه التبریف
صفحه آرا:	مسعود سلیمانی
نوبت چاپ:	اول / پاییز ۱۳۹۹
تیراژ:	۲۰۰۰ نسخه
شابک دوره:	۱-8-99746-622-978
شابک جلد ۲:	۵-8-961308-978-622-978
چاپ و صحافی:	مؤسسه بوستان کتاب
قیمت:	۳۰،۰۰۰ تومان



بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود
انتشارات

○ قم: خیابان شهدا/ کوچه آمار (۲۲)/ بن بست شهید علیان / پ: ۲۶ / تلفن: ۱-۳۷۸۴۱۱۳-۰۲۵ / نمایر: ۰۲۵-۳۷۷۴۴۲۷۳-۲۵
○ تهران: خیابان انقلاب/ خیابان قدس/ خیابان آیتالیا/ پ: ۹۸ / تلفن: ۰۲۱-۸۸۹۹۸۶۰۰ / نمایر: ۰۲۱-۸۹۷۷۴۳۸۱-۲۱

○ www.mahdaviat.ir

○ info@mahdaviat.ir

○ Entesharatbonyad@chmail.ir

دفاتر بنیاد حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه التبریف در استان ها پاسخگوی درخواست های متقاضیان کتاب و محصولات

فرهنگی بنیاد می باشد.

فهرست مطالب

مقدمه.....	۱۵
فصل اول: منجی در ادیان.....	۱۷
مقدمه.....	۱۸
ادیان ابراهیمی.....	۱۹
آشنایی با آیین یهودیت و سیر موعودباوری.....	۱۹
خواستگاه موعود باوری در آیین یهود.....	۲۱
یهوه.....	۲۱
قوم برگزیده.....	۲۲
سرزمین موعود.....	۲۲
ماشیح.....	۲۳
ویژگی های ماشیح.....	۲۴
کارکردهای ماشیح در یهود.....	۲۵
۱. تشکیل حکومت و استقلال سیاسی.....	۲۵
۲. داوری نهایی بین همه ی اقوام و سهل گیری بر بنی اسرائیل.....	۲۵
۳. نابودی امت های مشرک.....	۲۵
۴. اعطای قدرت جهانی به بنی اسرائیل.....	۲۵
۵. زنده کردن مردگان.....	۲۶
عقیده به ماشیح در میان یهودیان معاصر.....	۲۶
نهی از محاسبه زمان آمدن مسیحا.....	۲۶
آشنایی با آیین مسیحیت.....	۲۷
محوریت مسیح در آیین مسیحیت.....	۲۸
اهمیت منجی باوری در آیین مسیحیت.....	۲۹
سیر موعودباوری در آیین مسیحیت.....	۲۹
مسیحا بودن عیسی (رستاخیز عیسی).....	۳۰
اندیشه رستاخیز عیسی (منجی) در میان مسیحیان.....	۳۱
مسیح میانجی.....	۳۱

۳۲.....	مشخصات منجی مسیحیت
۳۳.....	اهداف و ثمرات بازگشت مسیح
۳۳.....	۱. پذیرش ایمان داران
۳۳.....	۲. بازگشت دوباره عیسی مسیح علیه السلام برای دادرسی و دادن پاداش
۳۳.....	۳. نجات بنی اسرائیل
۳۴.....	۴. داوری در میان همه امت‌ها
۳۴.....	۵. آزاد ساختن و برکت دادن
۳۴.....	۶. برقراری ملکوت
۳۴.....	برخی از اشتراکات موعود اسلام و مسیحیت
۳۵.....	یادآوری
۳۷.....	پرسش‌ها
۳۷.....	منابع مطالعاتی
۳۹.....	فصل دوم: یاران امام زمان علیه السلام (اوصاف و ویژگی‌ها)
۴۰.....	شاخصه‌های یاران امام زمان علیه السلام
۴۰.....	یک. قدرت والای روحی
۴۱.....	دو. بردباری
۴۱.....	سه. طلب آمرزش، استقامت و یاری
۴۲.....	چهار. رابطه عاشقانه با پروردگار
۴۳.....	پنج. فروتنی در برابر مؤمنان و گردن‌فرازی در مقابل کافران
۴۴.....	شش. نهراسیدن از سرزنش‌ها
۴۴.....	برخی دیگر از ویژگی‌های یاران حضرت
۴۵.....	۱. خداباوری حقیقی
۴۵.....	۲. پرتلاش و مطیع
۴۶.....	۳. خوبان اهل عبادت
۴۷.....	۴. شجاع و غیور
۴۸.....	۵. درآرزوی شهادت
۴۸.....	جمع‌بندی
۴۹.....	پرسش‌ها
۴۹.....	منابع مطالعاتی

فصل سوم: راهکارهای حفظ دین در آخرالزمان ۵۱

مقدمه.....	۵۲
اهمیت دین داری در آخرالزمان.....	۵۳
راهکارهای حفظ دین در آخرالزمان.....	۵۶
الف. راه کارهای اعتقادی.....	۵۶
۱. شناخت دین حق.....	۵۶
۲. امام شناسی.....	۵۸
۳. بصیرت.....	۵۹
۴. دشمن شناسی.....	۶۱
ب. راهکارهای اخلاقی.....	۶۲
۱. تقوا.....	۶۲
۲. صبر.....	۶۴
۳. استقامت.....	۶۵
۴. محبت به خدا.....	۶۶
ج. راه کارهای عملی.....	۶۶
۱. رجوع به عالمان دین.....	۶۷
۲. اقامه نماز.....	۶۸
۳. دعا و درخواست از خدا.....	۷۰
۱-۳. دعا برای سلامتی حضرت مهدی (عج):.....	۷۱
۲-۳. دعا برای تعجیل در فرج حضرت:.....	۷۱
۳-۳. دعا برای معرفت یافتن نسبت به حضرت:.....	۷۱
۴-۳. دعا برای حفظ و ثابت ماندن در دین:.....	۷۲
۴. توسل و تمسک به اهل بیت (علیهم السلام).....	۷۲
۵. تولی و تبری.....	۷۳
۶. کسب حلال.....	۷۵
۷. استغفار و توبه.....	۷۶
یادآوری.....	۷۶
پرسش ها.....	۷۹
منابع مطالعاتی.....	۷۹

فصل چهارم: انقلاب اسلامی ایران و آموزه مهدویت	۸۱
نقش انقلاب اسلامی ایران در تغییر نگرش به آموزه مهدویت	۸۲
تعریف انقلاب اسلامی و عناصر تشکیل دهنده آن در تغییر نگرش به آموزه مهدویت	۸۲
اندیشه‌ی مهدویت پیش از انقلاب اسلامی	۸۴
تحول روش شناختی در رویکرد به آموزه مهدویت	۸۵
بازتعریف مکتب انتظار در فرهنگ سیاسی تشیع	۸۷
«زمینه سازی ظهور» چشم انداز تشکیل حکومت در روزگار غیبت	۸۹
بازاندیشی در ولایت فقها در روزگار غیبت	۹۲
ابطال قرائت‌های ناصحیح در آموزه مهدویت	۹۴
نتیجه	۹۶
پرسش‌ها	۹۷
منابع مطالعاتی	۹۷
فصل پنجم: ولایت فقیه	۹۹
مقدمه	۱۰۰
عدم مشروعیت ذاتی فرد یا گروه خاص برای حکومت	۱۰۰
اعمال حکومت خداوند در قالب واسطه	۱۰۱
تشکیل حکومت از اهداف و برنامه‌های دین اسلام	۱۰۲
واقعیت تاریخ و حاکمیت امامان علیهم‌السلام	۱۰۳
دلایل استمرار حکومت امامان علیهم‌السلام (اثبات ولایت فقیه)	۱۰۴
دلیل اول: حکومت فقیه لازمه‌ی غیبت امام عج	۱۰۴
دلیل دوم: ولایت فقیه بهترین گزینه عصر غیبت	۱۰۵
دلیل سوم: مطلوبیت عقلی حکومت ولی	۱۰۵
دلیل چهارم: عمومات قرآنی و روایی	۱۰۶
جایگاه مردم در حکومت ولایت فقیه	۱۰۸
نوع ولایت در ولی فقیه	۱۰۹
ولایت مقیده‌ی فقیه	۱۱۱
ولایت مطلقه‌ی فقیه	۱۱۱
اوصاف و شرایط ولی فقیه	۱۱۳
پرسش‌ها	۱۱۴
منابع مطالعاتی	۱۱۴

فصل ششم: زمینه‌شناسی جریان‌های انحرافی در مهدویت	۱۱۵
مقدمه	۱۱۶
یک. عوامل پیدایش جریان‌های انحرافی	۱۱۷
۱. عوامل پدیدآورنده	۱۱۷
۱-۱. ناآگاهی توده مردم	۱۱۷
۱-۲. آشفته‌گی‌های اجتماعی و اقتصادی	۱۱۸
۱-۳. زیاده‌خواهی	۱۱۸
۱-۴. نابسامانی و اعتبار کم برخی متون	۱۱۸
۱-۵. حمایت دشمنان	۱۱۹
۲. عوامل استمرار بخش	۱۱۹
۱-۲. اباحی‌گری و تکلیف‌گریزی	۱۱۹
۲-۲. حمایت برخی خواص	۱۲۰
۳-۲. غفلت برخی خواص	۱۲۰
۴-۲. ساختن حکایت‌ها	۱۲۱
دو. ویژگی‌های جریان‌های انحرافی	۱۲۱
۱. عقل‌گریزی و اهتمام افراطی به امور احساسی	۱۲۱
۲. درآمیختن حق و باطل	۱۲۱
۳. دور کردن مردم از مرجعیت و روحانیت	۱۲۲
۴. خرافه‌پردازی	۱۲۳
۵. عوام‌زدگی	۱۲۳
۶. خودمرکزی و مریدپروری	۱۲۴
۷. استفاده از سخنان چندپهلو	۱۲۴
۸. دادن شأن و جایگاه دروغین به هواداران خود	۱۲۵
۹. بی‌ثباتی در باورها و پندارها	۱۲۵
۱۰. پیروی از خواسته‌های نفسانی	۱۲۵
۱۱. سوءاستفاده از آشفته‌گی‌های سیاسی و اجتماعی	۱۲۵
۱۲. بهره‌مندی از ویژگی‌های خاص ظاهری	۱۲۶
سه. پی‌آمدهای جریان‌های انحرافی	۱۲۶
۱. بی‌ثباتی در باورهای دینی	۱۲۶
۲. از بین بردن سرمایه‌های فکری	۱۲۶

۱۲۶.....	چهار. راهبرد رویارویی با جریان های انحرافی.
۱۲۷.....	الف. رفتارهای علمی.
۱۲۷.....	یک. بهره گیری از آگاهی های معتبر.
۱۲۷.....	دو. طراحی سامانه ی مهندسی فراگیر مهدویت.
۱۲۸.....	سه. پافشاری بر خردورزی و پرهیز از خرافات.
۱۲۸.....	ب. راه های عملی.
۱۲۸.....	یک. افشاگری و پدید آوردن حساسیت.
۱۲۹.....	دو. جلوگیری از کارهای تبلیغی جریان ها.
۱۲۹.....	پرسش ها.
۱۲۹.....	منابع مطالعاتی.
۱۳۱.....	فصل هفتم: سیر مهدی ستیزی در رسانه های غربی
۱۳۲.....	مقدمه.
۱۳۳.....	دوره های ستیز.
۱۳۳.....	قبل از انقلاب.
۱۳۴.....	سال های آغازین انقلاب.
۱۳۴.....	سال های میانی (دوران سکوت و تعمق علمی).
۱۳۴.....	سال های اخیر (مهدی ستیزی عیان و آشکار).
۱۳۵.....	روش های ستیز.
۱۳۶.....	ابزارهای ستیز.
۱۳۶.....	۱. کتاب ها.
۱۳۶.....	الف. کتاب مهدی مسیح ربوده شده.
۱۳۷.....	ب. کتاب «ضد مسیح اسلامی».
۱۳۹.....	ج. کتاب (رمان) امام دوازدهم.
۱۴۰.....	۲. ماهواره ها.
۱۴۱.....	الف. شبکه فاکس نیوز.
۱۴۲.....	ب. شبکه سی بی ان نیوز.
۱۴۲.....	۳. فیلم ها.
۱۴۲.....	الف. فیلم «نوسترا داموس».
۱۴۳.....	ب. فیلم «اورشلیم؛ شمارش معکوس».
۱۴۴.....	۴. سایت ها و وبلاگ ها.

۱۴۴	الف) سایت joelstrumpet
۱۴۵	ب) سایت اطلاع رسانی WorldNetDaily
۱۴۶	۵. کارتون ها و انیمیشن ها
۱۴۶	۶. بازی های کامپیوتری و موبایلی
۱۴۷	نتیجه گیری
۱۴۸	پرسش ها
۱۴۸	منابع مطالعاتی
۱۴۹	فصل هشتم: نماز و مهدویت
۱۵۰	مقدمه
۱۵۰	نقش نماز در زمینه سازی ظهور
۱۵۱	۱. تربیت یاران (کادر سازی)
۱۵۲	۱-۱. طهارت بخشی
۱۵۴	۲-۱. غفلت زدایی (از یاد امام)
۱۵۵	۳-۱. کبر زدایی
۱۵۶	۴-۱. شکوفا کردن استعدادها
۱۵۷	۵-۱. ولایت پذیری
۱۵۸	۶-۱. شفاعت و همراهی
۱۵۹	۲. وحدت بخشی
۱۶۰	۳. ایجاد پذیرش عمومی
۱۶۱	وظیفه منتظران درباره نماز
۱۶۲	اقامه نماز و معانی مختلف آن
۱۶۶	برنامه ریزی برای رشد نماز
۱۶۶	۱. شناخت نماز
۱۶۸	۲. تقویت حضور قلب
۱۶۹	راه های رسیدن به حضور قلب در نماز
۱۷۱	۳. نماز اول وقت
۱۷۳	نماز جماعت
۱۷۴	۴. نماز در مسجد
۱۷۴	۵. اهتمام به نوافل
۱۷۶	دعوت دیگران به نماز

۱۷۸.....	پرسش ها
۱۷۸.....	منابع مطالعاتی
۱۷۹	فصل نهم: خاتم الاوصیاء در کلام سید الاوصیاء
۱۸۰.....	مقدمه
۱۸۰	تولد نهج البلاغه
۱۸۱	مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه در نهج البلاغه
۱۸۲.....	خطبه ۱۰۰
۱۸۲	دورنمای خطبه
۱۸۲	سه محور هدایت
۱۸۲	محور اول
۱۸۳.....	محور دوم
۱۸۳.....	محور سوم
۱۸۴.....	نشانه های ولی خدا
۱۸۵.....	امید به آینده روشن
۱۸۶.....	شرایط ظهور و آمدن موعود عجل الله تعالی فرجه
۱۸۶.....	اتمام نعمت الهی بر امت
۱۸۸.....	خطبه ۱۳۸
۱۸۸.....	دورنمای خطبه
۱۸۸.....	دو عامل گمراهی
۱۸۹.....	گوشه ای از حوادث هولناک آخر الزمان
۱۹۰.....	پایان شب سیه
۱۹۰.....	آسایش و رفاه عمومی در دوران ظهور
۱۹۱.....	اوضاع نابسامان قبل از ظهور
۱۹۲.....	وظیفه مؤمنان و منتظران در دوران غیبت
۱۹۳.....	خطبه ۱۵۰
۱۹۳.....	دورنمای خطبه
۱۹۳.....	ره گم کردگان و کوردلان
۱۹۴.....	استعجال و استبطاء؛ دو آسیب باور مهدویت (شتابزدگی و دورانگاری ظهور)
۱۹۶.....	منتظران راستین
۱۹۷.....	خطبه ۱۸۲

دورنمای خطبه.....	۱۹۷
حکمت؛ ابزار قیام امام مهدی علیه السلام	۱۹۷
بقیة الله.....	۱۹۸
درد بی کسی.....	۱۹۹
حکمت ۱۴۷.....	۲۰۰
دورنمای حکمت.....	۲۰۰
امام مستور.....	۲۰۰
برکات وجودی امام غائب.....	۲۰۱
صفات برگزیدگان الهی.....	۲۰۲
حکمت ۲۰۹.....	۲۰۲
دورنمای حکمت.....	۲۰۲
دوران تحقق آرزوها.....	۲۰۲
یاران خورشید.....	۲۰۳
حکمت ۲۶۰/۱.....	۲۰۳
دورنمای حکمت.....	۲۰۳
هنگامه‌ی قیام.....	۲۰۴
پرسش‌ها.....	۲۰۵
منابع مطالعاتی.....	۲۰۵
فهرست منابع.....	۲۰۶

مقدمه

انسان امروز به شدت تشنه و نیازمند جامعه‌ای اخلاق مدار و عدالت محور است؛ جامعه‌ای آرمانی و مطلوب که در آن انسان‌ها دارای صفات نیکو هستند و نسبت به هم احساس مسئولیت دارند. جامعه‌ای که اگر چه نتواند عدالت را به خوبی و کامل اجرا کند، اما خواستار عدالت و حامی آن باشد. بستر رسیدن به چنین جامعه‌ای در درجه اول، آگاهی و معرفت به نیازها و ضرورت‌ها و در درجه بعد، قدم گذاشتن در مسیر برای تأمین آن نیازها و رفع آن ضرورت‌هاست.

و به درستی که آموزه‌ی مهدویت، آینده‌ای تمام نما برای آینده‌ای حتمی، روشن، فراگیر و مطلوب در جهان است که تاریخ زندگی بشر را هدفمند و دارای غایت می‌بیند که رسیدن به آن نیازمند تحول است.

تغییر و تحول روحی، خودسازی و تهذیب، نقش مهمی در ایجاد بستر انقلاب بزرگ جهانی و رسیدن به آینده روشن دارد. امام صادق علیه السلام فرمودند: هرکس دوست می‌دارد از یاران حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد، باید که منتظر باشد و در این حال به پرهیزکاری و اخلاق نیکو رفتار کنند.

خوشا به حال کسی که چنین دغدغه‌ای دارد و آرزوی او این است که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را در زندگی خود حس کند و پیوسته خود را در محضر او بداند و یاور و منتظر او در عصر غیبت باشد. انسان منتظر در این نگاه و با این دغدغه است که معنای واقعی زندگی را خواهد چشید و هویت حقیقی خود را خواهد یافت، اما برای رسیدن به این نقطه‌ی نورانی باید کارهایی را انجام داد، از جمله:

۱. حضور بر مائده‌ی مبارک معارف اهل بیت علیهم السلام و بهره‌مندی از اشراق معرفتی انوار تابناک ولایت ایشان، چراغ راه جامعه‌ی ما برای کسب معارف مهدوی، شناخت پیشوای آسمانی و هم‌پیمانی با او برای رسیدن به جامعه‌ای انسانی و به دور از آلودگی‌های شیطانی و نفسانی است.

۲. شناخت عوامل، فرصت‌ها و همچنین آسیب‌ها و موانع آخرالزمانی.

۳. شناخت عوامل زمینه ساز و حرکت در مسیر آن برای رسیدن به مطلوب واقعی که ظهور حضرت می باشد و بی شک شناخت و همراهی با انقلاب اسلامی و جریان های مقاومت و استکبار ستیز در دنیا یکی از راهبردهای جدی زمینه سازی است.

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف در راستای نیل به این مهم و زمینه سازی جهت آشنایی اقشار گوناگون با ابعاد مختلف این آموزه، کتاب «مسیر یاری» را با هدف طرح جنبه های فردی و اجتماعی انتظار در فصول چندگانه و موضوعات جدید و با رویکرد مهدی شناسی، مهدی یآوری، آسیب شناسی، غرب و مهدویت و ...، با گزینش متون کاربردی و تخصصی موجود در این حوزه، جهت استفاده فراگیران دوره های آموزشی معارف مهدویت تدوین و تهیه نموده است.

امید است انتشار این اثر مورد توجه و رضایت تلاش گر پنهان و میر مهر و مهربانی، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار گیرد و مورد استفاده ی همه ی ارادتمندان و شیفتگان معارف دینی واقع شود.

در پایان سزاوار است یاد همه تلاشگران عرصه ی مهدویت را گرامی داشته و حفظ و نشر معارف ناب مهدوی را ثمره ای از تلاش های ایشان بدانیم. همچنین از زحمات حجت الاسلام تقی حاتمی و سرکار خانم رجبی شیزری که در تنظیم و تدوین این اثر ما را یاری نمودند، تشکر و قدردانی می کنیم.

معاونت فرهنگ، آموزش و پژوهش

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف

فصل اول:

منجی در ادیان^۱

مقدمه

رها شدن از شرایط نامطلوب موجود و امید به آینده، از دیر زمان ذهن و ضمیر بسیاری از انسان‌ها را به خود مشغول کرده و برای پیروان ادیان، اندیشه نجات و منجی، بعد از اندیشه توحید، بالاترین کاربرد را به خود اختصاص داده است و از مسلمات و موضوعات محوری در ادیان به‌ویژه ادیان ابراهیمی شمرده می‌شود. به عبارتی دیگر، اندیشه نجات و منجی موعود یا همان موعودباوری همواره به عنوان موضوعی مشترک، بین ادیان و مذاهب مطرح بوده و در واقع بسیاری از ملت‌ها و مذاهب جهان، موعود باورند و معتقدند که در آخرالزمان فردی از جانب خداوند از نسل پاکان برای اجرایی شدن فرمان الهی و پیروزی جریان حق، ظهور و بروز خواهد کرد و پایانی برای ظلم و زشتی‌ها و سرآغاز عدالت و زیبایی‌ها، آن هم در همه عرصه‌های زندگی بشر؛ خواهد بود.

مسلمانان، مسیحیان، یهودیان، زرتشتیان، برهمنیان، هندوها، ژرمن‌ها، اسلاوها، همه و همه در انتظار فرا رسیدن روز موعودی هستند که هادی امم، منجی ملل، رهایی بخش توده‌ها و موعود امت‌ها ظهور کند تا کاخ‌های ستم و استبداد را از میان بردارد. آن‌گاه جهانی آباد و آزاد، براساس عدالت و آزادی بر ویرانه‌های شرق و غرب جهان امروز بنیاد می‌شود و حکومت واحد جهانی را بر اساس معیارهای والای انسانی استوار می‌سازد.

هدف از این درس اثبات فراگیری اندیشه نجات و موعود باوری در ادیان و تبدیل آن به موضوعی برای گفت‌وگو و همگرایی بین ادیان است. به عبارت دیگر در پی اثبات این هستیم که باورداشت موعود و منجی، عقیده‌ای مشترک در میان ادیان و مذاهب بوده و شیعه یکه‌تاز جریان موعودباوری

نیست؛ بلکه طلایه دار و جلودار امر نجات و موعودباوری می باشد.^۱

ادیان ابراهیمی

حضرت ابراهیم علیه السلام در سه دین یهودیت، مسیحیت و اسلام دارای عظمت خاصی است، به حدی که هر یک از این ادیان، همواره ایشان را به خود منسوب داشته و خود را در زمره ی ملت ابراهیم علیه السلام قلمداد می کنند. در عهد قدیم نسب ابراهیم علیه السلام و زندگی ایشان به تفصیل آمده و ایشان، فردی موحد و مورد عنایت خداوند معرفی شده است و موسی علیه السلام و بنی اسرائیل از نسل ایشان می باشند. در عهد جدید در ذکر شجره نامه ی عیسی علیه السلام، ابراهیم علیه السلام جد اعلای ایشان می باشد، عیسی علیه السلام با بیست و هشت واسطه به ابراهیم علیه السلام می رسد. در قرآن نیز، ابراهیم علیه السلام، پیامبری بت شکن، اولوالعزم، سازنده ی کعبه، حنیف و مسلم معرفی شده و در منابع اسلامی، ایشان جد اعلای پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می باشد. در این سه دین، ابراهیم پیامبر علیه السلام، نیای پیامبران و شیخ الانبیاء معرفی شده است و به خاطر انتسابشان به ابراهیم علیه السلام، ادیان ابراهیمی لقب گرفته اند.^۲

آشنایی با آیین یهودیت و سیر موعودباوری

آیین یهودیت به رسالت حضرت موسی علیه السلام اعتقاد داشته و کتاب مقدسشان تورات می باشد که در واقع یک سند کامل و متن متقن تاریخی برای آن قوم به شمار می رود.^۳ ابراهیم علیه السلام دو پسر به نام های اسماعیل و اسحاق دارد. به اعتقاد یهودیان و مسیحیان آنکه به قربانگاه برده شد اسحاق بود. اسحاق نیز دو پسر دارد یکی عیسو و دیگری یعقوب. یعقوب به اسرائیل معروف گشت که دوازده پسر دارد.^۴

اولاد یعقوب به بنی اسرائیل معروف گشته که در حکومت برادر خود، یوسف به راحتی زندگی کردند، اما بعد از یوسف، بنی اسرائیل در حکومت های مختلف مورد ظلم و ستم مصریان واقع شده و

۱. بدیهی است که اندیشه مهدویت در شیعه از امتیازاتی همچون: مبانی مستحکم، شفافیت در اعتقاد، حاضر و ناظر بودن امام و ... برخوردار است و در بسیاری از موارد حتی قابل مقایسه هم نیست، اما در اینجا در صدد همگرایی با ادیان دیگر بوده و در راستای اثبات شباهت ها هستیم.

۲. اشرفی، عباس، عبادت در ادیان ابراهیمی، ص ۱۳.

۳. طاهری، محمد حسین، یهودیت، ص ۱۷.

۴. کلاپرمن، ژیلبرت و لیبی، تاریخ قوم یهود، مسعود همتی، ص ۸.

در نهایت در حکومت فرعون در بالاترین حد سختی و ذلت قرار گرفتند. (خروج ۱: ۱۱-۱۴) آن‌ها با این گذشته تیره و تار در انتظار آینده‌ای بهتر بودند که پایان رنج‌های خود را در آن بجویند، به همین علت هنگامی که حضرت موسی علیه السلام به عنوان یک منجی، میان ایشان برخاست؛ آنان در پذیرش او درنگ نکردند،^۱ حضرت موسی علیه السلام قوم خود را از چنگال فرعون نجات داد و با گذراندن آنان از رود، اولین طعم خوش آزادی و نجات را به قوم خود چشانید.

با رحلت حضرت موسی علیه السلام در صحرای سینا، دوره‌ی آباء قوم یهود و انبیاء اصلی دین به پایان رسید و دوره داوران شروع شد. اولین از آن‌ها یوشع بن نون (وصی حضرت موسی علیه السلام) بود، او بنی اسرائیل را به سرزمین کنعان رساند و سرزمین را در بین آنان تقسیم نمود. اما قوم اسرائیل با هجمه قرار گرفتن توسط حکومت‌های اطراف خود و مشاهده کامیابی آنان، خدمت سموئیل (آخرین از داوران) آمدند و ضمن اعتراض به اینکه چرا خدای تو کاری برای ما نمی‌کند؟ پادشاهی «شائول» را پیشنهاد دادند تا از آنان در مقابل هجمه حکومت‌های اطراف، دفاع کند. هرچند این انتخاب آنان موجب نارضایتی یهوه^۲ گشت، اما در نهایت با پادرمیانی سموئیل و محبت یهوه به قومش، یهوه پادشاهی شائول را پذیرفت و دستور داد تا سموئیل با روغن مقدس سر او را مسح کند و با این کار او یک پادشاه الهی و تأیید شده از جانب یهوه گشت و رسماً او را «ماشیح» نامیدند.

شائول فقط جنگجوی خوبی بود و کارهای او مورد رضایت یهوه نبود، چون احکام و دستورات الهی را اجرا نمی‌کرد؛ تا اینکه جوانی به نام داوود در لشکر شائول با شکست جالوت، صاحب نام و نشانی گشت و در نهایت داماد شائول شد. او که هم جنگجوی خوبی بود و هم ایمانی کامل داشت از طرف یهوه و به دست سموئیل با روغن مقدس مسح گردید و «ماشیح» نام گرفت.

پادشاهی داوود برگ زرینی در تاریخ قوم یهود به شمار می‌رود، او را هم یهودیان می‌خواستند و هم یهوه می‌پسندید، گویا با پادشاهی داوود هم یهوه و هم قوم یهود به اهداف خود دست یافته بودند و به شکوه باور نکردنی خود نزدیک می‌شدند؛ به عبارت دیگر، تنها با انتخاب داوود به پادشاهی بود که آرزوی قوم برای قیام یک منجی، کاملاً برآورده شد و عصر او را می‌توان دوران شکوفا شدن آرمان

۱. گرینستون. جولیموس. انتظار مسیحا در آیین یهود. حسین توفیقی. ص ۱۸.

۲. (اسم خدای یهودیان).

مسیحایی دانست،^۱ اما از آنجا که در دوران چهل ساله ی پادشاهی داوود، باز آن اهداف قوم به تمامه محقق نگردید، همه امیدها به موعودی بعد از او گره خورد، اما این بار موعود را باید از اخلاف پادشاه داوودی جستجو نمود.^۲ چون یهوه به قومش این وعده را داد که از نسل داوود، ماشیح اصلی را به آنان دهد تا همه شکوه و اهداف یهوه را اجرایی کند.

«درخت خاندان داوود بریده شده است؛ اما یک روز تنه ی آن جوانه خواهد زد! بلی، از ریشه آن «شاخه ای» تازه خواهد رویید. روح خداوند بر آن «شاخه» قرار خواهد گرفت.» (اشعیا ۱۱: ۱)
بعد از پادشاهی داوود و سلیمان رفته رفته پادشاهان، ضعیف و فاسد گشتند و آرمان مسیحایی به حاشیه رانده شد و بنی اسرائیل به امید ظهور مردی از نسل داوود به انتظار نشستند، مخصوصا در لحظات سختی و مصائب و هجوم دشمنان، این انتظار در اوج خود قرار می گرفت.

خواستگاه موعود باوری در آیین یهود

هر چند موعود باوری در جای جای سیر تاریخی یهود به چشم می خورد، اما بررسی این اعتقاد در میان آیین یهود خالی از ظرافت و سختی نیست، چون به سادگی از ظواهر متون مقدس قابل فهم نیست و باید به لایه های زیرین و تفاسیر دینی یهودیت مراجعه نمود. در واقع این باور در آیین یهود در مقایسه با آیین مسیحیت و تشیع از جایگاه کمتری برخوردار است. اگر بخواهیم مثلی از باورهای کلیدی یهودیت را تصویر کنیم، مفاهیم «یهوه»، «قوم برگزیده» و «سرزمین موعود»، سه مفهوم محوری در تاریخ قوم یهود را تشکیل می دهند، ولی مفهوم مسیحا ضلعی را به خود اختصاص نمی دهد. برای روشن شدن خواستگاه موعود باوری در آیین یهود، شایسته است که این سه واژه را توضیح مختصری دهیم.

یهوه

یهوه نام خدای یهودیان است که همواره نظر لطف و ویژه بر قوم خود داشته و حتی خود متکفل آنان است و همواره خود رهنمون و منجی آنان برای نیل به سرزمین موعود است و در این بین انبیایی چون موسی عليه السلام فقط نقش واسطه گری داشته اند. یهوه است که بنی اسرائیل را از دست

۱. همان، ص ۱۹.

۲. کاترین. ژیلبرت و لیبی. تاریخ قوم یهود، مسعود همتی، ج ۲، ص ۱۵۴.

فرعون نجات داده و اوست که با دشمنان آن‌ها می‌جنگد و باز او، آن‌ها را پیروزمندانه در سرزمین آباء جای می‌دهد و به معنای دقیق کلمه منجی، تنها یهوه است.

قوم برگزیده

آیین یهود به شدت قوم‌محور است و زیربنای بسیاری از مبانی این آیین، مسئله‌ی برگزیدگی ذاتی یهودیان است.

آنان معتقدند که یهودیان توسط یهوه برگزیده شده تا همچون فرزندان؛ بلکه فرزند ارشد او باشند و مدعی هستند که این برگزیدگی ریشه در کتاب مقدس دارد و مطابق عهدی است که یهوه با ابراهیم بسته و بعدها با دیگران (اسحاق، یعقوب، موسی) تجدید نمود. (تثیه ۷: ۸) مفاد اصلی این پیمان، کثرت نسل (خروج ۳۲: ۱۳) و اعطای سرزمین حاصل‌خیز (اعداد ۲۷: ۱۳) است و همواره قوم اسرائیل، خود را، محور توجه یهوه دانسته و خود را برترین قوم و ملت می‌دانند. این برگزیدگی بود که بستری برای این نظریه گشت که: نسبت قوم اسرائیل به اقوام دیگر نسبت قلب به سایر اندام‌های بدن می‌باشد.^۱ و حتی وعده‌ی به آمدن مسیحای داوودی هم فرع بر توجه یهوه به قوم بنی اسرائیل است؛ یعنی توجه و محبت یهوه به قوم یهود (فرزندانش) موجب می‌شود که یک منجی از بیت داوود برایشان بفرستد.

سرزمین موعود

اعطای سرزمین از جانب یهوه فرع بر برگزیدگی آنان است؛ به عبارت دیگر، چون برگزیده بودند می‌بایست در سرزمینی که یهوه برای قوم خود در نظر دارد، (کنعان یا اورشلیم) سکنی گزینند. هرچند این مکان دارای سابقه‌ی دین‌داری نبوده و ویژگی معنوی خاصی ندارد، اما چون از طرف یهوه به آن‌ها اعطا گردیده، چهره‌ای مقدس به خود می‌گیرد و سکونت در آنجا به منزله‌ی همسایگی با یهوه است؛ چون یهوه هم در آنجا سکنی دارد و دوری از این سرزمین به معنای دوری از یهوه فهم می‌شود. (اول سموئیل ۲۶: ۱۹) در کتاب‌هایی که در زمان اسارت بابلی نگاشته شده است، نهایت آرزو و انتظار بنی اسرائیل بازگشت به اورشلیم، تجدید بنای معبد، ظهور پادشاهی از نسل

۱. کریستون جولیس، انتظار مسیحا در آیین یهود، توفیقی، ص ۹۱.

داوود و تحقق وعده‌ی خداوند در سرزمین موعود است.^۱

در نتیجه، در قاموس فکری یهودیان، اعتقاد به یهوه و قوم برگزیده و سرزمین موعود، بیشتر از چیزهای دیگر قابل مشاهده است و منجی، محقق کننده این سه باور بر روی زمین است؛ یعنی منجی موعود از طرف یهوه می‌آید تا برگزیدگی این قوم را با رساندن به سرزمین موعود، تحقق بخشد؛ یعنی برای بنی اسرائیل نجات به معنای حفظ و یا بازگشت به سرزمین موعود است و آنچه محوریت دارد سرزمین موعود است نه منجی موعود و در واقع منجی، بانی ایصال قوم یهوه به سرزمین مقدس و وعده داده شده از طرف یهوه است و کارکرد او این است که قوم یهوه را بر این سرزمین رهنمون باشد. پس ایمان به مسیحا، در واقع ایمان به تجدید حکومت و احیای پادشاهی در سرزمین موعود است.

ماشیح

کلمه منجی به عبری «ماشیح»^۲ و به آرامی مسیحا^۳ و معادل یونانی آن کریست^۴ است. هم از لفظ و هم معنا وابسته به لفظ و معنای پادشاهی است؛ یعنی در تاریخ اسرائیل ابتدا پادشاه ظهور می‌کند و سپس عنوان مسیحا ظاهر می‌شود، چرا که به پادشاه تدهین یافته (مسح شده) مسیحا گفته می‌شد.^۵

واژه‌ی ماشیح ابتدا کارکرد موعودی یا منجی‌گرایی نداشت و صرفاً یک لقب برای پادشاهان بنی اسرائیل بود، ولی به تدریج این واژه از اختصاص شاهان بنی اسرائیل بیرون آمده و در نهایت به یک واژه‌ی آرمانی و نجات‌بخش برای بنی اسرائیل تبدیل شده است. و در طول تاریخ هر آن کس که رسالت ایصال قوم یهود به سرزمین موعودشان را بردوش می‌گرفت، عنوان مسیحا و پادشاه بر او صدق می‌کرد، هر چند او فردی مثل یفتاح جلعادی (داوران ۱۱:۱۱) پاک سرشت نباشد و یا اینکه مثل کورش (اشعیا ۴۵:۱) حتی از آیین غیر یهود باشد.

۱. رسول‌زاده، عباس، آخرالزمان و حیات اخروی در یهودیت و مسیحیت، معرفت ادیان، شماره ۲، ص ۶۹.

۲. Mashiah

۳. Meshiha

۴. Christ

۵. آژیر، اسدالله، منجی باوری در آیین زردشت و ادیان ابراهیمی، ص ۱۲۶.

قابل ذکر است که ماشیح در یهودیت از طرفی، بر خلاف اندیشه مسیحی و تشیع، یک شخص خاص نیست؛ بلکه یک تیپ است و به اصطلاح، منجی باوری در یهودیت مثل اهل سنت، نامتعیین و نوعی است؛ یعنی در آینده فردی از نسل داوود با یک مشخصات خاص می‌آید و معلوم نیست که در کدام مصداق تحقق خواهد یافت و از طرف دیگر رسالت ماشیح عمدتاً اجتماعی و قومی است و اگر احیاناً سخنی از برپایی پادشاهی یهوه و برقراری صلح و عدالت در زمین می‌رود، آن را هم در سایه‌ی سروری قوم یهود می‌خواهد تا حکومت داوود و شکوه و صلابت آن زمان را دوباره برای قوم یهود بازسازی کند.

ویژگی‌های ماشیح

۱. **خاکی بودن بشر؛** ماشیح انسانی معمولی است؛ به عبارت دیگر، ماشیح از نظر فیزیکی و جسمانی، انسانی خاکی و از اولاد بشر است که به صورت عادی متولد شده است.^۱ ماشیح در متون یهود هیچ گاه چهره غیر انسانی به خود نگرفته است، زیرا برخی ادیان، مثل مسیحیت موعودشان را غیر انسانی یا تجلی یافته خداوند می‌دانند، ولی یهود این گونه نیست. همه‌ی دانشمندان یهود درباره‌ی این که ماشیح انسان است، اتفاق نظر دارند. تلمود نیز در هیچ جا به این اعتقاد که ماشیح ممکن است یک ناجی و موجود فوق انسانی باشد اشاره‌ای ندارد.^۲

۲. **ماشیح از نسل داوود است؛** او نهالی است که از تنه‌ی درخت نسل داوود بیرون آمده است.

(اشعیا ۱۱: ۱)

۳. **قدرت او کیهانی است؛** یعنی قدرتش فراکیهانی نیست و نمی‌خواهد با اعمال خارق‌العاده کاری انجام دهد؛ بلکه بناست به طور طبیعی رفتار کند و از امور ماورایی بهره نگیرد و با این حال، شخص مقدسی است.

۴. **زاده‌ی بیت لحم است؛** یعنی از میان خودشان و در مرکز یهودیت قرار دارد و یهودی‌زاده است.

۱. شوحط، ایمانوئل. ماشیح موعود یهود. آرش آبائی، فصل نامه موعود، شماره ۲۰ و نشریه بینا. سال اول، شماره ۴، مرداد و شهریور ۱۳۷۸.

۲. کهن ابراهام، انسان، خدا، جهان ماشیح در آموزه یهود. امیر فریدون گرگانی، ص ۲۵۹.

۵. اشراف زاده است؛ یعنی از خاندان پادشاهان بوده و در یک خانواده‌ی پادشاهی به دنیا آمده است.

۶. شهرنشین است؛ یعنی با ادبیات شهرنشینی آشناست.

کارکردهای ماشیح در یهود

۱. تشکیل حکومت و استقلال سیاسی

برجسته‌ترین کارکرد ماشیح در نظر یهودیان تشکیل حکومت و ایجاد استقلال سیاسی است، زیرا یهود همیشه در اندیشه‌ی استقلال سیاسی بوده و این موضوع از آرزوهای دیرینه‌ی آن‌ها بوده است. این مطلب در تلمود نیز تصریح شده است.^۱

۲. داوری نهایی بین همه‌ی اقوام و سهل‌گیری بر بنی اسرائیل

از نظر یهودیان، ماشیح در میان اقوام مختلف داوری نهایی را انجام خواهد داد. البته بین یهودیان داوری خواهد کرد، ولی این داوری را بر قوم یهود سهل می‌گیرد. دایره‌ی ظهور و فرمانروایی او شامل همه‌ی امم و اقوام انسانی خواهد بود؛ به طوری که تمام صاحبان ارواح از خیر و شر در محضر عدل الهی به محاکمه دعوت خواهند شد.^۲

۳. نابودی امت‌های مشرک

ماشیح، خوبان و رستگاران را از گناهکاران جدا می‌سازد. اشرار را در آتش دوزخ فرو می‌افکند و صالحان و ابرار به بهشت جاودان در جوار برکات خداوندگار قرار خواهند گرفت.^۳

۴. اعطای قدرت جهانی به بنی اسرائیل

این فکر زاییده سالیان دراز دربدری، بدبختی و اسارت است. اینان که ابتدا چنین نمی‌اندیشیدند، حال به فکر قدرت جهانی و اندیشه‌ی جهانی ماشیح رسیده‌اند.

۱. ابراهام کهن، گنجینه‌ای از تلمود، امیر حسین صدیقی پور، ص ۳۵۱.

۲. ناس، جان بایر. تاریخ جامع ادیان، علی اصغر حکمت، ص ۵۵۱.

۳. همان.

۵. زنده کردن مردگان

مردگان و اموات از گور برخاسته با زندگان و گروه متقیان و ابرار گرداگرد مسیحا صف واحدی تشکیل می‌دهند.^۱

عقیده به ماشیح در میان یهودیان معاصر

در اصول سیزده گانه ایمان یهود، بعد از توحید، نبوت حضرت موسی، کتاب تورات، رستاخیز و پاداش و مجازات نهایی عالم و... در بند دوازدهم جمله‌ای مختص ماشیح آمده، به این مضمون که «من با ایمان کامل اعتقاد دارم به آمدن و ظهور ماشیح و هر چند که او تأخیر کند، با این حال، هر روز منتظر ظهور او خواهم بود». این جمله، جایگاه تفکر منجی در آیین یهود را نشان می‌دهد که جزء اصول ایمانی است.

امروزه یهودیان معتقدند: هر فرد یهودی که به «ماشیح» معتقد نباشد یا چشم به راه آمدن او نباشد، منکر سخنان حضرت موسی علیه السلام و دیگر پیامبران بنی اسرائیل است.^۲ اشمیدت در این باره می‌نویسد: «بنا بر معارف یهود، ناجی و رهاننده‌ای ظهور خواهد کرد که «ماشیح صید قنو»^۳ و «ماشیح بن دیوید» نام دارد. او قوم یهود را از بردگی و آشفتگی خواهد رهانید. ایمان به ظهور «ماشیح» یکی از اصول دین یهود است.^۴ علاوه بر این، در نمازهای سه گانه یهودیان که هر روز در سه نوبت صبح، عصر و شب ادا می‌شود و دارای بیش از ۱۸ بند هست، یکی از این دعاها نیز مختص درخواست تسریع ظهور ماشیح است و یک فرد یهودی، هم در اصول ایمان و هم در نمازهای خود، مرتباً با این قضیه اعتقادی درگیر است».^۵

نهی از محاسبه زمان آمدن مسیحا

پیشگویی زمان ظهور مسیحا مدت‌ها در بین یهودیان رایج بود و افراد بسیاری بر اساس متون

۱. همان.

۲. انجمن کلیمیان تهران، نشریه بینا، سال اول، مرداد - شهریور ۱۳۷۸، ش ۴.

۳. ماشیح صید قنو، یعنی رهایی بخش حقیقی، در برابر مدعیان دروغین، ماشیح بن دیوید، یعنی رهایی بخش از تبار حضرت داوود.

۴. شلمو اشمیدت، واژه های فرهنگ یهود، ص ۳۶.

۵. سخنان مهندس آرایبی نماینده‌ی انجمن کلیمیان ایران، نک: همایش موعود در ادیان، نقل از افق حوزه، شماره ۲۳، سال سوم،

ص ۸، آذر ۱۳۸۳ ش.

تلمود و عرفانی یهود به پیشگویی زمان آمدن ماشیح می پرداختند. با نادرست درآمدن همه ی این پیشگویی ها، اصل مسئله مسیحایی هجده شک و تردید قرار گرفت. از این رو علمای یهود مردم را از چنین محاسباتی نهی کرده و آمدن مسیحا را به کارهای نیک مردم مشروط کردند.

در تلمود پس از بیان مواردی از پیشگویی های مربوط به زمان ظهور، تعیین زمان ظهور نفی گردیده و آمده است: لعنت بر کسانی باد که تاریخ پایان ذلت اسرائیل و ظهور ماشیح را محاسبه می نمایند... لکن همواره منتظر ظهور او باش. (سهدرین ۹۷ ب)

در مجموع باید گفت تعیین زمان ظهور معمولاً همراه با مدعیان دروغین مسیحایی بود که ضربه ی بزرگی به این اندیشه در یهودیت وارد کرد. علمای یهود با ممنوع اعلام کردن تعیین زمان ظهور، تا اندازه ای از اثرات مخرب آن کاستند.^۱

آشنایی با آیین مسیحیت

مسیحیت در امتداد دین یهودیت قرار دارد و نمی توان در مطالعه آن از سنت و باورهای یهودیت چشم پوشید، این دین در بستری کاملاً یهودی متولد شد و با گذر زمان، هویت تازه یافت و به اصطلاح تنها دینی است که از دل دینی دیگر (آیین یهودیت) بیرون آمده و در واقع باید مسیحیت را از شعبه های یهودیت برشمرد.

مسیحیت دینی است که بر مبنای زندگی و تعالیم، مرگ و رستاخیز عیسی علیه السلام شکل گرفته است. عیسی علیه السلام در حدود دو هزار سال پیش به عنوان یک یهودی در فلسطین تحت اشغال روم به دنیا آمد.^۲ او در شهر ناصره، در ناحیه جلیل، زندگی می کرد و تا سی سالگی در آنجا به کار شبانی و تجاری می پرداخته است، اما در سی سالگی به دست یحیی تعمید یافت و در دوره ای چهل روزه سربه بیابان نهاد تا درباره ی وظیفه ای که بر عهده گرفته، اندیشه کند و بعد به جلیل آمد و موعظه های خود را شروع نمود، تکیه کلام معروف او این بود که: وقت تمام شد و ملکوت خدا نزدیک است، پس توبه کنید و به بشارت انجیل ایمان بیاورید.

او با زبانی ساده و خالی از اصطلاحات با مردم سخن می گفت و برای فهم مردم غالباً در قالب مثال

۱. طاهری، محمد حسین، یهودیت، ص ۲۳۴.

۲. فیشر، ماری پت، دایره المعارف ادیان زنده جهان، ص ۴۲۳.

و شواهد سخن می‌گفت^۱ و به علت عواطف و کمالات روحی بلند خویش، گروه‌هایی از طبقات پایین جامعه را به سوی خود جذب کرد و ژرف‌ترین اثر را بر روی آنان گذاشت^۲ و در نهایت هرچند مردم اورشلیم او را گرامی داشتند و بعضی از آنان حتی به عنوان مسیحا به او علاقه‌مند شدند، اما هنگامی که بزرگان یهود دیدند تعالیم عیسی علیه السلام منافع آنان را تهدید می‌کند، برای کشتن او توطئه کردند^۳ و بعد از دستگیری به دست مأموران رومی مقیم اورشلیم در سال ۳۰ یا ۳۳ میلادی، او را به صلیب کشیدند.^۴

محوریت مسیح در آیین مسیحیت

بنیانگذار مسیحیت شخصیتی است که گروه بزرگی او را خدا، گروه بزرگ دیگری وی را یکی از پیامبران اولوالعزم،^۵ جمعی او را تنها یک معلم برجسته اخلاق و جمعی دیگر وی را یک مدعی مسیحایی^۶ می‌دانند.^۷

از نگاه مسیحیت، ایمان به مسیح همه چیز است^۸ و دین مسیحیت بر شالوده ایمان به او بنیان نهاده شده است^۹ چون در هسته‌ی مرکزی مسیحیت یک آموزه نیست؛ بلکه یک شخصیت تاریخی و نجات‌بخش قرار دارد^{۱۰} و در واقع مسیحیت درباره‌ی ایمان به یک شخص (عیسی مسیح علیه السلام) است نه یاور به یک متن (کتاب مقدس)^{۱۱} و تنها به خاطر اوست که بافت تاریخی کلیسا را چون

۱. ناس، جان بایر، تاریخ جامع ادیان، علی اصغر حکمت، ص ۵۷۵.

۲. گرینستون، جولیس، انتظار مسیحا در آیین یهود، حسین توفیقی، ص ۵۱.

۳. میشل، توماس، کلام مسیحی، حسین توفیقی، ص ۶۸.

۴. ویور، مری جو، درآمدی بر مسیحیت، حسن قنبری، ص ۷۰.

۵. اسلام و قرآن، مسیح را از پیامبران اولوالعزم دانسته و دامن او را از دستور به پرستش خود و شرک به خدا پاک می‌داند. اما متأسفانه در مسیحیت، اعتقاد به تثلیث وجود دارد و مسیح را از اقالیم ثلاثه دانسته و برای او وجودی مستقل و هم‌ردیف خدا قائل هستند.

۶. یهودیان او را نه مسیح‌های موعود، بلکه یکی از مدعیان بی‌شمار مسیحایی در تاریخ یهود می‌دانند و در واقع بزرگترین مدعی است که خیلی از یهودیان را منحرف نمود و از آیین یهودیت خارج کرد.

۷. باغبانی و رسول زاده، شناخت مسیحیت، ص ۳۵.

۸. کونگ، هانس، متفکران بزرگ مسیحی، گروه مترجمان، ص ۳۳.

۹. ناس، جان بایر، تاریخ جامع ادیان، علی اصغر حکمت، ص ۶۰۸.

۱۰. کونگ، هانس، متفکران بزرگ مسیحی، گروه مترجمان، ص ۲۲۴.

۱۱. مک گراس، آلستر، درسنامه الاهیات مسیحی، بهروز حدادی، ص ۲۷۶.

رشته‌ای زرین به هم پیوسته است.^۱

به اعتقاد مسیحیت خداوند دو پیمان با بشر بسته که یکی عهد قدیم (کتب آسمانی و تورات) نام دارد که به وسیله‌ی انبیای قبل از مسیح و به وسیله وحی و ابلاغ، صورت گرفته است و دیگری عهد جدید که به وسیله حضرت مسیح علیه السلام منعقد گردید.

اهمیت منجی باوری در آیین مسیحیت

موعودباوری در مسیحیت از رسوخ و فراگیری زیادی برخوردار است؛ به گونه‌ای که این دین را در زمره‌ی موعودباورترین ادیان جای می‌دهد^۲ و اعتقاد به موعود زیربنای اعمالی چون تعمید و عشای ربانی است و حتی وجود کلیسا هم بسته به اعتقاد به موعود است و با حذف باورداشت به موعود از مسیحیت، فلسفه‌ی بسیاری از عقاید مسیحی از دست رفته و بی‌معنی می‌شود و در واقع اعتقاد به موعود است که به این اعمال معنی و مفهوم می‌بخشد.

سیر موعودباوری در آیین مسیحیت

یهودیان به علت ظلم و آزار رومیان منتظر آمدن مسیحایی برای خلاصی خود بودند که در این زمان عیسی علیه السلام متولد شد. آنان داستان‌های کتاب مقدس در خصوص ابراهیم، اسحاق و یعقوب را کاملاً می‌دانستند و به آن‌ها ایمان داشتند.^۳ آنان مطلع بودند که پیامبران بنی اسرائیل با تأکیدات بسیار این تشنگی را در ملت یهود پدید آورده‌اند که فرزندی از نسل داوود، دوران طلایی و شکوه سلطنت پدرش را دوباره برای یهودیان به ارمغان خواهد آورد، به همین دلیل، وقتی مسیح را یافتند از روستا زادگی‌اش چشم پوشیدند، و به او کسوت شهریاری داده و همان موعود و ماشیح خود خواندند و حتی او را پسر داوود خطاب کردند؛ هرچند که با روغن مقدس تدهین نگشته بود. وقتی پیروان عیسی علیه السلام او را ناباورانه بر صلیب دیدند،^۴ بی‌آن که خود را بتواند نجات دهد، سردرگم شدند؛ از خود پرسیدند که: او که نتوانست جان خود را نجات دهد، چگونه می‌توانست

۱. کونگ، هانس، ساحت‌های معنوی ادیان جهان، حسن قنبری، ص ۳۲۴.

۲. صادق‌نیا، مهراب، گونه‌شناسی اندیشه منجی موعود در مسیحیت، ص ۲۵۷.

۳. ویور، مری جو، درآمدی به مسیحیت، حسن قنبری، ص ۷۷.

۴. قرآن به صلیب رفتن مسیح را به صراحت رد کرده و مسیح را عروج کرده به سوی خدا می‌داند (رک سوره نساء، آیات ۱۵۷ و ۱۵۸).

شهریار نجات بخش یهود باشد؟ سه روز پس از سردرگمی و بهت پیروان عیسی، زنانی که برای زیارت قبر او رفته بودند، آن را خالی دیدند و فرشته‌ای به آنان گفت: ترسان مباشید، می‌دانم که عیسای مصلوب را می‌طلبید. در این جا نیست؛ زیرا چنان که گفته بود، برخاسته است. رستاخیز عیسی مفهوم موعودگرایی یهودیان را تبیینی تازه کرد و معنایی دوباره داد. بر اساس این تبیین، عیسی نمرده است؛ او برخاسته و پس از مدت کوتاهی از چشم‌ها غایب شده و جامعه‌ی مسیحی در انتظار بازگشت او نشست؛ و از این زمان به بعد، اندیشه‌ی مسیحا در جامعه‌ی جوان مسیحی از سنت یهودی فاصله گرفت.^۱ بر اساس باور سنتی مسیحیان، عیسی علیه السلام در آخرالزمان، دوباره به جهان بازمی‌گردد و از آسمان سوار بر ابر پایین خواهد آمد تا ملکوت و پادشاهی خداوند را که از آن سخن گفته بود، برقرار سازد.

مسیحا بودن عیسی (رستاخیز عیسی)

نقطه اصلی و کانون توجه مسیحیان اولیه و حوادثی که آنان را از دیگر یهودیان آن عصر جدا ساخت، قضیه‌ی زندگی، مرگ و رستاخیز عیسی علیه السلام بود.^۲ آن‌ها پذیرفتند که وی مسیح موعود است و به این جهت در بسیاری از اوقات؛ لقب مسیح را به گونه‌ای برای عیسی به کار می‌بردند که با اسم اصلی وی برابر می‌شد.^۳

عیسی دین جدیدی را تأسیس نکرد و یک یهودی پایبند بود^۴ و تعالیم ایشان گواهی است بر مستغرق شدن او در دین و فرهنگ قوم یهود^۵ و حتی مسیحیان اولیه خود را به عنوان یک فرقه جدید یهودی تصور می‌کردند^۶ و وجه تمایزشان فقط، اعتقاد به مسیحا بودن عیسی بود.^۷ یعنی بخشی از یهودیان آن زمان اعتقاد به ماشیح بودن عیسی پیدا نمودند و قائل شدند که عیسی،

۱. صادق‌نیا، مهرباب، درآمدی بر آموزه نجات بخش در مسیحیت، مشرق موعود، ش ۴، ص ۱۷۷.

۲. ویر، رابرت، ادیان در جهان امروز، عبد الرحیم گواهی، ص ۶۷۴.

۳. میشل، توماس، کلام مسیحی، حسین توفیقی، ص ۷۰.

۴. پاتن برگ، ولفهارت، درآمدی به الاهیات نظام مند، عبد الرحیم سلیمانی، ص ۱۱۲.

۵. وودهد، لیندا، درآمدی بر مسیحیت، محمد کاظم مهاجری، ص ۲۲.

۶. اسکینز، اسفن، پیش‌گویی‌های آخرالزمان، علی نظری نائینی، ص ۱۱۰.

۷. ویر، مری جو، درآمدی بر مسیحیت، حسن قنبری، ص ۱۰۱.

همان ماشیح وعده داده شده در تورات است. این عده در گذر زمان به نام «ناصریان»^۱ شناخته شدند و بعدها رسماً از دین یهودیت خارج شده و به عنوان دینی جدید (مسیحیت) ظهور و بروز یافتند.

حیات مسیحیت به عنوان یکی از ادیان زنده‌ی جهان، در گرو اعتقاد به آموزه‌ی بازگشت مسیح، در همه‌ی ابعاد آن است. از محورهای اساسی این آموزه، رجعت یا بازگشت شکوه‌مند مسیح در آخرالزمان است که اتفاقاً از باورهای غالب جامعه‌ی مسیحی به شمار می‌رود^۲ و رستاخیز عیسی علیه السلام بسان سنگ زیرین ایمان مسیحی است. و در واقع زیربنایی‌ترین باوری که در همیشگی تاریخ این دین، به رغم تحولات و دگرگونی‌های چشم‌گیر، وجود داشته است، اعتقاد به رستاخیز و آرمان بازگشت عیسی علیه السلام در آخرالزمان است.^۳

اندیشه رستاخیز عیسی (منجی) در میان مسیحیان

اندیشه بازگشت عیسی علیه السلام در زندگی مسیحیان نیز، همیشه از نشاط و سرزندگی ممتازی برخوردار بوده است، در جای جای زندگی مسیحیان و رفتار دینی و حتی فرهنگ اجتماعی‌شان رگه‌هایی از اعتقاد به بازگشت عیسی علیه السلام به چشم می‌آید. آن‌ها خود را منتظر مسیح دانسته و این انتظار باید همواره استمرار داشته باشد، چون بنا بر کلامی در انجیل، ظهور ناگهانی انجام می‌شود، «پس شما بیدار بمانید و آماده باشید چون نمی‌دانید در چه روز و ساعتی من باز می‌گردم (متی ۲۵: ۱۳) و چشم به راه باشید، من به زودی می‌آیم.» (یوحنا ۲۲: ۱۲) مسیحیان کریسمس را جشن میلاد خداوند و نجات‌دهنده‌ی خود می‌دانند، سال مسیحی در فضایی آکنده از امید و انتظار و دعا برای بازگشت عیسی علیه السلام آغاز می‌گردد.^۴

مسیح میانجی

مسیحیان با توجه به مرگ و به صلیب کشیده شدن مسیح، بر این باور هستند که او یک

۱. از آنجا که عیسی علیه السلام زاده‌ی ناصریه بود به پیروان او تا قرن ۸۰ میلادی ناصریان می‌گفتند.

۲. قاسمی قمی، جواد، مبانی آموزه بازگشت مسیح در کتاب مقدس، مشرق موعود، شماره ۹، ص ۱۳۵.

۳. صادق‌نیا، مهراب، گونه‌شناسی اندیشه منجی موعود در مسیحیت، ص ۲۳۵.

۴. همان، ص ۲۴۸.

وظیفه‌ای بر دوش داشت و انجام داد و رفت و در واقع زندگی مسیح از تولد تا صلیب رفتن او برای پاک کردن گناه نخستین آدم بوده است و نقش میانجی برای تطهیر گناه را بر عهده داشته است و با صلیب شدن او این کارکرد مسیح انجام گرفت.

رهایی از طریق مسیح موضوعی است که در سراسر عهد جدید، آیین عبادی مسیحیت و الهیات آن، طنین افکنده است و منظور اصلی از آن این است که خداوند به وسیله‌ی مرگ مسیح، بشر گناهکار را از عذاب رهایی بخشید،^۱ چون گناه و جرم مستوجب عقوبت است و بعد از آدم باید یک منجی بیاید تا بتواند این جرم سنگین را حمل کند و او باید بسیار شایسته باشد تا فدیة او بتواند گناه آدم را پاک کند^۲ و چه کسی بهتر از عیسی مسیح علیه السلام می‌توانست این نقش را ایفا کند؟ پس مرگ مسیح یا مسیح ابدأ یک حادثه‌ی زمینی نبود. او بره‌ای بود که برای انسان‌ها مرد و به خاک سپرده شد.^۳

مشخصات منجی مسیحیت

منجی موعود مسیحیان، (بر خلاف موعود یهودی) عیسی بن مریم علیه السلام است که موعودی شخصی، کاملاً متعین و دارای جنبه‌ی الهی است^۴ و در جهت لقب و نسب مانند موعود مسلمانان روشن و شناخته شده است^۵ و مسیحیان معتقدند که حتی کتاب مقدس برای ظهور مسیح زمینه‌سازی می‌کند.^۶ مسیحیان، عیسی علیه السلام را همان کسی می‌دانند که نجات می‌دهد (عبرانیان ۱۰:۲) و این نجات با زندگی، مرگ و رستاخیز عیسی علیه السلام پیوند دارد.^۷

عهد جدید با تأکید فراوان اعلام می‌کند که شخص عیسی (یوحنا ۱۴:۳) به صورت ناگهانی و بدون اطلاع قبلی (متی ۲۴:۳۲-۵۱) در جلال و هیبت پدر و به همراه فرشتگان (متی ۲۷:۱۶) با پیروزی و فتح

۱. مک گراث، آلیستر، مقدمه‌ای بر تفکر نهضت اصلاح دینی، بهروز حدادی، ص ۲۱۷.

۲. برانتل، جورج، آیین کاتولیک، حسن قنبری، ص ۷۶.

۳. رابرتسون، آرچیبالد، عیسی اسطوره یا تاریخ، حسین توفیقی، ص ۱۱۹.

۴. صادق‌نیا، مهرباب، گونه‌شناسی اندیشه منجی موعود در مسیحیت، ص ۲۳۲.

۵. شاکری، روح‌الله، مهدویت و آینده جهان، ص ۸۸.

۶. همان، منجی در ادیان، ص ۹۲.

۷. مک گراث، آلیستر، درسنامه الهیات مسیحی (بخش دوم)، محمد رضاییات، ج ۲، ص ۶۱۹.

(لوقا ۱۹: ۱۱-۲۷) به جهان بازخواهد گشت و با تشکیل يك حکومت و استوارسازی ملکوت الهی، بنی اسرائیل و همه مؤمنان به خود را، نجات خواهد داد.^۱

اهداف و ثمرات بازگشت مسیح

۱. پذیرش ایمان داران

یعنی عیسی مسیح ﷺ وقتی ظهور می کند، همانند گذشته، همه ی مؤمنان دور او جمع می شوند. انجیل یوحنا در این باره می گوید:

نزد پدر من (خدا) جا بسیار است. من می روم تا آن جا را برای شما آماده کنم. وقتی همه چیز آماده شد، باز خواهم گشت و شما را خواهم برد تا جایی که من هستم شما نیز باشید. (یوحنا ۱۴: ۳)

۲. بازگشت دوباره عیسی مسیح ﷺ برای داندی و دادن پاداش

در انجیل آمده است:

زیرا من با فرشتگان خود در شکوه جلال پدرم خواهم آمد و هر کس را از روی اعمالش داوری خواهم کرد. (متی ۲۷: ۱۶)

یعنی به او قدرت بخشیده شد که داوری هم بکند و در آن وقت هر کس را مطابق عملش جزا دهد (این هدف دوم می تواند زمینی باشد). البته جزا و داوری به معنای محاکمه کردن نیست؛ بلکه فقط می خواهد ببیند مؤمن اند یا نه و سنجش استعدادی آن ها را بیان کند. (متی ۲۵: ۳۱ و ۳۲) و (یوحنا ۵: ۲۳)

۳. نجات بنی اسرائیل

در رومیان آمده:

همگی بنی اسرائیل ایمان خواهند یافت... (رومیان ۱۷: ۲۶)

مراد، نجات آن دسته از بنی اسرائیل که به عیسی ﷺ ایمان بیاورند، نه همه ی بنی اسرائیل.

۱. قاسمی قمی، جواد، تفاسیر مهم مسیحی درباره بازگشت مسیح، هفت آسمان، شماره ۴۹، ص ۲۳.

۴. داوری در میان همه امت‌ها

در انجیل متی آمده:

هنگامی که من، مسیح موعود با شکوه و جلال خود و همراه با تمام فرشتگانم بیایم، آن گاه بر تخت با شکوه خود خواهم نشست. سپس تمام ملت‌های روی زمین در مقابل من خواهند ایستاد و من ایشان را از هم جدا خواهم کرد. همان طور که یک چوپان، گوسفندان را از بزها جدا می‌کند. گوسفندها را در طرف راستم قرار می‌دهم و بزها را در طرف چپم. (متی ۲۵: ۳۳)

۵. آزاد ساختن و برکت دادن

زمین از تباهی آزاد خواهد شد با آمدن مسیح... (رومان ۸: ۲۱)؛ و زمین و درختان پر برکت و سرسبز می‌شوند... (اشعیا ۳۵: ۱۰-۱)

۶. برقراری ملکوت

وقتی عیسی علیه السلام می‌آید، «ملکوت خدا» را برقرار می‌کند؛ مراد از آن حکومتی است که نمایاننده‌ی جلال و جبروت خداوند باشد، در سایه‌ی چنین حکومتی تعالیم خداوند توسط عیسی علیه السلام در زمین عملی گردد. ملکوت خداوند همان حکومتی است که خداوند به داوود وعده داده بود.

برخی از اشتراکات موعود اسلام و مسیحیت

در میان اسلام و مسیحیت، نقاط مشترك فراوان در اعتقاد به موعود یافت می‌شود که برخی از آن‌ها به شرح زیر می‌باشد:

یک: مسلمانان و مسیحیان به آمدن حضرت عیسی علیه السلام معتقد هستند؛^۱

دو: مسلمانان و مسیحیان، زنده بودن منجی را باور دارند؛

سه: در انجیل تأکید شده است که از آن روز و ساعت، هیچ کس به جز خدا آگاه نیست. (متی ۲۴: ۳۶)

در احادیث اسلامی نیز بر این معنی تأکید شده است؛^۲

۱. «عیسی دوباره باز می‌گردد» از مفاهیم کلیدی و پراهمیت کتب مقدس است و بیش از ۳۰۰ بار به آن اشاره شده است. در عهد

جدید چندین باب کامل به آن اختصاص داده شده است. نک: متی باب‌های ۲۴ و ۲۵؛ و مرقس باب ۱۳؛ و لوقا، باب ۲۱.

۲. به تعبیر روایت نبوی: «لَا يَخْلِيهَا لَوْفُهَا إِلَّا هُوَ؛ جز او [هیچ کس] آن را به موقع خود آشکار نمی‌گرداند».

چهار: آمدن عیسی علیه السلام ناگهانی و بدون اطلاع قبلی است «در ساعتی که گمان نمی‌برید، او می‌آید»، در روایت‌های ما نیز آمده است که او (مهدی) «بَغْتَةً» (به صورت ناگهانی) ظهور می‌کند؛^۱

پنج: در اناجیل آمده است که نشانه‌های ظهور در خورشید و ماه ظاهر شود. در حدیث‌های اسلامی نیز بر آن تأکید شده است؛^۲

شش: در اناجیل از وقوع زلزله، قحطی، جنگ و اغتشاش در آستانه‌ی ظهور گفت‌وگو شده که در صدها حدیث اسلامی نیز بر آن تأکید شده است؛^۳

هفت: حضرت عیسی علیه السلام برای درك حضور و رهایی از شرور، به دعا و نیایش سفارش می‌کند. در حدیث‌های اسلامی نیز دعا برای فرج مهم‌ترین وسیله‌ی رهایی از هلاکت معرفی شده است؛^۴

هشت: حضرت عیسی علیه السلام در همه جای انجیل بر انتظار فرج و نقش آن تأکید کرده و در حدیث‌های اسلامی هم بر آن تأکید فراوان شده است.^۵

یادآوری

بر اساس آنچه گفته شد، عقیده به ظهور «نجات دهنده» و امید به يك «آینده‌ای روشن» - که در آن، نگرانی‌ها و هراس‌ها مرتفع گردد و تاریکی‌ها از پهنه گیتی برچیده و ریشه ظلم و جهل و تباهی برکنده شود - يك اعتقاد عمومی است که همواره بین بیشتر ملت‌ها وجود داشته است و از ابتدا بشریت با اعتقاد به ظهور منجی انس گرفته و با وجود بسیاری از تغییرات و انحراف‌ها در ادیان، خطوط کلی و بشارت‌ها و نویدهای مختلفی در کتب قبل از عصر اسلام درباره منجی موعود ترسیم شده است.

بی‌تردید، کامل‌ترین و زیباترین تفسیر و تبیین پیرامون ظهور آخرین حجت الهی در آموزه‌های

۱. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: «مَثَلُهُ مَثَلُ السَّاعَةِ الَّتِي لَا يَحْتَسِبُهَا لَوَقْتُهَا إِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً؛ ظهور او همانند وقوع قیامت است که جز او [نمی‌تواند] وقت آن را آشکار سازد [و آن، حتی] در آسمان‌ها و زمین، سنگین [و بسیار پراهمیت] است و جز به طور ناگهانی به سراغ شما نمی‌آید»؛ کمال‌الدین، ج ۲، ص ۲۸۳.

۲. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۰۹.

۳. طوسی، الغیبة، ج ۲، ص ۲۷۷.

۴. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۴.

۵. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۱۵۰.

اسلامی و به ویژه منابع شیعی آمده است و در بیشتر موارد با ذکر جزئیات و دیگر موضوعات مرتبط با منجی موعود ذکر شده است.

آخرین نکته اینکه اندیشه مهدویت و مسأله مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف در مذهب تشیع به دو دلیل از جایگاه برتر و حساسیت و جذابیت بیشتری برخوردار است: یکی به دلیل اصالت مسأله‌ی امامت و جایگاه اعتقادی آن، که در فرهنگ دینی اعتقادی شیعه، تداوم رسالت است و دوم اینکه طرح مسأله‌ی مهدویت در شیعه از شفافیت و جامعیت بسیار بیشتری برخوردار است، به طوری که همه ابعاد آن و زوایای شخصیتی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و چگونگی ظهور و تشکیل حکومت واحد جهانی اسلام توسط آن حضرت به خوبی روشن شده و هیچ گونه ابهامی در آن وجود ندارد.

پرسش‌ها

۱. هدف از مطالعه درس «منجی در ادیان» چیست؟
۲. خواستگاه موعودباوری در یهودیت را توضیح دهید.
۳. «موعود یهودیت نوعی است»، به چه معناست؟
۴. ویژگی‌های ماشیح را نام ببرید.
۵. کارکردهای ماشیح را در یهودیت نام ببرید.
۶. اهمیت منجی باوری در آیین مسیحیت را توضیح دهید.
۷. مسیح میانجی را توضیح دهید.
۸. اهداف و ثمرات بازگشت مسیح را بیان کنید.
۹. اشتراکات منجی مسیحیت با اسلام را نام ببرید.

منابع مطالعاتی

۱. بورانی، علی، ماشیح مسیح مهدی در ادیان ابراهیمی، مرغ سلیمان اصفهان.
۲. شاکری، روح الله، منجی در ادیان، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام قم.
۳. موحدیان عطار، علی، گونه‌شناسی اندیشه منجی موعود در مسیحیت، دانشگاه ادیان قم.
۴. آذیر، اسدالله، منجی باوری در آیین زردشت و ادیان ابراهیمی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان قم.

فصل دوم:

یاران امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيف (اوصاف و ویژگی ها)^۱

۱. حجت الاسلام رضا اخوی؛ برگرفته از کتاب آفتاب ولایت، آیت الله محمد تقی مصباح یزدی.

شاخصه‌های یاران امام زمان علیه السلام

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَكَأَيُّ مَنِ قَاتَلَ مَعَهُ رِئِيُونَ كَثِيرٌ مَّا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ وَمَا كَانَ قَوْلُهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾^۱

چه بسیار پیامبرانی که مردان الهی فراوانی به همراهشان نبرد کردند و از هررنجی که در راه خدا دیدند، نه سستی ورزیدند و نه ضعف و زبونی نشان دادند و خداوند، شکیبایان را دوست می‌دارد. سخنشان فقط این بود که پروردگارا! گناهان ما را ببخش و از تندروی‌های ما در کارها در گذر! گام‌های ما را استوار بدار و ما را بر جمعیت کافران پیروز کن!

واژه «رِئِيُونَ» در این دو آیه‌ی شریف به مردمی خداپرست اشاره دارد که مخلصانه در رکاب پیامبران با کافران و مشرکان جنگیدند. به گفته روایات، یاوران راستین امام زمان ارواحنا فداه نیز مصداق تام «رِئِيُونَ کَثِيرٌ» بوده، دارای ویژگی‌های خاص ایشان هستند.

در این دو آیه‌ی شریفه، ویژگی‌های اساسی «رِئِيُونَ» بیان شده است؛ ابتدا درباره‌ی هریک از این ویژگی‌ها توضیحی مختصر ارائه کرده و سپس برخی از ویژگی‌های یاران حضرت را از منظر سخنان معصومین علیهم السلام به تماشا می‌نشینیم.

یک. قدرت والای روحی

میدان جنگ، عرصه جنگیدن، کشتن و کشته شدن است. طولانی شدن جنگ، به طور طبیعی آثار

۱. سوره آل عمران، آیات ۱۴۶ و ۱۴۷.

منفی فراوانی را در پی می‌آورد. از يك طرف، عواملی چون دوری از زن و فرزند، نابسامانی خانواده‌ها، بی‌سرپرستی بچه‌ها، فقر و ویرانی ناشی از جنگ، باعث سست شدن اراده و انرژی روحی جنگاوران می‌شود و از طرف دیگر، آثار ضعف و سستی در بدن و انرژی‌های جسمانی بروز می‌کند. مجموعه‌ی این عوامل می‌تواند باعث خضوع و تسلیم در مقابل دشمن شود.

خداوند متعال، جنگاوران مجاهدی را می‌ستاید که به عشق خدا و رسول او، خالصانه در میدان‌های طاقت‌فرسای جنگ استقامت ورزیدند و لحظه‌ای ضعف از خود نشان ندادند؛ ستارگان درخشانی که حتی با طولانی شدن جنگ و پیشامد مصیبت‌های گوناگون، نه در عشق و اراده آهنینشان ضعفی پیدا شد و نه در برابر دشمن، دست خضوع و تسلیم بالا بردند:

﴿فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا...﴾^۱

از هر صدمه‌ای که در راه خدا دیدند، نه سستی ورزیدند و نه ضعف و زبونی نشان دادند.

دو. بردباری

دلیرمردانی که در این آیه، مورد ستایش خداوند قرار می‌گیرند، مجاهدانی خستگی‌ناپذیرند که به سبب بردباری فوق‌العاده‌شان، محبوب ذات اقدس الهی شده‌اند: ﴿... وَاللَّهُ يَحِبُّ الصَّابِرِينَ﴾ و خداوند، چنین صبرکنندگانی را دوست می‌دارد^۲. اگر در شأن رزمندگان و بسیجیان، جز همین جمله در قرآن نازل نشده بود، برای پاداش آن‌ها کافی بود. چه پاداشی بالاتر از محبوبیت نزد خداوند قابل تصوّر است؟! آن‌که پروردگارش او را دوست بدارد، چه چیزی کم خواهد داشت؟!

سه. طلب آمرزش، استقامت و یاری

چنین مجاهدان راستینی در کشاکش مصیبت‌های جنگ و رنج‌های جنگاوری، زبان حال و قالشان، چیزی جز طلب آمرزش، عذرخواهی و طلب استقامت و یاری از پروردگارش نیست:

﴿وَمَا كَانَ قَوْلُهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا﴾^۳

سخنشان جز این نبود که پروردگارا! گناهان ما را ببخش و از تندروی‌های ما در کارها

۱. سوره آل عمران، آیه ۱۴۶.

۲. همان.

۳. سوره آل عمران، آیه ۱۴۷.

درگذر.

این رزم‌آوران الهی، نه تنها خود و عمل خود را نمی‌بینند؛ بلکه همواره عذر تقصیر به درگاه الهی می‌آورند که خدایا! تو خود کوتاهی‌های ما را در انجام وظیفه ببخشای و از گناه و زیاده‌روی و کوتاهی ما به لطف و مرحمت خویش درگذر: «رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا»؛ و افراط‌های ما نیز در انجام وظیفه بندگی و مجاهدت چشم‌پوش. «وَإِشْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا»؛ پروردگارا! همه هستی ما از تو است و اکنون به درگاه تو تقدیم می‌کنیم. لطف و مرحمتی کن و کاستی‌ها و لغزش‌های ما را تو خود جبران و اصلاح فرما! بار پروردگارا! این راه خطرخیز را با همه‌ی افت و خیزهایش تا بدین جا رسانده‌ایم؛ اما چه امان از سستی در ادامه راه و فریب‌های شیطان و زمین‌گیری دنیا؟! پس اکنون خدایا! ما را تا سرانجام این راه، همواره استوار و پابرجا بدار: «وَوَكَيْتَ أَقْدَامَنَا»؛ بار خدایا! هر چند مأموریت ما انجام وظیفه است، نه رسیدن به نتیجه؛ اما نهایت آرزوی ما پیروزی بر کافران و نابکاران عالم است. خدایا! تو خود به قدرت قاهر خویش ما را بدین هدف برسان: «وَأَنْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ».^۱

چهار. رابطه عاشقانه با پروردگار

آیات متعدّد دیگری در قرآن داریم که بنا بر روایات پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام در شأن گروهی از شیعیان علوی نازل شده است که در آخرالزمان پدیدار خواهند شد. یکی از این آیات شریف که بر «رَبِّيُونَ كَثِيرٌ» نیز تطبیق می‌شود، این آیه نورانی است:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ»^۲

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هرکس از شما که از آیین خود بازگردد، [بداند که] خداوند به زودی، قومی را برمی‌انگیزاند که ایشان را بسیار دوست می‌دارد و آن‌ها نیز خداوند را دوست می‌دارند و در برابر مؤمنان سرافکننده و فروتن و در مقابل کافران سرافراز و مقتدرند.

لحن آیه‌ی پیشین، رنج و ناراحتی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و مؤمنان راستین از سست عنصری و دم‌دمی مزاجی افراد ضعیف‌الایمان را نشان می‌دهد؛ ناراحتی و نگرانی از عقب‌گرد و بازگشت مسلمانان سست

۲. همان.

۲. سوره مائده، آیه ۵۴.

ایمان به حلقه کافران.

این آیه‌ی نورانی دربردارنده بشارتی شورانگیز به پیامبر صلی الله علیه و آله و مؤمنان راستین است که هرگز نپندارید قوام دین خدا فقط به عده‌ای تازه مسلمانان ضعیف است که اگر به کفر و شرک بازگردند، اسلام و افتخارهای آن از بین می‌رود. اگر عده‌ای از اسلام روی گردانیدند و به کفر بازگشتند، هرگز اندوهی به خویش راه ندهید؛ چرا که خداوند، در آینده، مؤمنانی را برخواهد انگیخت که نخستین صفت و مدال افتخارشان این است که محبوب خداوندگار، و محبِ اویند:

﴿يَحِبُّهُمْ وَيَحْبُوهُمْ﴾^۱

خداوند دوستدار ایشان است و ایشان نیز دوستدار خداوندند.

عشقی مقدس و طرفینی بین ایشان و پروردگارشان برقرار شده است؛ فضیلتی بس ارزشمند که مقامی بالاتر از آن تصور شدنی نیست.

پنج. فروتنی در برابر مؤمنان و گردن‌فرازی در مقابل کافران

علامت این عشق پاک طرفینی، دو صفت همراه با هم است:

﴿أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ﴾^۲

در برابر مؤمنان متواضع و فروتن‌اند و در مقابل کافران گردن‌فراز و مقتدر.

در مقابل اهل ایمان، چنان تواضع دارند که گویا بنده ایشانند. در برابر مؤمنان به هیچ وجه انانیت و خودبینی ندارند؛ به طوری که گویا خود ایشانند. همینان که در برابر مؤمنان، چنین خاکی و متواضعند، در مقابل کافران، سرسخت و عزتمندند. ایشان در مقابل گردن‌کشان چنان در اوج عزت و قدرت و گردن‌فرازی‌اند که گویا آنان را هرگز به شمار نمی‌آورند.

وعده‌ی الهی در این آیه‌ی نورانی و معجزه‌آمیز، از ظهور خدا باورانی ثابت قدم با دو صفت والای باطنی و روحی خبر می‌دهد که هم محبوب خدا، و هم محبِ اویند؛ ویژگی‌های والایی که از راه‌های ظاهری قابل تشخیص نیست؛ زیرا این دو ویژگی قلبی، رازی نهان بین عاشق و معشوق است که بیگانگان از آن آگاهی ندارند؛ اما کسانی که این دو ویژگی قلبی را دارا هستند، دو نشانه‌ی ظاهری در

۱. همان.

۲. همان.

رفتار و گفتارشان پدیدار می‌شود: اول: «أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ خَاضِعٌ وَفَرَاتٌ فِي رُؤُوسِهِمْ»؛ دوم: «أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ عَزِيزٌ وَمُقْتَدِرٌ فِي رُؤُوسِهِمْ».

شش. نه‌راسیدن از سرزنش‌ها

نشانه دیگر این مردان الهی این است که در جهاد فی سبیل الله، از هیچ سرزنشی نمی‌هراسند:

﴿يَجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ﴾^۱

آن‌ها در راه خدا مجاهده می‌کنند و از سرزنش هیچ ملامت‌گری هراسی ندارند.

مجاهده‌ی فرهنگی این رادمردان، زبان ملامت‌گران را ضدشان می‌گشاید؛ ولی آن‌ها هیچ باکی ندارند. اگر بنا بود، در مجاهدت‌های الهی ملامتی در کار نباشد، این آیه برای چه بود؟!

شیعیانی مخلص همچون میثم تمارها، عمرو بن حمدها، حجر بن عدی‌ها و ابوذرهای تبعید شدند؛ زندانی و شکنجه شدند، و بدن‌هایشان را بر دار نکه داشتند؛ اما لحظه‌ای از ولایت مولایشان علی (ع) و ستایش او دست برنداشتند تا آن که زبان‌شان را بریدند؛ شکم‌شان را دریدند و عاقبت به شهادت رسیدند.

اگر ما نیز بخواهیم در شمار شیعیان واقعی علی بن ابی طالب (ع) و امام زمانمان باشیم، باید خود را آماده کنیم و در راه انجام وظیفه و اظهار حق، از هیچ چیزی، حتی از سرزنش دوستان نیز نه‌راسیم. خیلی راحت است که انسان به دست دشمنان ترور و کشته شود؛ اما آن چه تحملش مشکل است، ملامت دوستان است. کسانی که خداوند، برای زنده کردن دینش برخواند انگیخت، از سرزنش دوستان نیز نمی‌هراسند.

بر حذر باشیم که اگر خود را برای ایفای چنین مسئولیت سنگینی آماده نکنیم و یا در دام ملامت‌گران و فتنه‌جویان گرفتار آییم، جزو گروه و حزبی خواهیم شد که خلاف قرآن و معارف اهل بیت (ع) رفتار می‌کنند.^۲

برخی دیگر از ویژگی‌های یاران حضرت

اینک با نگاهی به آیات و روایات مربوط به آخرین منجی بشریت امام زمان (ع)، به صورت گذرا،

۱. سوره مائده، آیه ۵۴.

۲. آفتاب ولایت، محمدتقی مصباح یزدی، ص ۱۷۵-۱۸۷.

چند شاخصه‌ی مهم یاوران حضرت را مرور می‌کنیم.

۱. خداباوری حقیقی

اساسی‌ترین ویژگی یاران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه، معرفت عمیق نسبت به خداوند متعال است. این معرفت آن چنان استوار است که هیچ شک و شبهه‌ای، باعث لغزش و دست‌کشیدن از عقاید و باورهایشان نمی‌شود.

امام علی علیه السلام می‌فرمایند:

رَجَالٌ مُّؤْمِنُونَ عَرَفُوا اللَّهَ حَقَّ مَعْرِفَتِهِ وَ هُمْ أَنْصَارُ الْمَهْدِيِّ فِي آخِرِ الزَّمَانِ؛^۱

مردان با ایمانی که خدا را آن‌چنان که شایسته است، شناخته‌اند و آنان یاوران مهدی عجل الله تعالی فرجه در آخر الزمان‌اند.

و امام صادق علیه السلام فرمودند:

لَا يَشُوبُهَا شَكٌّ فِي ذَاتِ اللَّهِ؛^۲

غبار تردید در ذات [مقدس] خدا خاطرشان را نمی‌آلاید.

۲. پرتلاش و مطیع

یاران امام، به مولای خود عشق می‌ورزند و چون بنده‌ای گوش به فرمان آن حضرت هستند و برای خدمتگزاری حضرتش لحظه شماری می‌کنند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در وصف آنان فرمود:

كَدَّادُونَ مُحِذُونَ فِي طَاعَتِهِ؛^۳

زحمت‌کش و کوشا در پیروی از اویند.

و صادق آل محمد علیهم السلام درباره آن‌ها فرمود:

هُمْ أَطْوَعُ لَهُ مِنَ الْأُمَّةِ لِسَيِّدِهَا؛^۴

آنان فرمانبردارتر از کنیز برای مولای خود، نسبت به [حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه] هستند.

براین باور، هرکس بخواهد در آن روزگار خدمتگزاری حضرت نصیبش گردد، باید هم اکنون در

۱. بحار الانوار، ج ۵۷، ص ۲۲۹.

۲. همان، ج ۵۲، ص ۳۰۸.

۳. همان، ص ۳۴۳.

۴. همان، ص ۳۰۸.

دوران غیبت، خدمت به آن حضرت و یاران او را سرلوحه کارهای خود قرار دهد؛ چرا که بدون شک کسی می‌تواند خدمتگزار حضرتش در دوران ظهور باشد که هم اکنون نیز لیاقت خدمتگزاری را در خود ایجاد کرده باشد. همان گونه که امام صادق علیه السلام یکی از ویژگی‌های پیروان امام زمان علیه السلام را چنین بیان کردند:

طَوَّبَ لَشِيعَةِ قَائِمِنَا الْمُتَنَظِّرِينَ لظُهُورِهِ فِي غَيْبَتِهِ وَ الْمُطِيعِينَ لَهُ فِي ظُهُورِهِ؛^۱

خوشا به حال شیعیان قائم ما که در زمان غیبتش منتظر ظهور او هستند و در هنگام ظهورش فرمانبردار او!

منتظر راستین و علاقه‌مند به حضرت مهدی علیه السلام باید تمامی لحظه‌های زندگی خود را سرشار از خدمت به او و راه و هدفش سپری نماید، از این رو خودسازی و دیگرسازی، از ویژگی‌های ممتاز یاران امام مهدی علیه السلام در عصر غیبت است، زیرا در پرتو پارسائی و مواظبت بر رفتار خویش است^۲ که در پی آن، جامعه و دیگران نیز به این جهت متمایل خواهند شد.

۳. خوبان اهل عبادت

از برترین و ضروری‌ترین شاخصه‌های یاری امام زمان علیه السلام، گره زدن دل و جان به بندگی پروردگار و عبادت‌ها و داشتن خلوت‌هایی است که لیاقت انسان برای یآوری منجی موعود را افزایش می‌دهد و او را در زمره خوبان و صالحان قرار می‌دهد. امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه ﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾؛ و ما بعد از ذکر (تورات) در زبور نوشتیم که البته بندگان صالح من، زمین را به ارث خواهند برد^۳، فرمودند:

مراد از بندگان صالح، اصحاب حضرت مهدی علیه السلام هستند که در آخرالزمان می‌آیند.^۴

امام صادق علیه السلام درباره یاران حضرت مهدی علیه السلام فرمودند:

۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۳۵۷، ح ۵۴.

۲. امام صادق علیه السلام می‌فرمود: «مَنْ سُرَّ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ علیه السلام فَلْيَنْتَظِرْ وَلْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مُحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَ هُوَ مُنْتَظَرٌ هَرَكْسَ شَادِمَانٍ مِی‌گردد از اینکه از یاران حضرت مهدی علیه السلام باشد، باید منتظر باشد و به پرهیزکاری و اخلاق نیکو رفتار نماید و او منتظر [واقعی] است.» (غیبت نعمانی، ص ۲۰۰، ح ۱۶).

۳. سوره انبیاء، آیه ۱۰۵.

۴. اثبات الهداة، ج ۳، باب ۳۲، ح ۴۱۹.

رَجَالٌ لَا يَنَامُونَ اللَّيْلَ هُمْ دَوَىٰ فِي صَلَاتِهِمْ كَدَوَىٰ النَّحْلِ يَبِيتُونَ قِيَاماً عَلَى أَطْرَافِهِمْ وَ يَضْبِحُونَ عَلَى خُيُولِهِمْ زُهَبَانٌ بِاللَّيْلِ لُيُوثٌ بِالنَّهَارِ^۱

مردانی که شب را نمی‌خوابند، برای آنها در نمازشان زمزمه‌ای چون زنبور عسل است، شب را بر اعضایشان در حال ایستاده بیتوته می‌کنند، روز بر اسب‌هایشان سوار [و آماده جهاد] هستند، زاهدان شب و شیران روزند.

امام باقر (عج) نیز فرمودند:

گویا قائم (عج) و یارانش را در نجف اشرف می‌نگرم که توشه‌هایشان به پایان رسیده و لباس‌هایشان مندرس گشته است، جای سجده بر پیشانی‌شان نمایان است، شیران روز و راهبان شب‌اند.^۲

و امام حسن عسکری (عج) در آخرین روزهای عمر خود، در سخنانی خطاب به فرزندش حضرت مهدی (عج) درباره یاران او فرمود:

روزی را می‌بینم که پرچم‌های زرد و سفید در کنار کعبه به اهتزاز درآمده است... گروهی به آستانه‌ات گرد آیند که خداوند آنان را از آلودگی و نفاق و پلیدی پاکیزه کرده است. در برابر فرمان‌های دینی فروتن‌اند.^۳

۴. شجاع و غیور

اگر جهاد و مبارزه، جهانی و فراگیر است؛ پس یاران ایشان هم باید شجاعت و جسارتی در خور و عزم‌هایی پولادین داشته باشند؛ چرا که بدون آن، قدم‌ها یارای حرکت نخواهد داشت.

امام علی (عج) در وصف شجاعت آن‌ها می‌فرمایند:

كُلُّهُمْ لُيُوثٌ قَدْ خَرَجُوا مِنْ غَابَاتِهِمْ لَوْ أَنَّهُمْ هُمَا بِأَزَالَةِ الْجِبَالِ لَأَزَلُوهَا عَنْ مَوَاضِعِهَا؛^۴

همه شیرانی‌اند که از بیشه‌های خود خارج شده‌اند و اگر اراده کنند، کوه‌ها را از جا برمی‌کنند.

و امام سجاد (عج) می‌فرمایند:

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.

۲. همان، ج ۵۱، ص ۷.

۳. همان، ج ۵۲، ص ۳۵.

۴. يوم الخلاص، ص ۲۲۴.

فَإِنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ يَعْطَى قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا؛^۱

به هر کدامشان نیروی چهل مرد داده شده است... اگر بر کوه‌های آهن گذر کنند، آن‌ها را قطعه قطعه می‌کنند.

امام باقر (ع) نیز فرمود:

دل‌هایی چون پولاد دارند. از هر سوتا مسافت يك ماه راه، ترس بردل‌های دشمنانشان سایه می‌افکند.^۲

۵. در آرزوی شهادت

تلاش همه‌جانبه برای انجام تکلیف و انجام وظیفه، منتظران را لایق دریافت خلعت شهادت خواهد کرد؛ از این رو منتظران با تمام وجود برای جلب رضایت حضرتش تلاش می‌کنند، بلکه توفیق شهادت نصیبشان گردد و همنشینی با خوبان برگزیده پروردگار، رزق همیشگی آنان گردد.

امام صادق (ع) در توصیف ایشان فرمودند:

كَأَنَّ قُلُوبَهُمُ الْقَنَادِيلُ ... يَدْعُونَ بِالشَّهَادَةِ وَيَتَمَنَّوْنَ أَنْ يَقْتُلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ ...؛^۳

گویا دل‌هایشان نور باران است... برای شهادت دعا می‌کنند و آرزومند کشته‌شدن در راه خدایند.

جمع‌بندی

در آیات و روایات اگر چه از صفت‌هایی به عنوان ویژگی‌های یاران حضرت یاد شده است؛ اما بدون تردید، یکی از پیام‌های این روایات، بر شمردن شرایط آرمانی یک منتظر است. اهدافی که یک منتظر واقعی باید برای خود ترسیم کند و تمام توان خود را در راه رسیدن به آن‌ها به کار بندد و اوج‌هایی که یک شیعه در تمام قرن‌ها و عصرها بدان‌ها چشم دوخته، خود را در مسیر دست یافتن بدان‌ها قرار دهد.

فراموش نکنیم که کار خداوند از روی حکمت و حساب است. هر زمان که رابطه ما با خداوند، چه در مسائل فردی و چه در امور اجتماعی، به ضعف و کاستی بگراید، مدد رسانی الهی نیز به ما کاستی

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۷.

۲. همان، ص ۳۴۳.

۳. همان، ص ۳۰۸.

می‌گیرد و هرگاه که به خود متکی شویم، به خود واگذار خواهیم شد.

پرسش‌ها

۱. واژه «رَبَّیُون» در آیه ۱۴۶ سوره آل عمران به چه معناست؟ ارتباط آن با یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه را بیان کنید.
۲. با توجه به آیات ۱۴۶ و ۱۴۷ از سوره آل عمران، ویژگی‌های اساسی «رَبَّیُون کَثِیرٌ» را نام ببرید.
۳. در مورد خداباوری حقیقی یاران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه توضیح دهید.
۴. یاران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه پرتلاش و مطیع آن حضرت هستند؛ ما چگونه می‌توانیم خود را به این مقام برسانیم؟
۵. براساس آیه ۵۴ سوره مبارکه مائده، علامت و نشانه‌ی ظاهری کسانی که محبوب و محبّ خدای متعال هستند چیست؟

منابع مطالعاتی

۱. آفتاب ولایت، محمد تقی مصباح یزدی.
۲. مقالات مرتبط با موضوع در مجلات علمی-پژوهشی انتظار موعود (مرکز تخصصی مهدویت) و مشرق موعود (مؤسسه آینده روشن).

فصل سوم:

راهکارهای حفظ دین در آخرالزمان^۱

۱. حجت الاسلام رضا اخوی و سرکار خانم مهدیه سعیدی نشاط.

مقدمه

گفت‌وگو درباره‌ی آخرالزمان و منجی موعود، عمری به درازای خلقت انسان دارد. باورهای مربوط به آخرالزمان، مجموعه عقایدی است که به فرجام تاریخ و سرنوشت بشر اشاره دارد و در ذهن غالب افراد، با تصورات مبهمی از رخدادهای اعجاب‌انگیز، وقوع بلاها و شیوع مفاسد همراه است.

«آخر» در مقابل «اول»^۱ و «زمان» به معنی وقت است؛^۲ بنابراین «آخرالزمان» به معنای «پایان روزگار» و قسمت واپسین تاریخ است که به قیامت می‌پیوندد.^۳ به عبارت دیگر، آخرالزمان یعنی دوره‌ی پایانی این عالم مادی که بعد از آن قیامت شروع می‌شود.

درباره‌ی اینکه آخرالزمان به کدام قطعه از تاریخ گفته می‌شود، سه نظر مطرح شده است:

۱. از زمان بعثت خاتم الانبیا ﷺ (به عنوان پیغمبر آخرالزمان) تا قیامت؛
۲. دوران قبل از ظهور حضرت حجت ﷺ (به عنوان منجی آخرالزمان) تا قیامت؛
۳. دوران بعد از ظهور حضرت حجت ﷺ تا قیامت.

تمام ادیان بزرگ درباره‌ی این دوران پیشگویی‌هایی دارند که تصویری از آینده انسان را نشان می‌دهد. قرآن و روایات معصومین علیهم‌السلام در شریعت اسلام، نمونه‌ی کامل این آینده‌شناسی و حیانی و غیبی هستند که موارد فراوانی از پیشگویی‌های موجود در آن‌ها تاکنون محقق شده است. البته علم به آینده فقط نزد خداوند است و اوست که پیامبران و حجت‌های خود را از آن آگاه می‌سازد تا دلیلی بر حقانیت آن‌ها و معجزه‌ای بر راستی آن‌ها باشد.

۱. مفردات الفاظ قرآن، ص ۶۷.

۲. لسان العرب، ج ۱، ص ۱۹۹.

۳. فرهنگ ابجدی، ص ۲ و لغت‌نامه دهخدا، ج ۱، ص ۴۲.

نقطه‌ی مشترک پیشگویی‌های ادیان درباره‌ی آخرالزمان، گسترش فساد و تباهی در دوران پیش از ظهور و نابودی شیاطین و گسترش مهر و عدالت و تکامل فضائل انسانی و بندگی خدا در دوران پس از ظهور منجی است. در عصر پیش از ظهور، جهان به نهایت ظلم و فساد اخلاقی می‌رسد و در عصر پس از ظهور که با قیام مصلح جهانی آغاز می‌شود، وعده‌های الهی تحقق می‌یابد.^۱

مهم‌ترین بُعد آینده‌شناسی در ادیان و جلوه‌گری غایت‌مندی تاریخ، آموزه‌ی «منجی‌گرایی» است. این آموزه، پاسخگوی بسیاری از دغدغه‌ها و سؤال‌های انسان در طول تاریخ و چشم‌انداز الهی و ایمانی به جامعه‌ای برتر و کارآتر است.

روایات بسیاری در منابع روایی شیعه و اهل سنت، ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف را به عنوان منجی آخرالزمان وعده داده‌اند؛ چنان‌که رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

المُهْدِي مَخْرُجٌ فِي آخِرِ الزَّمَانِ؛^۲

مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در آخرالزمان قیام می‌کند.

اهمیت دین‌داری در آخرالزمان

پایبندی به دین الهی و التزام به دستورات آن و حفظ ایمان تا زمان مرگ، تنها مسیر سعادت است. از امام صادق علیه السلام نقل شده که امیرالمؤمنین علیه السلام در ضمن سفارش به اصحاب خود فرمودند:

۱. آینده جهان، ص ۶۴.

۲. الغيبة، شیخ طوسی، ص ۱۷۸.

در این زمینه روایات بسیاری وجود دارد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

«لَا تَذْهَبِ الدُّنْيَا حَتَّى يَلِيَ أُمَّتِي رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يَقَالُ لَهُ الْمُهْدِي؛ دُنْيَا تَمَام نَمِي شُود تا این‌که مردی از اهل بیت من که به او مهدی گفته می‌شود، ولی و سرپرست اقتم گردد.» (کمال الدین، ج ۱، ص ۵۲۴).

«لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا؛ اگر از عمر دنیا يك روز باقی بماند، خداوند آن را به قدری طولانی می‌کند تا مردی از اهل بیت من خروج کند و عرصه زمین را لبریز از عدل نماید.» (سنن ابوداود، ج ۲، ص ۳۱۰ و بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۷۴).

«وَلَا تَنْقُضِي الْأَيَّامَ حَتَّى يَمْلِكَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يَؤَاطِيهِ إِسْمُهُ إِسْمِي؛ روزهای دنیا منقضی نگردد تا اینکه مردی از اهل بیت من بر زمین حکومت کند که هم نام من باشد.» (بشارة المصطفی لشيعه المرتضى، ص ۲۵۸).

«لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَقُومَ قَائِمٌ لِلْحَقِّ مِنَّا؛ قِيَامَت برپا نشود تا قائم برحق ما قیام کند.» (عیون اخبارالرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۵۹).

«يَكُونُ عِنْدَ انْقِطَاعِ مِنَ الزَّمَانِ وَظُهُورِ الْفَتَنِ رَجُلٌ يُقَالُ لَهُ الْمُهْدِي عَطَاؤُهُ هَنِيئًا؛ هنگام پایان زمان و آشکارشدن فتنه‌ها، مردی هست که به او مهدی گفته می‌شود و بخشش بسیار دارد.» (كشف الغمة، ج ۳، ص ۲۶۰ و بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۸۲).

بدانید که قرآن در شب و روز وسیله‌ی رهنمایی است و در شب تاریک با هر سختی و نیازی روشنی بخش است. چون بلایی رخ داد، مال خود را فدای جان کنید و چون ناگواری در رسید، جان خود را فدای دین خود کنید. بدانید هلاک شده کسی است که دینش از دستش برود و غارت زده کسی است که دینش را ببرند.^۱

حفظ و سلامت دین، از چنان اهمیتی برخوردار است که دغدغه اصلی اولیای الهی و حتی معصومین علیهم‌السلام بوده است. برای نمونه امام علی علیه‌السلام وقتی داستان شهادت خود را از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم شنید، فرمود:

«یا رسول الله و ذلک فی سَلَامَةٍ مِنْ دینی؟»

و پیامبر پاسخ داد:

«فی سَلَامَةٍ مِنْ دینک».^۲

یکی از شاخصه‌های اصلی دوران غیبت، سختی دینداری و دشوار شدن حفظ ایمان است. روایات برای دوران غیبت، شرایط سختی ترسیم کرده‌اند که تنها مربوط به شیعیان نیست؛ بلکه جوامع اسلامی و مناطق مختلف دنیا را درگیر خواهد کرد.

سیمای کلی جهان پیش از قیام امام زمان عجل‌الله‌فرجه‌الآخر بسیار آشفته و تاریک است. طبق روایات، در این دوره، حکومت‌ها به دست انسان‌های نالایق و ستمگر می‌افتد، مردم به دین عمل نمی‌کنند و دین خود را به دنیا می‌فروشند، برخی عالمان به دین خیانت می‌کنند، پیوندهای خویشاوندی از بین می‌رود، شرب خمر و اعمال منافی عفت گسترش می‌یابد و...^۳ هم‌چنین درباره‌ی فتنه‌های آخرالزمان گفته شده است که مردم گروه‌گروه از دین خارج می‌شوند؛ همان‌گونه که گروه‌گروه وارد دین خدا شدند.^۴

امام جعفر صادق علیه‌السلام در روایتی فرموده است:

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «چگونه می‌شود حال شما وقتی که زن‌هایتان فاسد و جوان‌هایتان فاسق شوند و امر به معروف و نهی از منکر نکنید؟» عرض کردند: «ای

۱. الکافی، ج ۲، ص ۲۱۶.

۲. الامالی، شیخ صدوق، ص ۹۵.

۳. الکافی، ج ۸، ص ۳۶، ح ۷. در این روایت، بیش از ۱۲۰ مورد از مفاسد آخرالزمان بیان شده است.

۴. التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن، ص ۲۶۵، ح ۳۸۵.

رسول خدا! آیا این چنین خواهد شد؟» فرمود: «بلی و بدتر از این! چگونه می‌شوید هنگامی که امر به منکر و نهی از معروف کنید؟» عرض کردند: «آیا این چنین خواهد شد؟» فرمود: «بلی و بدتر از این! چگونه می‌شوید وقتی که منکر را معروف و معروف را منکر می‌بینید؟»^۱

مسلمانان در زمانی که بدی و زشتی، زیبا جلوه کند و مردم یکدیگر را به بدی سفارش کنند و از خوبی بازدارند، حفظ دین بسیار مشکل خواهد بود؛ بنابراین اهمیت دینداری و سختی حفظ دین در آخرالزمان به مراتب بیشتر است.

پیامبر اعظم ﷺ در این باره فرمودند:

زمانی فرا می‌رسد که مانندن بردین حق مانند نگه داشتن گلوله آتش در دست است.^۲
در آن زمان، ثابت ماندن یکی از مردم بردین خود، از صاف کردن درخت خاردار (قتاد) با دست در شب ظلمانی دشوارتر خواهد بود.^۳

امام صادق علیه السلام نیز درباره‌ی سختی دینداری در این دوران فرموده‌اند:

کسی که در عصر غیبت به دینش پایبند بماند، مانند کسی است که دست خود را از بالای شاخه درخت قتاد (درخت بزرگی که خارهایش مثل سوزن است) به طرف پایین آن می‌کشد تا خارهایش بریزد. کدام یک از شما می‌تواند شاخه خاردار درخت قتاد را با دست خود بگیرد؟! پس بندگان در زمان غیبت باید تقوای الهی را پیشه خود سازند و به دین تمسک جویند.^۴

سخن حضرت آیت الله بهجت رحمه الله نیز در این زمینه قابل تأمل است:

ائمه‌ی ما علیهم السلام در روایات به ما خبر داده‌اند که خیلی از اهل ایمان و عقیده، بر اثر ابتلائات از دین خود برمی‌گردند. خدا کند ایمان ما تا آن وقت باقی بماند؛ وگرنه اگر ظهور حضرت هم نزدیک باشد، ولی ایمان ما زائل شده باشد، دیگر ما را چه با ظهور آن حضرت و حضرت را چه با ما؟!

برای مؤمنان تثبیت در دین و ایمان و ثبات قدم تا ظهور آن حضرت، از ظهور آن

۱. الکافی، ج ۵، ص ۵۹.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۳۳.

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۴.

۴. همان، ص ۱۳۵.

حضرت مهم‌تر است.^۱

راهکارهای حفظ دین در آخرالزمان

سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که چگونه می‌توان از شرور و فتنه‌های آخرالزمان در امان ماند و ایمان خود را حفظ کرد؟ چگونه می‌توان توفیق سربازی و لیاقت یابوری حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را به دست آورد؟

در این زمینه، تعبیر قابل تأمل و تلنگرهای دردناکی از ائمه علیهم‌السلام بیان شده است که همگی آن‌ها گویای ضرورت استقامت و پایداری در مقابل هجمه‌ها و لزوم زدودن آفات دینداری است. در روایات آمده است:

در چنین موقعی مواظب خود باش، خود را نگه دار و نجات خود را از خداوند بخواه.^۲

الف. راهکارهای اعتقادی

اگر جهان بینی و بینش‌های اعتقادی ما از راه تفکر و استدلال صحیح به دست آمده و با جان ما گره خورده باشد، قطعاً در طوفان فتنه‌ها و هجوم شبهات آخرالزمان، محکم، استوار و پابرجا خواهد ماند. اثبات عقلی این اصول را باید در کتب اعتقادی پی گرفت. در اینجا به چند راه‌کار معرفتی که در حفظ دین نقش اساسی دارند، اشاره می‌شود:

۱. شناخت دین حق

برای حفظ دین، ابتدا باید آن را شناخت و تعریف دقیقی از آن ارائه کرد. «دین» واژه‌ای عربی است که در لغت به معنای «اطاعت» و «جزا» آمده است؛^۳ اما از جمله مفاهیمی است که اختلاف زیادی در تعریف و مصادیق آن وجود دارد تا آنجا که برخی، مکاتب ساختگی که تعالیمی سخیف و کفرآمیز دارند را نیز دین می‌نامند.

تمام ادیان غیرالهی در دسته‌ی ادیان باطل قرار می‌گیرند و در میان ادیان الهی نیز تنها اسلام، دین حق است؛ اگرچه آن ادیان در زمان خود، دین برحق بوده‌اند، اما با بعثت پیامبر آخرالزمان منقضی

۱. امام زمان علیه‌السلام در کلام آیت الله بهجت رحمته‌الله، ص ۸۵ و ۸۶؛ به نقل از ۶۰۰ نکته در محضر آیت الله بهجت رحمته‌الله، ص ۳۶۶.

۲. الکافی، ج ۸، ص ۳۶.

۳. مفردات الفاظ القرآن، ص ۳۲۳.

شده‌اند. بنابراین یهودیان، مسیحیان و سایر پیروان ادیان الهی به دلیل سرپیچی از دستور پیامبرشان مبنی بر ایمان آوردن به پیامبر آخرالزمان و نیز باور به تحریفات بسیاری که در دینشان ایجاد شده است، اکنون از حقیقت دور مانده‌اند.

طبق منطق قرآن کریم، فقط اسلام دین حق است:

«وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ»^۱

هرکس جز اسلام آیینی برای خود انتخاب کند، از او پذیرفته نخواهد شد و در آخرت از زیانکاران خواهد بود.

بر اساس دیدگاه اندیشمندان اسلامی، دین از دو بخش تشکیل شده است: عقایدی که حکم پایه و ریشه را دارند (اصول دین) و دستورات عملی متناسب با اصول و برخاسته از آن‌ها (فروع دین).^۲ اصول دین، باورهایی هستند که وجود دین وابسته به آن‌هاست و به همین دلیل، معتقدان به آن، مسلمان، و منکران آن، کافر محسوب می‌شوند.^۳ مهم‌ترین اصول اعتقادی اسلام عبارت است از:

۱-۱. توحید: اعتقاد به خداوند یگانه به عنوان خالق و مالک انسان و جهان هستی که بر اساس رحمت، حکمت و قدرت بی‌نهایت خود، مخلوقات را آفریده است، امور آن‌ها را تدبیر و آنان را به سمت کمال نهایی خود هدایت می‌کند.

۱-۲. نبوت: اعتقاد به اینکه پیامبران و حجت‌هایی معصوم از سوی خداوند مبعوث شده‌اند تا معارف دین و لوازم هدایت را به بندگان برسانند و کسب کمال و سعادت تنها در سایه اطاعت از ایشان میسر خواهد بود.

۱-۳. معاد: اعتقاد به حیات جاویدان پس از مرگ و اینکه خداوند نیکوکاران و بدکاران را بر اساس عدل و استحقاق، پاداش و کیفر خواهد داد.^۴

دستورات عملی اسلام نیز به دو بخش دستورات اخلاقی و احکام تقسیم می‌شود. تعالیم اخلاقی

۱. سوره آل عمران، آیه ۸۵.

۲. آموزش عقاید، ص ۱۱ و ۱۲.

۳. امت پژوهی، ص ۱۰۴ و ۱۰۵.

۴. رک: منشور عقاید امامیه (شرح ۱۵۰ اصل از عقاید شیعه اثنی عشری)، جعفر سبحانی.

انسان را در کسب فضائل اخلاقی و دوری از رذائل اخلاقی کمک کند و التزام به تکالیف شرعی از جمله عمل به واجبات و ترک محرمات و رعایت مقررات فردی و اجتماعی، سعادت اخروی را به همراه دارد.

۲. امام شناسی

طبق آموزه های دینی، شناخت خداوند که از اصول اعتقادی است، جز با شناخت حجت خدا ممکن نخواهد بود؛ چنان که حضرت حسین بن علی علیه السلام علت خلقت انسان را معرفت و بندگی خدا معرفی کرد و در پاسخ به سؤال کسی که از ماهیت معرفت خدا پرسید، فرمود:

مَعْرِفَةُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ إِمَامُهُمُ الَّذِي يَحِبُّ عَلَيْهِمْ طَاعَتَهُ؛^۱

شناخت خدا آن است که اهل هر عصر و زمان، امامی را که اطاعتش بر آن ها واجب است، بشناسند.

شیخ صدوق رحمه الله در شرح این روایت می گوید:

مقصود امام آن است که اهل هر عصری بدانند که خداوند عزوجل هیچ زمانی را خالی از حجت خود نگذاشته است. لذا اگر کسی خدایی را بدون داشتن حجت بر آن عبادت کند، قطعاً غیر خداوند عزوجل را عبادت کرده است.^۲

بنابراین بر مؤمنین واجب است که نسبت به امام زمان خود شناخت و معرفت پیدا کنند؛ ولی آنچه اهمیت دارد، باور عمیق و اعتراف به جایگاه و اوصاف خاص او، مانند عصمت، وجوب اطاعت و علم لدنی است. اگر معرفت و شناخت عمیق از امام حاصل نشود، شناخت او به نام و نسب و ویژگی های جسمانی و حتی دیدن ظاهری ایشان برای انسان سودی نخواهد داشت؛ چنان که افراد بسیاری در طول تاریخ جمال دلنشین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام را زیارت کردند، ولی عاقبت با پیروی از هوای نفس خود به مخالفت و دشمنی با ایشان برخاستند.

اگر چنین شناختی برای منتظران حاصل شود، انتظار در نزد آنان مفهوم دیگری خواهد یافت؛ همانگونه که امام صادق علیه السلام فرمود:

اعْرِفْ إِمَامَكَ فَإِنَّكَ إِذَا عَرَفْتَهُ لَمْ يَضُرَّكَ تَقَدُّمُ هَذَا الْأَمْرِ أَوْ تَأَخُّرُ... فَمَنْ عَرَفَ إِمَامَهُ كَانَ

۱. علل الشرائع. ج ۱، ص ۹.

۲. همان.

كَمَنْ هُوَ فِي فُسْطَاطٍ الْمُنْتَظَرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛^۱

امام خویش را بشناس، پس وقتی او را شناختی پیش افتادن یا تأخیر این امر (ظهور) آسیبی به تو نخواهد رساند. پس هر آن کس که امام خویش را شناخت، مانند کسی است که در خیمه قائم منتظر پیغمبر خدا باشد.

و فرمود:

هر آن کس که امامش را شناخت و قبل از قیام صاحب این امر از دنیا رفت، بسان کسی است که در سپاه آن حضرت خدمتگزاری خواهد کرد، نه؛ بلکه مانند کسی است که زیر پرچم آن حضرت است.^۲

هم چنین در روایات آمده است که برای یافتن معرفت امام در زمان غیبت و امتحان، بر قرائت این دعا مداومت کنید:

اَللّٰهُمَّ عَرِّفْنِيْ نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِيْ نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ اَللّٰهُمَّ عَرِّفْنِيْ رَسُوْلَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِيْ رَسُوْلَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ اَللّٰهُمَّ عَرِّفْنِيْ حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِيْ حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِيْنِيْ.^۳

۳. بصیرت

به گفته روایات و منابع دینی، دوران آخرالزمان، دوران فتنه‌ها و آشوب‌هاست. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در سخنی چنین فرمودند:

زمانی بر مردم می‌آید که دل مؤمن در نهادش آب می‌شود، همان طور که سرب در آتش آب می‌شود و نیست سبب آن، مگر اینکه فتنه‌ها و بدعت‌هایی را که در دین ظاهر می‌شود مشاهده می‌کند و توانایی تغییر و برطرف ساختن آن‌ها را ندارد.^۴

یکی از راهکارهایی که منتظران منجی آخرالزمان می‌توانند در پرتو آن تاریکی‌های فتنه را بشکافند و در دورانی که حق و باطل به هم آمیخته می‌شوند، از ایمان و داشته‌های معنوی خود حراست نمایند، شناخت مصادیق حق و باطل، تمیز دادن جریان‌ات انحرافی، موضع‌گیری هوشمندانه در برابر

۱. الغیبة، نعمانی، ص ۳۳۱.

۲. الکافی، ج ۱، ص ۳۷۱.

۳. کمال الدین، ج ۲، ص ۳۴۲ و الغیبة، نعمانی، ص ۱۶۶.

۴. الامالی، طوسی، ج ۲، ص ۱۳۲.

آن‌ها و در یک کلام، کسب بصیرت است.

«بصیرت» در لغت عرب به معنای عقیده قلبی، معرفت، عبرت، یقین، زیرکی، قوه‌ی ادراکی قلبی و... آمده است.^۱ این موهبت، روشنائی و نور خاصی است که در نتیجه‌ی اعمال صالح و تقوای الهی به قلب بنده می‌تابد تا همچون چراغی، تاریکی‌ها و ظلمات را برایش روشن کند و با تبیین حق و باطل، او را از افتادن در دام لغزش‌ها حفظ نماید.

اهمیت بصیرت به حدی است که قرآن کریم فرستادگان خدا را واجد این ویژگی معرفی کرده و جامعه‌ی اسلامی و پیروان دین را نیازمند کسب درک و بینش صحیح خوانده است:

﴿قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي﴾^۲

بگو این راه من است. من و پیروانم با بصیرت کامل، همه مردم را به سوی خدا دعوت می‌کنیم.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) نیز درباره اهمیت بصیرت می‌فرماید:

فَقَدْ الْبَصَرُ أَهْوَنُ مِنْ فَقْدَانِ الْبَصِيرَةِ^۳

فقدان بینایی آسان‌تر است از فقدان بینش و بصیرت.

رهبر فرزانه انقلاب (علیه السلام) در تعریف بصیرت چنین می‌فرماید:

این بصیرتی که در حوادث لازم است و در کلمات امیرالمؤمنین (علیه السلام) هم روی آن تکیه و تأکید شده، به معنای این است که انسان در حوادثی که پیرامون او می‌گذرد و در حوادثی که پیش روی اوست و به او ارتباط پیدا می‌کند، تدبیر کند و سعی کند از حوادث به شکل عامیانه و سطحی عبور نکند. حوادث را درست نگاه کردن، درست سنجیدن و در آن‌ها تدبیر کردن، در انسان بصیرت ایجاد می‌کند؛ یعنی بینایی ایجاد می‌کند و انسان چشمش به حقیقت باز می‌شود.^۴

یکی از راه‌های کسب بصیرت، تفکر است. امیرالمؤمنین (علیه السلام) در این باره فرموده‌اند:

۱. رک: لسان العرب، ج ۴، صص ۶۶-۶۴ و تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۶، ص ۹۱.

۲. سوره یوسف، آیه ۱۰۸.

۳. غرر الحکم و درر الکلم، ص ۴۸۱.

۴. بیانات معظم له در جمع دانشجویان استان قم، سال ۱۳۸۹.

مَنْ تَفَكَّرَ أَبْصَرَ^۱ فَأَمَّا الْبَصِيرُ مِنْ سَمْعِ فَتَفَكَّرَ^۲

هرکس بیندیشد، بصیرت یابد. همانا بصیر کسی است که می شنود و تفکر می کند.
فقه و درک عمیق از معارف دینی نیز منجر به کسب بصیرت می شود؛ چنانکه امام کاظم علیه السلام فرمودند:

تَفَقَّهُوا فِي دِينِ اللَّهِ فَإِنَّ الْفِقْهَ مِفْتَاحُ الْبَصِيرَةِ وَتَمَامُ الْعِبَادَةِ^۳

در دین خدا فقیه و دانا شوید؛ زیرا فقه کلید بصیرت است.

طبق این روایات، کسب بصیرت از یک سو نیازمند تفکری ژرف و از سوی دیگر، وابسته به آگاهی عمیق از معارف دین است و روشن است که رسیدن به چنین بصیرت عمیقی آسان نیست. بنابراین اگر در کوران فتنه های آخرالزمان سرگشته ماندیم، بهترین راه، رجوع به رهبر جامعه اسلامی به عنوان فقیه باتقوا و بصیری است که می تواند چراغ راه امت اسلامی باشد.

۴. دشمن شناسی

یکی از ابعاد مهم بینش اسلامی، اعتقاد به وجود دشمنانی سرسخت در مسیر کمال آدمی است. قرآن کریم و روایات معصومین علیهم السلام این دشمنان را به مؤمنین شناسانده و ایشان را از گرفتار شدن در دام آن ها بر حذر داشته اند. امام علی علیه السلام در این باره می فرماید:

مَنْ نَامَ عَنْ عَدُوِّهِ انْتَهَتْهُ الْمَكَايِدُ^۴

هرکس از دشمن خود غافل شود، دسیسه ها او را به خود می آورد.

شناخت دشمن، اولین گام برای در امان ماندن از خطر اوست. اصلی ترین دشمنانی که آیات و روایات ما را از آن ها بر حذر داشته اند عبارت اند از: شیطان، هوای نفس، کفار و منافقین. هدف اصلی همه ی این دشمنان، گرفتن دین و ایمان از مؤمنین است.

قرآن کریم تصریح کرده که دشمنی و جنگ کفار با مؤمنین در واقع جنگی عقیدتی است و آنان در پی نابودی دین و به کفر کشاندن مسلمانان هستند:

۱. بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۲۱۶.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۵۳.

۳. بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۲۴۷.

۴. غرر الحکم و درر الکلم، ص ۶۳۰.

«لَا يَزَالُونَ يَقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَاعُوا وَمَنْ يَرْتَدِدْ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَيَمُتْ وَهُوَ كَافِرٌ فَأُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ»^۱
 کفار پیوسته با شما می‌جنگند تا اگر بتوانند شما را از دینتان برگردانند و هر کس از شما که از دینش برگردد و در حال کفر بمیرد، همه‌ی اعمال گذشته او در دنیا و آخرت برباد می‌رود.

همچنین قرآن کریم به دشمنی شیطان با انسان تصریح کرده است:

«إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا»^۲

به درستی که شیطان دشمن شماست، پس او را دشمن بدانید.

رسول اکرم ﷺ نیز هوای نفس را بزرگ‌ترین دشمن انسان دانسته و فرموده است:

أَعْدَى عَدُوِّكَ نَفْسُكَ الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيْكَ^۳

دشمن‌ترین دشمنان تو هوای نفس توست که میان دو پهلویت می‌باشد.

مبرهن است که مواجهه با دشمنی که هم ناشناس است و هم از سلاح متعارف استفاده نمی‌کند، از جنگ و رویارویی نظامی سخت‌تر است و نیاز به بصیرت بیش‌تری دارد.^۴

ب. راهکارهای اخلاقی

خصلت‌های نیک و ارزش‌های اخلاقی از دو جهت حائز اهمیت‌اند؛ اول اینکه سرچشمه رفتار موحدانه و دین‌داری عملی هستند و دوم آنکه برخی از آنان در قالب واجبات و مستحبات، بخشی از تکالیف شرعی محسوب می‌شوند. در اینجا به برخی از اوصاف اخلاقی که آراسته شدن به آن‌ها برای حفظ دین در آخرالزمان ضروری است می‌پردازیم:

۱. تقوا

خویش‌انداری یا تقوا، یکی از صفات نیکوی اخلاقی است که به صورت یک نیروی درونی، انسان را از انجام گناه و معصیت باز می‌دارد. از امام صادق (ع) درباره‌ی معنای تقوا پرسیدند، ایشان فرمود:

۱. سوره بقره، آیه ۲۱۷.

۲. سوره فاطر، آیه ۶.

۳. بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۳۶.

۴. برای اطلاع بیشتر رک: موقعیت آخرالزمانی شیعیان. اسماعیل شفیعی سروستانی.

تقوا این است که خداوند تورا در جایی که فرمان داده غایب نبیند و در جایی که نهی کرده است حاضر نبیند.^۱

رهبر معظم انقلاب علیه السلام درباره‌ی مفهوم تقوا می‌فرماید:

تقوا یعنی به هوش بودن و دائم مراقب خود بودن.^۲ تقوا یعنی مواظب باشید هر عملی که از شما سر می‌زند، منطبق بر مصلحتی باشد که خدای متعال برای شما در نظر گرفته است. تقوا چیزی نیست که کسی بتواند يك لحظه آن را رها کند. اگر رها کردیم، جاده لغزنده است، دژه عمیق است؛ خواهیم لغزید و سقوط خواهیم کرد.^۳

افراد متقی و کسانی که اهل دقت و توجه در مسائل معنوی هستند، به شدت مراقب تمامی رفتارها و گفتارهای خود هستند و از هرگونه گفتار یا حرکتی که منجر به سقوط در سراشیبی گناه شود پرهیز می‌کنند و با احساس حضور شیطان، فوراً از آن مکان حقیقی یا مجازی فاصله می‌گیرند؛ همان‌گونه که خداوند می‌فرماید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ﴾^۴

کسانی که پرهیزگاری می‌کنند، هرگاه از شیطان وسوسه‌ای به آن‌ها برسد، خدا را یاد می‌کنند؛ زیرا مردمی صاحب بصیرت‌اند.

از آنجا که در آخرالزمان خطر بی‌دینی شدید است، منتظران باید برای حفظ ایمان خود، به مهارت خویشنداری و کنترل خواسته‌های نفسانی دست یابند؛ چنانکه امام صادق علیه السلام مردم دوران غیبت را به طور خاص به تقوا و دین‌داری سفارش فرموده‌اند:

إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةً فَلْيَتَّقِ اللَّهَ عَبْدٌ وَلْيَتَمَسَّكْ بِدِينِهِ؛^۵

برای صاحب الامر غیبتی است و باید هر بنده‌ای تقوا پیشه کند و متمسک به دین خود باشد.

قرار گرفتن در فضاهاى معنوی، دوستی با اهل تقوا، تقویت اراده و دوری از محیط‌هایی که

۱. بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۲۸۵.

۲. بیانات معظم له در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۷۵/۱۰/۲۸.

۳. همان، ۱۳۷۲/۱۲/۱۳.

۴. سوره اعراف، آیه ۲۰۱.

۵. الغیبة، نعمانی، ص ۱۶۹.

احتمال آلودگی در آنجا بیشتر است، از جمله راهکارهایی است که می‌تواند مهارت تقوا و خویشتنداری را افزایش دهد.

۲. صبر

یکی از صفات پسندیده اخلاقی، صبر و مقاومت نفس در برابر بلاها، سختی‌ها و فشارهاست. درباره‌ی اهمیت صبر، از امام زین العابدین علیه السلام نقل شده است که فرمودند:

الصَّبْرُ مِنَ الْإِيمَانِ بِمَنْزِلَةِ الرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ وَلَا إِيْمَانُ لِمَنْ لَا صَبْرَ لَهُ؛^۱

صبر نسبت به ایمان، مانند سراسر است نسبت به بدن، و هر که صبر ندارد ایمان ندارد.

خداوند در قرآن کریم، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را به صبر سفارش کرده و موفقیت ایشان در وظیفه‌ی خطیر رسالت را در گرو رعایت صبر برشمرده است:

﴿فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ وَلَا تَسْتَعْجِلْ﴾؛^۲

بسان پیامبران اولوالعزم صبر نما و عجله نکن.

در دوران آخرالزمان که پیروی از هواهای نفسانی محوریّت می‌یابد و زرق و برق زندگی مادی چشم‌ها را پر می‌کند و دین‌فروشی رونق می‌گیرد، صبر بر دین‌داری و پافشاری بر انجام فرمان الهی، همچون شنا کردن در جهت خلاف جریان آب، صبر و استقامت بالایی می‌طلبد؛ اما پاداشی بس بزرگ دارد و منتظران حقیقی را به مقامات والای بهشتی نائل خواهد کرد.^۳

امام صادق علیه السلام در این باره نقل کرده‌اند:

رسول خدا صلی الله علیه و آله به اصحاب خود فرمود: «پس از شما کسانی می‌آیند که يك نفر از آنان، پاداش پنجاه نفر از شما را خواهد داشت.» اصحاب گفتند: ای رسول خدا! ما در جنگ بدر و احد و حنین با تو بودیم و قرآن در میان ما نازل شده است! حضرت فرمود: «اگر سختی‌هایی که به ایشان می‌رسد، به شما رسد، صبر آنان را ندارید.»^۴

امام حسین علیه السلام نیز فرمودند:

۱. الکافی، ج ۳، ص ۲۲۹.
 ۲. سوره احقاف، آیه ۳۵.
 ۳. «أُولَئِكَ يَجْزُونَ الْعُقُوبَةَ بِمَا صَبَرُوا وَيُلْقُونَ فِيهَا نَحِيَةً وَ سَلَامًا * خَالِدِينَ فِيهَا حَسَنَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا». سوره فرقان، آیات ۷۵ و ۷۶.
 ۴. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۳؛ الکافی، ج ۸، ص ۳۷؛ مکیال المکارم، ج ۲، ص ۲۹۰.

لَهُ غَيْبَةٌ يُرْتَدُّ فِيهَا أَقْوَامٌ وَيُثْبِتُ فِيهَا عَلَى الَّذِينَ آخَرُونَ فَيُؤْذُونَ وَيَقَالُ لَهُمْ: «مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ»، أَمَّا إِنَّ الصَّابِرِينَ فِي غَيْبَتِهِ عَلَى الْأَذَى وَالتَّكْذِيبِ بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِ بِالسَّيْفِ بَيْنَ يَدَي رَسُولِ اللَّهِ؛^۱

برای مهدی عج غیبتی است که اقوامی در آن از دین خارج شوند و گروهی بر دین ثابت قدم می‌مانند و آزار و اذیت می‌کشند. به آن‌ها گفته می‌شود: «این وعده (ظهور) چه وقت عملی می‌شود، اگر راست می‌گویید؟» بی‌تردید صبرکننده در برابر آزار و تکذیب مخالفان، به منزله‌ی کسی است که با شمشیر در رکاب رسول خدا ص جهاد کرده است.

هم‌چنین امام رضا ع فرمودند:

مَا أَحْسَنَ الصَّبْرَ وَاسْتِظَارَ الْفَرَجَ؛^۲

چقدر صبر و انتظار برفرج نیکوست!

۳. استقامت

نیل به هر آرمان و آرزوی بلندی، نیازمند همت و تلاش، استقامت، پایداری و ثبات قدم است. حفظ دین و دستیابی به معنویت نیز بدون استقامت و ثبات قدم ممکن نیست. منتظر راستین باید بر باورها و اعتقادات خود محکم و استوار بایستد و در مقابل کنایه‌ها، تهدیدها، تمسخرها و کم‌لطفی‌ها استقامت ورزد و ایمان خود را فدای خوشحالی یا رضایت دیگران ننماید؛ چراکه کسب رضایت ائمه ع به ویژه امام زمان ع با هیچ چیزی قابل مقایسه و معاوضه نیست.

امام سجاد ع در این رابطه می‌فرماید:

مَنْ ثَبَتَ عَلَى مُوَالَاتِنَا فِي غَيْبَةِ قَائِمِنَا، أَعْطَاهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ أَجْرَ أَلْفِ شَهِيدٍ، مِنْ شُهَدَاءِ بَدْرٍ وَ أُحُدٍ؛^۳

هرکس در زمان غیبت قائم ما بر ولایت ما پابرجا و استوار باشد، خداوند مئان به او پاداش هزار شهید از شهدای بدر و احد عنایت می‌فرماید.

امام حسن عسکری ع نیز فرمود:

۱. کمال الدین، ج ۱، ص ۴۳۷.

۲. همان، ج ۲، ص ۶۴۵؛ تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۰.

۳. کمال الدین، ج ۱، ص ۳۲۳.

وَاللّٰهُ لَيَغِيْبَنَّ غِيْبَةً لَا يَنْجُو فِيْهَا مِنْ الْمَلَكََةِ اِلَّا مَنْ تَبَتَّهٗ اللّٰهُ عَزَّوَجَلَّ عَلٰى الْقَوْلِ بِاِمَامَتِهِ وَوَفَّقَهُ
لِلدُّعَاءِ بِتَعْجِيْلِ فَرْجِهٖ^۱

به خدا سوگند که او غیبتی طولانی می‌کند و در آن دوران هیچ‌کس از هلاکت نجات
نمی‌یابد، مگر کسی که خدای عزوجل او را بر قول به امامت آن حضرت ثابت بدارد و او
را بر دعای تعجیل فرج موفق بدارد.

شاید به همین سبب است که امام صادق (ع) در وصف یاران امام زمان (عج) می‌فرمایند:

رِجَالٌ كَاَنَّ قُلُوْبَهُمْ زُبُرُ الْحَدِيْدِ لَا يَشُوْبُهَا شَكٌّ فِي ذَاتِ اللّٰهِ اَشَدُّ مِنَ الْحَجَرِ^۲

آنان مردمی هستند که گویا دل‌هایشان پاره‌های آهن است و هیچ تردیدی در ذات
خداوند ندارند و از سنگ سخت‌ترند.

۴. محبت به خدا

دوستی با خداوند و محبت واقعی به او از اوصافی است که می‌تواند ضامن حفظ دین در دوران
آخرالزمان باشد؛ چرا که مهم‌ترین شاخصه‌ی مؤمنین، محبت به خداوند است. قرآن کریم در وصف
مؤمنان می‌فرماید:

﴿وَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا اَشَدُّ حُبًّا لِلّٰهِ﴾^۳

آنان که ایمان آورده‌اند، عشق و محبتشان به خدا شدیدتر است.

اگر محبت انسان به غیر خدا بر محبت او به خدا غلبه کند، منجر به پیروی از هوای نفس و در
نتیجه، گرفتاری در فتنه‌ها خواهد شد. از مهم‌ترین راه‌های زیاد شدن محبت انسان به خداوند،
توجه به نعمات الهی و ادای شکر آن‌هاست.

ج. راهکارهای عملی

در صورت کوتاهی در عمل به دستورات دینی، خطر از بین رفتن اعتقادات و خروج از دین جدی
است؛ چنان که قرآن کریم فرموده است:

﴿مُّمَّ كَاَنَّ عَاقِبَةُ الَّذِيْنَ اَسَاءُوا الشُّوْاۗى اَنْ كَذَّبُوْا بِآيَاتِ اللّٰهِ وَكَانُوْا بِهَا يَسْتَهْزِئُوْنَ﴾^۴

۱. همان، ج ۲، ص ۲۶۰.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.

۳. سوره بقره، آیه ۱۶۵.

۴. سوره روم، آیه ۱۰.

سپس سرانجام کسانی که اعمال بد مرتکب شدند، به جایی رسید که آیات خدا را تکذیب کردند و آن را به مسخره گرفتند.

بنابراین همان طور که بی اعتقادی به اصول، دین را تباه می‌کند، آفت گناه و کوتاهی کردن در انجام احکام شرعی نیز کم‌کم به ریشه دین یعنی عقاید، نفوذ کرده و آن را می‌خشکاند. رابطه دوسویه ایمان و عمل در تثبیت و تقویت دین نقش بسزایی دارد؛ یعنی همان طور که تفکر و مطالعه و تقویت اعتقادات، منجر به اشتیاق به بندگی و انجام خالصانه اعمال عبادی می‌شود، انجام اعمال صالح و ترک گناه نیز بنیان‌های دینداری را استحکام می‌بخشد و مراتب ایمان را بالا می‌برد. اساساً ثمره‌ی شناخت دین و ایمان به معارف آن، رفتار موحدانه و دینداری عملی است. در ادامه به برخی از احکام که در حفظ دین مؤثرتر هستند اشاره می‌کنیم.

۱. رجوع به عالمان دین

دوران آخرالزمان، دوران گسترش آراء و افکار پراکنده و مختلف است. صدها نظریه، تفکر و عقیده در موضوعات مختلف، اعم از معرفت‌شناسی، ادیان و عرفان، انسان‌شناسی، حقوق، اخلاق، سیاست و... از سوی افراد مختلف ترویج می‌شود که علاوه بر شبهه‌افکنی، نظر حق را پنهان و طالبان حقیقت را گمراه می‌کند. در این میان، مؤمنین باید به دنبال سخن هدایت‌شدگان باشند؛ چراکه امام علی علیه السلام می‌فرماید:

مَنْ يَطْلُبُ الْهُدَايَةَ مِنْ غَيْرِ أَهْلِهَا يَضِلَّ^۱

کسی که به دنبال هدایت است، اگر آن را از نااهل طلب کند، گمراه می‌شود.

مهم‌ترین و اصلی‌ترین سفارش معصومین علیهم السلام برای حفظ دین و خروج از تاریکی فتنه‌ها و آشنایی با احکام و آموزه‌های دینی در دوران غیبت، رجوع به فقهای واجد شرایط و تقلید از آنهاست؛^۲ چنانکه اسحاق بن یعقوب از امام مهدی علیه السلام درباره تکلیف شیعیان در دوران غیبت کبری پرسید و

۱. غررالحکم و درر الکلم، ص ۶۱۹.

۲. امام حسن عسکری علیه السلام درباره‌ی فقیهان راستین، ویژگی‌های آن‌ها و مسئولیت جامعه در برابر آن‌ها فرموده است: «وَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَائِنًا لِنَفْسِهِ، حَافِظًا لِدِينِهِ، مُخَالِفًا لِهَوَاؤِهِ، مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ فَلِلْعَوَامِ أَنْ يَقْلُدُوهُ؛ و اما هر یک از فقیهان که بر نفس خود مسلط باشند و دین خود را حفظ کنند و با هوای نفس خود مخالفت ورزند و امر خدا را اطاعت کنند، بر همگان واجب است که از او تقلید نمایند». (وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۳۱).

توقیع ذیل در پاسخ به او صادر شد:

وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَقْعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَايَةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ؛^۱

و اما در پیشامدهایی که برای شما رخ می دهد، باید به راویان اخبار ما (دانشمندان علوم دینی) رجوع کنید. ایشان حجت من بر شما هستند و من حجت خدا بر آنان هستم.

رجوع به علمای راستین به عنوان ناخدای کشتی هدایت در دوران غیبت، تنها راه اطمینان بخش برای حفظ دین است؛ چنان که امام هادی علیه السلام در این باره می فرمایند:

اگر در زمان غیبت قائم علیه السلام علمایی نباشند که دعوت کننده و دلالت کننده به سوی او باشند و با براهین الهی از او دفاع کنند، همه ی مردم از دین خدا دست کشیده و مرتد خواهند شد. لکن علما کسانی هستند که زمام قلوب شیعیان ما را در دست داشته و مهار می کنند؛ همچون ناخدای کشتی که سکان آن را در دست دارد.^۲

از آنجا که هدایت شیعیان در دوران غیبت کبری، از سوی حضرت مهدی علیه السلام به نواب عام سپرده شده است، ولایت فقها در راستای ولایت آن امام، سخن آن ها سخن امام، اطاعتشان واجب و مخالفتشان حرام است. بر این اساس، در هر عصر، فقیه شاخصی که صفات و مشخصات او با ضابطه های بیان شده در کلام ائمه علیهم السلام تطبیق داشته باشد، نایب امام شناخته می شود و به نیابت از او در امر دین و دنیا سرپرست جامعه خواهد بود.

۲. اقامه نماز

یکی از اصلی ترین دستورات عملی دین، برپا داشتن نماز است. جایگاه و اهمیت نماز بر دین داران و خدا باوران پوشیده نیست. نماز در ایجاد و تثبیت هویت دینی نقش مهمی دارد و از چنان کارکردی برخوردار است که می تواند انسان را از آفات و خطرات معنوی حفظ نماید؛ چنان که قرآن کریم تصریح کرده است:

۱. الغیبة، شیخ طوسی، ص ۲۹۰؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۳.

۲. الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۱، ص ۱۸.

﴿إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ﴾^۱

نماز انسان را از زشتی‌ها و گناه باز می‌دارد.

امام صادق علیه السلام نیز در بیانی به این قابلیت نماز اشاره فرموده است:

هرکس دوست دارد بداند نمازش قبول شده یا نه، ببیند که آیا نمازش او را از گناه و

زشتی باز داشته است یا نه؟ پس به هر قدر که نمازش او را از گناه باز داشته، به همان

اندازه نمازش قبول شده است.^۲

نماز در میان آموزه‌های دینی جایگاه ویژه‌ای دارد؛ به گونه‌ای که پس از اقرار به دین، رأس اسلام

است،^۳ هرکس آن را ترک کند، دین خود را خراب کرده^۴ و پذیرفته شدن سایر اعمال در گروی

پذیرفته شدن آن است.^۵

نماز از یک سو معنویت انسان و هویت دینی او را کامل می‌سازد و از سوی دیگر با دور کردن

شیطان از انسان،^۶ به مبارزه با آفات دین‌داری و زدودن وسوسه‌های شیطانی کمک می‌کند که

نتیجه آن، تقویت ایمان و حراست از دین خواهد بود. به همین جهت است که امام زمان علیه السلام به

شیعیان و منتظران خود چنین سفارش فرموده‌اند:

مَا أَرْغَمُ أَثْفُ الشَّيْطَانِ بِشَيْءٍ أَفْضَلَ مِنَ الصَّلَاةِ، فَصَلِّهَا وَأَرْغَمُ أَثْفُ الشَّيْطَانِ؛^۷

بهترین چیز برای به خاک مالیدن بینی شیطان، نماز است. پس نماز بخوان و بینی

شیطان را به خاک بمال.

آنچه نماز را زیباتر و کارآتر خواهد کرد، این است که اول وقت، در مسجد، به جماعت و با حضور

قلب خوانده شود؛ چنانکه امیرالمؤمنین علیه السلام سفارش فرموده‌اند:

نماز را در وقت خودش به جای آر؛ نه اینکه در بیکاری زودتر از وقتش بخوانی و به

۱. سوره عنکبوت، آیه ۴۵.

۲. بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۰۵.

۳. «وَلْيَكُنْ أَكْثَرُ هَيْكَلِ الصَّلَاةِ فَإِنَّهَا رَأْسُ الْإِسْلَامِ بَعْدَ الْإِقْرَارِ بِالْإِسْلَامِ». (همان، ج ۷۴، ص ۱۲۸)

۴. «الصَّلَاةُ عَمُودُ الدِّينِ فَمَنْ تَرَكَهَا فَقَدْ هَدَمَ الدِّينَ». (شرح نهج البلاغة، ابن ابی الحدید، ج ۱۰، ص ۲۰۶)

۵. «أَوَّلُ مَا يَخَاسِبُ بِهِ الْعَبْدُ عَلَى الصَّلَاةِ فَإِذَا قُبِلَتْ قُبِلَ مِنْهُ مَا يُرْغَمُ عَلَيْهِ». (من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۰۸)

۶. پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: «تا وقتی که آدمی نمازهای پنجگانه خویش را به وقت خود بگذارد، شیطان از او ترسان و گریزان است و چون

نمازها را تباه کند، شیطان بر او دست می‌یابد و او را در گناهان بزرگ می‌کشاند». (الکافی، ج ۳، ص ۲۶۹)

۷. کمال الدین، ص ۵۲۰؛ وسائل الشیعة، ج ۴، ص ۲۳۶.

هنگام مشغله و کار، تأخیر بیندازی. و بدان که تمام کردار خوبت تابع نمازت است.^۱

۳. دعا و درخواست از خدا

یکی از راه‌های مهم حفظ و حراست از ایمان در مقابل آسیب‌ها و فتنه‌های آخرالزمان، دعای خالصانه به درگاه خدای متعال و طلب نجات و گشایش است؛ چرا که خداوند در قرآن کریم، مردم را به دعا کردن امر فرموده و به ایشان وعده اجابت داده است:

﴿ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ﴾^۲

بخوانید مرا تا شما را اجابت نمایم.

در پرتو دعا، باب رحمت الهی گشوده می‌شود و باران لطف او بر انسان می‌بارد. دعا و تضرع به درگاه الهی، سبب افزایش قابلیت و شایستگی انسان و دریافت فیوضات و الطاف الهی می‌شود و دل و جان را به نور معرفت صفا می‌بخشد.

قرائت دعا‌های رسیده از معصومین علیهم‌السلام انسان را با دریایی از معارف به ویژه در عرصه‌ی امامت آشنا می‌کند. هر اندازه که خواندن دعا با دقت و تدبر بیشتری همراه شود، معرفت و شناخت عمیق‌تری حاصل، و در نتیجه، عقاید و ایمان انسان بیشتر تقویت می‌شود. این جاست که دیگر هیچ نیروی شیطانی نمی‌تواند منتظر راستین را از جاده حقیقت جدا کند. او کاملاً در برابر آسیب‌ها، آفات و هجمه‌های اعتقادی و فرهنگی بیمه می‌شود و باورهایش به دژی تسخیرناپذیر تبدیل می‌گردد. زمزمه این دعاها که خود نشانه‌ای از توجه خداوند به انسان است، منتظر را گام به گام پیش می‌برد و او را برای حضور در صف انصار حضرتش آماده می‌کند؛ از این رو یکی از دعا‌های منتظران حقیقی این است:

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِيْ مِنْ اَنْصَارِهِ وَاَعْوَانِهِ وَالذَّائِبِيْنَ عَنْهُ وَاَلْمُسَارِعِيْنَ اِلَيْهِ فِيْ قَضَاءِ حَوَائِجِهِ وَاَلْمُسْتَسْتَلِيْنَ لِاَوَامِرِهِ وَاَلْمُحَامِيْنَ عَنْهُ وَاَلْسَّابِقِيْنَ اِلَى اِرَادَتِهِ وَاَلْمُسْتَشْهَدِيْنَ بَيْنَ يَدَيْهِ^۳

خدایا! مرا از یاران او، از کمک‌کاران او، از دفاع‌کنندگان او، از شتابندگان به سوی او در برآورده کردن حوائجش، از فرمانبران اوامرو، از حمایت‌کنندگان از او، از پیشروان در

۱. نهج البلاغه، نامه ۲۷.

۲. سوره غافر، آیه ۶۰.

۳. مفاتیح الجنان، دعای عهد.

انجام اراده او و از شهیدان در رکابش قرار بده!

دعا و درخواست از خدا در هر زمینه‌ای خوب و ارزشمند است؛ اما در دوران غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف دعا کردن برای چهار موضوع، ضرورت و اهمیت ویژه‌ای دارد:

۱-۳. دعا برای سلامتی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف:

یکی از دعا‌های مشهور، دعای سلامتی حضرت است که با «اللهم کن لولیک...» آغاز می‌شود. از آنجا که حضرت هیچ ابراز محبتی از سوی منتظرانش را بی‌پاسخ نمی‌گذارد، امید است که التزام به خواندن این دعا، خصوصاً در قنوت یا تعقیبات نماز، ما را مشمول دعای آن امام و نجات از فتن آخرالزمان گرداند.

۲-۳. دعا برای تعجیل در فرج حضرت:

در روایات معصومین علیهم السلام دعا برای فرج امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان یکی از عوامل نجات انسان‌ها در دوران غیبت مطرح شده است؛ چنانکه امام حسن عسکری علیه السلام فرمود:

وَاللّٰهُ لِيَغِيْبَنَّ غِيْبَةً لَا يَنْجُو فِيْهَا مِنْ الْهَلَكَةِ اِلَّا مَنْ... وَفَقَّهُ لِلدُّعَاءِ بِتَعْجِيْلِ فَرَجِهِ؛^۱

در دوران غیبت کسی از هلاکت نجات نمی‌یابد، مگر آن که خدای عزوجل او را بر اعتقاد به امامت آن حضرت ثابت بدارد و او را بر دعا برای تعجیل در فرجش موفق بدارد.

خود امام زمان علیه السلام نیز در موارد متعددی شیعیان را به دعا برای فرج خویش توصیه کرده است. به عنوان مثال، آن حضرت در پایان توقیع به جناب اسحاق بن یعقوب می‌فرماید:

وَأَكْثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيْلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ؛^۲

برای تعجیل در فرج، زیاد دعا کنید که همانا آن فرج شماست.

۳-۳. دعا برای معرفت یافتن نسبت به حضرت:

در روایتی نقل شده است که امام صادق علیه السلام به توصیف فضای شبهه‌آلود دوران غیبت پرداختند و پس از آن، شیعیان را توصیه کردند که در صورت درک آن دوران، به خواندن این دعا مداومت کنند:

۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۳۸۴.

۲. همان، ص ۳۶۱.

اَللّٰهُمَّ عَرِّفْنِيْ نَفْسَكَ فَاِنَّكَ اِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِيْ نَفْسَكَ لَمْ اَعْرِفْ نَبِيَّكَ اَللّٰهُمَّ عَرِّفْنِيْ رَسُوْلَكَ فَاِنَّكَ اِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِيْ رَسُوْلَكَ لَمْ اَعْرِفْ حُجَّتَكَ اَللّٰهُمَّ عَرِّفْنِيْ حُجَّتَكَ فَاِنَّكَ اِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِيْ حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِيْنِيْ.^۱

۳-۴. دعا برای حفظ و ثابت ماندن در دین:

عبدالله بن سنان از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که آن حضرت فرمودند: به زودی شبهه ها شما را احاطه می کند و بدون پیشوای هدایت می مانید. کسی از آن شبهات نجات نمی یابد، مگر آنکه دعای غریق را بخواند و بگوید: «یا الله یا رحمان یا رحیم یا مُقَلِّبِ الْقُلُوْبِ ثَبِّتْ قَلْبِيْ عَلٰی دِيْنِكَ».^۲

۴. توسل و تمسک به اهل بیت علیهم السلام

امیرمؤمنان علیه السلام در خطبه پنجم نهج البلاغه می فرماید: أَيْهَا النَّاسُ سُقُّوا أَمْوَاجَ الْفِتَنِ بِسُفُنِ النَّجَاةِ؛ ای مردم! موج های فتنه را با کشتی های نجات بشکافید و درهم بشکنید. وقتی صحبت از کشتی می شود، ناخودآگاه ذهن بسیاری از دین داران و کسانی که با آیات قرآن انس دارند، به کشتی حضرت نوح علیه السلام و ماجراهای فراوان آن معطوف می شود. قرآن کریم درباره نوح علیه السلام و یاران مؤمنش فرمود: «فَأَنْجَيْنَاهُ وَأَصْحَابَ السَّفِينَةِ»؛^۳ ما او و اصحاب کشتی را رهایی بخشیدیم. از این رو، سنت الهی بر نجات کسانی تعلق گرفته است که سوار بر کشتی مورد تأیید الهی شوند. بی تردید، یکی از این کشتی ها، سفینه اهل بیت علیهم السلام است؛ چنان که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: نَحْنُ سَفِينَةُ النَّجَاةِ، مَنْ تَعَلَّقَ بِهَا نَجَّى وَمَنْ حَادَ عَنْهَا هَلَكَ؛^۴

۱. خدایا! خودت را به من شناسان؛ زیرا اگر خود را به من شناسانی فرستاده ات را شناخته ام. خدایا! فرستاده ات را به من شناسان؛ زیرا اگر فرستاده ات را به من شناسانی، حجتت را شناخته ام. خدایا! حجتت را به من شناسان؛ زیرا اگر حجتت را به من شناسانی، از دین خود گمراه می شوم. (همان، ص ۳۴۲: الغیبة، نعمانی، ص ۱۶۶).

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۴۸.

۳. سوره عنکبوت، آیه ۱۵.

۴. الغدير، ج ۲، ص ۳۰۰.

ما کشتی نجاتیم، هر کس با ما باشد نجات می‌یابد و هر کس از ما روی گرداند هلاک می‌شود.

همان طور که در ماجرای طوفان نوح علیه السلام تنها کسانی که خود را به کشتی رساندند و به آن پناه آوردند، نجات یافتند، در طوفان فتنه‌های آخرالزمان نیز متوسلین و متمسکین به کشتی نجات اهل بیت علیهم السلام نجات می‌یابند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به صراحت فرمودند:

إِنَّمَا مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي فِيكُمْ كَمَثَلِ سَفِينَةِ نُوحٍ مَنْ دَخَلَهَا نَجَّى، وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ؛^۱

مثَل اهل بیت من در میان شما مانند کشتی حضرت نوح علیه السلام است، هر کس به این کشتی داخل شود نجات می‌یابد، و هر کس از آن دوری و تخلف ورزد، غرق و نابود می‌شود.

بنابراین هر کس برای حفظ ایمان خود در آخرالزمان، به سنت و سبک زندگی برگزیدگان الهی تمسک جوید و از آن‌ها پیروی کند، نجات می‌یابد و هر کس از آن‌ها اعراض کند، در گمراهی‌ها غرق می‌شود؛ همان گونه که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

مَنْ رَكِبَ غَيْرَ سَفِينَتِنَا غَرِقَ؛^۲

هر کس بر کشتی‌ای غیر از کشتی ولایت ما سوار شود، غرق خواهد شد.

۵. تولی و تبری

از دیگر گام‌های مهم برای حفظ دین و باقی ماندن در سلک منتظران آخرین حجت الهی، اهتمام به یکی از بنیان‌های فکری تشیع یعنی تولی و تبری است. «تولی» به معنای مهرورزی به خدا و دوستان خدا و «تبری» به معنای بیزاری جستن از دشمنان خدا، جزئی از پایه‌های دین محسوب می‌شوند. طبق این دو اصل مهم و اساسی، ما موظفیم که دوستان خدا را دوست بداریم و با دشمنان خدا دشمنی کنیم و به تعبیر دیگر، «حُبِّ فی الله» و «بَغْضِ فی الله» داشته باشیم.

این دستور به قدری مهم است که در آیات و روایات، به عنوان نشانه ایمان معرفی شده است و در صورت ملزم نبودن به آن، بقیه‌ی اعمال، بی‌حاصل و غیرمقبول خواهند بود.^۳ امام صادق علیه السلام دین

۱. رک: الأمالی، شیخ طوسی، ص ۳۴۹؛ تحف العقول، ص ۱۱۳؛ مستدرک الصحیحین، ج ۷، ص ۴۳۲.

۲. غرر الحکم، ج ۵، ص ۱۸۴.

۳. پیام قرآن، ج ۱، ص ۳۶۵.

را مساوی با تولی و تبری خوانده^۱ و فرموده‌اند:

مِنْ أَوْثَقِ عُرَى الْإِيمَانِ أَنْ يَحِبَّ فِي اللَّهِ وَيَبْغِضَ فِي اللَّهِ وَيُعْطِيَ فِي اللَّهِ وَيَمْنَعَ فِي اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ؛
محکم‌ترین دستگیره‌های ایمان این است که برای خدا دوست بداری، و برای خدا
دشمن بداری، و برای خدا ببخشی، و برای خدا دریغ داری.^۲
براین اساس، یکی از مؤثرترین راهکارهای حفاظت از دین در آخرالزمان، تولی و تبری عملی است؛
چنان‌که رسول خدا ﷺ درباره وظایف منتظران و شیوه برخورد آنان با دوستان و دشمنان دین
فرمودند:

طُوبَى لِمَنْ أَذْرَكَ قَائِمَ أَهْلِ بَيْتِي وَهُوَ مُقْتَدٍ بِهِ قَبْلَ قِيَامِهِ يَتَوَلَّى وَلِيَّهُ وَيَتَبَرَّأُ مِنْ عَدُوِّهِ وَيَتَوَلَّى
الْأَيُّمَةَ الْهَادِيَةَ مِنْ قَبْلِهِ أُولَئِكَ رُفَقَائِي وَذُؤُورُؤْدَى وَمَوَدَّتِي وَأَكْرَمُ أُمَّتِي عَلَيَّ؛^۳

خوشا به حال کسی که قائم اهل بیتم را درک کند، در حالی که پیش از ظهورش پیرو او
بوده، دوستانش را دوست می‌داشته، از دشمنانش بیزاری می‌جسته و امامان پیش از
او را سرپرستان خود می‌دانسته است. آنان رفقا، دوستداران و بزرگوارترین امتم برای من
هستند.

امام کاظم علیه السلام نیز از جمله وظایف مهم منتظران در زمان غیبت را تولی و تبری دانسته و فرموده
است:

طُوبَى لِشِيعَتِنَا الْمُتَمَسِّكِينَ بِحَبْلِنَا فِي غَيْبَةِ قَائِمِنَا الثَّابِتِينَ عَلَى مُوَالَاتِنَا وَالْبَرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِنَا.
أُولَئِكَ مِنَّا وَنَحْنُ مِنْهُمْ قَدْ رَضُوا بِنَا أَيْمَةً وَرَضِينَا بِهِمْ شِيعَةً فَطُوبَى لَهُمْ هُمْ وَاللَّهُ مَعَنَا فِي
دَرَجَاتِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛^۴

خوشا به حال شیعیان ما که در دوران غیبت قائم ما به رشته ولایت و دوستی ما چنگ
می‌زنند و بربرائت از دشمنان ما ثابت می‌مانند. آن‌ها از ما هستند و ما از ایشان
هستیم. آن‌ها به امامت ما خرسندند و ما از شیعه بودن آن‌ها خرسندیم. پس خوشا به
حال آن‌ها که به خدا سوگند، فردای قیامت با ما و در درجات ما هستند.

۱. «مَنْ لَمْ يَحِبَّ عَلَى الدِّينِ وَلَمْ يَبْغِضْ عَلَى الدِّينِ، فَلَا دِينَ لَهُ؛ هر که به خاطر دین، دوستی نکند و به خاطر دین، دشمنی نکند، دین
ندارد.» (الکافی، ج ۳، ص ۳۳۰).

۲. همان، ج ۲، ص ۱۲۵.

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۹.

۴. کمال الدین، ج ۲، ص ۳۶۱.

از جمله راهکارهایی که منجر به تقویت حب و بغض فی الله می شوند می توان به این موارد اشاره کرد: شرکت در مراسم مذهبی، زیارت قبور اهل بیت علیهم السلام، مداومت بر ارتباط قلبی با خاندان عترت علیهم السلام، تمسک عملی به سیره ایشان و تبلیغ و ترویج معارف دینی، به ویژه معارف مهدوی.

۶. کسب حلال

یکی از وظایف مؤمنین، اجتناب از مال حرام و تلاش برای به دست آوردن روزی حلال است. امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید:

الْمُؤْمِنُ مَنْ طَابَ مَكْسَبُهُ؛^۱

مؤمن کسی است که کسب و کارش پاک باشد.

یکی از علل اصلی مبتلا شدن به مال حرام، زیاده خواهی، قناعت نکردن و راضی نبودن به مقدار کفاف است؛ چنانکه امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

مَنْ رَضِيَ مِنَ الدُّنْيَا بِمَا يَجْزِيهِ كَانَ أَيْسَرُ مَا فِيهَا يَكْفِيهِ وَمَنْ لَمْ يَرْضَ مِنَ الدُّنْيَا بِمَا يَجْزِيهِ لَمْ يَكُنْ فِيهَا شَيْءٌ يَكْفِيهِ؛^۲

هر که از دنیا به چیزی که او را کفایت کند خشنود باشد، کمترین چیزی که در آن است او را کفایت می کند و کسی که به آن چیزی که او را کفایت می کند راضی نباشد، چیزی نیست که او را کفایت کند.

البته قناعت به معنای ترک کار و تلاش نیست؛ چرا که اسلام مؤمنین را به طلب روزی حلال تشویق کرده است. طبق روایات معصومین علیهم السلام اجر و مقام کسی که صبحگاه برای تأمین مخارج خانواده اش از خانه خارج می شود، از کسی که به سوی میدان جهاد عازم می شود، کمتر نیست.^۳ هم چنین تلاش برای تأمین مخارج خانواده از راه حلال همچون جهاد در راه خدا شمرده شده است.^۴ معصومین علیهم السلام به شیعیانشان هشدار داده اند که حسرت ثروت های جمع شده از راه حرام را نداشته باشند:

۱. الکافی، ج ۳، ص ۵۹۵.

۲. همان، ج ۲، ص ۱۴۰.

۳. «ما عُذُوَّةُ أَحَدِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَعْظَمِ مِنْ عُذُوَّتِهِ يَطْلُبُ لَوْلَاهُ وَ عِيَالَهُ مَا يَصْلَحُهُمْ». (مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۱۳)

۴. «الكَادَ عَلَى عِيَالِهِ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ». (همان، ج ۹، ص ۵۶۶)

لا يعجبك امرؤ اصاب مالا من غير حله فان أنفق منه لم يقبل منه وما بقي كان زاده الى النار^۱

کسی که از راه حرام مالی به دست می آورد، تورا به شگفتی و تحسین و اندارد؛ زیرا اگر از آن انفاق کند، از وی پذیرفته نیست و آنچه باقی گذارد، توشه وی به سوی آتش خواهد بود.

۷. استغفار و توبه

گناه ظلمت است و اگر با توبه و استغفار پاک نشود، دل را می میراند و ریشه دین را سست می کند. با توجه به شرایط سخت دوره آخرالزمان، لغزش و گناه برای بسیاری از مؤمنین رخ خواهد داد؛ ولی خداوند مهربان راه نجات را گشوده و باب توبه و استغفار را برای جبران و بازگشت به مسیر بندگی باز گذاشته است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید:

عَجِبْتُ لِمَنْ يَقْنُطُ وَمَعَهُ الْإِسْتِغْفَارُ^۲

در شگفتم از کسی که می تواند استغفار کند و ناامید است.

و می فرمایند:

التَّوْبَةُ تُطَهِّرُ الْقُلُوبَ وَ تَغْسِلُ الذُّنُوبَ^۳

توبه و پشیمانی از گناه و بازگشت به سوی حق تعالی، دل ها را پاک می گرداند و گناهان را می شوید.

بنابراین پشیمانی قلبی و استغفار کردن بعد از گناه و سعی در جبران پیامدها و آثار آن و تصمیم بر ترک آن، برای حفظ دین در آخرالزمان بسیار مؤثر است.

یادآوری

اگرچه دینداری در دوران آخرالزمان از دیگر دوره ها سخت تر است، ولی به همان مقدار ارزشمندتر و قیمتی تر است. از این رو پیامبر صلی الله علیه و آله به دینداران و مؤمنان آخرالزمان مباحثات کرده و در وصف

۱. مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۶۸.

۲. نهج البلاغه، حکمت ۸۷.

۳. غررالحکم و درر الکلم، ص ۷۳.

ایشان فرموده است:

أَعْجَبُ النَّاسِ إِيْمَاناً وَأَعْظَمُهُمْ يَقِيناً قَوْمٌ يَكُونُونَ فِي آخِرِ الزَّمَانِ لَمْ يَلْحَقُوا النَّبِيَّ وَحُجِبَ عَنْهُمْ الْحُجَّةُ فَأَمَّنُوا بِسَوَادٍ عَلَى بَيَاضٍ^۱

شگفت‌آورترین مردم در ایمان و بزرگ‌ترین آنان در یقین، مردم آخرالزمان هستند که پیغمبر را ملاقات نکرده و از امام خود محجوب‌اند، ولی به واسطه سیاهی بر سفیدی (نوشته‌های روی کاغذ)^۲ ایمان آورده‌اند.

امام سجاد (ع) نیز فرمودند:

هر کس در غیبت قائم ما بردوستی و عقیده به امامت ما ثابت قدم باشد، خدای متعال اجر هزار شهید از شهدای بدر و احد را به او عطا می‌کند.^۳

همو فرمود:

مردم زمان غیبت که به امامت امامشان معتقدند و منتظر ظهور اویند، از مردم هر زمانی برترند؛ زیرا خدای متعال عقل و فهم و معرفتی به آنها عطا می‌فرماید که در نظرشان غیبت همانند ظهور و مشاهده است. خداوند آنان را مانند مجاهدان همراه رسول خدا ﷺ که با شمشیر به جهاد برخاستند قرار داده است. آنان مخلصان و شیعیان راستین ما و داعیان به دین خدای متعال در نهان و آشکارند.^۴

اساساً نتیجه سختی‌ها و آزمایش‌های طاقت‌فرسای آخرالزمان، غربال شدن مردم و خالص گردیدن شیعیان و منتظران راستین است؛ از این رو پیامبر اعظم ﷺ می‌فرماید:

لَا تَكْرَهُوا الْفِتْنَةَ فِي آخِرِ الزَّمَانِ فَإِنَّهَا تُبِيرُ الْمُنَافِقِينَ^۵

از فتنه‌های آخرالزمان کراهت نداشته باشید، چراکه موجب نابودی منافقان خواهد شد.

آخرین نکته اینکه خبر دادن ادیان الهی از حوادث و اتفاقات هزاران سال، نشانه‌ای از حقانیت ادیان آسمانی است. این اخبار غیبی، در روایات شیعه به صورت شفاف و روشن ذکر شده و اهل بیت

۱. من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۶۶؛ الغیبه، نعمانی، ج ۱، ص ۲۸۸.

۲. منظور، آیات و روایات است.

۳. کمال الدین، ج ۱، ص ۴۳۹.

۴. الغیبه، نعمانی، ج ۱، ص ۳۱۹.

۵. کنز العمال، ج ۱۱، ص ۱۸۹.

عصمت و طهارت علیه السلام خطرهای حوادث و فتنه‌های این دوران و نیز توصیه‌ها و سفارش‌های لازم را برای منتظران و شیعیان بیان کرده‌اند که این خود از عنایات پیشوایان دین به شیعیان آخرالزمان است و باید قدردان آن بود.

پرسش‌ها

۱. بصیرت به چه معنا است و برای حفظ ایمان در آخرالزمان به چند نوع بصیرت نیاز داریم؟
۲. پیامبر گرامی خدا ﷺ فرمودند: «مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِ مَنْ دَر مِیَانِ شِمَا مَانَنْدِ کُشْتِی نُوْحٌ عَلَیْهِ السَّلَامُ اِسْت.» در مورد این تشبیه توضیح دهید.
۳. از نگاه مقام معظم رهبری ﷺ تقوا به چه معناست؟
۴. لزوم حفظ ایمان در دوران غیبت و دعا برای فرج امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) را از منظر روایات بیان کنید.
۵. ضرورت پیروی از علمای دین و رابطه آن با حفظ ایمان در آخرالزمان و دوران غیبت را توضیح دهید.

منابع مطالعاتی

۱. آخرالزمان در ادیان ابراهیمی، محمد حسین محمدی.
۲. مقالات مرتبط با موضوع در مجلات علمی- پژوهشی انتظار موعود (مرکز تخصصی مهدویت) و مشرق موعود (مؤسسه آینده روشن)

فصل چهارم:

انقلاب اسلامی ایران و آموزه مهدویت^۱

۱. حجت الاسلام امیرمحسن عرفان.

نقش انقلاب اسلامی ایران در تغییر نگرش به آموزه مهدویت

وقوع انقلاب اسلامی در ایران به رهبری امام خمینی (ره) یکی از رخداد های بزرگ نیمه ی دوم سده بیستم بود که سبب تغییرات و تحولات فراوان در کشورهای منطقه و نیز ساختار قدرت جهانی شد. این تأثیر گذاری به طور عمده در پیشبرد روند بیداری و آگاهی مسلمانان و افزایش فعالیت های مؤثر دینی در کشورهای اسلامی - به ویژه جوامع شیعی - قابل مشاهده است. انقلابی که دقیقاً بر خلاف جریان سیلاب گونه تاریخ، به پیش رفت و در عصری که دین و معنویت را در ردیف جادو و خرافات برمی شمردند، ایمان به غیب را به صحنه روزگار آورد، شایان ارزیابی و تحلیل دقیق است.

اگر آثار انقلاب اسلامی را از منظر تحولات فکری و توسعه اندیشه های دینی، اجتماعی و سیاسی مورد توجه قرار دهیم، بدون شك بارزترین اثر را در حوزه ی اندیشه های دینی مشاهده خواهیم کرد. ضرورت بررسی نقش انقلاب اسلامی در تغییر رویکرد به اندیشه مهدویت بر اهل اطلاع، پوشیده نیست. با وجود این که آموزه مهدویت، ماهیتی درس آموز دارد، در طول تاریخ، این آموزه در حیات سیاسی - اجتماعی شیعیان کم رنگ یا به عبارتی دچار تحریف و انحراف شد؛ ولی در روند انقلاب اسلامی، نگرش عمومی شیعیان به این آموزه تغییر کرد و به آموزه ای کار ساز و رهگشا تبدیل شد. شاید وقوع انقلاب اسلامی را بتوان نقطه عطفی در نظریه پردازی های اندیشمندان اسلام شناس دانست که بسیاری از آنان را به بازاندیشی در نظریه های خویش درباره ی آموزه ی مهدویت واداشت.

تعریف انقلاب اسلامی و عناصر تشکیل دهنده آن در تغییر نگرش به آموزه مهدویت

انقلاب اسلامی، عبارت است از دگرگونی بنیادی در ساختار کلی جامعه و نظام سیاسی آن، منطبق بر جهان بینی و موازین و ارزش های اسلامی و نظام امامت که بر اساس آگاهی و ایمان مردم و حرکت

پیشگام متقیان و صالحان و قیام قهرآمیز توده‌های مردم صورت می‌گیرد.^۱

این پدیده، با توجه به میزان و نوع تغییراتی که - به ویژه در داخل کشور - پدید می‌آورد، به دو نوع اجتماعی و سیاسی قابل تفکیک است. انقلاب سیاسی با تغییر حکومت بدون تغییر در ساختارهای اجتماعی همراه است؛ اما انقلاب اجتماعی عبارت است از انتقال و دگرگونی سریع و اساسی حکومت و ساختارهای اجتماع و تحول در ایدئولوژی غالب کشور.^۲

انقلاب اسلامی ایران، به گفته‌ی اندیشمندان این حوزه در شمار انقلاب‌های اجتماعی جای دارد؛ زیرا از یک سو، سبب تغییر در اساس و نوع حکومت شد و از سوی دیگر به تحول در ایدئولوژی غالب و رسمی کشور و خط‌مشی‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، در ابعاد داخلی و خارجی انجامید.

انقلاب اسلامی در چرخشی مبنایی و تحولی دوران ساز، طرح رویکردی جدید از آموزه مهدویت را سبب شد. این رویکرد که تصویرگر فهمی تازه و ارائه دهنده برداشتی نوآمد از نقش آفرینی آموزه مهدویت در جامعه بود، به امکانی برای تغییر نگرش به این آموزه تبدیل شد. عناصر این تغییر نگرش عبارتند از:

۱. امام خمینی علیه السلام در جایگاه مرجع دینی و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی و سپس متفکران و علما بیشتر از دیگران توانستند در این تغییر نگرش، تأثیر گذار باشند.
۲. جایگاه منبر در انتقال مفاهیم دینی سبب راحتی این تغییر نگرشی شده بود. بعد از انقلاب نیز رسانه‌ها در این تغییر نگرش سهم مهمی ایفا کردند.
۳. پیوند معنادار بین ظهور حضرت مهدی علیه السلام و تشکیل حکومت حق و عدل دست‌مایه‌ی نوعی فعال‌گرایی در جامعه‌ی شیعی ایران شده بود. این امر و نیز ظلم و ستم رژیم پهلوی و معرفی امام خمینی علیه السلام به نیابت عام آن حضرت، زمینه را برای پذیرش نگرش جدید آماده‌تر می‌کرد.
۴. مخاطبان این تغییر نگرش، همه‌ی شیعیان در سرتاسر جهان می‌باشند. در طول تاریخ، شیعیان در هر دوره‌ای از همه بیشتر امید و انتظار داشتند که منجی‌رهای بخش در زمان

۱. عمید زنجانی، انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن. تهران. کتاب سیاسی، ص ۲۱ و ۲۲.

۲. جمعی از نویسندگان، انقلاب اسلامی و چرایی و چگونگی رخداد آن، قم. دفتر نشر معارف، ص ۱۴.

آن‌ها قیام کند و با درهم شکستن نظام‌های فاسد، آنان را از رنج و سختی برهاند. این موج شدید مهدی‌خواهی و نجات‌طلبی، سبب پویایی و تحرك جامعه‌ی شیعی شده است.

اندیشه‌ی مهدویت پیش از انقلاب اسلامی

اندیشه‌ی مهدویت در طول تاریخ خود، دوره‌های پرفراز و فرودی را پشت سر نهاده است که هر يك از آن‌ها، بخشی از روند تکامل تاریخی این اندیشه را تشکیل می‌دهند. در هر دوره‌ای - بسته به شرایط و موقعیت‌های سیاسی اجتماعی حاکم بر جهان اسلام - بُعد یا ابعاد از فرهنگ و تاریخ شیعه، رشد و تعالی یافته است.

دوره‌ی حضور امامان علیهم‌السلام که حدود دویست و پنجاه سال به طول انجامید، در شکل‌گیری اندیشه‌ی مهدویت بیشترین تأثیر را به خود اختصاص داده است. در واقع، دستاوردهای فرهنگی این دوره که حاصل تلاش‌ها و تعلیمات امامان معصوم علیهم‌السلام بوده است، بن‌مایه‌ی آموزه‌ی مهدویت و سرمایه‌ی تشیع اصیل شد. فراوانی روایات با موضوع مهدویت و آگاهی‌هایی که از سوی امامان علیهم‌السلام انجام گرفته بود، اندیشه‌ی مهدویت را به سرعت نزد بسیاری از مسلمانان به صورت يك باور عمومی و واقعه‌ای مسلم و حتمی درآورده بود که به وقوع آن، ایمان داشتند. این امر را می‌توان از بهره‌برداری‌های منفی برخی فرقه‌های منشعب از تشیع دریافت که برای جلب توجه عمومی و جذب پیروانشان، به این مسأله تمسك جسته و بدان استناد کرده‌اند.

بازخوانی بازتاب باورداشت مهدویت در تاریخ سیاسی اسلام در روزگار غیبت امام زمان علیه‌السلام دلیل دیگری بر اصالت اسلامی و فراگیری رسوخ و اهمیت این اندیشه میان مسلمانان است؛ بنابراین می‌توان گفت موضوع منجی موعود، به مثابه‌ی يك نظریه‌ی موعودی تمام عیار و آموزه‌ای نبوی درباره‌ی موعودی آخرالزمانی و نجات‌بخش مطرح بوده و رسوخ و فراگیری نسبتاً قابل توجهی میان مسلمانان داشته است. با این حال، این رویکرد به آموزه‌ی مهدویت در دوران غیبت کبرا با کاستی‌هایی همراه بود؛ از جمله:

۱. تا پیش از انقلاب اسلامی، برداشت منفعلانه و انزواگرایانه از مفهوم انتظار، یکی از عوامل رکود و انفعال و انزواگرایی سیاسی شیعیان بود. انتظار منفی و تعطیلی حکومت مشروع، مدتی طولانی بر اندیشه‌ی اندیشور شیعه چیره گشته بود. به نظر می‌رسد تجربه‌ی تاریخی این نگاه، شیعه را به این

ذهنیت رسانده بود که تنها دو مدل حکومت وجود دارد؛ حکومت امام معصوم و حکومت امیرستمگر که نمی‌تواند مشروع باشد.

۲. در این دوران اندیشه‌ی مهدویت در جایگاه يك گزاره دینی بحث و بررسی می‌شد؛ بدین معنا که رویکرد غالب اندیشوران، معطوف به موضوعات، مسائل، روایات، توقیعات، ادعیه و دیگر مسائل مهدوی به صورت موردی و جزئی بود.

۳. نگاه سطحی و عاطفی به آموزه‌ی مهدویت، رویکرد غالب در این دوران است. رهیافت نقل‌گرایانه محض و احساسی از آموزه‌ی مهدویت سبب می‌شود با نقلیات و روایات تاریخی «متهافت» و «متناقض» از مهدویت روبرو شویم که اساساً تحلیل عقلانی درباره‌ی آن دیده نمی‌شود. این خود عاملی می‌شود تا به عمق اندیشه‌ی مهدوی نظر نداشته باشیم. عوامل تاریخی خاص از جمله مہجوریت و مغلوبیت سیاسی - اجتماعی در قرون متمادی، عاملی شد تا شیعیان، به آموزه‌ی مهدویت رویکردی «عاطفی» داشته باشند؛ در نتیجه از کانون اندیشه مهدویت، کمترین بهره‌برداری معرفتی - معنوی انجام شود.

تحول روش شناختی در رویکرد به آموزه مهدویت

از مهم‌ترین آموزه‌های دین مبین اسلام که در واقع جلوه‌گری غایت‌مندی تاریخ است؛ نظریه‌ی جامع و کامل «نجات‌گرایانه» دین، یعنی آموزه‌ی مهدویت است. این آموزه، آینده‌ی تمام نمای پیش‌گویی و حیانی دین مبین اسلام و بیانگر آینده‌ای حتمی، روشن، فراگیر، مطلوب و موعود‌امم است. شاید گزافه نباشد ادعا کنیم هیچ آموزه‌ای از آموزه‌های دین مبین اسلام به اندازه‌ی این آموزه، راهگشا و راهبردی نیست.

مهم‌ترین تفاوت اندیشه‌ی مهدویت در دوره کنونی، در مقایسه با پیش از انقلاب اسلامی، به رویکرد به این آموزه برمی‌گردد. مهم‌ترین ضلع این تمایز روشی به رویکرد فعالانه و راهبردی و هویت‌سازی به این آموزه است. منحصر کردن اندیشه مهدویت به يك تئوری یا نظریه دینی، چیزی جز كوچك‌نمایی این نهضت اصلاحی جهان‌شمول نیست. تلقی حداقلی از آموزه‌ی مهدویت، ناشی از عدم توجه به قوت و غنای این آموزه است؛ در حالی که اندیشه‌ی مهدویت - چه در حیطه نظری و چه در عرصه عملی - بسیار فراتر از يك یا چند نظریه تعمیم نیافته محدود‌نگرو حتی فراتر از يك

قانون عملی است.^۱

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران رویکرد اندیشوران مسلمان و غیرمسلمان به این اندیشه نیز تغییر یافت و دیگر مانند گزاره‌ای هم ردیف سایر گزاره‌های دینی به تحقیق در باره آن پرداخته نشد. پیروزی انقلاب اسلامی ایران با آرمانهای مهدوی سبب شد چارچوب‌های نظری و سنتی و رهیافت توصیفی و گزارش گونه از آموزه مهدویت کمرنگ شود. حتی این آموزه خاستگاهی شد برای اصول راهبردی، تا این آموزه بیش از پیش در متن زندگی مردم وارد شود. تلاش برای رسیدن به جامعه منتظر پیش از ظهور، توجه به نقش و جایگاه امام معصوم علیه السلام در عصر غیبت کبرا، حاکمیت جهانی اسلام به رهبری امام معصوم علیه السلام و... از عناصر و مؤلفه‌های چنین رویکردی است.

آموزه مهدویت و فرهنگ سیاسی برآمده از آن، نقش مهمی در پیروزی انقلاب اسلامی ایفا کرده است. به یقین، تغییر نگرش عمومی به آموزه مهدویت از يك مسأله فرعی به عنصری سیاسی، حماسی و تحول آفرین، از دستاوردهای ایدئولوژیک انقلاب اسلامی به شمار می‌آید. انقلاب اسلامی با تمسك به این آموزه، برای همگان هویتی مهدوی پدید آورد؛ هویتی که آدمی را به هدفی مقدس در جهت پی گیری آرمان‌های بلندش فرا می‌خواند. آموزه مهدویت نه تنها «هویت مهدوی» می‌سازد، بلکه رفتارها، کنش‌ها و هنجارهای جدیدی را پدید می‌آورد.

در نتیجه این «هویت سازی» و «هنجار آفرینی» است که نهضت‌های بزرگی برای مبارزه با جهل و نادانی پدید می‌آید. حاصل این نهضت‌ها، بیداری و حرکت‌های سیاسی - اجتماعی برضد استبداد، ستمگری، استعمار و همه قیود آزادی و آزادگی آدمی است.

در این سیر و سلوك همگانی، هر جامعه‌ای به میزان بهره خود از اندیشه مهدویت، به منزلگاهی رسیده و از ظلمت‌ها به انواری دست یازیده است. تنها در دوره معاصر، جامعه ایران با بهره‌گیری از اندیشه‌ی مهدویت تا نفی ظلم و ستم پیش آمد. بدیهی است که احوال اقوام و ملل تحت ستم با الهام‌پذیری از این اندیشه می‌تواند رو به بهبودی گذارد. در این گذر و گذار، جامعه‌ی بشری، افق آتی خویش را جامعه موعود خواهد دید؛ جامعه‌ای که در سایه زمامداری امام عصر علیه السلام تمام آرمان‌های متعالی‌اش به منصفه ظهور خواهد رسید. اکنون نیز با توجه به تحولات پرشتاب جاری و

۱. اخوان کاظمی، بهرام، نگرش‌هایی نوبه آموزه مهدویت، مؤسسه آینده روشن، ۱۳۸۷، ص ۱۸.

متغیرهای متعدد در صحنه فرهنگی کشورها ناگزیریم از الگو و روش‌های سنتی فاصله گرفته و مطالعات مهدوی را با توجه به تغییرات محیط داخلی و منطقه‌ای به روزرسانی کنیم. بازکاوی و بازپژوهی آموزه مهدویت، يك ضرورت عینی است؛ تا جریانی که برای ناب‌سازی معرفت دینی اتفاق می‌افتد، هماره ناب، زلال و اصیل بماند.

بازتعریف مکتب انتظار در فرهنگ سیاسی تشیع

می‌توان بر این باور پای فشرد که همه‌ی ارکان لازم برای آفرینش يك تحول اجتماعی حقیقی، همه‌جانبه و کامیاب در انتظار مهدی موعود عجله تعالی تعبیه شده است. اساساً نمی‌توان ویژگی تحول‌گرایی اجتماعی و انقلاب‌زایی را از انتظار سلب کرد. این ویژگی ممتاز مهدویت شیعی از آن‌جا ناشی می‌شود که موعود مورد اعتقاد و انتظار شیعه، حاضر است و غیبت او فقط به معنای عدم ظهور است. تشیع، تنها مذهبی است که منجی و موعودش زنده و عینی است و مانند دیگر مکاتب و ادیان به آینده نامعلوم واگذار نشده است. سوشیانت، منجی آیین زردشتی، در آخرالزمان متولد می‌شود و مسیحا که عهدین، آن را نجات‌بخش پایانی می‌داند در آخرالزمان ظهوری مجدد دارد. در هیچ يك از این آیین‌ها منجی، وجودی عینی و زنده ندارد. بلکه منجی ملت‌ها و مکاتب غیر از اسلام، موجود یا مفهومی ذهنی و ایده‌آلی بیش نیست که قرار است پایان‌بخش نزاع‌ها و کشمکش‌ها در آخرالزمان باشد. زنده بودن امام، در جایگاه آخرین امام و حجت معصوم الهی، رسالت‌ها و نقش‌های تعیین‌کننده و بسیار سودمندی را در نظام هستی ایفا می‌کند. البته این وجود عینی و حضور آخرین حجت الهی، پیام‌هایی را نیز برای پیروانش به همراه دارد، به همین دلیل، انتظار به معنای واقعی در تشیع متحقق است.

با پیروزی انقلاب اسلامی، واژه‌ی انتظار که سال‌ها با سکوت و سکون، تحمل ظلم و در يك کلمه، در جا زدن به امید برآمدن دستی از غیب مرادف شمرده می‌شد، مفهومی دیگر یافت. این بار، «انتظار» نه در جایگاه عاملی برای خاموش کردن روح سرکش اجتماع، بلکه به مثابه‌ی ابزاری برای دگرگون کردن وضع موجود و حرکت به سوی آینده‌ی موعود به کار گرفته شد. انقلاب اسلامی تنها الگوی عملی برداشت صحیح از انتظار در عصر حاضر است که آثار و نتایج شگفتی چون قیام ضد بی‌عدالتی‌ها، تلاش برای پیشرفت و تکامل، مبارزه‌جویی با ظالمان و عدم همراهی با حاکمان

نامشروع را به دنبال داشته است. امام خمینی علیه السلام جمهوری اسلامی را مقدمه‌ای برای بیداری جهان اسلام از بردگی مدرن می‌داند و انتظار ظهور حضرت حجت علیه السلام را استمرار اقتدار اسلام، تبیین می‌کند:

ما همه انتظار فرج داریم و باید در این انتظار خدمت بکنیم. انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است و ما باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا کند.^۱

انقلاب اسلامی باعث برانگیخته شدن شیعیانی شد که در جایگاه بخش خاموش جوامع مسلمان تا آن زمان هیچ‌گونه الگوپذیری‌ای را از آموزه‌ی مهدویت در سرنوشت خود و در ساختار سیاسی کشورهای خود نیاموخته بودند. با پیروزی انقلاب اسلامی، روح درهم شکسته و خسته‌ی شیعیان در مناطق مختلف جهان، زنده شد و روحیه‌ی امید در کالبد آنان دمیده گشت. پس از انقلاب، روحیه‌ی خودباوری و اعتماد به نفس شیعیان تقویت شد و آنان جرأت و شجاعت خود را باز یافتند. پیروزی انقلاب اسلامی به آنان آموخت که نباید برای ظهور مهدی علیه السلام به انتظار نشست؛ بلکه باید به انتظار ایستاد. به این ترتیب، انقلاب اسلامی ایران نقطه عطفی در احیای مکتب انتظار و آموزه مهدویت بوده و تشیع و اسلام را در قلب حوادث و اخبار جهانی قرار داد.^۲

احیای حزب «الدعوة» عراق، تأسیس «مجلس اعلای شیعیان عراق»، تشکیل «حزب الله لبنان» و «جبهه اسلامی برای آزادی بحرین»، «نهضت اجرای فقه جعفری» پاکستان و «نهضت اسلامی افغانستان» از مصادیق این امر به شمار می‌روند.^۳

به هر حال، انتظار ظهور منجی‌ای که می‌تواند همه‌ی دردها را تسکین بخشیده و به بی‌عدالتی‌ها خاتمه دهد، از عواملی به شمار می‌آید که می‌تواند اندیشه‌ی گفتمان انقلاب اسلامی را به سوی «مقاومت در برابر ظلم» سوق دهد و تأیید آن را در زندگی مسلمانان در قالب «فرهنگ جهادی» جلوه گر کند.

۱. صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۳۷۴.

۲. حافظ نیا، محمد رضا؛ احدی، سید عباس، «تبیین ژئوپلیتیکی اثرگذاری انقلاب اسلامی بر سیاسی شدن شیعیان جهان»، شیعه شناسی، ش ۲۵، ص ۹۸.

۳. همان.

«زمینه‌سازی ظهور» چشم‌انداز تشکیل حکومت در روزگار غیبت

در تفکیک انقلاب‌ها از لحاظ آرمان‌ها با سه گونه انقلاب مواجهیم:

یک: انقلاب‌هایی که غالباً در کشورهای مارکسیستی رخ می‌دهد و آرمان عالی و اولیه‌ی آن‌ها نیل به يك جامعه‌ی بی طبقه است؛ جامعه‌ای که در آن، مساوات اقتصادی نمود کامل داشته باشد.

دو: انقلاب‌هایی که تأسیس يك جامعه‌ی مبتنی بر آزادی فردی و رفاه شخصی را آرمان متعالی خود برگزیده‌اند. جوامع به اصطلاح لیبرال، چنین فرآیندی را پشت سر گذاشته‌اند.

سه: انقلاب‌هایی که اصل را بر تربیت «انسان‌های الهی» گذارده‌اند و تأسیس يك جامعه‌ی خداپسند را آرمان عالی خود قرار داده‌اند. در این انقلاب‌ها فقط تأمین معاش دنیایی و آسایش عمومی ملاک نیست؛ بلکه غرض اصلی، به کارگیری این ابزار برای تحقق يك وضعیت متعالی‌تر در جامعه است و آن این‌که جامعه‌ای صالح و پاک ایجاد شود که افراد آن، بتوانند به تکامل معنوی خویش نایل آیند. انقلاب اسلامی ایران، داعیه‌ی آن دارد که انقلابی تکاملی است و تا رسیدن به اهداف انبیای الهی ادامه دارد.^۱

انقلاب اسلامی در جایگاه يك حرکت هدف‌دار اجتماعی برای ایجاد، تداوم و سامان‌یابی نهایی، نیازمند هویت بوده، مفهوم کلی هویت در سه بعد تأسیسی، تداومی و غایتی در برپایی و بقای انقلاب اسلامی ظهور یافته است. «نهضت عاشورا» در جایگاه منبع تغذیه و تأمین محتوای هویت تأسیسی و تداومی انقلاب اسلامی و «زمینه‌سازی و تشکیل جامعه‌ی منتظرپیش از ظهور»، شکل دهنده و منبع هویت غایی انقلاب اسلامی برگزیده شده است. آموزه‌ی مهدویت از دیدگاه بنیان‌گذار انقلاب، فراتر از يك مسأله‌ی کلامی، اصلی است که در موضع‌گیری و اقدام يك مسلمان، نقش اساسی ایفا می‌کند. غایت حاکمیت امامان معصوم علیهم‌السلام استقرار کامل عدالت در جامعه بوده است. پس اگر انتظار به تحول خواهی و انقلاب‌زایی تفسیر شود، هر حرکت و تحولی مطلوب نیست؛ بلکه تحول و تحرکی مطلوب است که زمینه‌ساز ظهور حجت الهی باشد. امام خمینی رحمه‌الله در این باره می‌فرماید:

۱. افتخاری، اصغر، «آرمان‌های انقلاب از دیدگاه امام خمینی رحمه‌الله»، اندیشه حوزه: ش ۱۲، ص ۱۵۲.

ما تکلیف داریم آقا! این طور نیست که حالا که ما منتظر ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه هستیم، پس دیگر بنشینیم تسو خانه هایمان، تسبیح را دست بگیریم و بگوییم: «عجل علی فرجه»، عجل، با کار شما باید تعجیل بشود، شما باید زمینه را فراهم کنید برای آمدن او، و فراهم کردن این که مسلمین را با هم مجتمع کنید. همه با هم بشوید. ان شاء الله ظهور می کند.^۱

از دیدگاه امام خمینی رحمه الله پدیده ظهور، يك رخداد فوق العاده و بی نظیر تاریخ بشریت به شمار می رود؛ ولی هرگز يك پدیده فراطبیعی و بریده از اوضاع جاری در این عالم نیست؛ بلکه رخداد ظهور، برای برپایی نظام عدل و تحقق حاکمیت همه جانبه ی دین اسلام و برای سامان دادن به اوضاع زندگی بشری است. بدیهی است چنین رخدادی همانند دیگر رخدادهای طبیعی، مقدمات و بسترهای خاص خود را می طلبد که بدون آن، تحقق چنین تحول عظیمی، امری ناممکن و انتظاری نامعقول است.

اگر نهضت و انقلابی، از نظر مکتب و ایدئولوژی دارای حدّ اعلای توانایی باشد، ولی از نظر نیروی اجرایی و پذیرش های اجتماعی کامل نباشد، نهضتی موقت است و به نتیجه عمیق نمی رسد.^۲ حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه برای اصلاح يك اجتماع محدود و در يك زمان موقت ظهور نمی کند. آن مأموریت الهی که حضرت برای آن ذخیره شده است، دگرگون کردن همه ی جهان در همه ی ابعاد است. او باید تمام بشریت را در گستره ی جهانی از تیرگی ستم های بشری خارج کرده و در پرتو نور عدل قرار دهد. اجرای این نهضت بزرگ، علاوه بر قدرت خدادادی و ولایت تکوینی امام معصوم عجل الله تعالی فرجه نیازمند فضای مناسب و محیط آماده ای است که به طور طبیعی در جهان تحقق یابد.

تحولات جاری در عرصه ی بین الملل و رویکرد دینی و معنوی بشر معاصر و امواج وسیع اسلام خواهی و بیداری اسلامی در جهان - به ویژه دنیای غرب - مؤید این واقعیت است که امام خمینی رحمه الله با هدایت و رهبری بزرگ ترین انقلاب مردمی، در واقع آغازگر کوشش در راستای زمینه سازی ظهور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه بود. آن عالم مجاهد، درباره ی وظایف حکومت و مسلمانان در ایران و دنیای اسلام فرموده است:

۱. صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۲۶۶.

۲. صدر، محمد باقر، انقلاب مهدی و پندارها، ترجمه: سید احمد علم الهدی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ص ۶۴.

ان شاء الله اسلام را آن طور که هست، در این مملکت پیاده کنیم و مسلمین جهان نیز اسلام را در ممالك خودشان پیاده کنند و دنیا، دنیای اسلام باشد، و زور و ظلم و جور از دنیا برطرف بشود و [این] مقدمه باشد برای ظهور ولی عصر ارواحنا فداء.^۱

ایشان در پیامی، ارتباط بنیادین انقلاب اسلامی ایران و انقلاب جهانی مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف را بسیار زیبا و دل نشین چنین بیان می کند:

انقلاب مردم ایران، نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچم داری حضرت حجت - ارواحنا فداء - است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد.^۲

حضرت امام خمینی رحمه الله صدور انقلاب را برای هموار کردن راه ظهور منجی و مصلح کل جهان، وظیفه خویش دانسته، در پیامی می نویسد:

ما با خواست خدا، دست تجاوز و ستم همه ستمگران را در کشورهای اسلامی می شکنیم و با صدور انقلابمان که در حقیقت صدور اسلام راستین و بیان احکام محمدی صلی الله علیه و آله و سلم است، به سیطره و سلطه و ظلم جهان خواران خاتمه می دهیم و به یاری خدا راه را برای ظهور منجی مصلح و کل و امامت مطلق حق امام زمان - ارواحنا فداء - هموار می کنیم.^۳

طرح جهانی انقلاب اسلامی و حمایت از تمام مستضعفان جهان، نشانه‌ای است از حرکت در راستای زمینه سازی ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف.

امیدواریم که این انقلاب، يك انقلاب جهانی بشود، و مقدمه‌ای برای ظهور حضرت بقیة الله - ارواحنا له الفداء - باشد.^۴

در این فرصت از بیان دو نکته سود می بریم:

این گمان خام و ساده لوحانه‌ای است که در زمان غیبت حضرت، جامعه‌ای بدون مشکل و چالش را انتظار ببریم. آنچه مهم است، نزدیک شدن به اهداف و آرمان‌ها و توفیق روزافزون جامعه برای

۱. صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۲۶۲.

۲. همان، ج ۲۱، ص ۳۲۷.

۳. همان، ص ۳۴۵.

۴. همان، ج ۱۶، ص ۱۳۱.

ایفای وظایف و مسؤولیت‌هایی است که به آماده شدن جان و جهان برای پذیرش «دولت یار» و حضور در دوران ظهور می‌انجامد که انتظار حقیقی نیز همین است.

این سطور، بیانگر این معنا نیست که خواست و اراده‌ی مردم، علت تامه‌ی تغییر و دگرگونی است؛ بلکه هرگونه تغییر بنیادین و سرنوشت جامعه، به دست خداوند متعال و با اراده او محقق می‌شود، از آن جاکه ظهور آن حضرت، يك پدیده فراطبیعی و بریده از اوضاع جاری در این عالم نیست، مقدمات و زمینه‌سازی ایجاد آن در اختیار انسان‌ها است و تا آن مقدمات تحقق نیابد، اراده‌ی خداوند متعال به تحقق تغییر، تعلق نخواهد گرفت.

بازاندیشی در ولایت فقها در روزگار غیبت

عده‌ای از فقها، محدوده‌ی ولایت فقیه را در حد احکامی می‌بینند که وجوب کفایی دارند و به صورت تعیینی یا ترجیحی بر فقیه فرض شده‌اند. صاحبان این دیدگاه در واقع بر این امر تأکید دارند که مسؤولیت فقیه، تنها در محدوده‌ی اجرای همان دسته از احکام خلاصه شده و ولایتش هم در همین حیطه‌ی محدود، قابل تفسیر است. اگر چنین باشد، نقش فقیه‌ی که متصدی این امور است، جز «اجرای احکام» چیز دیگری نخواهد بود که در این صورت، ولایت را می‌توان «ولایت فقه» نامید.^۱

اما بر اساس دیدگاه امام خمینی رحمه‌الله نه تنها حکومت ایده‌آل مبتنی بر دین در عصر غیبت، مطلوب است و توصیه می‌شود؛ بلکه باید برای تحقق آن، گام برداشت. که آن، حکومت فقها است؛ حکومت فقیه اعلم، عادل و اتقی.

بر اساس این نظریه و استناد به اصل امامت و دکترین فقاہت در صورتی که فقیه‌ی به این مهم مبادرت ورزد و زمینه‌های برپایی يك حکومت اسلامی بر این اساس وجود داشته باشد، کمک به برقراری این حکومت، اطاعت از آن و حفظ و تداوم آن، تکلیف شرعی آحاد جامعه اسلامی خواهد بود. امام خمینی رحمه‌الله معتقد بود با کاستن قدرت فقیه و اقتدار فقه و توانایی آن، نمی‌توان پروژه‌ی احیاگرانه‌ای را که مدعی نوسازی جامعه و دینی کردن جامعه است، به پیش برد؛ لذا ولایت فقیه با «نقش حداقلی» که برخی فقیهان برای آن قائل شده‌اند، نمی‌تواند اهداف احیاگرانه را دنبال کند؛ از

۱. بهداروند، محمد مهدی، «ولایت فقیه یا ولایت فقه تعامل یا تقابل‌ها»، حکومت اسلامی، ش ۲۹، ص ۱۵۱.

این رو نظریه‌ی ولایت فقیه امام خمینی علیه السلام، به صورتی جدید به شکل يك نظریه سیاسی و در قالب انقلاب اسلامی درآمد که در آن، فقه می‌خواهد زندگی مردم را در روزگار غیبت سامانی مجدد دهد و فقیه عالم باید در رأس حکومت قرار گیرد. امام خمینی علیه السلام برای بازسازی جایگاه فقه و فقها و فعال نگاه داشتن آن، سه اعتقاد اساسی به وجود آورد:

الف. تحول نظام اجتهاد فقهی: بدین معنا که ضمن پایبندی به فقه جواهری و سنتی، باید دو عنصر زمان و مکان را در اجتهاد دخیل دانست؛ تا فقه، برابر مسائل جدید توانایی بیشتری کسب کند.

ب. افزایش شأن فقیه: بدین معنا که فقیه به لحاظ شأن حکومتی، هم‌شأن (مگر موارد مستثنیات منصوصه) پیامبر و امامان معصوم علیهم السلام است. با این «نگرش موقعیتی»، فقیه، واجد قدرتی می‌شود که توانایی ارائه احکام حکومتی و ولایی را داشته باشد.

ج. افزایش شأن حکومت دینی: حکومت دینی باید واجد مصلحتی فراتر از هر مصلحت دینی تصور شود.^۱

امام خمینی علیه السلام بر این دیدگاه اصرار می‌ورزید که «ولایت فقیه» بیش از آن که برای اجرای فقه باشد، در واقع برای «اقامه‌ی اصل دین» است و در راستای اقامه‌ی اصل دین است که فقه نیز اقامه می‌شود. امام خمینی علیه السلام رسالت نخستین فقیه را پاسداری از حریم دین مردم می‌داند؛ به گونه‌ای که دامنه‌ی اقتدار دین در سراسر عالم گسترش یابد و توجه جهانیان به حقیقت آن، مضاعف شود.^۲

«ولایت فقیه» در سنت ما بیگانه نیست و در بستر تاریخی خود متولد شده است؛ اما محتوای نظری آن با تکیه بر شرایط و تجارب سیاسی ابداع امام خمینی علیه السلام بود که با پیروزی انقلاب اسلامی به عرصه‌ی عمل نیز راه یافت. این نظریه هدفی جز این ندارد که فقه، همچنان بتواند به حیات سیاسی خود ادامه دهد، تا از آن طریق به احیای دین در جامعه مدرن یاری رساند. گفتمان «ولایت فقیه» امام خمینی علیه السلام، به مثابه‌ی پشتوانه‌ی نظری انقلاب اسلامی، نه تنها تلاش برای برپایی حکومت در روزگار را طرد نکرد؛ بلکه در افقی متفاوت با نظریه‌های دیگر، تشکیل حکومت را از

۱. کاظمی وریج، عباس، «امام خمینی علیه السلام؛ احیای دین و نظریه ولایت مطلقه فقیه»، حوزه و دانشگاه، ش ۳۰، ص ۱۵۲.

۲. همان، ص ۱۵۴.

الزامات روزگار غیبت معرفی کرد. این نظریه که ریشه در مناسبات سیاسی اسلام داشت و با کارویژه‌های مورد نظر در روزگار غیبت امام معصوم علیه السلام برای زمینه‌سازی حکومت جهانی حضرت ولی عصر علیه السلام هماهنگ شده بود، در صحنه عمل و منصفه ظهور نیز توانمند ظاهر شد.

ابطال قرائت‌های ناصحیح در آموزه مهدویت

در طول تاریخ، انتظار آینده‌ی بهتر و ظهور دولت حق و عدالت، مترقی‌ترین آرمان اجتماعی بوده است. فطرت کمال‌گرایی آدمی و ماهیت زندگی بشر با امید به آینده عجین شده است؛ لذا اعتقاد به مهدویت از اصلی‌ترین ابعاد روح انسانی سرچشمه می‌گیرد. اندیشه‌ی مهدویت در راه رسیدن به سرمنزله مقصود ممکن است با دریای پرتلاطم حوادث یا انحرافات و قرائت‌های ناصحیح رو به رو شود. شرط رسیدن به ساحل نجات در درجه‌ی اول، تقویت نیروی محرکه‌ی این گفتمان و در درجه دوم، انحراف‌زدایی از آن است.

پیروزی انقلاب اسلامی، خط بطلانی بر قرائت‌های ناصحیح و افراطی در اندیشه‌ی مهدویت بود. در سال‌های منجر به انقلاب اسلامی، ایده‌ای مطرح شد که طبق آن، شرط ظهور حضرت حجت علیه السلام را البریز شدن دنیا از معصیت می‌دانستند. آنان امر به معروف و نهی از منکر را جایز نمی‌دانستند، تا گناه افزایش یابد و ظهور آن حضرت، نزدیک شود. ریشه‌های شکل‌گیری این نظریه از تشکیلی مذهبی که با هدف مبارزه با بهائیت در تهران و دیگر شهرها پدید آمده بود، شکل گرفت. بعدها اسم این تشکل «انجمن حجتیه» شد؛ انجمنی که تا دو دهه پیش از پیروزی انقلاب، بر این باور بود که حوزه‌ی دینی از عرصه‌ی حکومت، مستقل است، از این رو، از ابتدای تأسیس بر عدم دخالت در سیاست تأکید داشت. پیش از انقلاب اسلامی، این انجمن با هدف از بین بردن نفوذ بهائیت، تنها تشکیلات غیر دولتی‌ای بود که در شهرها پایگاه‌های تشکیلاتی داشت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به دلیل زوال بهائیت، انجمن نیز جهت‌گیری دیگری یافت و با حضور اعضای تشکیلاتی خود در ارگان‌های اجرایی و تأثیرگذاری و اعمال معیارهای اعتقادی خود، سبب واکنش امام خمینی علیه السلام به این مسأله شد.^۱

۱. جعفریان، رسول، جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی سیاسی ایران، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی و پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، پنجم، ص ۳۷۰.

این نظریه پس از چهار دهه فعالیت، در نهایت در دهه ی ۶۰، به عنوان نظریه ای که توان کافی برای تحلیل واقعیت های اجتماعی را ندارد، زائل شد. برداشت نادرست از انتظار فرج، افزایش گناه برای تعجیل در ظهور آن حضرت و باطل شمردن تشکیل حکومت در دوران غیبت، از مشخصه های اصلی این نظریه است. این نظریه با پیامدهای سوء بسیاری همراه بود که جدایی دین از سیاست، حرمت مبارزه ضد ظلم، روا داشتن محرمات و نفی حکومت و ترویج هرج و مرج از جمله آنان است.

امام خمینی علیه السلام در این زمینه می فرماید:

يك دسته ی دیگری بودند که انتظار فرج را می گفتند این است که ما کار نداشته باشیم به این که در جهان چه می گذرد؛ برملت ها چه می گذرد... برای جلوگیری از این امور هم خود حضرت بیایند - ان شاء الله - درست می کنند؛ دیگر ما تکلیفی نداریم. تکلیف ما این است که دعا کنیم ایشان بیایند.^۱

امام خمینی علیه السلام جایی دیگر فرمود:

يك دسته ای از این بالاتر بودند؛ می گفتند: باید دامن زد به گناه ها، دعوت کرد مردم را به گناه تا دنیا پراز جور و ظلم بشود و حضرت علیه السلام تشریف بیاورند... البته در بین این دسته، منحرف هایی هم بودند، اشخاص ساده لوح هم بودند.^۲

عده ای نیز با توجه به ظاهر برخی روایات که هر قیامی پیش از انقلاب جهانی حضرت مهدی علیه السلام را باطل و محکوم به شکست دانسته اند، بدون بررسی و تحلیل آن ها، تشکیل هرگونه حکومتی را در روزگار غیبت نفی می کردند. امام خمینی علیه السلام در سخنان خود افکار ناصحیح این عده را این گونه متذکر می شود:

يك دسته ی دیگری بودند که می گفتند که هر حکومتی اگر در زمان غیبت محقق بشود، این حکومت، باطل است و برخلاف اسلام است. آن ها مغرور بودند به بعضی روایاتی که وارد شده است براین امر که هر علم ی بلند بشود قبل از ظهور حضرت، آن علم، باطل است... در صورتی که آن روایات [اشاره دارد] که هر کس علم بلند کند با علم مهدی علیه السلام، به عنوان «مهدویت» بلند کند [باطل است].^۳

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۳-۱۴.

۲. همان، ص ۱۴.

۳. همان.

به هر روی، ناب‌سازی باور به اندیشه‌ی مهدویت از دستاوردهای انقلاب اسلامی بود و نظریه‌هایی که تشکیل حکومت و تلاش برای ظهور آن حضرت را روا نمی‌دانستند، پس از انقلاب نظریه‌هایی مرده به شمار آمدند؛ زیرا با وقوع انقلاب اسلامی ایران برای نخستین بار يك حکومت مسلمان با آرمان تشکیل جامعه‌ی منتظر پیش از ظهور و زمینه‌ساز انقلاب جهانی مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف در ایران تشکیل شد و خواب خوش نظریه‌پردازانی که تشکیل حکومت در روزگار غیبت را جایز نمی‌شمردند، آشفته کرد و نظریات آن‌ها را از اعتبار ساقط نمود.

نتیجه

یکی از نتایج پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، نشان دادن تحرك و کارآیی مکتب اسلام در عصر حاضر به جهانیان بود. در حالی که همه‌ی مدل‌های توسعه و مدرنیسم در بستر دنیای محض و جدای از ارزش‌های اخلاقی و دینی، تحقق یافته بود، انقلاب اسلامی توانست اسلام را به عنوان مکتب مبارز و در تمام شئون حیات بشری تا برپایی حکومت واحد جهانی مطرح کند. آنچه در این عصر، انسان معنویت خواه و خداجو در جست‌وجوی آن است، گوهر ارزشمندی است که تنها در ساحت قدسی آموزه‌های اسلامی قابل وصول است؛ از این رو جریان معنویت‌خواهی و دین‌گرایی عصر حاضر، ناچار به رستاخیز جهانی اسلام خواهد انجامید.

بدون تردید با مراجعه به تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی بعد از انقلاب اسلامی، می‌توان به وضوح به وجود يك تصوّر و اندیشه‌ی مشخص مهدوی پی برد که در نظر و عمل، با پیش از انقلاب متفاوت است. انقلاب اسلامی، نه تنها تحرك‌زایی و پویایی را در انتظار به همگان آموخت؛ بلکه این تحرك‌زایی و انقلاب‌زایی را با سازوکارهایی کاملاً منسجم و هماهنگ در راستای زمینه‌سازی ظهور مفید می‌داند.

عینیت یافتن تحول‌طلبی آموزه‌ی مهدویت پس از آن است که توده‌ی مردم و نخبگان به این فرهنگ معتقد و ملتزم شده باشند. همین‌جا دو مطلب باید تأکید شود؛ یکی نقش توده‌ی مردم در کارآیی مکتب و فرهنگ مهدوی است که بدون خواست و باور آنان و بدون رویکرد مثبت و اقبال آنان به فرهنگ و اندیشه‌ی مهدوی، هیچ تحول مؤثر و ماندگاری شکل نخواهد گرفت. دیگر آن که برای روی آوردن و اعتماد يك نسل به اسلام و آموزه‌های آن، شرایط فرهنگی و اجتماعی و نیز

تجربه‌های تاریخی يك جامعه، بسیار نقش آفرین است. جنبش‌های معاصر اسلامی غالباً مسبوق به تجربه‌ای تلخ می‌باشند که چشیدن طعم شکست در تلاش برای ایجاد تحول بر مبنای غیراسلامی و بنا به اعتقاد به آموزه‌های شرقی یا غربی، زمینه‌ی تأمل در عوامل شکست و روی آوردن به اسلام را فراهم کرده است.

پرسش‌ها

۱. عناصر تشکیل دهنده انقلاب اسلامی که در تغییر نگرش به آموزه مهدویت مؤثر بودند را نام ببرید.
۲. تا پیش از انقلاب اسلامی، رویکرد به آموزه مهدویت در میان شیعه با چه کاستی‌هایی همراه بود؟
۳. یافته‌های تحقیق انقلاب اسلامی ایران و تغییر نگرش به آموزه مهدویت را نام ببرید.
۴. امام خمینی علیه السلام برای بازسازی جایگاه فقه و فقها و فعال نگهداشتن آن چکار کردند؟
۵. مشخصه‌های اصلی نظریه انجمن و پیامدهای سوء آن را بیان کنید.

منابع مطالعاتی

۱. نگرش‌هایی نو به آموزه مهدویت، بهرام اخوان کاظمی.
۲. انقلاب اسلامی و چرایی و چگونگی رخداد آن، جمعی از نویسندگان.
۳. انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی.

فصل پنجم:

ولایت فقیه^۱

۱. حجت الاسلام رحیم لطیفی.

مقدمه

نخستین مرحله‌ی اثبات حکومت دینی، پذیرش لزوم و ضرورت حکومت برای جوامع بشری است و خوشبختانه این اصل مورد پذیرش همه‌ی مکاتب فکری در طول تاریخ اندیشه‌ی بشری بوده است؛ از آرمان‌شهرهای افلاطون و ارسطو و مدینه‌ی فاضله فارابی گرفته تا حکومت‌هایی که بنام دین در جهان مسیحیت برپا شد و تا استقرار حکومت اسلامی در مدینه‌النبی، همه و همه شاهد صادقی برای اثبات لزوم و مطلوبیت حکومت در اندیشه‌ی بشری است.

پژوهش‌های تاریخی و جامعه‌شناسی نشان می‌دهد که حتی در جوامع ابتدایی بشری، مقررات خاصی تحت نظریک یا چند مسئول وجود داشته است. به سختی می‌توان زمان پیدایش حکومت یا دولت در جامعه انسانی را پیدا و مشخص کرد.

سخن امیرالمؤمنین علی علیه السلام بر همین ضرورت دلالت دارد:

لَا بُدَّ لِلنَّاسِ مِنْ أَمِيرٍ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ؛^۱

مردم را امیری باید خوب یا بد.

عدم مشروعیت ذاتی فرد یا گروه خاص برای حکومت

تعریف ساده حکومت این است، دستگاهی که بر روابط و رفتارهای اجتماعی یک جامعه اشراف دارد و تلاش می‌کند با استفاده از نیروها و قوانینی که در اختیار دارد مردم را جهت دهد.

این اشراف و تلاش و جهت‌دهی یک نوع تصرف و مداخله است و یک مبنا و ملاک حقانیت و

۱. نهج البلاغه، خطبه ۴۰.

مشروعیت می‌خواهد.

بحث حکومت دینی مبتنی بر این نظر است که حکومت و مشروعیت، حق قانونی و ذاتی هیچ فرد و گروهی نیست، چون همه‌ی انسان‌ها در این امر با هم مساوی‌اند، همه مملوک و مخلوق خداوند هستند، حق حاکمیت و تصرف و دخالت برای موجودی ثابت است که او مالک و خالق است. از این اندیشه به نظر خاستگاه الهی حاکمیت و حکومت تعبیر می‌شود و شاید بتوان گفت که کهن‌ترین اندیشه‌ها باشد که معتقد است «دولت و حکومت آفریده خدا است».^۱

حکومت و حاکمیت الهی که اندیشه‌ی غالب صاحب نظران و یکی از پیش‌فرض‌های مهم حکومت مهدوی و حکومت ولایت فقیه است، در درجه‌ی اول بر گرفته از قرآن مجید و عقاید اصولی اسلام است.

از نظر قرآن، منشاء حاکمیت و ولایت خداوند است.^۲ تنها خداوند، خالق، مالک، ولی و رب است،^۳ بر همین اساس هر گونه حاکمیت و ولایت غیر خدا باطل و مطرود است و حکومت مشروع و حق، حکومتی است که به اذن و رضای خدا باشد.^۴

اعمال حکومت خداوند در قالب واسطه

از آنجا که جهان طبیعت و عالم ماده، قابلیت حضور مباحثی خداوند را ندارد، خدای حکیم و لطیف و علیم، موهبت حکومت خود را بر بندگان برگزیده خود چون انبیاء و امامان علیهم‌السلام داده است تا

۱. دفتر همکاری، اسلام و حقوق بین الملل عمومی، ۳۳۹: برخی از گروه‌های فکری اهل سنت نیز قهر و غلبه را یکی از راه‌های تعیین امام معرفی کرده‌اند.

۲. سوره شوری، آیه ۹: «فَاللَّهُ هُوَ الْوَلِيُّ وَهُوَ يُحْيِي الْمَوْتَى...»؛ خداست که دوست راستین است و اوست که مردگان را زنده می‌کند. سوره سجده، آیه ۴: «مَا لَكُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا شَفِيعٍ...»؛ برای شما غیر از او سرپرست و شفاعتگری نیست. سوره یوسف، آیه ۱۰۱: «رَبِّ قَدْ آتَيْتَنِي مِنَ الْمُلْكِ وَعَلَّمْتَنِي مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنتَ وَلِيٌّ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ...»؛ پروردگارا توبه من دولت دادی و از تعبیر خواب‌ها به من آموختی ای پدیدآورنده آسمان‌ها و زمین تنها تو در دنیا و آخرت. سوره احزاب، آیه ۳۶: «وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا لِمُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ...»؛ و هیچ مرد و زن مؤمنی را نرسد که چون خدا و فرستاده‌اش به کاری فرمان دهند برای آنان در کارشان اختیاری باشد.

۳. سوره آل عمران، آیه ۲۶: «قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكُ الْمُلْكِ تُؤْتِي...»؛ بگو یارب خدایا تویی که فرمان‌فرمایی. سوره ناس، آیات ۱-۳: «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ مَلِكِ النَّاسِ إِلَهِ النَّاسِ...»؛ بگو پناه می‌برم به پروردگار مردم، پادشاه مردم معبود مردم... .

۴. رک: سوره بقره، آیه ۲۴۷؛ سوره نساء، آیه ۵۴؛ سوره مائده، آیه ۲۰؛ در تمام این موارد از هدیه و حقانیت ملک و سلطنت الهی از جانب خداوند سخن گفته شده است.

آنان به اذن او و در طول حاکمیت او بر بندگان حکومت کنند و آنان را به سعادت و کمال برسانند.^۱
شهید مطهری رحمته الله علیه در کتاب خود می گوید:

حکمران بالضروره؛ یعنی کسی که مطاعیت مشروع دارد، نه کسی که به زور خود را تحمیل کرده است و آن کسی که مطاعیت مشروع دارد به دو گونه ممکن است: یکی به نحو ولایت و دیگری به نحو وکالت. آنچه در فقه مطرح است به عنوان ولایت حاکم مطرح است ...^۲

تشکیل حکومت از اهداف و برنامه های دین اسلام

اثبات و پذیرش این بحث در تحکیم اندیشه حکومت دینی و ولایت فقیه، بسیار اهمیت دارد، چون ممکن است کسی ادعا کند، اصولاً امور سیاست و حکومت و اداره ی جامعه از اهداف و برنامه های دین نیست و دین مربوط به امور معنوی، فردی و عبادی است نه امور مادی، دنیایی، اجتماعی. دین کار روح و روان را عهده دار است و کار جسم و دنیا و حکومت به عهده عقل و سیاستمداران است و چه بسا استدلال آورند که دین نهاد مقدس است و سیاست و حکومت امر نامقدس.

این تفکر در روزگار معاصر از اندیشه سکولاریزم (جدایی دین از دنیا) تغذیه می کند و گاهی در رد حکومت دینی و حکومت اسلامی گفته می شود که، تشکیل حکومت توسط رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم يك امر اتفاقی و از روی ناچاری بوده است، یعنی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم وارد مدینه شد که حکومتی نداشت و از طرفی با تهاجم کفار و قریش مواجه بود لذا نظام و سیستمی تشکیل داد تا هم خلاء قدرت در مدینه پر شود هم در برابر دشمنان صف آراییی کند اگر این دو نیاز و ضرورت نمی بود حکومتی هم تشکیل نمی شد.^۳ بر اساس این طرز فکر لزوم حکومت اسلامی منتفی می شود و حکومت ائمه علیهم السلام، حکومت مهدویت و حکومت ولایت فقیه بدون اصل و ریشه می شود چون منشاء و سرچشمه برای آن باقی نمی ماند. در جای خود ثابت است که نظریه درست و غالب میان دانشمندان، نظریه حاکمیت و حکومت

۱. سوره ص. آیه ۲۶: «يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُمْ بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ ...» ای داوود ما تو را در زمین خلیفه [و جانشین] گردانیدیم پس میان مردم به حق داوری کن.

۲. مطهری رحمته الله علیه، پیرامون انقلاب اسلامی، ص ۲۸.

۳. ر.ل: حائری یزدی، حکمت و حکومت، ص ۱۷۲.

الهی است و پندار جدایی دین از سیاست و حکومت، ناشی از عواملی است که در جهان مسیحیت و در پایان قرون وسطی پدید آمد.

کسی که اندك آشنایی با اسلام دارد، درمی یابد که اسلام در سه محور اصلی حیات بشری سخن، طرح و برنامه دارد یکی در محور عقاید (هستی شناسی، جهان بینی، معارف و اصول دین) و یکی در محور احکام (بایدها و نبایدها، دستورات عملی) و یکی در محور اخلاق (فضایل و رذایل) به این ترتیب اسلام صرفاً مکتب نظری و تئوری خالی از عمل و دستورات زندگی نیست.

قرآن مجید از ساده ترین برنامه مالی اجتماعی یعنی قرض دادن و قرض گرفتن دستورالعمل مشروح دارد^۱ تا مهم ترین آنها که موضوع جنگ و صلح و امنیت باشد^۲ و در این میان برای امور ازدواج، کیفیت طلاق، دریافت و پرداخت مهریه، روابط خانوادگی و ... قوانین و دستورات مشروح دارد.^۳

امام خمینی علیه السلام با يك بیان روشن، تلازم حکومت و دین را از راه عقل و نقل تثبیت می کند: ... قانون مجری لازم دارد، در همه کشورهای دنیا این طور است که جعل قانون به تنهایی فایده ندارد و سعادت بشر را تأمین نمی کند. پس از تشریع قانون، باید قوه مجریه ای به وجود آید، در يك تشریع یا در يك حکومت اگر قوه مجریه نباشد نقص وارد است، به همین جهت، اسلام همان طوری که جعل قوانین کرده، قوه مجریه هم قرار داده است.

واقعیت تاریخ و حاکمیت امامان علیهم السلام

يك سنجش ساده ی عقلی، اثبات می کند که اولاً رسول اکرم صلی الله علیه و آله جهت تداوم حکومت اسلامی دست به نصب و معرفی حاکم و جانشین خود زده است و ثانیاً در این نصب و معرفی بهترین و شایسته ترین را برگزیده است.

هرگاه شخص حکیم و خردمندی پس از تلاش های فراوان، شالوده ی يك نظام و سیستم را طراحی کند و آن را به ثمر برساند، حتماً برای تداوم آن چاره ای می اندیشد، به ویژه که احساس کند

۱. سوره بقره، آیات ۲۸۲ تا ۲۸۳.

۲. سوره حجرات، آیه ۹.

۳. سوره بقره، آیات ۲۴۰ و ۲۳۰ و ۲۲۲؛ سوره احزاب، آیه ۴۹؛ سوره نساء، آیات ۲۰ و ۲۳ و ۳۵.

میراث او در معرض تهاجم و خطر قرار گیرد، یکی از چاره‌اندیشی‌های مهم، انتخاب خلیفه و جانشین است؛ از همین رو تاریخ، هیچ حاکم و امپراطوری را سراغ ندارد که در شرایط عادی و در صورت امکان برای خود جانشین تعیین نکرده باشد.

حال آیا پذیرفتنی است که رسول اکرم ﷺ از این قاعده مستثنی شود و برای جانشینی راه و چاره‌ای نیاندیشد؟! پیامبری که در راه تحقق و استقرار حکومت اسلامی فراوان زحمت بکشد و خطر مثلث شوم، شامل حزب نفاق، سپاه روم و سپاه ایران را احساس کند، ولی هیچ واکنشی نشان ندهد، این از تدبیر و دلسوزی چنین رهبری به دور است.

دلایل استمرار حکومت امامان (اثبات ولایت فقیه)

دلیل اول: حکومت فقیه لازمه‌ی غیبت امام علیّه

متکلمان شیعی بر این باورند که بر پیامبر ﷺ نیز به مقتضای حکمت واجب بوده است تا امر اُمت را بدون تکلیف رها نکرده، جانشینی برای خود تعیین کند.^۱ بدون شك چنین امری درباره‌ی آخرین امام شیعی نیز مطرح می‌شود که پیش از غیبت کبرای خویش، دستورها و سفارش‌هایی در این زمینه مطرح کند. بنابراین به صورت خلاصه می‌توان چنین استدلال کرد که: ریاست و سرپرستی جامعه ضروری است و گریزی از آن نیست. چنین نیازی همیشگی و دایمی است. از سوی دیگر، واگذاری این امر به خود مردم روا نیست؛ زیرا اولاً منشاء نزاع و اختلاف بوده و منجر به هرج و مرج می‌گردد، ثانیاً، اتصاف جانشین به صفاتی لازم است. البته در تعیین امام معصوم (ع) صفاتی چون عصمت و اعلیت باعث می‌شد که انتخاب امام، در ورای صلاحیت انتخاب مردم قرار گیرد؛ با این حال در جانشین امام نیز، به رغم عدم اشتراك عصمت، لازم است حداقل شرایط عمومی جانشینان اعلام گردد تا مردم در چارچوب آن شرایط، دست به انتخاب بزنند و سیره‌ی عملی غیبت صغرا حاکی از اهتمام به این امر، با نصب نواب اربعه بوده است.

۱. فیاض لاهیجی، گوهر مراد، ص ۴۶۱؛ پس شاید و روا نبود که پیغمبر تعیین نکند شخصی از علما را به جهت قیام به امور مکلفین و حال آنکه بیان کرده باشد امور غیر ضروریه....

دلیل دوم: ولایت فقیه بهترین گزینه عصر غیبت

ولایت فقیه که همان استمرار حرکت انبیاء و رهبریت سیاسی پیامبر ﷺ و امامان علیهم السلام است، با همان دلایل اصل لزوم نبوت و امامت و حکومت اجتماعی قابل اثبات است.

هرگاه جامعه‌ی انسانی بنابر عواملی از میزبانی امامان معصوم علیهم السلام محروم شوند (عصر غیبت) دو راه در پیش است، یکی این که آخرین رهبر الهی، نسبت به آینده‌ی حیات معنوی و سیاسی امت توجهی نکند و در عصر غیبت خود، مردمان را بی‌سرنوشت رها سازد و هیچ کس را به نام یا به وصف مشخص و تعیین نکند و امت نیز هیچ تکلیفی نداشته باشند و با این بهانه که حالا که از رهبری معصوم علیهم السلام محروم هستیم، پس نسبت به انتخاب رهبر و نوع حکومت تکلیفی نداریم؛ بلکه صرفاً به انتظار منجی موعود بمانیم، این رویکرد، همان مشکلی را در پی دارد که لزوم رهبر و قانون الهی را می‌طلبد (هرج و مرج و انهدام جوامع).

راه دوم این است که رهبر معصوم الهی در غیبت خود شخص یا اشخاصی را که مورد تأیید است، معرفی کند و امت نیز در عین حالی که منتظر ظهور رهبر منصوب الهی هستند، خود را مکلف می‌دانند تا از شخص یا اشخاصی که از همه‌ی به رهبران الهی نزدیک‌ترند تبعیت و پیروی کنند؛ یعنی کسانی که از لحاظ علمی و نظری به احکام و معارف الهی آگاهند و از لحاظ مدیریت و حکومت، توانمند و مدیر و از لحاظ شایستگی‌ها عادل و با تقوا هستند.

این راه موافق عقل است. عقل در تدبیر جامعه، قانون «یا همه یا هیچ» را نمی‌پذیرد؛ بلکه حکم می‌کند «مَا لَا يُدْرِكُ كَلَهُ لَا يُشْرِكُ كَلَهُ»^۱ اگر جامعه بنابر هر دلیلی از رهبریت معصوم محروم شد به رهبر عادل روی می‌آورد.

دلیل سوم: مطلوبیت عقلی حکومت ولی

برخی از مقدمات این دلیل برگرفته از قرآن و روایات است و برخی دیگر حکم و تشخیص عقل است، تقریر این دلیل در کلام امام خمینی رحمه الله به صورت روشن بیان شده است:

۱. اسلام دارای دستورات و احکام مربوط به مالیات، سیاست، حقوق، حفظ مرزها و امنیت است؛

۱. عوالی اللشالی، ج ۴، ص ۵۸، ح ۲۰۷.

۲. اسلام دین خاتم است و قوانین و احکامش هرگز نسخ و تعطیل نمی شود؛
 ۳. اجرای چنین قوانینی ملازم با وجود تشکیلات منسجم (حکومت) است تا اجرای خودسرانه موجب هرج و مرج و اختلال نظام نشود؛
 ۴. حفظ نظام مطلوب شرع و عقل است؛
 ۵. پس تشکیل حکومت تحت نظریک ولی، مطلوب است.^۱
- شایان ذکر است که حضرت امام خمینی علیه السلام، ولایت فقیه را بدیهی و بی نیاز از اثبات و اقامه‌ی دلیل می داند و می فرماید: ولایت فقیه از موضوعاتی است که تصور آن ها موجب تصدیق می شود و چندان به برهان احتیاج ندارد.^۲

دلیل چهارم: عمومات قرآنی و روایی

در قرآن و روایات راجع به ضرورت، لزوم، استمرار و اوصاف راهنمای الهی و رهبران و حاکمان الهی يك سری عمومات و کلیاتی است که به صورت مستقیم یا غیر مستقیم می تواند از دلایل نقلی اثبات ولایت فقیه قرار گیرد.

﴿أَفَلَا يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يَتَّبَعَ أَمَّنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يَهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ﴾^۳

این آیه خبر از تداوم راه هدایت به سوی حق به واسطه‌ی هادیان می دهد، این هادیان در گام نخست انبیاء و امامان علیهم السلام است و در گام بعدی که عصر غیبت معصوم علیه السلام است، نزدیک ترین فرد به آنان (فقیه جامع الشرایط) هادی انسان ها خواهد بود.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله برای فقیهان و عالمان جایگاه ویژه قائل هستند، از همین روی فرمودند:

۱. «ان الاحکام الالهیه سواء الاحکام المربوطة بالمالیات او السياسات او الحقوق لم تنسخ، بل تبقى الى يوم القيامة، و نفس بقاء تلك الاحکام يقضى بضرورة حكومة و ولاية تضمن حفظ سيادة القانون الالهی و تکفل لأجرائه، و لا يمكن اجراء احکام الله الا بها لتلايلزم المخرج و المرج. ان حفظ النظام من الواجبات الاكيدة و اخلال امور المسلمين من الامور المفاوضة و لا يقوم ذا و لا يسد عن هذا الا بوال و حكومة. (مقدمه عقليه) ان حفظ ثغور المسلمين عن التهاجم... واجب عقلاً و نقلاً، و لا يمكن ذلك الا بتشكيل الحكومة. لا يعقل ترك ذلك من الحكيم الصانع (مقدمه عقليه) فما هو دليل الامامة بعينه دليل على لزوم الحكومة بعد غيبة ولی الامر علیه السلام؟» امام خمینی علیه السلام. کتاب البیع، ص ۲۳ تا ۲۴.

۲. ولایت فقیه از موضوعاتی است که تصور آن ها موجب تصدیق می شود و چندان به برهان احتیاج ندارد؛ امام خمینی علیه السلام. ولایت فقیه، ص ۳ و کتاب البیع، ص ۲۴.

۳. «پس آیا کسی که به سری حق رهبری می کند سزاوارتر است مورد پیروی قرار گیرد یا کسی که راه نمی نماید مگر آنکه [خود] هدایت شود شما را چه شده چگونه داوری می کنید؟» سوره یونس، آیه ۳۵.

فقیهان امانت داران من هستند.^۱

و در جای دیگر عالمان را خلیفه و وارث خود و دیگر انبیاء معرفی کردند،^۲ روشن است که مقام امانت داری و به ارث بردن علوم از پیامبر ﷺ حقانیت رهبری دینی و سیاسی را به دنبال دارد. رسول اکرم ﷺ فرمود:

إِنَّ الرِّيَاسَةَ لَا تَصْلُحُ إِلَّا لِأَهْلِهَا فَسَنَدَعَا النَّاسَ إِلَى نَفْسِهِ وَفِيهِمْ مَنْ هُوَ أَعْلَمُ مِنْهُ لَمْ يَنْظُرِ اللَّهُ إِلَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.^۳

و نیز فرمود:

مَنْ أَمَّ قَوْمًا وَفِيهِمْ أَعْلَمُ مِنْهُ أَوْ أَفْقَهُ مِنْهُ لَمْ يَزَلْ أَمْرُهُمْ فِي سَفَالٍ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.^۴

یعنی امر امامت و رهبری پیوسته جاری است و نظر رسول اکرم ﷺ این است که رهبر، عالم ترین و فقیه ترین باشد.

امام علی علیه السلام فرمود:

أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ أَحَقَّ النَّاسِ بِهَذَا الْأَمْرِ (حکومت و رهبری) أَقْوَاهُمْ عَلَيْهِ وَ أَعْلَمُهُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ فِيهِ.^۵

امام کاظم علیه السلام فرمود:

... فقیهان مومن دژهای اسلام اند و برای اسلام نقش حصار و دیوار شهر را دارند.^۶

حصانت و حفاظت از اسلام وظیفه فقیهان است و حفاظت و صیانت با اجرای

۱. «قال رسول الله ﷺ: أَمَنَاءُ الرُّسُلِ... طبق این حدیث فقیهان امانت داران پیامبران در تمام امور و وظایفی که انبیاء داشتند و قابل ودیعت و امانت گذاری بوده است، مهم ترین وظایف انبیاء برقراری نظام عادلانه بر اساس قسط، دریافت خمس و زکات جهت رفاه عمومی، قضاوت و دادرسی و... بوده است. پس امین و مورد اعتماد آنان نیز بر این امور وظیفه دارند و گرنه اَمَنَاءُ آنان نخواهد بود»؛ رك: الكافی، ج ۱، ص ۵۸؛ امام خمینی رحمه الله، ولایت فقیه، ۵۸ تا ۶۵.

۲. «اللَّهُمَّ ارْحَمْ خُلَفَائِي ثَلَاثَ مَرَّاتٍ قِيلَ لَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَنْ خُلَفَاؤُكَ قَالَ الَّذِينَ يَأْتُونَ مِنْ بَعْدِي وَيُرْوُونَ أَحَادِيثِي وَسَيَتَّبِعُ فَيَعْلَمُونَهَا النَّاسُ مِنْ بَعْدِي»؛ الكافی، ج ۱، ص ۳۴؛ شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، کتاب قضا، صفات قاضی، باب ۸، ح ۵. گفتنی است امام خمینی رحمه الله به صورت مشروح به سند و دلالت حدیث پرداخته و به خوبی از آن اثبات ولایت فقیه را نتیجه گرفته است؛ ولایت فقیه، ص ۴۸ تا ۵۴.

۳. شیخ مفید رحمه الله، الاختصاص، ص ۲۵۱.

۴. هر کس امامت گروهی را داشته باشد در حالی که داننا تر از او در میان آنان باشد پیوسته کار آن گروه رو به پستی و تنزل است تا روز قیامت؛ برقی، المحاسن، ج ۱، ص ۹۳.

۵. نهج البلاغه، خطبه ۱۷۳.

۶. «... أَنَّ الْمُؤْمِنِينَ أَلْفَقَاءَ خُصُوصَ الْإِسْلَامِ كَجُحْشِ سُورِ الْمَدِينَةِ لَهَا، امام خمینی رحمه الله از توضیح متن و مفهوم حدیث به روشنی ولایت فقیه را اثبات کرده است»؛ الكافی، ج ۱، ص ۴۷، کتاب فضل العلم، ح ۳؛ ولایت فقیه، ص ۵۴ تا ۵۸.

حدود، حفظ ثغور، تنظیم امور و دفاع از کیان اسلام است نه این که فقیهان کنار بنشینند و این امور را به عصر ظهور حضرت مهدی عج واگذار کنند که در این صورت حصون اسلام نخواهند بود.^۱

از مجموع سخنان پیامبر ص و امامان ع به روشنی دو نکته مهم دستگیر می شود، یکی استمرار رهبریت و حکومت دینی و سیاسی و دیگر اهلیت و شایستگی عالمان مدیر و با تقوا برای عهده گرفتن این ریاست و این دو نکته یعنی تأیید کلی خط ولایت فقیه.

جایگاه مردم در حکومت ولایت فقیه

تحلیل ساده‌ی نقش و جایگاه مردم در روند حکومت دینی چنین می شود:

در نظام اسلامی که مردم دیندارند و می خواهند زندگی فردی و اجتماعی خود را با دین و قوانین دینی هماهنگ کنند، این مردم، در عصر غیبت که امام معصوم ع حضور و ظهور ندارد، یک مکتب شناسی را که در اعتقاد و عمل مثل آنان معتقد و عامل به دین است و از سوی شارع مقدس برای ولایت بر جامعه‌ی الهی، به نحو عام منصوب شده پیدا می کنند و ولایت او را می پذیرند. می گویند تو که برابر مکتب حکم می کنی، ما در حقیقت ولایت تو را که شخص معین هستی قبول نکرده ایم، بلکه ولایت فقاها و عدالت را پذیرفته ایم؛ ما پیرو فقاها هستیم که تو نیز پیرو همان فقاها هستی. ما تابع عدالت هستیم که تو نیز از آن پیروی می نمایی؛ تو از آن جهت که یک انسان و یک شهروند هستی، در پیروی از قانون الهی یعنی فقاها و عدالت، مثل مایی. این مطلب، در قانون اساسی، در اصل یکصد و هفتم آمده است: «رهبر در برابر قوانین با سایر افراد کشور مساوی است». بنابراین، رهبر اسلامی، از سوی دین ولایت دارد نه آنکه مانند کشورهای غربی و شرقی وکیل مردم باشد.

بازخوانی نظر امام خمینی ره، پیرامون ولایت فقیه و نقش مردم در نظام اسلامی، در کنار بررسی چند پاراگراف از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به خوبی بیانگر مشروعیت الهی و مقبولیت مردم است؛ امام خمینی با اینکه از لحاظ تئوریک به ولایت عامه و مطلقه‌ی انتصابی قائل بود، ولی آرای عمومی را نیز محترم می شمرد و تأکید فراوان داشت که به نظریات و آرای آنان در تصمیم

۱. امام خمینی ره، ولایت فقیه، ص ۵۴ تا ۵۸.

گیرهای سیاسی - اجتماعی توجه شود و با انتخابات عمومی، افکار و دیدگاه‌های مردم به دست آید. ایشان می‌فرماید:

حکومت اسلامی، حکومتی است که اولاً صد در صد متکی به آرای ملت باشد؛ به شیوه‌ای که هر فرد ایرانی احساس کند با رأی خود سرنوشت خود و کشور خود را می‌سازد و چون اکثریت قاطع این ملت مسلمان‌اند، بدیهی است که باید موازین و قواعد اسلامی در همه‌ی زمینه‌ها رعایت شود.^۱

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز ولایت فقیه با حاکمیت ملت قرین گشته و به عنوان دو اصل مهم به دنبال هم ذکر شده‌اند. در اصل پنجم قانون اساسی تصریح شده است:

در زمان غیبت حضرت ولی عصر علیه السلام در جمهوری اسلامی ایران، ولایت امر و امامت امت بر عهده‌ی فقیه عادل و باتقوا، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر است که طبق اصل یک صد و هفتم عهده دار آن می‌گردد.

و بلافاصله در اصل ششم نیز تأکید شده است که:

در جمهوری اسلامی ایران، امور کشور به اتکای آرای عمومی اداره می‌شود. از راه انتخاب رئیس جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراهای و نظایر آن، یا از راه همه پرسی در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می‌گردد. بنابراین در قانون اساسی، مشروعیت الهی حکومت با حق حاکمیت ملت جمع شده و سازگار است. این سازگاری در اصول متعددی از قانون اساسی مشهود است.^۲

خدایی و الهی بودن حقانیت و مشروعیت حاکم و حکومت، از منظر و دیدگاه یک فرد مسلمان، هیچ‌گاه با حق اختیار و حاکمیتش بر سرنوشت خودش منافاتی ندارد.

نوع ولایت در ولی فقیه

اصولاً پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام به خاطر وظایف و رسالت‌هایی که داشتند، نیازمند مراتب بالا و هر دو قسم ولایت تکوینی و تشریعی بودند، برای انجام معجزه و کرامت، ابلاغ نهایی و تشریح معصومان‌ه‌ی دین، حفظ دین از خطر انحراف، ارشاد و دستگیری مستعدان، مبارزه با گمراهی و

۱. صحیفه امام، ج ۳، ص ۷۰ تا ۷۱ و ۱۰۲ و ۱۱۵.

۲. ر.ل: اصل ۱۰۷ قانون اساسی.

گمراه‌کنندگان و ... ، بدون داشتن مراتب بالای ولایت و ولایت تکوینی و تشریعی امکان ندارد. اما ولی فقیه در تمام شئون و وظایف، نیابت امام معصوم علیه السلام را عهده‌دار نیست و اصولاً نیابت در جمیع شئون نه ممکن است، نه مطلوب و نه لازم.^۱

در سایه‌ی خاتمیت، شأن دریافت و ابلاغ وحی و آمدن دین و نبی و رسول جدید به پایان رسیده است، پس ولایت تصرف جهت انجام معجزات لازم نیست، به دنبال غیبت کبری که محصول کوتاهی مردمان در یاری‌دهی امام معصوم علیه السلام، آزمایش الهی و سزای الهی بود، ولایت تصرف برای انجام کرامات و اثبات مقام امامت نیز پایان یافته است، ولایت تصرف و تکوینی جهت ایصال فیوضات الهی و تدبیر نامحسوس جوامع توسط امام معصوم علیه السلام نیاز به نیابت ندارد، چون خود امام علیه السلام حضور دارد، هرچند از ما یا از او غایب هستیم، پس نیابت ولی فقیه تنها در شئوناتی است که مستلزم حضور مباحثی و فیزیکی امام معصوم علیه السلام باشد، مانند: تدبیر و سرپرستی ملموس جامعه و تشکیل حکومت دینی و

و نیابت در این شئون نیازمند داشتن ولایت تکوینی و مراتب عالی‌تر آن نیست؛ بنابراین ولی فقیه در داشتن ولایت تشریعی نایب معصوم علیه السلام است مانند: مرجعیت دینی برای توده‌های مردم (افتاء)، مرجعیت قضایی و دادرسی، مرجعیت سیاسی و رهبری حکومت دینی.

امام خمینی رحمه الله در این زمینه می‌فرماید:

وقتی می‌گوییم ولایتی را که رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم داشتند بعد از غیبت، فقیه عادل دارد، برای هیچ کس این توهم نباید پیدا شود که مقام فقها همان مقام ائمه و رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است؛ زیرا این جا صحبت از مقام نیست، بلکه صحبت از وظیفه است. ولایت، یعنی حکومت و اداره کشور و اجرای قوانین شرع.^۲

۱. امام خمینی رحمه الله، به خوبی به تفکیک شئون و ولایت قابل انتقال و غیر قابل انتقال اشاره دارد: اجرای تمام قوانین مربوط به حکومت به عهده فقهاء است. تحریر الوسیله، ۳۲۲/۲: کلیه اختیاراتی که امام علیه السلام دارد فقیه نیز دارد مگر دلیل شرعی اقامه شود مبنی بر آنکه فلان اختیار و حق ولایت امام علیه السلام به جهت حکومت ظاهری او نیست؛ بلکه به شخص امام مربوط می‌شود که به سبب مقام معنوی او به وی اختصاص یافته است. کتاب البیع، ج ۲، ص ۷۷.

۲. امام خمینی رحمه الله، ولایت فقیه، ص ۴۰.

ولایت مقیده‌ی فقیه

به این مفهوم است که تصرف و اختیارات فقیه جامع‌الشرایط که حاکم اسلامی است، محدود به اموری است که حکایت از برابر نبودن حوزه‌ی اختیارات فقهای اسلامی با اختیارات پیامبر ﷺ و امامان علیهم‌السلام است. موارد محدودیت اختیارات و تصرفات ولایت فقیه عبارت است از: محدود بودن ولایت فقیه به امور حسبیه،^۱ مقدم نبودن ولایت فقیه بر احکام فرعیه‌ی الهیه^۲ و محدود بودن ولایت فقیه در چارچوب قانون اساسی حکومت اسلامی.^۳

ولایت مطلقه‌ی فقیه

ولایت مطلقه‌ی فقیه در برابر ولایت مقیده‌ی فقیه قرار دارد و به این معنی است که تمام اختیارات و تصرفاتی که در امور اجتماعی و سیاسی و مذهبی برای پیامبر ﷺ و ائمه علیهم‌السلام ثابت بود، برای ولی فقیه هم ثابت است؛ مگر مواردی که مخصوص پیامبر ﷺ و امام علیهم‌السلام است، بنابراین ولی فقیه در مواردی که نیابت‌پذیر است، تصرفاتش مساوی با پیامبر ﷺ و امام علیهم‌السلام است.^۴

ولایت مطلقه‌ی فقیه در مقابل ولایت محدودی است که فقهاء در زمان طاغوت داشتند (زمان عدم بسط ید) به علت قهر و غلبه‌ی حکومت، مردم پنهانی در برخی امور مانند ازدواج و طلاق و وقف و ... به فقیه مراجعه می‌کردند.^۵

براین اساس همان طوری که پیامبر ﷺ به حکم آیه‌ی شریفه‌ی «الَّتِي أُولَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ»^۶ هرگاه به شخصی که مایل نیست جبهه برود به او دستور رفتن به جبهه بدهد و یا به شخصی که تمام وجوهات مالیش (خمس و زکات) را پرداخته است دستور دهد مبلغی به جبهه بدهد، بر آن شخص اطاعت واجب است، همین طور اگر حاکم اسلامی (ولی فقیه) به کسی دستور

۱. خوبی، ج ۲، التَّنْقِيحُ فِي شَرْحِ الْعُرْوَةِ الْوُثْقَى، باب الاجتهاد والتقليد، ج ۱، ص ۳۵۹ تا ۳۶۰.

۲. گلپایگانی، ج ۲، الهداية الى من له الهداية، ص ۳۱.

۳. منتظری، دراسات في ولاية الفقيه، ج ۱، ص ۵۷۶ تا ۵۹۳.

۴. امام خمینی، ج ۲، طرفدار همین نظریه است و حتی صدور فرمان جهاد ابتدایی را در اختیار ولی فقیه می‌داند و نیز ولایت فقیه را مقدم بر احکام فرعیه‌ی الهیه می‌داند. امام خمینی، ج ۲، کتاب البیع، ۷۷؛ همو، صحیفه امام، ج ۲، ص ۱۷۰.

۵. مصباح یزدی، نگاهی گذرا به نظریه ولایت فقیه، ص ۸۰ تا ۸۱؛ به نقل از امام خمینی، ج ۲.

۶. سوره احزاب، آیه ۶؛ پیامبر به مؤمنان از خودشان سزاوارتر (و نزدیکتر) است.

دهد که لباسش را به کسی دهد باید اطاعت کند، تحریم تنباکو از طرف میرزای شیرازی رحمته الله، از همین قبیل است.^۱

صاحب جواهر رحمته الله از ولایت مطلقه به «ولایت عامه»^۲ و کاشف الغطاء رحمته الله به «الولاية على الشئون العامة»^۳ تعبیر کرده‌اند.

در جایی امام خمینی رحمته الله پس از تصریح به ولایت مطلقه برای فقیه جامع الشرایط به این شبهه که داشتن ولایت مطلقه و هم‌سنگ با ولایت پیامبر صلی الله علیه و آله و امام علیه السلام، موجب تساوی فقیه با پیامبر صلی الله علیه و آله و امام علیه السلام می‌شود، پاسخ می‌دهد:

اگر فرد لایقی که دارای این دو خصلت (علم به قانون و عدالت) باشد، به پا خاست و تشکیل حکومت داد، همان ولایتی را که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله در امر اداره‌ی جامعه داشت دارا می‌باشد؛ و بر همه مردم لازم است که از او اطاعت کنند.

این توهم که اختیارات حکومتی رسول اکرم صلی الله علیه و آله بیشتر از حضرت امیر علیه السلام بود، یا اختیارات حکومتی حضرت امیر علیه السلام بیش از فقیه است، باطل و غلط است، البته فضایل رسول اکرم صلی الله علیه و آله بیش از همه‌ی عالم است و بعد از ایشان فضایل حضرت امیر علیه السلام؛ لکن زیادی فضایل معنوی اختیارات حکومتی را افزایش نمی‌دهد ...^۴

... این توهم نباید پیدا شود که مقام فقها همان مقام ائمه علیهم السلام و رسول اکرم صلی الله علیه و آله است، زیرا این جا صحبت از مقام نیست، بلکه صحبت از وظیفه است. «ولایت» یعنی حکومت و اداره‌ی کشور و اجرای قوانین شرع مقدس، يك وظیفه سنگین و مهم است.^۵

بنابراین همانطوری که در بحث نوع ولایت در ولایت فقیه گفته شد، لازم نیست فقیه از ولایت‌هایی که ویژه‌ی مقام نبوت و امامت و عصمت است، مانند ولایت تکوینی، حتماً برخوردار باشد؛ از میان اختیارات حکومت سیاسی و ظاهری نیز مواردی که به سبب مقام معنوی به

۱. ظاهر اصحاب از نظر عمل و فتوا در ابواب دیگر فقه، عموم نیابت برای فقیه است بلکه چه بسا این مطلب از مسلمات یا ضروریات نزد آنان باشد. ر.ل. نجفی رحمته الله، جواهر الکلام، ج ۱۶، ص ۱۷۸.

۲. مصباح یزدی، نگاهی گذرا به نظریه ولایت فقیه، ص ۱۰۷.

۳. «... المرتبة الثالثة ولاية الفقيه المجتهد النائب عن الامام والمستفاد من مجموع الادلة له الولاية على الشئون العامة وما يحتاج اليه نظام الهيئة الاجتماعية...»؛ کاشف الغطاء رحمته الله، الفردوس الاعلی، ص ۵۳.

۴. امام خمینی رحمته الله، ولایت فقیه، ص ۴۰.

۵. همان.

پیامبر ﷺ و امام علی علیه السلام داده شده است، ولی فقیه از آن برخوردار نیست و از این روی ولایت مطلقه‌ی فقیه نسبت به ولایت نبی اکرم ﷺ و ائمه علیهم السلام دست کم دو تقید و محدودیت دارد.

اوصاف و شرایط ولی فقیه

برای کامل شدن بحث مناسب است به صورت کوتاه اوصاف ولی فقیه بیان شود.

قرآن مجید می‌فرماید:

﴿أَمَّنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يَتَّبِعَ أَمَّنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يَهْدِيَ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ﴾.^۱

قرآن مجید دستور می‌دهد:

﴿وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ﴾.^۲

﴿وَلَا تُطِيعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَن ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرُطًا﴾.^۳

﴿وَلَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ﴾* الَّذِينَ يَفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يَصْلِحُونَ﴾.^۴

رسول اکرم ﷺ فرمود:

مَنْ أَمَّ قَوْمًا وَفِيهِمْ أَعْلَمُ مِنْهُ أَوْ أَفْقَهُ مِنْهُ لَمْ يَزَلْ أَمْرُهُمْ فِي سَفَالٍ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.^۵

رسول اکرم ﷺ فرمود:

لَا تَصْلُحُ الْإِمَامَةُ إِلَّا لِرَجُلٍ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ وَرِعٌ يَخْجُرُهُ عَن مَعَاصِي اللَّهِ وَحِلْمٌ يَمْلِكُ بِهِ غَضَبُهُ وَحُسْنُ الْوَلَايَةِ عَلَى مَنْ يَلِي حَتَّى يَكُونَ لَهُمْ كَالْوَالِدِ الرَّحِيمِ.^۶

امام علی علیه السلام فرمود:

إِنَّ أَحَقَّ النَّاسِ بِهَذَا الْأَمْرِ أَقْوَاهُمْ عَلَيْهِ وَ أَعْلَمُهُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ فِيهِ.^۷

۱. «آیا کسی که به سوی حق هدایت می‌کند، برای پیروی شایسته است یا آن کس که خود هدایت نمی‌شود مگر هدایتش کنند، شما را چه می‌شود چگونه داور می‌کنید؟» سوره یونس، آیه ۳۵.

۲. سوره هود، آیه ۱۱۳.

۳. سوره کهف، آیه ۲۸.

۴. سوره شعراء، آیات ۱۵۱ و ۱۵۲.

۵. برقی، المحاسن، ج ۱، ص ۹۳.

۶. امامت و رهبری فقط شایسته کسی است که این سه ویژگی را داشته باشد: تقوا و ورعی که او را از معصیت خدا بازدارد، حلم و صبری که بر اثر آن، غضب و خشم خود را فروبرد، و رهبری به شیوه پسندیده بر مردم. به گونه ای که مانند پدری مهربان برای آنان باشد. الکافی، ج ۱، ص ۳۳۶؛ کتاب الحجة باب ما يجب من الحق الامام علی الرعية، ح ۸.

۷. «سزاوارترین افراد به حکومت و امامت پرتوان ترین آن‌ها و عالم ترین آن‌ها به امر الهی است.» نهج البلاغه، خطبه ۱۷۳.

با توجه به آیات و روایات ذکر شده و روایات و دلایلی که اثبات ولایت فقیه می‌کند، شرایط و اوصاف ذیل برای ولی فقیه به دست می‌آید، که در قانون اساسی نیز به آن توجه شده است.^۱

۱. صلاحیت علمی لازم برای افتاء در ابواب مختلف فقه؛
۲. عدالت و تقوای لازم برای رهبری امت اسلام؛
۳. بینش صحیح سیاسی و اجتماعی، تدبیر، شجاعت و مدیریت و قدرت کافی برای رهبری.^۲

پرسش‌ها

۱. به چه دلیل در جامعه اسلامی، ولی فقیه بهترین گزینه برای حاکمیت است؟
۲. با کمک عمومات قرآنی و روایی، دلایل حاکمیت ولایت فقیه را بیان کنید.
۳. با توجه به نظرات امام خمینی (ره) و قانون اساسی، جایگاه مردم در حکومت اسلامی را تبیین کنید.
۴. ولایت مطلقه فقیه به چه معنا است؟ توضیح دهید.
۵. اوصاف و شرایط ولی فقیه را بیان کنید.

منابع مطالعاتی

۱. ولایت فقیه، رهبری در اسلام، عبدالله جوادی آملی.
۲. نگاهی گذرا به نظریه ولایت فقیه، محمدتقی مصباح یزدی.

۱. رك: اصل پنجم و يك صد و نهم.

۲. مهم و ملاك اوصاف و شرایط شاخص است نه اوصاف عمومی مانند اسلام، بلوغ، عقل و... برخی منابع این گونه صفات را برای ولی فقیه برشمرده‌اند که لغوی به نظر می‌آید چون این اوصاف برای هر حاکمی لازم است.

فصل ششم:

زمینه شناسی جریان های انحرافی در مهدویت^۱

۱. درسنامه مهدویت، جلد ۴، حجت الاسلام خدامراد سلیمیان.

مقدمه

با وجود دشمنی‌های فراوان در برابر آموزه‌های دینی در دوران معاصر، توجه به باور مهدویت روز به روز در حال گسترش است. علاقه‌ی روزافزون و احساس نیاز در عرصه‌های عقلی و عاطفی، ضمن اینکه امر بسیار مبارکی است، ولی سبب شده تا در کنار آموزه‌های اصیل و عمیق، جریان‌هایی هراز گاه سر برآورده، چند صباحی برخی انسان‌های ساده‌انگار و یا مغرض را به خود جلب نماید.

بررسی جریان‌های انحرافی کاری بس بایسته می‌نماید، ولی از آنجایی که بررسی جریان‌های انحرافی معاصر به طور مشخص نیازمند بررسی‌های میدانی است و ممکن است اشاره‌ی مشخص به برخی جریان‌ها و افراد، پی‌آمدهایی ناگوار در پی داشته باشد، از این رو مناسب‌تر دیده شد تا به مباحثی فراگیر در این باره بسنده شود. علاقه‌مندان در این زمینه را به مطالعه‌ی تفصیلی برخی جریان‌های انحرافی امروزی، در نوشته‌های مفصل توصیه می‌کنیم.

دلیل‌ها و شواهد تاریخی گواه آن است که جریان‌های انحرافی از مهدویت راستین، پیشینه‌ای به درازای تاریخ این باور استوار دارد؛ که هرازگاهی به سبب عواملی سر برآورده و پس از چندی، خاموش شده است. اگرچه بررسی خود این جریان‌ها دارای ارزش است، ولی آنچه ارزش دوچندان دارد، بررسی زمینه‌ها و بسترهای شکل‌گیری این جریان‌ها، ویژگی‌ها و نیز پی‌آمدهای ناگوار این انحرافات است؛ که به نظر می‌رسد بررسی این امور به ویژه در دوران معاصر، می‌تواند از شکل‌گیری جریان‌های نوپدید پیش‌گیری کرده، علاقه‌مندان به باور سترگ مهدویت را از خطرات لغزش در این بی‌راهه‌ها آگاه نماید.

در اینجا نخست به عوامل زمینه‌ساز و آنگاه به ویژگی‌ها و در پایان به پی‌آمدهای جریان‌های انحرافی در مهدویت اشاره می‌شود.

یک. عوامل پیدایش جریان‌های انحرافی

در پیدایش جریان‌های کژرو به طور عمده دو گروه سبب، قابل بررسی است:

۱. سبب‌های پدیدآورنده؛ اموری که به طور فراگیر و یا جزئی، در بسترسازی و شکل‌گیری جریان انحرافی نقش دارند.

۲. سبب‌های استمراربخش؛ اموری که پس از پدیدآمدن انحراف، به ادامه‌یافتن آن کمک می‌کنند.

۱. عوامل پدیدآورنده

۱-۱. ناآگاهی توده مردم

به همان اندازه که دانش و آگاهی، زندگی انسان را روشن می‌کند و انسان را از بی‌راهه و کج‌راهه دست‌گیری می‌کند، نادانی و ناآگاهی سبب فروافتادن انسان در بیراهه‌ها می‌شود. عوامل و افراد جریان‌ساز انحرافی، همواره از نبود دانش و آگاهی کافی افراد، بیشترین بهره را برده‌اند. ناآگاهی از مباحث مربوط به مهدویت و ویژگی‌های حضرت مهدی عجله تعالی فرجه‌ش و روایات معتبر. آموزه‌های دینی به ویژه آیات نورانی قرآن همواره انسان‌ها را به فراگیری دانش‌های والا فرا خوانده است و نادانی را نکوهش و نادانان را سرزنش کرده است.

آگاهی‌های معتبر در عرصه‌ی مهدویت و آموزه‌های اصیل آن، به‌راستی سبب می‌شود تا علاقه‌مندان هرگز فریب افراد منحرف را نخورده، خود را از این جریان‌ها دور نگه دارند. به عنوان نمونه ناآگاهی از حقیقت جهانی شدن اسلام و نحوه‌ی پیروزی دین اسلام در حکومت مهدوی که در قرآن آمده است، سبب شده برخی از افراد ناآگاه جذب شبه‌عرفان‌هایی شوند که ظهور را امری زمینی دانسته و نقش خواست الهی را نادیده می‌گیرند و در همین راستا منکر برخی آموزه‌های مربوط به دوران ظهور هستند.^۱

این عامل را می‌توان به عنوان رایج‌ترین عامل برای زمینه‌سازی انحراف، به ویژه در مهدویت نام برد. یکی از نمونه‌های معاصر در این زمینه، انحرافی به نام «احمدالحسن» است؛ که در آن با

۱. رک: مظاهری سیف، عرفان حلقه، و نیز سلسله مقالات مجله شفافیت از مؤسسه مطالعاتی روشنگر.

استفاده از ناآگاهی مردم نسبت به حقیقت نشانه‌های ظهور، خود را با عنوان یمانی معرفی کرده است.

۲-۱. آشفتگی‌های اجتماعی و اقتصادی

مهدویت به سبب نوع نگاه به آینده و امیدبخشی، همواره درمانی بر دردهای انسان‌های ستم‌دیده و فرودست بوده، ولی گاهی نگاه به این کارکرد با افراط‌هایی روبرو بوده است. به ویژه دوره‌هایی که برخی عوامل وضعیت افراد را در عرصه‌ی اجتماعی و اقتصادی دچار آشفتگی کرده است. مردم در آشفتگی‌ها در پی پناهگاهی هستند که در آن به آرامش برسند. از این رو گاهی هر دارویی را بر درد خویش می‌آزمایند بدون آن که بیاندیشند آنچه درمان می‌پنداشته‌اند، خود دردی بر دردهای آن‌ها است.

برخی انسان‌های نابکار با سوءاستفاده از این حالت افراد و جایگاه مهدویت در چشم آنان، اهداف شیطننت‌آمیز خود را پی می‌گیرند؛ و با القای برخی ذکرها و وردها و نقل برخی حکایت‌های ساختگی در پی جذب افراد آماده هستند.

۳-۱. زیاده خواهی

زیاده خواهی و فزون طلبی از صفات ناشایستی است که برخی انسان‌ها را به هر کاری و می‌دارد. برخی را در جریان‌سازی‌های اقتصادی و برخی دیگر را در جریان‌سازی‌های دینی سوق می‌دهد. علاقه‌ی بیش از حد برخی ساده‌اندیشان، به مباحث سطحی، عرصه را بر افراد فرصت طلب باز می‌کند، تا نهایت بهره را ببرند. نمونه‌های فراوانی از این زمینه در کسانی که پس از مدتی فعالیت، در پی روشنگری دانشمندان دینی به دست قانون گرفتار می‌شوند به چشم می‌خورد. از کسانی که در دوران معاصر پس از جریان‌سازی به این افزون خواهی اعتراف کرده «کاظمینی بروجردی» است، که یکی از اهداف خود را رسیدن به امکانات مادی ذکر کرده است.

۴-۱. نابسامانی و اعتبار کم برخی متون

منابع و متون مهدوی در طول تاریخ فراز و فرودهایی را پشت سر گذاشته است. با وجود همت بلند بزرگان دین و دانشمندان شیعه در طول تاریخ برای به سلامت رساندن این متون به نسل‌های

آینده، کم و بیش برخی از این منابع از دستبرد برخی افراد دنیاطلب در امان نمانده و برخی مطالب نادرست در آن وارد شده است؛ که سوگمندان این خود دستاویزی برای جریان سازان جریان‌های انحرافی شده است. از این دست کتاب‌هایی چون «فتن نعیم بن حماد»، «شرح الاخبار»، «بیان الاثمه»، «الزام الناصب» و ... را می‌توان نام برد.

در این عرصه تلاش دوستان ناآگاه و دشمنان آگاه به شدت به چشم می‌آید که بر هیچ آگاه بصیری پوشیده نیست.

۵-۱. حمایت دشمنان

از آنجایی که باور به مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه نقش بی‌مانندی در به حرکت درآوردن جوامع به سوی ظلم‌ستیزی دارد، همواره دشمنان به هر کاری در برابر این باور دست زده‌اند که از جریان‌سازی‌های انحرافی به عنوان شاخص این کارها می‌توان یاد کرد. نمونه‌های تاریخی این شیطنت بر هیچ آگاهی پوشیده نیست. در دوران معاصر این فعالیت بسیار چشم‌گیرتر از گذشته است.

روابط متقابل فرقه‌ها و مدعیان دروغین با استعمار و استبداد در هر زمان شواهد پرشماری دارد؛ از جمله وابستگی و پیوند دوسویه ی بهائیت و قدرت‌های استکباری که از آغاز رسمیت یافتن این فرقه دیدنی بوده است.

«قادیانیه» یکی دیگر از جریان‌های انحرافی است که نقش استعمار پیر انگلیس در آن انکارناشدنی است. این جریان پدید آمد تا مسلمانان را از آموزه‌های راستین اسلام دور سازد.

۲. عوامل استمرار بخش

۲-۱. اباحی‌گری و تکلیف‌گریزی

برخی از جریان‌های انحرافی با گذر از خط قرمزهای دین، هواداران خود را در گرداب اباحی‌گری و بی‌بندوباری می‌اندازند که این خود سبب دوام این جریان‌ها می‌شود. نمود روشن این عامل در پرهیز هواداران از تقلید و پیروی از مراجع بزرگ تقلید است، که گاهی تا آنجا پیش می‌رود که خود را برتر از علما و دانشمندان دینی می‌پندارند. جریان بهائیت و واقعه‌ی بدشت و «قره‌العین» را می‌توان نمونه‌ای اندک از موارد بسیار دانست.

۲-۲. حمایت برخی خواص

برخی از جریان‌های انحرافی به گونه‌ای گسترده به برخی ظواهر توجه می‌کنند تا جایی که در مواردی برخی نخبگان را نیز دچار تردید و سردرگمی می‌کنند و در کارها هواداری آن‌ها را نیز به دست می‌آورند که این خود سهم فراوانی در بقا و استمرار این جریان‌ها دارد. کسانی که به دور از زیرکی‌های یک مؤمن، به ظاهر برخی افراد نگاه کرده و رفتار آن‌ها را از روی حسن ظن پی می‌گیرند. در دوران معاصر نمونه‌های فراوانی از این جریان‌ها وجود دارد که نیازی به تفصیل نیست و هراز گاهی یکی از آن‌ها رسوا می‌شود.

۳-۲. غفلت برخی خواص

بسیاری از جریان‌های انحرافی تا آن‌گاه که به انحرافات بزرگ دچار نشده و یا در عرصه‌های سیاسی وارد نشده‌اند همواره مورد فراموشی واقع می‌شوند و با این توجیه که پرداختن به آن‌ها سبب بزرگ‌تر شدن آن‌ها می‌شود، یا اینکه یادی از آن‌ها نکنید تا خود به خود از میان بروند، زمینه برای گسترش آن‌ها بیشتر فراهم می‌شود. این غفلت آن‌گاه دشوارترین‌تر می‌شود که این جریان‌ها به پایان راه خود رسیده‌اند و هواداران آن‌ها در کنار بدبینی به باورهای دینی اعتماد خود را نیز به بزرگان از دست می‌دهند که چرا آن‌ها در هدایت مردم اقدامی نکردند.

در این باره می‌توان به موضع‌گیری مسامحه‌کارانه‌ی برخی از علما درباره‌ی «باب» اشاره کرد که با نسبت «حَبْطُ دِمَاغٍ» وی را از مجازات تبرئه کردند.

سوگمندان برخی شنیده‌ها گویای آن است که یکی از شگردهای برخی جریان‌های انحرافی در این است که حساسیت چندانی را پدید نیاورند که این خود، زیرکی بیشتری نیاز دارد.

ناگفته نماند که درباره‌ی نقش خواص هنگام بروز بدعت‌ها، رسول گرامی اسلام ﷺ با بیانی همراه توبیخ کسانی را که سکوت می‌کنند به شدت سرزنش کرده می‌فرماید:

إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فِي أُمَّتِي فَلْيُظْهِرِ الْعَالِمُ عِلْمَهُ فَمَنْ لَمْ يَفْعَلْ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ؛^۱

آنگاه که بدعت‌ها در امت من آشکار شد، بر عالم است که دانش خود را آشکار سازد، که اگر چنین نکند لعنت خداوند بر او است.

۲-۴. ساختن حکایت‌ها

برخی از جریان‌های انحرافی برای نگه‌داری هواداران خود با چنگ‌زدن به برخی شگردهای روان‌شناختی از جمله: دادن شخصیت دروغین، آن‌ها را در ادامه‌ی راه برای هواداری نگه می‌دارند. اینکه کسی درباره‌ی جلسه، در عالم رؤیا چنین دیده است و چنان و یا درباره‌ی فلان شخص در خواب دیده که مورد عنایت اهل بیت علیهم‌السلام بود و مانند آن، دام‌های فریبنده‌ای برای ادامه‌ی اغفال آن‌ها می‌گذارند.

متأسفانه نمونه‌هایی از این حکایت آن‌قدر فراوان است که نیازی به یادکردن از آن‌ها نیست. یکی از مدعیان معاصر با نگارش کتاب‌هایی با عنوان «پرواز روح» و «ملاقات با حضرت مهدی علیه‌السلام» بر این پندار است که اگرچه این حکایت‌ها ساختگی است، اما برای جذب جوانان مؤثر است. زهی پندار باطل که آنگاه که افشا شد چه پی‌آمدهای بدی در پی داشت.

دو. ویژگی‌های جریان‌های انحرافی

۱. عقل‌گریزی و اهتمام افراطی به امور احساسی

بی‌گمان نگاه آگاهانه، نیاز پایه‌ای آموزه‌های دینی به‌ویژه مهدویت است. عقل به عنوان چراغی پرفروغ، همواره راه را روشن می‌کند تا انسان‌ها به بیراهه کشیده نشوند. آموزه‌های اسلامی همواره انسان‌ها را به خردورزی و بهره‌مندی از عقل سفارش و خردمندان را از والایی ویژه برخوردار دانسته است.

برخی از جریان‌های انحرافی پیروان خود را به پرهیز از خردورزی و پیروی بی‌چون و چرا از خود فراخوانده، نگاه خردمندانه به مباحث را بیرون از شئون پیروان خود می‌دانند. سوگمندانه این نوع نگاه در برخی لایه‌های جامعه در کنار نگاه افراطی به عشق‌ورزی محض به امام مهدی علیه‌السلام، مانع تأمل و درنگ در مباحث پایه‌ای مهدویت شده و سبب رواج مباحث بی‌پایه شده است.

۲. درآمیختن حق و باطل

بی‌گمان اگر جریان‌های انحرافی پایه‌ی کجی خود را بر باطل نهند، هرگز جز انسان‌های پلید گرد

آن‌ها جمع نمی‌شوند، از این‌رو برای فریب توده‌ی مردم، بخشی از حق را با بخشی از باطل در می‌آمیزند و خود را هوادار حق نشان می‌دهند.

در آمیختن مطالب درست با نادرست و حق با باطل، سبب می‌شود تا مخاطبان از رودررویی روشن و صریح با این جریان سازان پرهیز کنند. این حق‌نمایان باطل فروش به‌ویژه در آغاز کار خود برای به‌دست آوردن اعتماد از باطل کمتر بهره می‌گیرند و زمانی که هواداران به‌طور کامل اعتماد پیدا کردند، از القای هر باطلی ابا ندارند.

۳. دور کردن مردم از مرجعیت و روحانیت

بر دوست و دشمن روشن است که روحانیت آگاه به‌ویژه جایگاه والای مرجعیت، در دوام فرهنگ شیعی و دور کردن مردم از بی‌راهه‌ها در طول تاریخ نقش ارزنده و کلیدی داشته و دوری از روحانیت می‌تواند زمینه‌ی همواری را برای جولان جریان‌های انحرافی فراهم کند. از این‌رو جریان سازان انحرافات تلاش می‌کنند تا مقام روحانیت و مرجعیت را در نگاه هواداران پایین آورده، آن‌ها را از گرد چراغ راهنمایی ایشان دور کنند.

از آنجا که جایگاه دانشمندان دین و فقها در نگهداری دین در عصر غیبت جایگاه ویژه و ارزشمندی است به‌طور معمول مدعیان برای برداشتن این مانع به رودررویی آشکار و پنهان با این مسأله پرداخته‌اند تا بتوانند پس از تضعیف پایگاه مردمی آن‌ها، برای خود و ادعاهای خود جایگاهی فراهم کنند، در این جا به نمونه‌ای از ادعاها و شگردهای شگفت‌انگیز یکی از مدعیان معاصر اشاره می‌کنیم:

آقای «ع. ی» در یکی از سخنرانی‌های خود بر لزوم وجود فردی به نام «هادی» در این زمان (دهه‌ی ۸۰) سخن به میان می‌آورد (و نیز وقایع پیش و بعد از ظهور را مفصل بیان می‌کند) و در جلسه‌ی ۲۹ نظام بشر بیان می‌کند که اکنون «هادی» در جامعه وجود ندارد و ما هم فقط سفره‌ی معانی باز کرده‌ایم، ولی بر پایه‌ی همین سلسله دروس «به سوی ظهور» که حاوی نفی اهمیت فقاهاست و نیز حاوی ادعای ارتباط خاص با غیب و ملکوت و ... است، در واقع خود را مصداق آن هادی معرفی می‌کند که مقامش در حد ائمه‌ی هدی علیهم‌السلام است.

وی حتی حوادث زلزله‌ی ترکیه (پس از حادثه‌ی کوی دانشگاه) و مرگ «اسحاق رابین» را به خود

نسبت می‌دهد و می‌گوید ما از خدا خواستیم و او انجام داده؛ حتی در جایی به حضرت موسی علیه السلام هشدار می‌دهد که جلوی اسرائیلی‌ها را بگیر و الا من خودم اقدام می‌کنم.

اطرافیان وی هم غافل از تناقضات موجود در کلام او (مثل فایده‌ی انقلاب و علم و فقاہت یا بی‌ثمر بودن آن‌ها، وجود یا عدم وجود نایب خاص در زمان غیبت امام زمان علیه السلام و ...) فریب کلام ظاهراً مستند او را خورده‌اند؛ اما با جمع‌بندی مطالب او و دقت علمی و دینی در آن‌ها، انحرافات روشن می‌شود؛ ولی پیروان با تکیه بر ظواهر و توهم تقویت شدن حس غیبی خود، چشم بسته، مطالب او را پذیرفته‌اند.^۱

۴. خرافه پردازی

مهدویت زلال پاکی است که در گذر از مسیر تاریخ بیشترین طمع بدان شده است. طمع‌ورزی منحرفان، این زلال را دست‌خوش برخی خرافات کرده است و امروزه نه فقط از دامنه‌ی آن کم نشده که بر دامنه‌ی آن افزوده شده است. این پندار بیاطلی است که گفته می‌شود گسترش دانش، خرافه‌گرایی را ریشه‌کن کرده یا به حداقل رسانده است. کافی است انسان روزی را در میان توده‌ی مردم سپری کند و با آن‌ها هم‌سخن شود، آن‌گاه روشن خواهد شد که البته از خرافات ناآگاهانه‌ی دوره‌های پیشین کاسته و برخی خرافات متمدّانه رواج پیدا کرده است و البته شگرد گسترش خرافات یکی از ابزار جریان‌های انحرافی است. برگزاری نماز جماعت به امامت حضرت مهدی علیه السلام و پهن کردن سجاده، ساخت برخی مکان‌ها و انتساب آن به حضرت مهدی علیه السلام و ... نمونه‌هایی از این خرافه‌پردازی است.

۵. عوام‌زدگی

پیروی از نادانی نادانان بی‌خرد آسیبی نابودکننده برای آموزه‌های دینی است، آموزه‌هایی که به خردورزی و به دست‌آوردن آگاهی پافشاری و سفارش فراوان کرده است. جریان‌های انحرافی در فهم و نقل خویش بسیار پیرو خرسندی و ناخرسندی عوام‌اند تا آن‌ها را همواره گرد خویش نگه دارند.

۶. خودمرکزی و مریدپروری

در بیشتر جریان‌های انحرافی، جریان‌سازان همواره خود را به جای حقیقت، محور قرار داده، دیگران را فروتر از آن می‌پندارند که در رتبه‌ی آن‌ها قرار گیرند؛ از این رو پیروان خود را از توجه به شخصیت‌های علمی به ویژه دانشمندان علوم دینی، بر حذر می‌دارند؛ تا مبادا با رجوع به آن‌ها، شیادی آن‌ها آشکار شود.

نمونه‌ی روشن این ویژگی در جریان‌های منحرف معاصر، همان گونه که یاد شد، دورکردن افراد از تقلید و پیروی از مراجع تقلید است که با ایجاد شک و تردید در اصل تقلید و گاهی در اعتبار مراجع، پیروی از خود را برای آنان کافی می‌دانند.

اینان بیشتر خود را دارای کرامات و توان‌مندی‌های شگرف نشان می‌دهند و با این شگرد همواره نوعی دل‌نگرانی در طرفداران خود در گریز از اطراف خود پدید می‌آورند. برنامه‌های سیر و سلوک «ح. الف» و معرفی خود به عنوان استاد اخلاق و عرفان از این موارد است.

۷. استفاده از سخنان چندپهلو

چنگ‌زدن به روایات سست، ساختگی و چندپهلو از دیگر ویژگی‌های جریان‌سازان انحراف است. روایات نیز همچون آیات قرآن دارای محکم و متشابه است. خداوند کسانی را که برای نیل به اهداف شیطانی خود آیات متشابه را دست‌آویز قرار می‌دهند به شدت سرزنش کرده آن‌ها را انسان‌هایی معرفی کرده که دل‌هایشان مریض شده است.^۱

بنابراین از ویژگی‌های مهم عموم جریان‌های انحرافی، بهره‌مندی جریان‌سازان آن‌ها از گفتارهایی است که بر معانی گوناگونی قابل حمل است تا در هنگامه‌های گرفتاری با تفسیری گونه‌گون خود را رها کنند. به بیان دیگر، نبود روشنی در سخن و چنگ‌زدن به سخنان مبهم و

۱. «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ مَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ»؛ اوست کسی که این کتاب [قرآن] را بر تو فرو فرستاد. پاره‌ای از آن، آیات محکم [صریح و روشن] است. آن‌ها اساس کتابند و [پاره‌ای] دیگر متشابهاتند [که تأویل‌پذیرند]. اما کسانی که در دل‌هایشان انحراف است برای فتنه‌جویی و طلب تأویل آن [به دلخواه خود،] از متشابه آن پیروی می‌کنند، با آنکه تأویلش را جز خدا و ریشه‌داران در دانش کسی نمی‌داند. [آنان که] می‌گویند: «ما بدان ایمان آوردیم، همه [چه محکم و چه متشابه] از جانب پروردگار ماست»، و جز خردمندان کسی متذکر نمی‌شود. سوره آل عمران، آیه ۷.

گنگ است به گونه‌ای که حتی برای برخی از طرفداران نیز غیر قابل فهم است. نمونه‌ی روشن آن در تطبیق‌های نادرست در نشانه‌های ظهور است که امروزه برخی افراد انجام می‌دهند.

۸. دادن شأن و جایگاه دروغین به هواداران خود

بی‌گمان هر انسانی از بزرگداشت خود خرسند و شادمان می‌شود. از ویژگی‌های بیشتر جریان‌های انحرافی بزرگداشت هواداران خود و سبک کردن دیگران است.

۹. بی‌ثباتی در باورها و پندارها

نااستواری در ابراز باور از ویژگی‌های کسانی است که بر حقیقت ثبات ندارند، به ویژه جریان‌سازی که از آگاهی چندانی برخوردار نیستند که بیشتر جریان‌ها را این افراد شکل می‌دهند.

۱۰. پیروی از خواسته‌های نفسانی

بررسی‌ها حکایت از آن دارد که شمار فراوانی از جریان‌های انحرافی از هواداران برای پاسخ خواسته‌های خود در انواع مختلف، بهره‌های وافری برده‌اند. اعترافات برخی سران جریان‌های انحرافی از هواداران خود در سوءاستفاده‌های گوناگون از جمله جنسی، گواه روشنی بر این ویژگی است.

۱۱. سوءاستفاده از آشفتگی‌های سیاسی و اجتماعی

از ویژگی‌های مهم جریان‌های انحرافی بهره‌برداری از موقعیت‌های خاص سیاسی و اجتماعی است. سوگمندان پس از انقلاب باشکوه ایران اسلامی بدون پدیدآوردن ظرفیت‌های بایسته برای پاسخ به عطش برآمده برای فراگیری معارف و آموزه‌های دینی، همواره شعله‌ی این زیاده‌خواهی پرفروغ‌تر شده است. اگرچه تلاش دست‌اندرکاران تبلیغ و ترویج معارف دینی در مقایسه با دوره‌های پیش از آن، رشد بسیار فراوانی را نشان می‌دهد، ولی این هرگز به معنای پاسخ فراگیر و همه‌جانبه به نیازهای جامعه در این فراگیری نیست و این خود بستر را برای افراد شیاد در فراوری انحرافات و ادعاهای دروغین فراهم کرده است، به ویژه آن‌که دشمنان این انقلاب در دهه‌ی نخست پیروزی انقلاب اسلامی، دانشمندان بزرگی را از انقلاب گرفتند.

۱۲. بهره‌مندی از ویژگی‌های خاص ظاهری

اگرچه گفته شده بسیاری از جریان‌سازان انحرافات، دارای ناهنجاری‌های روانی بوده و از عدم تعادل شخصیتی در رنج هستند، ولی برخی از این افراد دارای ویژگی‌های شخصیتی خاص هستند که به راحتی با آن، دیگران را فریب می‌دهند، از جمله کسوت به لباس روحانیت، سید بودن، چهره‌ای مناسب، اخلاق خوش، برخورداری از بیان جذاب و تأثیرگذار و مانند آن.

سه. پی‌آمدهای جریان‌های انحرافی

۱. بی‌ثباتی در باورهای دینی

به نظر می‌رسد مهم‌ترین پیامد این انحرافات، پدیدآوردن تزلزل در باورهای دینی و مذهبی افراد است. که این خود گناه بزرگ و نابخشودنی است که مصداق تام «يَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ»^۱ است. کم نیستند افراد هوادار جریان‌های انحرافی که پس از مدتی به کلی از دین سرخورده شده و همه‌ی دین را خرافه و دروغ می‌پندارند. و پس از آن به هیچ نیروی هدایت‌گری دل نمی‌دهند.

۲. از بین بردن سرمایه‌های فکری

بی‌گمان امروزه مکتب اهل بیت علیهم‌السلام بیش از هر زمان دیگر نیازمند بهره‌مندی از نیروهای فکری در عرصه‌های گوناگون است. ازدست‌رفتن این نیروها در جریان‌های انحرافی و هدررفت توان فکری آن‌ها خسارت بزرگی به پیروان اهل بیت علیهم‌السلام وارد می‌کند.

چهار. راهبرد رویارویی با جریان‌های انحرافی

بی‌شک جریان‌های انحرافی در مهدویت، افزون بر تخریب باورهای اصیل و هویت دینی و فرهنگی جامعه، امنیت ملی را نیز به چالش می‌کشد؛ از این رو افزون بر راه‌کارهای فرهنگی و علمی، برخورد امنیتی و عملی نیز امری ناگزیر و اجتناب‌ناپذیر می‌نماید.

علاقه‌مندان به مباحث اصیل مهدوی در کنار تلاش در نگهداری خویش و دیگران جهت درآمان ماندن از ورود در جریان‌های انحرافی، می‌بایست تمام کوشش خود را برای رویارویی با این خطرات

۱. «[آنان را] از راه خدا باز می‌دارد»؛ سوره توبه، آیه ۳۴.

بزرگ به کار گیرند، به‌ویژه مسئولیت دانشمندان دین در این زمینه بس بزرگ و دارای ارزش است. بنابراین برای رویارویی با این جریان‌ها دو نوع کار باید کرد: «فعالیت‌های علمی و فعالیت‌های عملی»

الف. رفتارهای علمی

یک. بهره‌گیری از آگاهی‌های معتبر

دانش سرآغاز هر رفتار است. پیش‌تر گفته شد نادانی نسبت به باورهای راستین مهدویت، سببی پایه‌ای برای شکل‌گیری جریان‌های انحرافی است؛ از این رو نخستین گام برای رهایی از این جریان‌ها، افزایش آگاهی‌های معتبر است.

مهم‌ترین عرصه برای این فراگیری چنگ‌زدن به آیات قرآن و روایات معتبر معصومان علیهم‌السلام است؛ از این رو در بُعد علمی و شناختی می‌بایست دلسوزان در این عرصه به گونه‌ای حساب‌شده، خردمندانه و کارشناسانه وارد صحنه شده به وظایف خود به خوبی عمل کنند. القای این آگاهی‌ها در دو بعد اساسی قابل تصور است: نخست در معارف معتبر و اصیل مهدوی و آنگاه شناخت انحرافات، ویژگی‌ها و پی‌آمدهای آن‌ها، در این راه نورانی.

دو. طراحی سامانه‌ی مهندسی فراگیر مهدویت

بی‌شک ناهمگونی و ناهماهنگی میان عناصر فرهنگ دینی، زمینه را برای گسترش انحرافات پدید می‌آورد. نگاه سطحی، جزئی و جزیره‌ای به مباحث مهدویت از عوامل مهم شکل‌گیری جریان‌های انحرافی است. نگاه فراگیر و کلان به معارف مهدوی با یک سامانه‌ی مهندسی کلان از سوی متولیان فرهنگی اعم از روحانیون و فرهنگیان، به صورت هماهنگ، می‌تواند سد نفوذناپذیری در برابر شکل‌گیری این جریان‌ها و ادامه‌ی حرکت آن‌ها به شمار آید.

این سامانه از آن جهت ارزش می‌یابد که شواهد حکایت از آن دارد که بسیاری از جریان‌هایی که به انحرافات بزرگ منجر می‌شوند در آغاز راه، چندان منحرف به چشم نمی‌خورند؛ از این رو بسیاری از کسانی که در این کج‌راهه‌ها می‌افتند به سبب انحراف کند و آهسته، کمتر آن را احساس می‌کنند. توجه به این نکته نیز دارای ارزش است که تفاوت بنیادین جریان‌های انحرافی در دوران معاصر

نسبت به گذشته بهره‌مندی آن‌ها از ابزار رسانه‌ای است که به نشر ناگهانی انحرافات کمک شایانی می‌کند، به‌ویژه آن‌که همنوایی آن‌ها با دشمنان سبب می‌شود تا بیگانگان مدد‌رسان خوبی برای این منحرفان باشند.

سه. پافشاری بر خردورزی و پرهیز از خرافات

گفته شد یکی از ابزار مهم جریان‌سازان انحراف، چنگ‌زدن به امور پنداری و خرافی است. در راهبرد رودررویی با این جریان‌ها، پافشاری بر خردمندانه‌بودن آموزه‌های مهدوی و بازشناخت آن‌ها بر پایه‌ی روایات معتبر است که می‌تواند حقایق بسیاری را آشکار سازد و راه را بر منحرفان ببندد. بررسی‌ها نشان می‌دهد بیشتر جریان‌های انحرافی فاقد بنیان‌های قوی عقلی هستند؛ به همین دلیل جریان‌سازان این حرکت‌ها هواداران خود را به پرهیز از امور عقلانی سفارش و بیشتر آن‌ها را در پندار و خیال قرار می‌دهند و این خود زمینه را برای مقابله‌ی خردمندانه در برابر آن‌ها فراهم می‌سازد.

ناگفته نماند خطر افتادن در دام جریان‌های انحرافی اگرچه بیشتر گروه‌های کم‌سواد و ساده‌ی جامعه را تهدید می‌کند، اما شواهد گواه آن است که پیچیدگی جریان‌های انحرافی معاصر در بسیاری از موارد سبب شده تا برخی انسان‌های فرهیخته و آگاه جامعه نیز فریب برخی جریان‌سازها را خورده به انحراف کشیده شوند.

ب. راه‌های عملی

یک. افشاگری و پدیدآوردن حساسیت

بی‌گمان بزرگی پی‌آمدهای ناگوار این جریان‌های انحرافی راه را بر هر کوتاهی و مدارا می‌بندد که این انحرافات از مواد افیونی بدتر است که آن جان آدمی را و این روح انسان‌ها را نابود می‌کند و هرگز کسی به مدارا با مسببین آلوده‌شدن جوانان به مواد افیونی خرسند نخواهد بود. از این رو بر همگان به‌ویژه قشر فرهیخته‌ی جامعه است تا با بهره‌مندی از فرصت‌های ممکن به افشاگری این جریان‌ها پرداخته، به‌ویژه جوانان را از دام این انحرافات دور کنند.

دو. جلوگیری از کارهای تبلیغی جریان‌ها

و در آنجا که خیرخواهی پاسخی در پی نداشت بهترین گزینه رودررویی با جریان‌های انحرافی و برچیدن بساط انحراف آن‌ها است.

ناگفته نماند برخی جریان‌های انحرافی با پافشاری و از روی عمد در ظاهر به دفاع از نظام اسلامی و مقام معظم رهبری علیه السلام می‌پردازند تا در سایه‌ی این ادعا، خود را از تیررس نگاه و برخورد نیروهای امنیتی در حاشیه‌ی امن قرار دهند که نیاز به تیزهوشی مسئولان امر را دوچندان می‌نماید. البته همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد بررسی‌های ژرف جریان‌های انحرافی امری بایسته و شایسته است که یک علاقه‌مند با معارف مهدویت هرگز نباید از آن غفلت کند. از این رو همه‌ی خوانندگان را به بررسی‌های عمیق و علمی جریان‌های انحرافی مهدوی فرا می‌خوانیم.

پرسش‌ها

۱. در پیدایش جریان‌های انحرافی چه عواملی نقش دارند؟ چهار مورد را توضیح دهید.
۲. مهم‌ترین ویژگی‌های جریان‌های انحرافی کدامند؟ پنج نمونه را توضیح دهید.
۳. بزرگ‌ترین آسیب جریان‌های انحرافی در عرصه اعتقادات کدام است؟ بیان کنید.
۴. گروه‌های راهبرد در برابر جریان‌های انحرافی کدام است؟ توضیح دهید.
۵. از نگاه شما مهم‌ترین راهبرد عملی برای مقابله با جریان‌های انحرافی چیست؟

منابع مطالعاتی

۱. پیچک انحراف، جواد اسحاقیان، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام قم.
۲. قبیله تزویر، امیر محسن عرفان، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام قم.
۳. فصلنامه تخصصی تاریخ معاصر ایران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، سال سیزدهم، بهار ۱۳۸۸ ش.

فصل هفتم:

سیرمهدی ستیزی در رسانه های غربی^۱

۱. حجت الاسلام زهیردهقانی آرائی و حجت الاسلام اسلام پورخادمی.

مقدمه

آموزه‌ی مهدویت و موعود اسلامی یکی از بنیان‌های اساسی اسلام در ابعاد اعتقادی، سیاسی و اجتماعی است. این آموزه‌ی تأثیرگذار، همانند سایر آموزه‌های الهی و حق محور در طول تاریخ با انواع دشمنی و در شکل‌های مختلف درگیر بوده و این تقابل و مبارزه تا روز موعود ادامه دارد. شناخت دشمن از ضروریات اولیه هر مبارزه است و از طریق آن می‌توان بقای خود و جامعه را تضمین کرد.^۱

چنان که پیامبر اعظم ﷺ دشمن شناسی را نشانه برتری عقلی انسان می‌دانند:

أَلَا وَإِنَّ أَعْقَلَ النَّاسِ عَبْدٌ عَرَفَ رَبَّهُ فَطَاعَهُ وَعَرَفَ عَدُوَّهُ فَعَصَاهُ.^۲

نظام غرب با داعیه‌ی برتری مادی و معنوی بر جهان همواره یکی از مهم‌ترین دشمنان مهدویت بوده است؛ اما در دو قرن اخیر با شکل‌گیری صهیونیسم یهودی و به تبع آن صهیونیسم مسیحی، درگیری جبهه‌ی غرب با اسلام و مهدویت - به عنوان مانعی بر سر راه تسلط صهیونیسم بین‌الملل بر ثروت‌های مادی و معنوی جهان اسلام - افزایش داشته است. «توجه به مهدویت، پس از انقلاب اسلامی ایران و به ویژه در چندین سال اخیر شکل تازه‌ای به خود گرفته است. این مطلب به راحتی با نگاه به لیست کتاب‌ها و مقالاتی که در موضوع مهدویت و آینده اسلام در سال‌های اخیر تولید و عرضه شده، قابل اثبات است؛ چنان که حجم فیلم‌های سینمایی و برنامه‌های تولیدی در شبکه‌های رسانه‌ای غرب در این سال‌ها در موضوع آخرالزمان اسلامی و مهدویت با پیش از آن قابل

۱. شاکری زواردهی، روح الله، انتظار (۱)، ضرورت طرح مباحث مهدویت، ص ۹۰.

۲. بدانید که عاقل‌ترین مردم کسی است که پروردگارش را بشناسد و از او پیروی کند، دشمنان خدا را بشناسد و از آنان نافرمانی نکند؛

بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۱۸۱، به نقل از اعلام الدین، دیلمی، ص ۲۳۷، ح ۱۵.

مقایسه نیست». ^۱ علت این امر را هم در چند چیز می‌توان خلاصه کرد:

۱. بیداری روز افزون ملت‌ها با الهام‌گیری از ایران مهدی باور؛ که لازمه آن حق خواهی و عدالت طلبی و خارج شدن از زیر یوغ استعمار است.

۲. گسترش نفوذ ایران در منطقه و جهان، که نتیجه‌اش کاهش حوزه نفوذ و به خطر افتادن منافع مادی و معنوی غرب و اسرائیل است.

۳. تأکید جمهوری اسلامی ایران بر تمدن اسلامی و زمینه‌سازی برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه (لازمه شکل گرفتن تمدن اسلامی، فروپاشی تمدن مادی غرب خواهد بود؛ لذا غرب، تمام تلاش خود را برای نابودی یا حداقل محدود کردن این حرکت به کار بسته است).

ما در این درس در صدد نمایاندن جنبه‌های مختلف ستیز رسانه‌ای غرب علیه مهدویت و جمهوری اسلامی ایران - به عنوان نظام داعیه‌دار مهدویت و زمینه‌ساز برای انقلاب جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه - می‌باشیم.

بدین منظور پس از بیان دوره‌های ستیز غرب علیه مهدویت، به روش‌های دشمنی اشاره کرده، سپس ابزارهای ستیز رسانه‌های غرب را بررسی خواهیم کرد.

دوره‌های ستیز

مهدی ستیزی غرب در دوره‌های مختلف، از حیث کیفیت و کمیت با شدت و ضعف، در جریان بوده است؛ در ذیل به صورت کوتاه این دوره‌ها بیان می‌شود:

قبل از انقلاب

با توجه به همسو بودن نظام حاکم کشور با فرهنگ غرب در دوره‌ی قبل از انقلاب اسلامی، رسانه‌های غربی در این دوره توجه چندانی به مقوله‌ی مهدویت نداشتند و بیشتر فعالیت‌های غرب علیه مهدویت از طریق افراد نفوذی و در راستای حمایت از جریان‌های انحرافی و مدعیان دروغین بوده است.

۱. پنجه بر آفتاب (۱)، زهیر دهقانی آرانی ص ۱۴ (با اندکی تغییر).

سال‌های آغازین انقلاب

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی ره، و تأکید و تصریح ایشان مبنی بر زمینه‌سازی برای ظهور حضرت مهدی عج و تشکیل حکومت جهانی آن حضرت؛^۱ غرب با احساس خطر جدی برای منافع امپریالیستی خود، تمام توان رسانه‌ای خود را به میدان آورد تا این حرکت را قبل از گسترش به سایر نقاط جهان متوقف کند. ساخت فیلم «نوسترآداموس»، مردی که فردا را دید»^۲ ساخته‌ی رابرت ژنت^۳ در همان سال‌های آغازین انقلاب و پخش گسترده‌ی آن، یکی از مهم‌ترین اقدامات رسانه‌ای غرب بود.

سال‌های میانی (دوران سکوت و تعمق علمی)

با رهبری حکیمانه امام خمینی ره و پایداری ملت ایران، تلاش غرب برای نابودی انقلاب، نه تنها به ثمر نرسید؛ بلکه باعث شناخته شدن بیشتر انقلاب و حرکت عدالت‌محور و ظلم‌ستیز آن شد، لذا رسانه‌های غربی در قبال ایران سیاست سکوت رسانه‌ای را در پیش گرفتند.

سال‌های اخیر (مهدی ستیزی عیان و آشکار)

از سال ۲۰۰۱ به بعد با وقوع اتفاقاتی مانند حادثه‌ی ۱۱ سپتامبر، موج جدید اسلام‌هراسی به راه افتاد، چند سال پس از آن، با سخنرانی محمود احمدی‌نژاد (رئیس‌جمهور وقت ایران) در سازمان ملل، همچنین پیروزی حزب‌الله لبنان بر رژیم غاصب صهیونیستی (در سال ۲۰۰۵) و به خاطر حمایت‌های ایران از حزب‌الله، اسلام‌هراسی غرب، بیشتر سمت و سوی ایران‌هراسی و مهدی‌هراسی به خود گرفت؛ البته با شدت و قوت بیشتر.

برای پی‌بردن به این امر کافی است که نگاهی به آمار تولیدات رسانه‌ای غرب در طی نیم قرن اخیر بیندازیم. با یک مرور اجمالی مشاهده می‌شود در سال‌های اخیر تولیدات رسانه‌ای غرب با

۱. امام خمینی ره می‌فرمود: «انقلاب مردم ایران، نقطه شروع انقلاب بزرگ جهانی اسلام، به پرچم‌داری حضرت حجت - ارواحنا فداء ... است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد»؛ صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۳۲۷. و «امیدوارم که این انقلاب، يك انقلاب جهانی بشود و مقدمه برای ظهور بقیة الله - ارواحنا له الفداء - باشد»؛ صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۱۳۱.

2. The Man Who Saw Tomorrow.

3. Robert Guenette.

موضوعات منجی و آخرالزمان - در جهت اسلام هراسی و مهدی هراسی - افزایش چشمگیری داشته است.

روش های ستیز

غرب در مواجهه رسانه‌ای خود با مهدویت و منجی اسلامی از دو روش بهره می‌برد:

نخست: روش مستقیم؛ بدین معنا که در محصولات رسانه‌ای غرب، منجی اسلامی به صراحت، دشمن و خطری برای امنیت جهان معرفی می‌شود؛ فیلم «نوسترادموس؛ مردی که فردا را دید» و کتاب‌هایی مانند: «مهدی»^۱ نوشته کوئینل، «مهدی، ترسی در هزاره»^۲ نوشته داکندورف و «امام دوازدهم»^۳ نوشته روزنبرگ و «فجر طلایی»^۴ نوشته کوستیگن نمونه‌های بارزی از این روش هستند. البته آثار دارای موضع‌گیری مستقیم و صریح، پرتعداد نیستند، چرا که وقتی مستقیماً چیزی را هدف بگیریم، اغلب موارد، تأثیر معکوس دارد و موجب ایجاد سؤال در ذهن مخاطبین نسبت به موضوع می‌شود.

دوم: روش غیرمستقیم؛ در این روش تولیدات رسانه‌ای صراحت موضع‌گیری ندارند؛ بلکه در ضمن مباحث علمی آخرالزمان و منجی محور به مهدویت می‌پردازند و به صورت پنهان برای تخریب آموزه‌های دینی به ویژه مهدویت گام بر می‌دارند. چنان‌که می‌بینیم در بسیاری از فیلم‌ها، صحنه‌ای کوتاه برای تخریب حزب‌الله لبنان، انقلاب اسلامی و مهدویت نمایش داده می‌شود که این سکانس‌های کوتاه تأثیر آنی خود را می‌گذارد.^۵

این روش در رسانه‌های مکتوب نیز کاربرد داشته؛ به عنوان نمونه می‌توان به کتاب‌های «جنگ خدایی با ترور (اسلام، پیشگویی و انجیل)»^۶ نوشته ولید شعیبات و یا «ضد مسیح اسلامی» نوشته ریچاردسون اشاره نمود که در این‌گونه کتاب‌ها سعی شده در قالبی به ظاهر علمی، مطالب موجود در

1. "The Mahdi", A.J. Quinnell, Fawcett, ۱۹۸۳.

2. "The Mahdi - A Millennium Thriller", Margo Dockendorf, Cypress House; 1st edition ۱۹۹۹.

3. "The Twelfth Imam", Joel C. Rosenberg, Tyndale House Publishers, Inc. ۲۰۱۱.

4. "Golden Dawn", Thomas M. Kostigen, Forge Books; First Edition edition ۲۰۱۲.

۵. خبرگزاری شبستان، مهدی ستیزی به اسم کارتون و سرگرمی، ۱۳۹۷/۴/۲۰.

6. God's War on Terror: "Islam, Prophecy and the Bible", Walid Shoebat

احادیث و کتب اسلامی در مورد امام مهدی عجل الله تعالی فرجه و آخرالزمان مورد بررسی قرار گیرد و با تطبیق آن‌ها بر پیشگویی‌های کتب مقدس مسیحیت و یهود، اسلام و مسلمانان به عنوان دشمن مسیحیان و یهودیان معرفی شود.

ابزارهای ستیز

غرب برای رسیدن به اهداف خود، از ابزارهای مختلف رسانه‌ای استفاده می‌کند که در زیر به بیان آن‌ها می‌پردازیم:

۱. کتاب‌ها

با مراجعه به سایت‌های فروش کتاب مانند «آمازون» با تعداد زیادی از کتاب‌ها که با موضوع منجی آخرالزمان نوشته شده است مواجه می‌شویم. تعداد قابل توجهی از این کتاب‌ها به منجی اسلامی (مهدی عجل الله تعالی فرجه) پرداخته‌اند که در زیر به معرفی چند نمونه مهم از این کتاب‌ها بسنده می‌کنیم:

الف. کتاب مهدی مسیح ربوده شده^۱

نویسنده این کتاب رُن کانترل^۲ یک کشیش اونجیلیستی است. کانترل در این کتاب ابتدا به معرفی «مهدی» و جایگاه او در میان مسلمانان می‌پردازد و با وجود شباهت‌های اندک، این نکته را بارها تکرار می‌کند که «مهدی» یک مفهوم دزدیده شده و گرفته‌برداری شده از منجی باوری مسیحیت است.

وی در کتاب خود رویه‌ای تناقض‌آمیز اتخاذ کرده و ادعا می‌کند که «مهدی» همان بن‌لادن است، زیرا روایات و احادیث اسلامی «مهدی» را به گونه‌ای در صورت و رفتار معرفی کرده‌اند که شباهت

1 . The Mahdi. Hijacked Messiah.

2 . Ron Cantrell

رُن کانترول به همراه همسرش کارول به مدت چهل سال در قامت کشیشی اونجیلیستی به فعالیت‌های تبلیغی پرداخته که بیش از ۲۰ سال از آن در خاورمیانه - به ویژه اسرائیل - بوده است. بیشترین تمرکز کانترل بر روی مسلمانان، ایران و مسلمانان خاورمیانه بوده است. او بسیاری از سخنرانی‌های خود را در اسرائیل برگزار می‌کند و موضع‌گیری‌های تند - در قالب سخنرانی و کتاب - علیه هر جریان یا شخصیت ضد یهودی، گرفته است؛ زهیردهقانی آراتی، پنجه بر آفتاب (۱)، ص ۱۰۰.

نزدیکی به بن‌لادن دارد؛ البته او در ادامه ظاهراً از این ادعای خود دست برمی‌دارد، چرا که اذعان می‌کند، مطابق نگاه مسلمانان «مهدی» از مکه و عربستان سعودی ظهور می‌کند نه از افغانستان! در بخشی از توصیف کتاب در پشت جلد چنین می‌خوانیم:

«جدیدترین لایه‌ی شناخته شده ترور، در ارتباط با منجی اسلامی «مهدی» می‌باشد و مهم‌ترین شناسه‌ی این رهبر مذهبی رمزآلود، غیبت اوست... در سالیان اخیر با تلاش غرب، اعتقادات وحشتناک و مخفی مسلمانان آشکار شده است. همه‌ی مسلمانان - اعم از افراطی یا میانه‌رو- اعتقاد دارند که در آخرالزمان، اسلام تنها دین روی کره زمین خواهد بود. مسلمانان انتظار دارند که مهدی عجل الله تعالی فرجه‌ه منجی آن‌ها، دین اسلام را بر جهان حاکم سازد. اما سؤال این است که: «مهدی» کیست؟ وقتی او ظهور کند چه اتفاقی برای ما می‌افتد؟ مدعیان پیشین مهدویت چه بلایی بر سر مردم آورده‌اند؟ این کتاب به بررسی تطبیقی نگاه منجی گرایانه آخرالزمانی اسلام و مفهوم منجیانه یهودی - مسیحی می‌پردازد».^۱

ب. کتاب «ضد مسیح اسلامی»^۲

نویسنده کتاب شخصی با نام «جوئل ریچاردسون» است. وی با تسلط خوبی که بر روایات اسلامی و آموزه‌های انجیلی دارد، چندین کتاب بر ضد اسلام و منجی آخرالزمانی آن نوشته است. ریچاردسون سعی کرده است آخرالزمان را از دیدگاه انجیل و اسلام بیان کرده و با هم مقایسه کند. در این راه از روایات اسلامی و آیات انجیل بهره گرفته است. البته بیشتر به روایات اهل تسنن تکیه کرده است.

نکته‌ی کلیدی که این کتاب در سیر هوشمندانه‌ی ضد اسلامی خود سعی در القای آن دارد، تطابق ضد مسیح انجیلی^۳ با منجی آخرالزمانی اسلام یا همان مهدی عجل الله تعالی فرجه‌ه است. او با وارونه جلوه دادن حقایق، سعی دارد مخاطب خود را متقاعد کند که دیدگاه آخرالزمانی اسلام نه تنها برای مسیحیان و یهودیان؛ بلکه برای خود مسلمانان هم خطرناک است. همچنین اصرار دارد که

۱. پنجه بر آفتاب (۱). زهیر دهقانی آرانی، ص ۱۰۱ و ۱۰۲.

2. Islamic Antichrist

3. Anti Christ

چهره‌ای خشن و خونریز از منجی مسلمانان ارائه دهد و نهضت او را یک حرکت ضدبشری و افراطی قلمداد کند. در این رهگذر حتی به عیسی علیه السلام هم رحم نکرده و او را پیامبر دروغین^۱ می‌خواند. البته شواهد و برهان‌ها آن‌چنان استادانه کنار هم قرار می‌گیرند که به خوبی برای خواننده (حتی مسلمان) ایجاد شبهه می‌کنند.

فصل‌های ابتدایی نویسنده با ذکر برخی اتفاقات معاصر و تحلیل آن‌ها، ایدئولوژی آخرالزمانی اسلام را هدف حمله قرار می‌دهد و سعی دارد مخاطب را از این - به قول خودش - تهدید بزرگ! آگاه کند.

وی در ادامه به معرفی منجی مسلمانان - مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریک - می‌پردازد و با نگاهی هدف‌دار و یک‌جانبه به روایات، چهره‌ای خشن از حضرت می‌سازد.

فصل پنجم کتاب یکی از مهم‌ترین بخش‌هاست که در آن مخاطب متقاعد می‌شود که «مهدی» اسلام همان ضد مسیح است که در انجیل از او به بدی یاد شده و محور شرارت و خونریزی در آخرالزمان است.

سپس او با بررسی حضرت مسیح علیه السلام از دیدگاه اسلام ادعا می‌کند که مسیحی که پشت سر مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریک حرکت کرده و او را حمایت می‌کند، در حقیقت همان «پیامبر دروغین» است که انجیل از او به عنوان حامی ضد مسیح در آخرالزمان یاد می‌کند.

ریچاردسون در ادامه با ذکر اختلافات مسلمان‌ها با یهود و مسیحیت و تاختن به جهاد اسلامی، به ستیز با تفکر اسلامی پرداخته و در نهایت در فصل‌های پایانی کتاب، حمله‌ی نهایی خود به فکر مخاطب را انجام می‌دهد، که تا اینجا به اندازه‌ی نیاز، به تهدید بودن اسلام و منجی آن پی برده است و روحیه‌ی اسلام ستیزی در او القا شده است. وی به شکل زیرکانه‌ای همان ادعاهای قبلی را به طور خلاصه و تیتروار بیان کرده و تلاش می‌کند در فضایی کاملاً منصفانه، اصل اسلام را از دایره‌ی نیاز بشری خارج کند. وی راه‌کارهایی را هم برای مقابله و پیشگیری از تهدیدهایی که تا اینجا القا کرده ارائه می‌دهد که در نوع خود جالب است، اما از حوصله‌ی این نوشتار خارج است.^۲

۱ . False Prophet

۲. پنجه بر آفتاب (۱)، زهیر دهقانی آرانی، ص ۱۶۶-۱۶۸.

ج. کتاب (رمان) امام دوازدهم^۱

مؤلف رمان «امام دوازدهم» جوئل روزنبرگ، نویسنده معروفی است که در واشنگتن تایمز، فاکس نیوز، دیلی کالر و رسانه های بسیاری قلم می زند و حضور پیدا می کند.

او در این کتاب سعی می کند ایران را به عنوان کشوری که در تلاش برای تهیه سلاح های هسته ای و مخرب است (جهت زمینه سازی ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف) معرفی کند.

وی درباره دلیل نوشتن این کتاب می گوید:

ما بسیار به آخرالزمان نزدیک هستیم، اما جهان به خواب رفته است. رهبر معظم ایران علی خامنه ای ادعا کرده است که در ماه جولای، با مسیح شیعه ها - که به امام دوازدهم معروف است - ملاقات کرده است. تعداد اندکی از این واقعه مطلع اند، و تعداد کمتری هم از مفهوم این اتفاق آگاهند. رئیس جمهور ایران، محمود احمدی نژاد می گوید: هدف دولت او این است که ظهور امام دوازدهم بر روی زمین را تسریع بخشد. موضوع بسیار خطرناک در مورد این دو مرد این است که طبق نظریه ی آخرالزمانی شیعه، آن ها عقیده دارند که مأموریت الهی آن ها این است که تمدن مسیحی - یهودی را از بین ببرند تا ظهور مسیح خود را بر روی زمین جلو ببرند. با در نظر گرفتن فعالیت های بسیار سریع آن ها برای ساخت تسلیحات هسته ای، این خیلی مورد خطرناکی خواهد بود... ما با یک هیتلر فارسی زبان که در حال برخاستن است مواجهیم و جهان هیچ عمل قاطعی در جهت متوقف ساختن او انجام نمی دهد... من می خواهم مردم را به یک سفر بسیار هیجان انگیز به درون یکی از تاریک ترین رژیم ها یعنی رژیم ایران ببرم. می خواهم مردم را به اتاقی ببرم که در آن رهبران ایرانی، تراژدی تسلیحات هسته ای خود را پایه ریزی کردند، جایی که برای نابودی اسرائیل و آمریکا که ایرانی ها به آنها "شیطان کوچک" و "شیطان بزرگ" می گویند، نقشه ها کشیده اند. شاید رمان "امام دوازدهم" نقش کوچکی در جهت بیداری یک ملت و یک جهان که به خواب رفته بازی کند.^۲

همان گونه که می بینید روزنبرگ با طرح ادعاهای بی اساس سعی می کند که ایران را به عنوان

1 . The Twelfth Imam.

۲ . پنجه بر آفتاب (۱)، زهیر دهقانی آرانی، ص ۱۶۶-۱۶۸.

خطری جدی برای آینده جهان و به ویژه مسیحیت و یهودیت معرفی کند. رمان دیگری که روزنبرگ نوشته، کتاب "ابتکار ایران" می باشد. در واقع این کتاب ادامه رمان "امام دوازدهم" است و فضای داخل کشور ایران را روایت می کند. در این کتاب پای اسرائیل، آمریکا و پاکستان بیشتر از قبل به داستان کشیده می شود.

نویسنده معتقد است که جهان در آستانه‌ی یک فاجعه بزرگ است. فاجعه‌ای که در آن ایران اولین آزمایش هسته‌ای خود را با موفقیت انجام داده است؛ میلیون‌ها مسلمان در سراسر جهان معتقد هستند که منجی آن‌ها، امام دوازدهم در آستانه‌ی ظهور قرار دارد؛ رهبران اسرائیل از این وحشت دارند که تهران به رهبری امام دوازدهم هولوکاست دوم را رقم زده و اسرائیل را نابود کند؛ کاخ سفید و اسرائیل دو طرز تفکر متفاوت را دنبال می کنند؛ کاخ سفید معتقد است که باید در برنامه‌ی هسته‌ای ایران خراب کاری و اخلال ایجاد کرد. ولی اسرائیل معتقد است که باید حمله پیش‌دستانه‌ای به سایت‌ها و مراکز هسته‌ای ایران انجام گیرد. نویسنده فی الواقع این دو طرز تفکر را در کتاب‌های خود برجسته می کند.

۲. ماهواره‌ها

شبکه‌های ماهواره‌ای به خاطر سهولت دسترسی و گستردگی مخاطب یکی از تأثیرگذارترین رسانه‌ها به شمار می آیند. افزایش کمی و کیفی برنامه‌های ضد مهدوی در شبکه‌های ماهواره‌ای غرب به خصوص در سال‌های اخیر،^۱ نشان از هراس جدی آن‌ها از گسترش مهدی باوری دارد. در این مجال فقط به چند نمونه‌ی بارز از شبکه‌های پربیننده اشاره می کنیم:

۱. تعداد کانال‌های ماهواره‌ای ضد ایرانی از ۱۵۰ کانال در سال ۹۵ به بیش از ۲۶۰ کانال در سال ۹۶ رسیده است. البته این تعداد فقط کانال‌های فارسی را شامل می شود و آمار دقیقی از کانال‌های خارجی ضد انقلاب پیدا نکردیم.

الف. شبکه فاکس نیوز^۱

«بله انجیل اشاره می‌کند که روشی که ضد مسیح با آن دشمنانش، چه یهودی و چه مسیحی را می‌کشد، گردن زدن است.... و خیلی جالب است که در قرآن هم داریم که گردن کفار را بزنید، و اسلام در گردن زدن دشمنان سابقه دارد».

«و این آدم‌ها معتقدند که امام دوازدهم در صورتی ظهور می‌کند که به اندازه کافی آشوب به پا کنند یا به عبارتی دنیا را غرق خون کنند... اساساً روشی که آن‌ها معتقدند با آن می‌توانند ظهور مهدی را نزدیک کنند، این است که تلاش کنند تا کارهایی را که او خواهد کرد، انجام دهند، بنابراین برای اتحاد جهان اسلام تلاش می‌کنند و برخی از این تندروها معتقدند که با راه انداختن جنگ و آشوب می‌توانند خدا را مجبور کنند تا مهدی موعودش را بفرستد».

این‌ها فقط بخشی از سخنان مجری و کارشناس - «جوئل ریچاردسون» نویسنده کتاب «ضد مسیح اسلامی» - شبکه فاکس نیوز در یک برنامه‌ی^۲ تلویزیونی است، که به موضوع منجی آخرالزمان پرداخته است. مجری این شبکه که سعی دارد خود را بی‌طرف نشان دهد، با مقایسه‌ی ناقص و هدفمند بین منجی اسلامی (مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف) و ضد مسیح، چهره‌ای خشن از مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ارائه می‌دهد و ریچاردسون نیز به کمک او آمده و اضافه می‌کند که تشکیل حکومت منجی اسلامی به معنای نابودی اسرائیل و یهودیان است.

در ادامه با پخش تصاویری از مقامات و مردم ایران که شعار مرگ بر اسرائیل سر می‌دهند، همچنین تصاویر آزمایش موشکی ایران، مخاطب را به این سو سوق می‌دهد که مسیحیان و به خصوص مردم آمریکا وظیفه دارند برای نجات اسرائیل با جمهوری اسلامی ایران مبارزه کنند و هر نوع اقدامی را علیه آن انجام دهند.

۱. Fox News.

کمپانی خبری فاکس، شبکه تلویزیونی آمریکایی است که ارگان اصلی آن در لوس آنجلس، کالیفرنیا قرار دارد. صاحب اصلی این شبکه «گروه سرگرمی فاکس» است. مدیریت این کمپانی خبری را «روبرت مرداک»، یهودی استرالیایی الاصل برعهده دارد. این کانال که برنامه‌های خود را عمدتاً در استودیوهای نیویورک تولید می‌کند، تا آوریل ۲۰۰۹ حدود ۱۰۲ میلیون نفر بیننده در آمریکا و همچنین تعداد زیادی بیننده در سراسر جهان داشته است.

۲. این برنامه یکی از برنامه‌های متعدد شبکه فاکس نیوز در راستای تخریب اندیشه ناب مهدویت است که در سال ۲۰۱۱ پخش شد.

همچنین این شبکه در یک بخش خبری با تیتراژ «برنامه هسته‌ای ایران ممکن است به امام دوازدهم مربوط باشد»، اینگونه القا می‌کند که ایرانیان برای زمینه‌سازی آمدن امام دوازدهم به دنبال دستیابی به سلاح هسته‌ای هستند و باید جلوی پیشرفت هسته‌ای ایران گرفته شود.

ب. شبکه سی بی ان نیوز^۱

این کانال در برنامه «Inside islam» با پخش یک گزارش که خبرنگار این شبکه در سفر خود به ایران و مسجد مقدس جمکران آن را تهیه کرده است، تصاویری از مسجد جمکران را به نمایش گذاشته و می‌گوید:

«امام مهدی روزی از چاهی در جمکران بیرون خواهد آمد و با بمب هسته‌ای که ایران به دست آورده است همه جهان را تصرف خواهد کرد و او همه مسیحیان را وادار خواهد کرد که مسلمان شوند».

و بدین‌گونه مهدی‌هراسی را به مخاطب القا می‌کند.

همچنین با شیطننت‌آلودی می‌کند که هدف ایران از دستیابی به انرژی هسته‌ای ایجاد آشوب منطقه‌ای در راستای زمینه‌سازی برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

۳. فیلم‌ها

ساخت و تولید فیلم‌های سینمایی آخرالزمانی و منجی‌محور نیز بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و به خصوص در سال‌های اخیر افزایش چشم‌گیری داشته است. چند نمونه از این فیلم‌ها که به نوعی با مهدویت یا انقلاب اسلامی ارتباط دارد را ذکر می‌کنیم:

الف. فیلم «نوسترا داموس»

یکی از جدی‌ترین فعالیت‌های تبلیغاتی دشمنان علیه اعتقاد به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و ظهور منجی اسلامی، تولید فیلم «نوسترا داموس» با اجرای اورسن ولز^۲ درست در همان سال‌های اولیه انقلاب بود که سه ماه متوالی در شبکه‌های تلویزیونی آمریکا به نمایش گذاشته شد.

۱. CBN News.

۲. اورسن ولز (۱۹۱۵-۱۹۸۵) کارگردان و بازیگر مطرح سینمای هالیوود بود که در بیش از ۴۰ فیلم به عنوان کارگردان و بیش از ۱۰۰ فیلم به عنوان بازیگر حضور داشت. وی به خاطر فیلم همشهری کین (۱۹۴۱) جایزه اسکار را نیز گرفته است.

این فیلم که توسط کمپانی صهیونیستی «گلدن مایر» ساخته شده است، با تحریف و برداشت خاصی از پیشگویی‌های نوسترا داموس که در قالب اشعاری رمزآمیز بیان شده، چهره‌ی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را چهره‌ای خشن، بسیار مخرب و وحشت‌زا معرفی و پیامد حضور ایشان را جنگ و جنایت و ناامنی قلمداد می‌کند. فیلم، با مقدمه چینی ماهرانه‌ای - که از واقعی بودن و محقق شدن پیشگویی‌های دیگر نوسترا داموس ارائه داده - مخاطب را به این باور می‌رساند که هرآنچه این پیشگو گفته در طول تاریخ محقق شده است.^۱ در ۱۵ دقیقه انتهای فیلم به یکباره اورسن ولز مجری فیلم بر صحنه آمده و ادعا می‌کند نوسترا داموس پیشگویی‌های دیگری نیز دارد که هنوز محقق نشده و باید منتظر آن بود. وی سپس تفسیر زیر را از اشعار رمزآلود این پیشگو ارائه می‌دهد:

«پادشاه ترور، با عمامه‌ای آبی برای کشتار بشریت از کشور بزرگ عربی (عربستان سعودی) در اواخر دهه ۱۹۹۰ بر خواهد خاست، او سومین ضد مسیح است که جنگ‌هایی وسیع در جهان برپا خواهد کرد تا هم‌زمان با کاهش نفوذ مسیحیت، بنیادگرایی اسلامی را گسترش دهد. وی در ائتلافی با روسیه، در برابر جهان غرب جنگی اتمی به پا خواهد نمود و حمله او به شهر نیویورک آغازگر این جنگ عظیم جهانی است که به نابودی شهرها و کشته شدن میلیون‌ها انسان منجر می‌شود».^۲

چنانکه مشاهده می‌گردد توصیفاتی که این فیلم از این شخص و رهبر آخرالزمانی ارائه می‌دهد، منطبق بر نگاه مسلمانان از «مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف» است که برای ایجاد ترس در مخاطب غربی با تصاویری از حملات موشکی و اتمی به شهرهای بزرگ اروپا و آمریکا هم‌گام شده است.

ب. فیلم «اورشلیم؛ شمارش معکوس»^۳

این فیلم با موضوع ایران و نقش آخرالزمانی‌اش ساخته شده است. داستان فیلم، درباره گروهی از مسلمانان ایرانی موسوم به گروه «هفت شگفت انگیز» است که می‌خواهند با بمب‌گذاری در خاک آمریکا، این کشور را نابود کنند.

این گروه در جای جای آمریکا خانه‌های تیمی تشکیل داده‌اند و از قضا همسایه‌ی کناری خانه‌ی

۱. جعفری، محمد صابر، «مهدی انکاری»، انتظار ستیزی، انتظار موعود، پاییز ۱۳۸۱، شماره ۵.

۲. https://en.wikipedia.org/wiki/The_Man_Who_Saw_Tomorrow.

۳. Jerusalem Countdown.

تیمی مرکزی این گروه، یک فعال حقوق بشر و در عین حال بسیار معتقد به مسیحیت و پیش‌بینی نوستراداموس است که اغلب اوقات خود را به خواندن انجیل می‌گذراند. به موازات این ماجرا، سازمان‌های جاسوسی آمریکا کشف کرده‌اند که ایران و روسیه تصمیم دارند تا با بمب‌های اتمی خود، آمریکا و به تبع آن اسرائیل را نابود کنند. در همین حین در آمریکا بمب‌گذاری‌هایی در حال اتفاق است. در این اوضاع، سازمان «اف بی آی» نمی‌تواند سرنخی از این ماجرا به دست آورد، اما فعال حقوق بشر که در همسایگی تروریست‌ها زندگی می‌کند با کنجکاوی تمام سعی می‌کند که وارد خانه تیمی شود و پلیس را از این رویداد مطلع سازد.

طبق همین توهّمات رسانه‌ای در این فیلم، این گروه تروریست که منتسب به ایران نمایش داده می‌شود، موفق شده نماینده اسرائیل را در خاک آمریکا از میان ببرد، از طرف دیگر فعال حقوق بشر با پلیس تماس می‌گیرد و موفق به متوقف کردن تروریست‌ها می‌شود.^۱

۴. سایت‌ها و وبلاگ‌ها

یکی دیگر از رسانه‌هایی که غرب به خوبی از آن برای ضربه زدن به مهدویت و ایران اسلامی بهره می‌گیرد صفحات اینترنتی اعم از سایت، وب‌سایت و... می‌باشد. با توجه به آمار مراجعه به این نوع از رسانه می‌توان گفت این رسانه تأثیر بسزایی در پیشبرد اهداف غرب داشته است. به چند نمونه از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود:

الف) سایت joelstrumpet

این سایت متعلق به «جوئل ریچاردسون»^۲ است. ریچاردسون بعد از جریان بمب‌گذاری شهر بوستن^۳ در سایت خود مطلبی کوتاه با عنوان «بمب‌گذاران بوستن، انتظار برای مهدی» علیه

۱. گنجیانی، سیدمهدی و محمود علوی پور، اسلام‌هراسی در سینمای هالیوود، بوستان کتاب، ص ۱۸۱.

۲. ریچاردسون (Joel Richardson) نویسنده غربی است که در نوشته‌ها و سخنرانی‌های خود بارها به منجی‌گرایی اسلامی تاخته است.

۳. در ۱۵ آوریل ۲۰۱۳ (۲۷ فروردین ۱۳۹۲) بمبی در جریان مسابقه دو ماراتن منفجر شد که منجر به کشته شدن ۳ تن و مجروحیت تعدادی از تماشاچیان گردید. بعدها دو جوان با تمایلات اسلامی عامل این بمب‌گذاری معرفی شدند که یکی در جریان تعقیب و گریز کشته شد و دیگری پس از دستگیری محکوم به اعدام گردید. پس از بمب‌گذاری گمانه‌زنی‌های بسیاری از سوی ارباب جراید در مورد علت آن بیان شد. در این میان گروهی از جمله ریچاردسون تنها پس از گذشت چند روز از این رخداد، آنرا به تمایلات «منجی‌گرایانه» اسلامی آن دو جوان نسبت دادند.

مهدویت می‌تازد:

«بله، غافلگیری و بازهم غافلگیری. اکنون کاملاً آشکار شده است که دوبرادری که حملات تروریستی هفته پیش در بوستون را ترتیب دادند، تنها مسلمانان افراطی نبودند؛ بلکه مهدی‌گرا نیز بوده‌اند».

در ویدیویی که در صفحه کاربری یوتیوب «تمرلان سارنائف»^۱ گذاشته شده ما به مفهوم «پرچم‌های سیاه وعده داده شده در سرزمین موعود خراسان» بر می‌خوریم.

پرچم‌های سیاه هماگونه که من در کتاب خود «ضد مسیح اسلامی» به آن پرداخته‌ام، ارجاعی به نیروهای نظامی مسلمان است که پیشگویی شده از منطقه شمال شرق ایران، افغانستان و پاکستان و تحت رهبری مهدی ظهور کنند. بنابراین ویدیوی پخش شده این نیروهای نظامی اکنون شکل گرفته‌اند و به زودی به اورشلیم خواهند تاخت تا جایگاه رهبری جهانی اسلامی را بر تپه‌های معبد برپا سازند.

ب) سایت اطلاع‌رسانی WorldNetDaily

این سایت که مجله معروف «FrontPage» را منتشر می‌کند، در قالب خبری - تحلیلی به بررسی پیشرفت‌های اخیر ایران در فن‌آوری‌های مختلف از جمله فن‌آوری هسته‌ای می‌پردازد و چنین می‌نویسد:

رهبر عالی ایران، آیت‌الله خامنه‌ای جلسات مخفیانه مختلفی با مشاوران نظامی و اقتصادی خود در روزهای گذشته برگزار کرده است تا امکان جنگ با ایالات متحده را بررسی نماید ... چنان‌چه از {آیت‌الله} خامنه‌ای شنیده شده، ظهور آخرین منجی موعود اسلامی - دوازدهمین امام شیعیان امام مهدی - نزدیک است و اقدامات ویژه‌ای برای حفاظت از رژیم ایران در رخدادهای آینده لازم است. مهدی بنا بر عقاید شیعیان در زمان آرماگدون ظهور خواهد نمود.

همانگونه که ملاحظه می‌شود این خبر بدون اشاره به هیچ منبع خبری قابل اعتماد، ادعا می‌کند ایران در حال آماده‌سازی جنگ با کشورهای غربی است و این امر را به ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مرتبط می‌داند. ادامه‌ی خبرسازی این شبکه اطلاع‌رسانی جالب توجه است:

بنا به گزارشات رسیده، نیروهای گزینش شده سپاه پاسداران و بسیج تحت نظر نیروی ویژه‌ای با نام "سربازان امام مهدی" آموزش دیده‌اند و مسئولیت‌های امنیتی و حفاظت از حکومت ایران از شورش‌ها را برعهده داشته‌اند. به بسیاری از نیروهای سپاه پاسداران و بسیج گفته شده است که امام دوازدهم اکنون بر روی زمین است و در جریان پیروزی حزب الله بر اسرائیل در سال ۲۰۰۶ به یاری حزب الله آمده و به زودی پس از آماده شدن محیط، حضور خود را به صورت عمومی علنی خواهد کرد.

همان گونه که مشاهده می‌شود نویسنده‌ی خبر فوق با ترکیب خبرهایی از منابع نامشخص با اطلاعاتی نادرست سعی در ایجاد ترس و وحشت از ایران و امام مهدی علیه السلام دارد تا بهره‌برداری مورد نظر خود را از آن کسب نماید. توجه به این نکته خالی از لطف نیست که نویسنده‌ی متن فوق، فردی با نام مستعار «رضا خلیلی» است که ادعا شده عضو سابق سپاه پاسداران بوده که در دهه‌ی ۸۰ و ۹۰ به عنوان عامل سیا در ایران جاسوسی می‌کرده و کتاب "زمانی برای خیانت" خاطرات این دوران اوست که در سال ۲۰۱۰ انتشار یافته است.^۱

۵. کارتون‌ها و انیمیشن‌ها

یکی از سلاح‌هایی که غرب، برای ضربه زدن به باورهای دینی مردم دنیا و به ویژه مسلمانان به کار گرفته است، ساخت کارتون‌ها و انیمیشن‌های جذاب و با کیفیت است. بیشترین کارتون‌ها و انیمیشن‌ها به خصوص آن‌هایی که در سال‌های اخیر ساخته شده است به دنبال طرح آخرالزمان با رویکرد الهیات یهودی - مسیحی هستند و منجی‌هایی را به نمایش می‌گذارند که با فرهنگ مادی و اومانیستی آن‌ها هم‌خوانی دارد.

با توجه به اینکه تحلیل انیمیشن و کارتون به حد کافی از سوی کارشناسان این موضوع انجام گرفته است و اینکه ستیز این گونه رسانه‌ها با مهدویت و انقلاب اسلامی چندان آشکار نیست، از ذکر نمونه خودداری می‌کنیم.

۶. بازی‌های کامپیوتری و موبایلی

بازی‌های تولیدی شرکت‌های غربی در نظر اول، يك سرگرمی، و وسیله‌ای برای تفریح و گذران

۱. جمعی از نویسندگان، حدیث انتظار، ص ۱۳۶.

اوقات فراغت محسوب می‌شود؛ ولی دقت در محتوا، نمادها و پیام‌های آن‌ها، ما را به خطری که از ناحیه بازی‌ها - به صورت مستقیم یا غیرمستقیم - افراد را تهدید می‌کند، واقف می‌سازد.

قریب به ۱۵ سال است که غرب به صورت جدی در این عرصه وارد عمل شده و با ارائه بازی‌هایی با سناریو جذاب و گرافیک بالا، مخاطبین به خصوص نوجوانان و جوانان را مجذوب خود کرده است.

جالب است بدانیم که تعداد قابل توجهی از بازی‌های جذاب غربی، امید بخش‌ترین آموزه دین اسلام و تشیع یعنی «مهدویت» را هدف قرار داده و می‌کوشند با منجی‌های خیالی و منطبق بر تفکرات صهیونیستی، باور نسل آینده‌ی ما را از منجی حقیقی دور کرده و به منجی جعلی خویش معطوف سازد.

به عنوان نمونه، بازی رایانه‌ای «جهنم خلیج فارس»^۱ - که در همه جا، حتی کشور آمریکا^۲ به نام بازی «یا مهدی» شناخته می‌شود - را می‌توان نام برد. در این بازی، شرط راه‌یابی به مرحله‌ی بعد، کشتن افرادی است که فریاد «الله اکبر» و «یا مهدی» سر می‌دهند و با این کار ناخود آگاه دشمنی با منجی اسلامی (مهدی) در باطن افراد نهادینه می‌شود.^۳

نتیجه گیری

همان‌گونه که اشاره شد دشمنان در تلاش‌اند چهره‌ای خشن از منجی اسلامی ارائه دهند و آن حضرت را ضد مسیح و دشمن صلح و امنیت نشان دهند، تبلیغات شدید رسانه‌ای علیه ایران اسلامی نیز در همین راستا قابل تفسیر است. رسانه‌های غربی با پیوند دادن مسأله‌ی انرژی هسته‌ای ایران با مهدویت و ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه‌الشریف در صدد هستند ترس از موعود امت‌ها را در جان انسان‌ها انداخته، ملت‌ها و دولت‌ها را بر علیه ایران - به عنوان پرچم‌دار مهدویت اصیل - بسیج کنند. شناخت دشمن یکی از پایه‌های مهم خنثی کردن برنامه‌ها و نقشه‌های دشمن می‌باشد.

۱ . persian gulf inferno

۲ . دکتر حسن بلخاری در این باره می‌گوید: «شما در نیویورک اگر بگویید: بازی 'جهنم خلیج فارس' را می‌خواهم، می‌گویند منظور چیست؟ اما اگر بگویید: بازی 'یا مهدی' را می‌خواهم، آن را در اختیارتان می‌گذارند»؛ پیشگویی‌ها و آخرالزمان، ص ۲۷۲ (با کمی تغییر).

۳ . جعفری، محمد صابر، مهدی انکاری انتظار ستیزی، انتظار موعود، تهران، ۱۳۸۱، ص ۲۵۵.

در این درس سعی کردیم با بازنمایی بخشی از مهدی ستیزی رسانه‌ای غرب علیه انقلاب و مهدویت گامی کوتاه در مسیر شناخت دشمن برداریم.

امیدواریم که پژوهش‌های دشمن‌شناسانه در عرصه‌ی مهدویت گسترش یابد، تا ان شاء الله زمینه‌ای برای خارج شدن از حالت تدافعی و منفعلانه و رسیدن به حالت مطلوب؛ یعنی به چالش کشیدن تفکر و نگرش غرب درباره‌ی موعود حقیقی بشر فراهم شود.

پرسش‌ها

۱. چرا حجم فیلم‌ها و برنامه‌های تولیدی رسانه‌های غربی در موضوع آخرالزمان اسلامی و اسلام‌هراسی افزایش پیدا کرده است؟
۲. از مهم‌ترین اقدامات رسانه‌ای غرب علیه مهدویت در سال‌های آغازین انقلاب چه بود؟
۳. غرب در مواجهه رسانه‌ای خود با مهدویت و منجی اسلامی از چه روش‌هایی استفاده می‌کند؟ توضیح دهید.
۴. چهار مورد از ابزارهای ستیز غرب با مهدویت را نام ببرید و برای هر کدام نمونه‌ای را ذکر کنید.
۵. محصولات «اورشلیم، شمارش معکوس»، «مهدی مسیح ربوده شده» و «جهنم خلیج فارس» هریک به ترتیب با کدام ابزار مهدی ستیزی تولید شده‌اند؟
۶. نویسنده و محتوای کتاب «ضد مسیح اسلامی» را به صورت مختصر معرفی کنید.

منابع مطالعاتی

۱. پنجه بر آفتاب (بررسی و تحلیل فعالیت‌های غرب علیه باورداشت مهدوی)، زهیر دهقانی آرانی، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف قم.
۲. پیشگویی‌ها و آخرالزمان، جمعی از نویسندگان، انتشارات موعود عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف.

فصل هشتم:

نماز و مهدویت^۱

۱. حجت الاسلام محمد علی جابری و حجت الاسلام علی محمد باقی.

مقدمه

امامت و نماز پیوندی عمیق و استوار دارند. هر دو از پایه های اسلام^۱ می باشند و عمود دین نامیده شده اند.^۲

ولایت، روح نماز و اقرار به آن شرط قبولی نماز است، همان گونه که اقامه ی نماز شرط سودمند بودن ولایتمداری خواهد بود. همه ی تلاش امامان بر این است که زمین را از شرک تطهیر کنند و این امر اتفاق نمی افتد؛ مگر با اقامه نماز. نمازگزار روزی چندین بار از خداوند می خواهد تا در صراط مستقیم ولایت پایدار بماند، در تشهد بر مهدی آل محمد عَلَيْهِ السَّلَام صلوات می فرستد و نمازش را با سلام به او و دیگر خوبان عالم به پایان می برد. در حقیقت مهدویت به طور خاص با نماز گره خورده است و نمی توان بدون اعتنای به نماز به جرگه ی سربازان امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام راه یافت.

نقش نماز در زمینه سازی ظهور

مهدی باوران و مهدی یاوران نمی توانند و نباید نسبت به آماده سازی شرایط ظهور بی اعتنا باشند. با مراجعه به منابع دینی و اندکی تأمل در کارکردهای نماز، می توان به نقش بی نظیر نماز در زمینه سازی ظهور پی برد.

امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام در بیانی پر مغز می فرمایند:

وَاعْلَمْ أَنَّ كُلَّ شَيْءٍ مِنْ عَمَلِكَ تَبِعَ لِمَا لَكَ؛^۳

و بدان که بدون تردید هر چیزی از عمل تو، تابع نماز توست.

۱. «أَتَانِي الْإِسْلَامُ ثَلَاثَةَ الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالْوَلَايَةِ لَا تَصِحُّ وَاحِدَةٌ مِنْهُنَّ إِلَّا بِصَاحِبِهَا»؛ الکافی، ج ۲، ص ۱۸.

۲. در زیارت نامه امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام می خوانیم: السلام عليك يا عمود الدين، چنانچه درباره نماز فرموده اند: الصلاة عمود الدين.

۳. بحار الانوار، ج ۳۳، ص ۵۸۱.

و این یعنی نماز، با همه‌ی زندگی انسان پیوندی عمیق دارد و اصلاح و کمال شئون مختلف زندگی در دنیا و آخرت به نماز بستگی دارد. این جاست که می‌بینیم آن جناب در ادامه می‌فرمایند:

فَقَدْ ضَيَعَ الصَّلَاةَ فَإِنَّهُ لِيُغَيِّرَهَا أَضْيَعُ^۱

پس کسی که نماز را ضایع کند، یقیناً غیر آن [سایر زندگی] را بدتر ضایع و نابود کرده است.

قرآن کریم نیز مهم‌ترین ویژگی یاران و منتظران امام عصر عجل الله تعالی فرجه را این گونه بیان می‌کند:

﴿الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ﴾^۲

همان کسانی که چون در زمین به آنان توانایی دهیم، نماز برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و به کارهای پسندیده و امی دارند، و از کارهای ناپسند باز می‌دارند، و فرجام همه کارها از آن خداست.

پس اولین وظیفه‌ی منتظر، اقامه‌ی نماز و برپایی آن یعنی اصلاح نماز خود و دعوت دیگران به این فریضه‌ی الهی است، روایات فراوانی این آیه را در شأن اهل بیت علیهم السلام، به‌ویژه امام عصر عجل الله تعالی فرجه دانسته‌اند؛^۳ بنابراین برای فراهم‌سازی زمینه‌های ظهور، پیش و بیش از هر چیز باید به برپایی نماز در جامعه اهتمام ورزید. در ادامه نقش نماز در زمینه‌سازی ظهور بیان می‌شود.

۱. تربیت یاران (کادر سازی)

بر اساس سنت‌های الهی، ظهور هنگامی رخ می‌دهد که زمینه‌های لازم فراهم شده باشد. قرار نیست همه‌ی کارها با معجزه پیش برود؛ بلکه با تلاش مؤمنان، بساط ظلم برچیده و عدالت گسترده می‌شود. امام باقر علیه السلام در پاسخ به این سؤال که آیا در زمان ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه کارها سامان می‌یابد و خونی ریخته نمی‌شود، فرمود:

هرگز، قسم به خدایی که جانم در دست اوست اگر قرار بود کارها بدون زحمت برای

۱. تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، ج ۴، ص ۱۶۱.

۲. سوره حج، آیه ۴۱.

۳. البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۸۹۲.

کسی سامان یابد، آن شخص رسول خدا ﷺ بود.^۱

وجود یاوران قابل، در کنار رهبر الهی، از جمله شرایط لازم برای تحقق ظهور است. بدون وجود یاوران، شکست هر قیامی قطعی است. در ادامه به بررسی مکانیسم‌های متعدد و متفاوت نماز در آماده‌سازی سربازان امام زین‌العابدین می‌پردازیم.

۱-۱. طهارت بخشی

هیچ چیز مانند گناه، میان شیعیان و امام فاصله ایجاد نمی‌کند. حضرت در توقیع خود به مرحوم شیخ مفید رحمه الله فرمودند:

فَمَا يَحْسُنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَّصِلُ بِنَا مِمَّا نَكْرَهُهُ وَلَا نُؤْتِرُهُ مِنْهُمْ؛^۲

هیچ چیز ما را از ایشان محبوس نمی‌دارد، جز اخباری که از ایشان بما می‌رسد و ما را ناراحت می‌سازد و از ایشان انتظار نداریم.

گناه حجاب است و میان بنده و ولی خدا فاصله می‌اندازد. طبیعی است امام عصر رحمه الله یاوران خود را از میان پاکان برمی‌گزیند، نه کسانی که با سرکشی در برابر خداوند، با حضرت رسول ﷺ و اهل بیت ایشان دشمنی می‌کنند. باید از گناه دوری کرد و به محض ابتلا به آن، خود را با نماز شستشو داد؛ چرا که قرآن کریم، نماز را عامل طهارت باطنی انسان می‌داند.^۳

این طهارت، هم به صورت دور کردن گناه از نماز گزار می‌باشد و هم به شکل پاک کردن گناه از لوح وجود او صورت می‌پذیرد. چنانچه در کلام الهی گاهی نماز، «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ»^۴ معرفی می‌گردد و زمانی حسنه‌ای دانسته می‌شود که به وسیله‌ی آن سیئات از بین می‌روند: «إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ»^۵ همانطور که در حدیثی از پیامبر گرامی خدا ﷺ نماز به نهر آبی تشبیه شده که نماز گزار روزی پنج مرتبه خود را در آن شستشو می‌دهد.^۶

۱. الغیبه، نعمانی، ص ۲۸۴.

۲. الاحتجاج، ترجمه جعفری، ج ۲، ص ۶۵۵.

۳. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ... وَلَكِنْ لِيُطَهِّرْكُمْ»؛ سوره مائده، آیه ۶.

۴. سوره عنکبوت، آیه ۴۵.

۵. سوره هود، آیه ۱۱۴.

۶. مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل، ج ۳، ص ۹۱.

البته میزان بازدارندگی نماز از گناه به میزان رعایت آداب ظاهری و باطنی (اخلاص و حضور قلب) بستگی دارد. نماز همچنین با دور کردن شیطان، زمینه‌های پاک ماندن از گناه را فراهم می‌کند. عباد بصری با امام سجاد علیه السلام در مسیر مکه روبرو شد و به حضرت گفت:

ای علی بن الحسین علیه السلام جهاد و سختی‌اش را رها کرده‌ای و به حج آسان رو آورده‌ای؛ در حالی که خداوند می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعُذًّا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ؛ در حقیقت، خدا از مؤمنان، جان و مالشان را به [بهای] اینکه بهشت برای آنان باشد، خریده است؛ همان کسانی که در راه خدا می‌جنگند و می‌کشند و کشته می‌شوند. [این] به عنوان وعده حقیقی در تورات و انجیل و قرآن بر عهده اوست. و چه کسی از خدا به عهد خویش وفادارتر است؟ پس به این معامله‌ای که با او کرده‌اید شادمان باشید، و این همان کامیابی بزرگ است.»^۱ امام علیه السلام فرمود: ادامه آیه را بخوان. عباد ادامه داد: «التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْأَمْرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْخَافِضُونَ لِحُكْمِ اللَّهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ؛ [آن مؤمنان،] همان توبه‌کنندگان، پرستندگان، سپاسگزاران، روزه‌داران، رکوع‌کنندگان، سجده‌کنندگان، وادارندگان به کارهای پسندیده، بازدارندگان از کارهای ناپسند و پاسداران مقررات خداوند. و مؤمنان را بشارت ده.» سپس امام زین العابدین علیه السلام فرمود: «هنگامی که کسانی را با این ویژگی‌ها بیابیم، جهاد با آنان از حج برتر است»^۲.

امام سجاد علیه السلام با استناد به قرآن کریم، ویژگی مجاهدان حقیقی [و یاران امام زمان علیه السلام] را توبه و پاکیزه شدن و عبادت و نماز و... بیان می‌کند. بدون تردید معیارهای گزینش امام عصر علیه السلام نیز همین معیارهای قرآن برای مجاهدان است؛ همانگونه در دوره‌ی غیبت نیز منتظر واقعی، آن مجاهدی است که دارای چنین صفاتی باشد؛ بنابراین بهترین زمینه‌سازی برای ظهور حضرت، پاکسازی خود و محیط پیرامون از گناه است که این مهم، به وسیله‌ی نماز و اقامه‌ی آن در جامعه

۱. سوره توبه، آیه ۱۱۱.

۲. الکافی، ج ۵، ص ۲۲.

محقق خواهد شد^۱ و به همین دلیل منتظران موظفند به میزان توانایی و در هر سطحی به برپایی نماز در جامعه همت گمارند.^۲

۲-۱. غفلت زدایی (از یاد امام)

از جمله راهکارهای نماز برای زمینه سازی ظهور، غفلت زدایی است. قرآن کریم، نماز را «ذکر الله» معرفی کرده و دستور به اقامه آن داده است:

﴿أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي﴾^۳

به یاد من نماز برپا دار.

مصادیق یاد خدا، امور مختلفی می تواند باشد؛ «قرآن» یکی از این نمونه ها است، چنانچه در بعضی از آیات، کلمه «ذکر» به قرآن تفسیر شده است؛^۴ همچنین «امام» یکی دیگر از این مصادیق است که در روایات اهل بیت علیهم السلام، به آن اشاره شده است.^۵ توجه مستمر به خداوند،^۶ همه ی امور را در دست او دیدن،^۷ «وجه الله» را در عالم مشاهده کردن،^۸ حضور او و خلیفه او را در همه ی مراحل زندگی احساس کردن^۹ و عالم را محضر او و امام دانستن^{۱۰} همه و همه از برکات نماز است. البته میزان توجه به این امور، بستگی به میزان توجه به خدا در نماز (حضور قلب) دارد؛ چرا که نماز ستون دین و شالوده ی زندگی مؤمن است و اگر از غفلت زدوده شود و حضور قلب در آن حفظ شود، سایر لحظات زندگی از این آسیب مصون خواهد ماند و یاد خدا و مظاهر آن (از جمله یاد امام) در زندگی جاری خواهد شد. در این صورت است که انتظار معنا می یابد و دغدغه ی اصلی زندگی منتظر خواهد

۱. اشاره به آیه ۴۵ سوره عنکبوت.

۲. اشاره به آیه ۴۱ سوره حج.

۳. سوره طه، آیه ۱۴.

۴. ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾؛ بی تردید ما این قرآن را به تدریج نازل کرده ایم و قطعاً نگهبان آن خواهیم بود. سوره حجر، آیه ۹.

۵. «نَحْنُ ذِكْرُ اللَّهِ وَنَحْنُ أَكْبَرُ» (الکافی، ج ۲، ص ۵۹۸).

۶. طبق آیه شریفه: ﴿وَلَا تَكُنْ مِنَ الْغَافِلِينَ﴾؛ و از غافلان مباش (سوره اعراف، آیه ۲۰۵)، باید لحظه به لحظه به یاد خدا بود.

۷. ﴿يَبْدِئُ مَلَكُوتَ كُلِّ شَيْءٍ﴾؛ ملکوت هر چیزی در دست اوست. (سوره یس، آیه ۸۳).

۸. ﴿أَيْنَمَا شَأُلُوا فَتَمَّ وَجْهُ اللَّهِ﴾؛ به هر سو رو کنید آنجا روی [به] خداست. (سوره بقره، آیه ۱۱۵).

۹. الکافی، ج ۱، ص ۱۴۵.

۱۰. ﴿وَقُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ﴾؛ و بگو [هرکاری می خواهید] بکنید که به زودی خدا و پیامبر او و مؤمنان در کردار شما خواهند نگرست. (سوره توبه، آیه ۱۰۵).

شد.

۱-۳. کبرزدایی

چنانچه می‌دانیم غالب مشکلات فردی و اجتماعی ریشه در خودبینی و نفس پرستی دارد. حضرت زهرا (علیها السلام) در خطبه فدکیه علت وجوب نماز را پیراسته شدن نمازگزار از کبر دانسته‌اند:

فَقَرَضَ اللَّهُ... الصَّلَاةَ تَتَزَيَّاهُ عَنِ الْكِبَرِ.^۱

انسان منتظر توجه خود را معطوف به امام و مقتدای خویش کرده و از هر چه غیر اوست خود را دور می‌دارد و نماز در این مهم، بسیار کارساز است.

از ویژگی‌های یاوران آن حضرت نیز تواضع آنان در برابر مؤمنان و سرسختی آنان در برابر کافران است. امام صادق (علیه السلام) با تطبیق آیه ی ۵۴ سوره ی مائده به سربازان امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرمود:

«... و آنان کسانی هستند که خداوند درباره‌شان فرمود: به زودی خدا گروهی [دیگر] را می‌آورد که آنان را دوست می‌دارد و آنان [نیز] او را دوست دارند. [اینان] با مؤمنان، فروتن، [و] بر کافران سرفرازند».^۲

نماز بیش از هر چیز ظرفیت تربیت مردانی سربه زیر در برابر مؤمنان و سرافراز در برابر گردنکشان را دارد. ادای نماز با آداب و شرایط، کبر را از جان آدمی می‌زداید و به زینت تواضع می‌آراید. وقتی نمازگزار روزانه و در هر نماز، بزرگی خداوند را تلقین و تکرار کرد، همه چیز غیر از خداوند (از جمله خودش) در نگاهش کوچک و حقیر می‌شود. کسی که توجهش به خدای بلندمرتبه معطوف شد، در برابر او، خود را هیچ می‌بیند و توجهش به خود قطع شده، معطوف به ربی می‌شود که در نماز با او به نجوا نشسته است.^۳ یعنی دلش در برابر خدا از هر منیت و خودبینی پاک شده، خدایین خواهد شد. بعد از آن است که نمازگزار در برابر مخلوقات خداوند، نیز اینگونه خواهد گشت و در خانه و اجتماع، از تکبر و غرور مبڑا می‌گردد و نفس خود را پاکیزه می‌گرداند، همانگونه که سیدالساجدین (علیه السلام) در اوج بندگی خدا و عبادت او، چنین سخن به زبان می‌گشاید:

۱. بحار الانوار، ج ۲۹، ص ۲۴۲.

۲. البرهان، ج ۲، ص ۳۱۴.

۳. بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۲۱۶.

وَأَنَا بَعْدُ أَقَلُّ الْأَقْلَيْنِ، وَ أَذَلُّ الْأَذَلِّينِ، وَمِثْلُ الذَّرَّةِ أَوْ دُونَهَا؛^۱

از کوچک تران کوچک تر، و از ذلیلان ذلیل تر. ذره ای ناچیزم و شاید از ذره هم ناچیزترم.

۴-۱. شکوفا کردن استعدادها

وظیفه ی اساسی و مهم منتظر و یاور امام عصر علیه السلام، ایجاد شباهت بین خود و مولای خویش است. بدون این همرنگی طبیعتاً انتظار حقیقی و آرزوی واقعی برای یاری امام و ورود به خیل سربازان آن جناب ممکن نیست.

کارکرد مهم نماز در این خصوص بسیار حائز اهمیت است. در توضیح مطلب باید گفت که خداوند بزرگ همه ی اسماء اش را به انسان به عنوان جانشین او در زمین به امانت داده است؛ یعنی وجود آدمی ظرفی برای اوصاف الهی است که موظف است آن ها را در خود شکوفا کند. پس جهت این که خداوند می فرماید: «من از خودم در انسان دمیدم»^۲، همین مطلب است. همان گونه که فرمود:

﴿وَالَّتَيْنِ وَالزَّيْتُونِ وَطُورِ سَيْنٍ وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ﴾^۳

قسم به انجیر و زیتون و طور سینا و این زمین امن که قطعاً ما انسان را در بهترین حالت خلق کردیم.

بنابراین انسان در عالی ترین شکل به وجود آمد و همه ی اوصاف فعل خداوند را از او به امانت گرفت.

اما چگونه باید این ودیعه الهی را به شکوفایی برساند و خود را مزین به اوصافی هم چون رئوف، رحیم، جواد، کریم، غفور، صبور، ودود، لطیف و ... کند؟ چطور می تواند زندگی اش را آکنده از نور خدا کند و خانه ی او تجلی گاه خدای مهربان گردد؟

خدای متعال فرمود:

«خدا نور آسمان ها و زمین است... [که این نور] در خانه هایی قرار داده شده است که اراده ی الهی بر رفعت جایگاه آن هاست و در آن خانه یاد او است و صبحگاهان و

۱. دعای چهل و هفتم صحیفه مبارکه سجادیه.

۲. ﴿وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي﴾؛ و از روح خود در آن دمیدم. (سوره حجر، آیه ۲۹).

۳. سوره تین، آیات ۱-۴.

شامگاهان تسبیح او می شود.^۱

نماز همان یاد خداست که سبب می شود چنین خانه هایی در سایه ی اوصاف الهی حرکت نمایند، این جاست که مؤذن در دعوت به نماز، با جمله ی «حی علی الفلاح» اشاره به رستگاری و شکوفایی استعداد های درونی و معنوی نمازگزار می کند؛ زیرا قرآن کریم «نماز» را «رستگاری مؤمن» می داند و می فرماید:

﴿قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ﴾^۲

بی تردید مؤمنان رستگار [و شکوفا] شدند آنان که در نمازشان [به ظاهراً فروتن] و به باطن با حضور قلب] اند.

و این همان تبلور و شکوفایی قوای درونی است.

۱-۵. ولایت پذیری

عبادت و نماز قلب انسان را نسبت به آیات و نشانه های الهی نرم و خاشع می کند. از جمله این آیات وجود مطهر امام و ولی خدا است که به عنوان بزرگ ترین مظهر شناخت صفات الهی از او تعبیر شده است:

أَيْنَ وَجْهُ اللَّهِ الَّذِي إِلَيْهِ يَتَوَجَّهُ الْأَوْلِيَاءُ؛^۳

کجاست آن وجه الهی که دوستان خدا به جانب او روی می آورند.

دلی که با نمازش به چنین خشوع و آمادگی در مقابل خدا و خلیفه ی او نائل گردد، تسلیم آن ها بوده و با ولایت ایشان از ظلمت ها به سمت نور حرکت داده خواهد شد.

نکته دیگر اینکه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه آخرین ذخیره ی خداوند است. خداوند زمانی آخرین ذخیره اش را رو می کند که مردم به حدی از بلوغ عقلی رسیده باشند که در مقابل ولی او تسلیم باشند. اگر یاوران امام ولایت پذیر نباشند چه بسا با ظهور، دوباره صلح امام حسن علیه السلام یا حادثه ی عاشورا تکرار شود. پس منتظران ظهور باید همواره تسلیم بودن در برابر ولی خدا را تمرین کنند تا آماده ی ظهور گردند.

۱. سوره نور، آیات ۳۵-۳۶.

۲. سوره مؤمنون، آیات ۱-۲.

۳. دعای ندبه.

نماز جماعت تمرینی مناسب برای ولایت پذیری است. در نماز جماعت، مأموم باید تمرین کند تا نه از امام پیش و نه عقب بیافتد؛ بلکه همواره افعال نماز را پس از امام و با فاصله‌ای اندک به جا آورد. وقتی امام حمد و سوره می‌خواند، مأموم ادب می‌کند و ساکت می‌ماند. در نماز جماعت نمازگزار فارغ از سن و سال، وضعیت مالی، قیافه و دیگر ویژگی‌های جسمانی به امام اقتدا می‌کند و همین تمرینی است تا ولایت امام و نائب او پذیرفته گشته، از آن‌ها جلو یا عقب نیافتد که در غیر این صورت موجب گمراهی و نابودی است:

فَالرَّغْبُ عَنْكُم مَّارِقٌ، وَاللَّزِمُ لَكُمْ لَاحِقٌ، وَالْمَقْصَرُ فِي حَقِّكُمْ زَاهِقٌ؛^۱

رویگردان از شما، خارج از دین هستند ولکن، ملازم شما به شما می‌پیوندد و آن که در حق شما کوتاهی کرده، هلاک خواهد شد.

۶-۱. شفاعت و همراهی

یکی از آثار مهم اقامه‌ی نماز، مهیا شدن محیط زندگی برای توجّه اهل بیت علیهم‌السلام به ویژه امام عصر عجل‌الله‌تعالیه است. امام صادق علیه‌السلام در اواخر عمر شریفشان خانواده‌ی خود را فراخواندند و در جمع آن‌ها فرمودند:

إِنْ شَفَاعَتَنَا لَنْ تَنَالَ مُسْتَخِفًّا بِالصَّلَاةِ؛^۲

شفاعت ما هرگز به کسی که نماز را سبک می‌شمارد نمی‌رسد.

با دقت در این حدیث می‌بینیم که اولاً در اینجا، بحث از تارک نماز نیست؛ بلکه سخن درباره‌ی کسی است که نماز را سبک می‌شمارد. مصادیق این استخفاف امور مختلفی می‌تواند باشد، مثل گاهی خواندن و گاهی نخواندن یا اول وقت نخواندن و یا به تعبیر پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم همانند کلاغ به زمین منقار زدن است^۳ برای کسی که رکوع و سجود نماز را کامل به جا نیاورد و

اولین نکته‌ای که در این سخن گهربار حائز اهمیت است، مسأله‌ی «شفاعت» و معنای دقیق آن

۱. زیارت جامعه کبیره، مفاتیح الجنان.

۲. بحار الانوار، ج ۷۹، ص ۲۳۶.

۳. امام باقر علیه‌السلام می‌فرمایند: روزی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با اصحاب خود در مسجد نشسته بودند که مردی وارد مسجد شد و مشغول نماز گردید، او نماز خود را به تندی می‌خواند و رکوع و سجود نمازش را کامل انجام نمی‌داد. رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند: «او سر خود را بر زمین می‌گذارد، مانند کلاغی که منقارش را بر زمین می‌زند و دانه برمی‌دارد. اگر این شخص بمیرد، در حالی که نمازش این گونه باشد، بر دین من نمرده است»؛ الکافی، ج ۶، ص ۱۹.

است. در این باره گفته شده «شفع» یعنی اضافه شدن چیزی به چیز دیگر.^۱
 به عبارت دیگر «شفع» یعنی جفت شدن، همراهی، رسیدن و یکی شدن دو چیز.
 پس اگر می‌فرماید به شفاعت ما اهل بیت علیهم‌السلام نمی‌رسد؛ یعنی با ما همراه نمی‌شود، به ما وصل نمی‌شود، در بیعت ما قرار نمی‌گیرد و به ولایت، دستگیری، هدایت، رحمت، جود، محبت، معرفت، لطف، کرم و توجّه ما اهل بیت نمی‌رسد، آن کسی که نماز را سبک شمرده باشد. این مسأله البته مختصّ به آخرت نیست؛ بلکه نمازگزار در همین دنیا می‌تواند از این اوصاف برخوردار شود و در آخرت نتیجه و حقیقت آن را مشاهده خواهد کرد.

۲. وحدت بخشی

امام زمان علیه‌السلام در نامه به شیخ مفید با گلایه از یکی نبودن دل‌های شیعیان می‌فرماید:
 اگر شیعیان ما، که خداوند به اطاعت خود موفقشان گرداند، دل‌هایشان در وفای به عهدی که به عهده‌شان است یکی بود، از برکت دیدار ما محروم نمی‌شدند و سعادت مشاهده ما به زودی نصیبشان می‌شد.^۲
 حتی اگر این حدیث هم نبود، نقش تخریبی تشّت و تفرقه در تأخیر ظهور واضح است. قرار است امام زمان علیه‌السلام بیاید و ریشه‌های ظلم را بخشکاند و این امر شدنی نیست مگر با اتحاد و انسجام میان شیعیان. قرار است با آمدن حضرت توحید و عدل در عالم گسترده و ذلت شیعه به عزت تبدیل شود. این اتفاق وقتی رخ می‌دهد که شیعیان یک دل باشند.
 نماز بهترین راه برای متحد کردن دل‌های مؤمنان است. نماز با ظرفیت‌های فراوان خود عوامل تشّت و اختلاف را از بین می‌برد و به جای آن یک‌رنگی و یک‌دلی را حاکم می‌کند. از ریشه‌های اصلی تشّت:

خودخواهی: نماز با خداخواه کردن بنده، او را از خودمحوری نجات می‌دهد. نمازگزار در نماز تمرین می‌کند هدایت و خیر را برای همه‌ی مؤمنان بخواهد و بر همه‌ی آن‌ها سلام بفرستد.
محبت دنیا: در مقابل نمازگزار با تکرار تکبیرها و تسبیح‌های نماز، کبریاپی خداوند را تلقین

۱. راغب گوید: «الشفع: ضمّ شیء إلى مثله».

۲. الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۹۹.

می کند و با هر نماز، دنیا در چشمش حقیرتر می شود. به بیان امیر المؤمنین علیه السلام:

«آفریدگار در چشمشان بزرگ شد؛ پس غیروا، در دیده شان کوچک گردید».^۱

از دیگر کارکردهای نماز برای ایجاد وحدت میان مؤمنان درمان کبر، حرص و حسادت است.^۲ نماز با پیراستن جان از آلودگی های اخلاقی موانع وحدت را از بین می برد.

فارغ از تأثیرهای نماز در ایجاد وحدت، نمی توان از کارکردهای نماز جماعت و جمعه در این امر مهم چشم پوشید. استحباب و پاداش های بی نظیر نماز جماعت، نمازگزار را از کنج خانه به جماعت و جامعه می کشاند و او را از انزوا و گوشه گیری نجات و با برادران دینی اش پیوند می دهد. علاوه بر این «حضور منظم در صف های جماعت به هم دلی میان نمازگزاران کمک می کند. ابن مسعود می گوید: «رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم همواره قبل از نماز، شانه های ما را می گرفت و منظم می کرد و می فرمود: منظم بایستید و از بی نظمی بپرهیزید؛ زیرا قلب هایتان پراکنده می شود».^۳

نماز جمعه نیز تأثیر فراوانی در یک پارچه سازی صفوف مؤمنان دارد. نماز جمعه در دوران پس از ظهور با محوریت امام شکل می گیرد و جامعه با اقتدا به امام، وحدت را در زیر پرچم او تمرین می کند. در دوران غیبت نیز هفته ای یک بار امام جمعه شرایط جامعه، نیاز به وحدت، نقشه های دشمنان در ایجاد اختلاف و... را برای نمازگزاران تحلیل و تبیین می کند. همین امر اختلاف ها را کم رنگ و انگیزه ی مؤمنان را برای وحدت بیشتر می کند.

۳. ایجاد پذیرش عمومی

از دیگر شرایط ظهور، پذیرش عمومی در جهانیان است. افکار عمومی وقتی آماده پذیرش حضرت می شود که از سویی شکست همه تئوری های بشری را تجربه کرده و از دیگر سو نمونه ای کوچک از جامعه ی مهدوی را مشاهده کرده باشند. جامعه ی مهدوی آن چنان زیبا و خواستنی است که دیدن گوشه ای از آن دل های جهانیان را به آن متمایل می کند.

از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده:

۱. نهج البلاغه، ص ۳۰۳.

۲. نماز و زندگی، محمد علی جابری.

۳. همان، ص ۱۱۳.

مردمانی از مشرق قیام، و زمینه را برای مهدی عجل الله تعالی فرجه آماده می کنند.^۱

زمینه سازی برای ظهور، جنبه های گوناگونی دارد: رساندن نام مهدی عجل الله تعالی فرجه به گوش جهانیان و اُبّهت زدایی از قدرت های استکباری جنبه هایی از آن هستند.

برای ارائه ی گوشه ای از جامعه ی مهدوی به جهانیان باید برپایی نماز در جامعه را جدی گرفت؛ همان گونه که حضرت به محض قدرت یافتن بر روی زمین در اقامه نماز می کوشند.^۲

گسترش نماز در سطح جامعه به معنای افزایش معتقدان به خدا و دین خداست. به بیان دیگر هرچه نمازگزاران در عالم بیشتر شوند، تعداد باورمندان به نجات بخش بودن دین خدا بیشتر می شود. از سوی دیگر هرچه کیفیت نماز در جامعه رشد کند، معنویت خواهی مردم افزایش می یابد و تشنگی آنان برای رسیدن به جامعه ی آرمانی پس از ظهور بیشتر می شود.

جامعه ای که در آن نماز به معنای حقیقی اقامه می شود، نسخه ای کوچک از جامعه ی مهدوی است؛ چرا که قرآن کریم هدف غایی حکومت صالحان را عبادت خالص خدا می داند که این امر جز با نماز و اقامه ی آن محقق نخواهد شد.^۳

اگر منتظران موفق شوند و نماز را در جامعه ی خود رشد دهند، باعث متمایل شدن دل های دیگران به امام زمان عجل الله تعالی فرجه می شود. جامعه ای که در آن نماز در وقت خود و با آداب آن اقامه می شود، مردمانش با هم یک رنگ و یک دل هستند و شیطان مجال کمتری برای فریب آنان می یابد.

وظیفه منتظران درباره نماز

نماز شاخص مناسبی برای ارزیابی منتظران راستین از منتظران دروغین است. منتظر راستین می کوشد تا همانند امامش زندگی کند و باورها و رفتارهایش را با امامش میزان می کند. اولویت های زندگی منتظر حقیقی، با توجه به اولویت های زندگی امام شکل می گیرد. اولویت اول معصومان در زندگی دینداری بود. سکوت امیرالمؤمنین علیه السلام در برابر غصب خلافت و اهانت به همسرشان، صلح

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۷.

۲. امام باقر علیه السلام ذیل آیه ۴۱ سوره حج فرمود: «این آیه در شأن آل محمد صلی الله علیه و آله نازل شده است. خداوند مهدی عجل الله تعالی فرجه و اصحابش را در همه جای زمین حاکم می کند.» تفسیر قمی، ج ۲، ص ۸۷.

۳. سوره نور، آیه ۵۵.

امام حسن علیه السلام با معاویه، قیام سیدالشهدا علیه السلام در برابر یزید و دیگر موضع گیری های اهل بیت علیهم السلام همه و همه برای پایداری دین بود؛ بنابراین منتظر راستین باید بکوشد تا دین خود، خانواده و مردم جامعه اش محفوظ بماند. از سویی حفظ دین در آخرالزمان بسیار دشوار است؛ به حدی که برخی روایات آن را مانند نگه داشتن پاره ای آتش در دست دانسته اند.^۱

منتظر چاره ای ندارد جز اینکه در غیبت امام، دینش را حفظ کند و برای حفظ دین چاره ای جز محافظت از عمود آن نیست. حضرت رسول صلی الله علیه و آله درباره ی نماز فرمودند:

مثل نماز مثل ستون خیمه است؛ اگر ستون پابرجا باشد، طناب ها، میخ ها و پرده مفیدند و اگر بشکند، نه طناب ها و نه میخ و نه پرده مفید نیستند.^۲

بنابراین باورها و رفتارهای دینی در صورتی مفیدند که نماز اقامه شود و گرنه راه به جایی نمی برد. دین داری نیز همانند دیگر کارها تابع نماز است. حضرت امیر علیه السلام در نامه ی خود به محمد بن ابی بکر فرمود:

بدان که همه کارهایت تابع نماز توسست.^۳

منتظران مهدی علیه السلام باید بکوشند در گام اول، نماز خود را رشد دهند و در گام بعد دیگران را به نماز دعوت کنند.

اقامه نماز و معانی مختلف آن

در ادامه باید به این نکته تأکید کرد که بهره مندی کامل از آثار شگفت انگیز نماز وقتی انجام خواهد شد که نماز در زندگی اقامه شود و به تعبیر دقیق تر هر چقدر نماز، بیشتر و بهتر در زندگی اقامه شود، به همان میزان آثار و برکات آن بیشتر خواهد بود.

در اینجا مناسب است بعضی از معانی اقامه ی نماز و چگونگی تحقق آن بیان شود تا فرد منتظر بتواند از این رهگذر، فرهنگ نماز را بر زندگی خود حاکم کند.

قرآن کریم در آیات متعدد، مؤمنین را به اقامه نماز - نه خواندن آن - امر کرده و این مسأله را یک وظیفه ی همگانی می داند که البته هر کس به میزان قدرت و وسعش موظف به انجام آن است:

۱. الامالی، ص ۴۸۵.

۲. الکافی، ج ۳، ص ۲۶۶.

۳. نهج البلاغه، ص ۳۸۵.

﴿الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ
وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ﴾^۱

همان کسانی که چون در زمین به آنان توانایی دهیم نماز برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و به کارهای پسندیده و می‌دارند و از کارهای ناپسند باز می‌دارند و فرجام همه کارها از آن خداست.

ایجاب است که می‌گوییم اقامه نماز در چند معنا قابل تصور است:

۱. نماز باید در زندگی، به عنوان رکن و محور قرار گیرد و سایر امور زندگی، تابع و پیرو آن باشند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می‌فرمایند:

وَاعْلَمْ أَنَّ كُلَّ شَيْءٍ مِنْ عَمَلِكَ تَبِعَ لِبِصَلَاتِكَ فَتَنْ ضِيْعَ الصَّلَاةِ فَإِنَّهُ لِيُغَيِّرَهَا أَضْيَعُ؛

و بدان که بدون تردید هر چیزی از عمل تو، تابع نماز توست، پس کسی که نماز را ضایع کند، یقیناً غیر آن [سایر زندگی] را بدتر ضایع و نابود کرده است.^۲

طبق این بیان، جزء به جزء زندگی آدمی تابع نماز اوست، چه اعمال عبادی مثل روزه، حج، زکات، خمس و... و چه سایر اعمال و رفتار او مثل ارتباط او با همسر، فرزندان، پدر و مادر، دوستان... همه و همه به نماز او وابسته است؛ بنابراین نماز، نقش محور و عمود زندگی^۳ را ایفا می‌کند که سایر اعمال به آن تکیه می‌کنند. در حقیقت نتیجه‌ی اصلاح نماز، اصلاح سایر شئون زندگی و اعمال انسان می‌باشد و در مقابل، ضایع کردن نماز، نتیجه‌اش تضييع بیشتر زندگی فرد خواهد بود.

در اینجا است که می‌بینیم در روایاتی از تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام، اقامه‌ی نماز به انجام کامل اجزای نماز و محافظت بر اوقات و حدود آن و جلوگیری از اموری که نماز را فاسد کرده یا در نماز نقص ایجاد می‌کند، معنا شده است.^۴

۱. سوره حج، آیه ۴۱.

۲. نهج البلاغه، ص ۳۸۵.

۳. «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: الصَّلَاةُ عَمُودُ دِينِكُمْ»؛ الکافی، ج ۲، ص ۱۹.

۴. الإمام العسکری علیه السلام؛ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى وَاقِيمُوا الصَّلَاةَ أَيْ بِإِتْمَامِ وَضُوءِهَا وَتَكْبِيرِهَا وَقِيَامِهَا وَقِرَاءَتِهَا وَرُكُوعِهَا وَسُجُودِهَا وَحُدُودِهَا. وَدَرِ رَوَايَتِي دِيْكَرَازِ آن جناب نقل شده: فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ ثُمَّ وَصَفَهُمْ بَعْدُ فَقَالَ وَ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ يَعْنِي بِإِتْمَامِ رُكُوعِهَا وَ سُجُودِهَا وَ حِفْظِ مَوَاقِيتِهَا وَ حُدُودِهَا وَ صِيَانَتِهَا عَمَّا يَفْسِدُهَا أَوْ يَنْقُضُهَا. (مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۳، ص ۳۵). که البته این خود یک نوع تعظیم این فریضه‌ی بزرگ الهی است که نمره‌ی آن توجه دادن سایرین به آن خواهد بود.

۲. اقامه نماز به این معنی است که سایر امور زندگی در راستا و جهت برپایی نماز انجام شوند؛ یعنی همه ی زندگی مؤمن، زمینه ساز و مقدمه برای برپاشدن فریضه نماز باشد. به عنوان مثال زمان غذا خوردن، مسافرت رفتن، خواب و سایر کارها به نحوی تنظیم شود که با زمان نماز تعارض نداشته باشد؛ بلکه در جهت اقامه ی نماز در اول وقت و کمک کار نمازگزار باشد.

۳. معنای دیگر برای اقامه ی نماز این است که نقش نماز در زندگی، نقش عمود و تکیه گاه باشد؛ یعنی در پیشبرد اهداف و رفع مشکلات و سختی ها، از نماز استعانت جست و به آن پناه برد. ۴. یا اینکه بگوییم کسی نماز را در زندگی اقامه کرده است که هدفش رسیدن به نماز مطلوب و کامل است و به همین جهت سعی و همت خود را به کار می بندد که با بستر سازی صحیح و درست، فضای خانه و زندگی را به گونه ای ایجاد کند که در آن اعضای خانواده، نمازگزار تربیت شوند. پس به وسیله ی رزق حلال و تربیت صحیح فرزندان، و تنظیم همه ی امور زندگی فردی و اجتماعی اش در راستای رسیدن به این مهم، گام برداشته و از هیچ تلاشی فروگذار نکند.

۵. در معنای دیگر می توان گفت که وقتی نماز در خانه اقامه شده است که مطابق سفارش قرآن کریم، اهل خانه به نماز امر شوند و بر آن صبر شود:

﴿وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا تَسْأَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى﴾^۱

و کسان خود را به نماز فرمان ده و خود بر آن شکیبا باش ما از توجویای روزی نیستیم ما به توروزی می دهیم و فرجام [نیک] برای پرهیزگاری است.

همان گونه که درباره حضرت اسماعیل علیه السلام فرمود:

﴿وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا﴾^۲

و خاندان خود را به نماز و زکات فرمان می داد و همواره نزد پروردگارش پسندیده [رفتار] بود.

۶. برپا کردن نماز به جماعت، تشویق فرزندان به شرکت در آن و تعظیم این شعار بزرگ الهی - که البته این کار نشانه تقوای دل است^۳ - نیز می تواند از مصادیق اقامه ی نماز محسوب شود. به

۱. سوره طه، آیه ۱۳۲.

۲. سوره مریم، آیه ۵۵.

۳. سوره حج، آیه ۳۲.

همین جهت حضرت ابراهیم علیه السلام از خدا می‌خواهد در این کار موفق باشد:

«رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ»^۱

پروردگارا مرا برپادارنده نماز قرار ده و از فرزندان من نیز، پروردگارا و دعای مرا بپذیر.

۷. محافظت از نماز نیز می‌تواند از معانی دیگر اقامه نماز محسوب شود، چنان‌چه قرآن کریم در

وصف مؤمنین می‌فرماید:

«وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ»^۲

و آنان که بر نمازهایشان مواظبت می‌نمایند.

در آیه‌ی دیگری قرآن کریم امر به این محافظت فرموده است:

«حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ»^۳

بر نمازها و نماز میانه مواظبت کنید و خاضعانه برای خدا به پا خیزید.

باید توجه داشت که حفظ هر چیزی باید مناسب با خودش باشد، حفظ مال از دست بُرد دزد است، حفظ بدن از آلودگی و بیماری است، حفظ روح از آفات اخلاقی نظیر حرص، حسد و تکبر است، حفظ فرزند از دوست بد است. اما حفظ نماز به چیست؟ حفظ نماز، آشنایی با اسرار آن، انجام به موقع آن، صحیح به جا آوردن، فراگرفتن احکام و آداب آن و حفظ مراکز عبادت و تمرکز فکر به هنگام آن است.^۴

همین طور حفظ معنوی نماز؛ یعنی محافظت از آن در توجه به غیر خدا و عزم اخلاص و حضور قلب. چنین خانواده‌ای محافظت بر نمازشان دارند و اجازه نمی‌دهند امور پست دنیایی، به نماز آن‌ها آسیب وارد نماید. در این صورت است که متقابلاً نماز هم از خانواده‌ای که او را حفظ کنند،

۱. سوره ابراهیم، آیه ۴۰.

۲. سوره مؤمنون، آیه ۹.

۳. سوره بقره، آیه ۲۳۸. پیام‌ها: ۱- اقامه نماز باید مداوم باشد. «حَافِظُوا» ۲- همه‌ی مردم مسئول حفظ نمازند. «حَافِظُوا» ۳- نماز را به جماعت برپا کنید. «حَافِظُوا»، «قُومُوا» ۴- هر کجا زمینه‌ی سهل انگاری یا غفلت احساس می‌شود، هشدار بیشتری لازم است. «وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى» ۵- اقامه‌ی نماز، به توجه، نشاط، معرفت و اخلاص نیاز دارد. «قُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ» ۶- انسان نباید وصله‌ی ناهم‌رنگ هستی باشد. قرآن درباره‌ی هستی می‌فرماید: «كُلُّ لَهْ قَانِتُونَ» پس اگر ما قانت نباشیم، وصله ناهم‌رنگ هستی خواهیم بود. «قُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ»

۷- ارزش نماز به خضوع آن است. «قَانِتِينَ». (تفسیر نور، ج ۱، ص ۳۷۸)

۴. تفسیر نور، ج ۱، ص ۳۷۷.

محافظت خواهد کرد و از آسیب‌های مختلف مصون خواهد داشت.^۱

در حدیثی می‌خوانیم:

نماز به گروهی می‌گوید: مرا ضایع کردی خدا تو را ضایع کند و به گروهی می‌گوید: مرا حفظ کردی خداوند تو را حفظ کند.^۲

البته مهم‌ترین علامت بر اینکه اقامه‌ی نماز در خانه و جامعه محقق شده است، این است که اهل آن‌ها از فحشا و زشتی‌ها دور بوده و در سلامت معنوی زندگی را به سر برند. پس اگر خانواده دچار انحرافات اخلاقی یا بدخلقی و سوء ارتباط با یکدیگر باشد، یا در دین خدا ثابت قدم نباشد و یا اینکه عزت‌ش مخدوش باشد، در چنین خانه‌ای نماز در معنای حقیقی کلمه، اقامه نشده است، اگر چه در آن نماز خوانده شود.

برنامه‌ریزی برای رشد نماز

معرفت‌افزایی در صورتی مفید است که به تغییر رفتار در منتظر بیانجامد. منتظر راستین باید انتظارات امام خود را بشناسد و در صدد برآورده کردن آن‌ها برآید. اهل بیت علیهم‌السلام خود به نماز اهتمام ویژه داشتند و شیعیان خود را نیز به این امر تشویق می‌کردند.

هارون بن خارجه می‌گوید:

نزد امام صادق علیه‌السلام از یکی از دوستانمان به نیکی یاد کردم. امام فرمود: نمازش چگونه است؟^۳

بدون شک امام عصر علیه‌السلام نیز شیعیان خود را بر اساس اعتنا و اهتمام به نماز درجه‌بندی می‌کنند.

برای رشد دادن نماز می‌توان از این راهکارها بهره برد.

۱. شناخت نماز

پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرمایند:

۱. سوره عنکبوت، آیه ۴۵.

۲. الکافی، ج ۳، ص ۲۶۸.

۳. همان، ص ۴۸۷.

المُصَلِّي يَنَاجِي رَبَّهُ.^۱

«نجوا» یعنی گفتگوی از نزدیک و خصوصی در مقابل «ندا» که به گفتگوی از دور گفته می‌شود. از نظر ادبی «یناجی» در باب «مفاعله» به معنای گفتگوی دو طرفه است؛ بنابراین ترجمه جمله این می‌شود که نمازگزار می‌گوید و خدا می‌شنود و خدا می‌گوید و نمازگزار می‌شنود! و این اوج ارتباط بین بنده و خدای عزیز است.

نکته‌ی دیگر این که نجوای با پروردگار، مقدمه‌ی اقبال الهی به بنده خواهد بود، چنان‌چه در مناجات شعبانیه می‌خوانیم که:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ... وَاقْبَلْ عَلَيَّ إِذَا نَاجَيْتُكَ؛

خدایا ... به من توجه کن هنگامی که با تو نجوا می‌کنم.^۲

این جاست که در نماز، خدا اقبال کامل به بنده می‌کند؛ که در این صورت بنده در رحمت واسعه‌ی الهی وارد می‌شود. امام صادق (ع) در این خصوص می‌فرمایند:

اگر بنده می‌داند که در نمازش چطور در رحمت الهی قرار گرفته است، هرگز نمازش را تمام نمی‌کرد.^۳

اگر کسی این گونه زندگی‌اش را در مسیر اراده‌ی الهی قرار دهد، همه‌ی آسمان و زمین و آن‌چه در آن‌هاست در خدمت او و یار و مددکارش خواهند شد، چون همه‌ی هستی سرباز خدا است و تحت فرمان حضرتش:

«وَاللَّهُ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا»؛^۴

و سپاهیان آسمان‌ها و زمین از آن خداست و خدا همواره شکست ناپذیر سنجیده کار است.

نماز، عبادتی است که از زمان حضرت آدم (ع) تاکنون جزو ثابت احکام دینی بوده است. عیسی (ع) در گهواره از سفارش خداوند به خود درباره‌ی نماز سخن گفت. موسی (ع) پس از بعثت، در اولین گفت‌وگوی با خداوند به برپایی نماز مأمور شد. ابراهیم (ع) زن و فرزندش را در بیابانی

۱. بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۲۱۶.

۲. مفاتیح الجنان، مناجات شعبانیه.

۳. بحار الانوار، ج ۸۰، ص ۳۲۹.

۴. سوره فتح، آیه ۷.

بی آب و علف رها کرد و فرمود:

پروردگارا، من [یکی از] فرزندانم را در دژه‌ای بی کشت، نزد خانه‌ی محترم تو، سکونت دادم. تا نماز را به پا دارند.^۱

نماز عبادتی است که تقریباً در هیچ حالی از انسان ساقط نمی‌شود. حج در طول عمر یک مرتبه بر انسان واجب می‌شود، آن هم با وجود شرایط فراوان. روزه سالی یک ماه است و در صورت مسافرت و بیماری و... ساقط است. بسیاری از عبادات در قرآن کریم یک بار بیشتر به آن‌ها سفارش نشده است، اما از نماز بارها با لفظ «صلاة» و الفاظ مرتبط سخن گفته شده است.

آیت الله مصباح یزدی از مرحوم آیت الله بهجت نقل می‌کنند:

مردم پیش ما می‌آیند و از ما دستورالعملی می‌خواهند که در سیر و سلوک معنوی [و رسیدن به خدا] از آن کمک گیرند در حالی که غافل‌اند از اینکه خدای حکیم به عملی که بیشترین تأثیر را در رسیدن انسان به او داشته باشد، بیشترین تأکید را می‌کند و خدا به عملی بیشتر از نماز تأکید نکرده است، پس معلوم می‌شود مهم‌ترین عمل در رسیدن انسان به خدا نماز است.^۲

۲. تقویت حضور قلب

امام زین العابدین علیه السلام می‌فرمایند:

حق نماز این است که بدانی که آن کوچ کردن به سوی خدا عزوجل است، و تو در آن حال در برابر خدای عزوجل ایستاده‌ای، و چون این معنی و موقعیت را دانستی در موضع بنده‌ای می‌ایستی که خوار و بی‌مقدار و زار و هراسان و امیدوار و ترسان و خاضع و متضرع است، و کسی را که در برابر او ایستاده است به وسیله‌ی سکون و وقار خود، بزرگ می‌دارد. و در این حال با صمیم قلب به نماز رو می‌آوری و آن را با حدود و حقوقش به پا می‌داری.^۳

راه منزلت یافتن نزد امام، اهمیت دادن به نماز است و راه ارزشمند شدن نماز تقویت حضور قلب

۱. سوره ابراهیم، آیه ۳۷.

۲. خاطرات آیت الله مصباح یزدی از آیت الله بهجت (با اندکی تغییر).

۳. من لایحضره الفقیه، ترجمه بلاغی و غفاری، ج ۳، ص ۵۷.

است. نماز را با عیار «حضور قلب» می‌سنجند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

برخی از نمازها، یک دوم، یک سوم، یک چهارم، یک پنجم تا یک دهم آن قبول می‌شود و برخی نمازها در هم پیچیده می‌شود و همچون لباسی کهنه به صورت صاحبش زده می‌شود. تنها به اندازه‌ای از نماز بهره می‌بری که حضور قلب داشته باشی.^۱

اهمیت حضور قلب را می‌توان از منظرهای گوناگون تبیین کرد. برای نمونه اگر نماز با توجه ادا شود، انسان را به سمت امام می‌کشاند. امام صادق علیه السلام در پاسخ به فلسفه‌ی تکرار نماز فرمود: خداوند نماز را بر آنان واجب کرد تا هر روز پنج بار پیامبر صلی الله علیه و آله را یاد کنند... تا از او غافل نشوند و فراموشش نکنند و نامش کهنه نگردد.^۲

نمازگزار در اذان به نبوت حضرت محمد صلی الله علیه و آله شهادت می‌دهد، در سوره حمد از خداوند درخواست می‌کند تا در صراط مستقیم که همان خط محمد و آل محمد علیهم السلام است پایدار بماند، و در تشهد بر او و خاندانش درود می‌فرستد و در سلام نماز بر صالحان و در رأس آن‌ها امام عصر علیه السلام سلام می‌دهد. اندکی توجه به این مضامین کافی است تا نمازگزار را به امام علیه السلام پیوند دهد. باید حضور قلب در نماز را جدی گرفت.

راه‌های رسیدن به حضور قلب در نماز

الف. استمداد از خداوند: از مهم‌ترین عوامل حواس‌پرتی در نماز، وسوسه‌های شیطان است. در هر دلی که شیطان حضور داشته باشد، حضور خداوند کم‌رنگ می‌شود و بالعکس هر جا که حضور خداوند پررنگ باشد دیگر جایی برای شیطان نیست.

ب. معرفت‌افزایی: هر اندازه شناخت مؤمن از خداوند، معاد، رهبران الهی و نماز بیشتر شود توجهش در نماز افزون خواهد شد. اینکه انسان بداند نماز گفت‌وگوی با چه کسی است، کمک زیادی به جمع شدن حواس او می‌کند. امام سجاد علیه السلام مشغول نماز بود که عبا از دوششان افتاد. ایشان به نماز ادامه داد و توجهی نکرد. بعد از نماز یکی از اصحاب گفت: پسر رسول خدا! عبایتان افتاد و شما نماز را ادامه دادید! حضرت فرمود:

۱. بحار الانوار، ج ۸۱، ص ۲۶۰.

۲. علل الشرائع، ج ۲، ص ۳۱۷.

وای بر تو، می دانی در پیشگاه چه کسی بودم؟! به خدا سوگند درک حضور او مرا از اعتنای به افتادن عبا بازداشت. آیا نمی دانی از نماز بنده تنها به مقداری قبول می شود که با حضور قلب باشد.^۱

ج. مراقبه: برای دست یابی به حضور قلب در نماز، باید خارج از نماز از چشم، گوش و زبان مراقبت کرد. چرا که کل زندگی انسان با نماز ارتباط متقابل دارند، به این معنا که هم نماز بر زندگی تأثیر مستقیم دارد و هم رفتار ما در زندگی بر نماز تأثیرگذار است. بیشتر حواس پرتی های انسان به سبب دیدنی ها، شنیدنی ها و گفتنی های اوست. رها بودن چشم و گوش و زبان، خیال انسان را پر از صورت های گوناگون می کند و این صورت ها حضور قلب در نماز را از بین می برند. یکی از جهاتی که قرآن کریم اعراض از لغو را در کنار نماز از صفات مؤمنین دانسته است شاید همین مسأله باشد.^۲

د. وداع گونه نماز خواندن: از آداب نماز، این است که نمازگزار با این اندیشه که آخرین نمازش را می خواند به نماز بایستد. این مسأله کمک فراوانی به توجه و تمرکز نمازگزار می کند. وقتی رسول خدا ﷺ دید انس بن مالک در نماز به اطرافش می نگرد، فرمود:

ای انس، همانند کسی نماز بخوان که وداع کننده است؛ چنانکه گویی دیگر هرگز موفق به نماز خواندن نمی شوی.^۳

ه. زمینه سازی قبل از نماز: حضور قلب در نماز، پیش نیازهایی دارد که قبل از نماز باید آن ها را مهیا کرد. کمک گرفتن از آداب و مستحبات نماز، انتخاب محیط آرام و خلوت، با توجه و شاداب وضو گرفتن، چند دقیقه پیش از نماز سر سجاده نشستن، استغفار کردن، توسل به امام زمان علیه السلام قبل از نماز، سلام دادن بر امام حسین علیه السلام، انفاق در راه خدا، رکوع و سجده طولانی در نماز، توجه به افعال نماز، راهکارهایی برای تقویت حضور قلب هستند.

و. تمرین: تسلط بر خیال یک مهارت است و بدون تمرین و تکرار دست یافتنی نیست. خیال آدمی همچون مرغی فزار و هرزه گرد است که اگر تربیت نشود هیچ گاه حضور قلب در نماز نصیب

۱. بحار الانوار، ج ۸۱، ص ۲۶۵.

۲. سوره مؤمنون، آیات ۱-۳.

۳. دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۱۳۷.

انسان نمی‌شود. کسی که در نمازش لحظه‌ای بیشتر متوجه خداوند نیست، باید بکوشد تا در هر نماز، لحظه را به چند لحظه افزایش دهد، که در صورت مداومت به حضور کامل خواهد رسید.

۳. نماز اول وقت

نقل شده روزی امام رضا علیه السلام با رهبر صابئیان به بحث و گفتگو مشغول بودند. اهمیت این جلسه از این جهت بود که اسلام آوردن او سبب می‌شد بسیاری از پیروانش به تبعیت از رهبرشان مسلمان شوند. اما هر چه حضرت استدلال بر حقانیت اسلام می‌کردند او قبول نمی‌کرد و بهانه می‌آورد. تا اینکه آن جناب نکته‌ای بیان کردند که او مجبور به اعتراف شد و عرض کرد: الان دلم نرم شد! در این لحظه بود که صدای مؤذن بلند شد. آن شخص و اصحاب حضرت که شاهد این گفتگو بودند در کمال ناباوری دیدند که امام رضا علیه السلام برای اقامه‌ی نماز، جلسه را ترک فرمودند. وقتی او ایمان و اعتقاد حضرت را چنان مشاهده کرد که ایشان به خاطر نماز اول وقت، حاضر شدند از پیروزی و غلبه نهایی دست برداشته و به گفتگوی با خدا بایستند، با عزم راسخ‌تری به اسلام گروید.

آن حضرت در حدیثی می‌فرمایند:

نماز اول وقت را بدون عذر تأخیر نینداز. و اول وقت نماز را به پا دار.^۱

وقتی امام زمان علیه السلام همواره نمازهایش را اول وقت به جا می‌آورد و هیچ چیز را بر آن مقدم نمی‌کند، منتظر حقیقی نیز با اقامه‌ی نمازش در اول وقت، به امام خود اقتدا کرده، نمازش را همراه نماز امام عصر علیه السلام به محضر خدا می‌فرستد و از خدا می‌خواهد که به نماز آن عزیز، نماز ناقص او را نیز قبول فرماید.^۲ زیرا هر عبارتی برای قبولی، نیاز به شفاعت امام دارد همانگونه که در زیارت جامعه کبیره آمده است:

يُؤَالِيكُمْ تُقْبَلُ الطَّاعَةُ الْمُفْتَرَضَةُ؛

به وسیله‌ی ولایت شما معصومین اطاعت واجب، مورد قبول حق واقع می‌شود.

نماز اول وقت غیر از اینکه تسلیم بودن بنده در برابر خدا و همرنگ شدن او با امام عصر علیه السلام را نشان می‌دهد، برکت‌های فراوان دیگری هم دارد که به برخی اشاره می‌شود:

۱. بحار الانوار، ج ۴۹ ص ۴۹.

۲. وَاجْعَلْ صَلَاتَنَا بِهِ مَقْبُولَةً: دعای ندبه.

الف. رضوان الهی: رسیدن به مقام رضوان الهی از بالاترین مقام‌هاست^۱ و این بدون اهتمام به نماز اول وقت شدنی نیست. امام صادق علیه السلام فرمود:

نماز اول وقت مایه‌ی رسیدن به رضوان الهی است و نماز در آخر وقت عفو الهی را به دنبال دارد و عفو خداوند در جایی است که کوتاهی شده باشد.^۲

ب. راندن شیطان: یکی از مشکلات مؤمن در رسیدن به سعادت وجود شیطان است. شیطان دشمنی باتجربه و قوی است و تا زمان مرگ برای گمراه کردن مؤمن می‌کوشد. از بهترین راه‌های دور کردن او، مواظبت بر نماز اول وقت است. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

تا زمانی که مؤمن نمازهای پنج‌گانه‌اش را سر وقت ادا کند، شیطان همواره از او ترسان و گریزان است؛ اما اگر نمازهایش را ضایع کند شیطان جرأت می‌یابد و او را به گناهان کبیره وادار می‌دارد.^۳

ج. رفع غم‌ها و غصه‌ها: یکی از ظرفیت‌های معنوی نماز اول وقت، زیاد شدن تحمل آدمی در برابر گرفتاری است. با اهتمام به نماز اول وقت، ظرفیت روح، توسعه می‌یابد و به راحتی با گرفتاری‌های دنیا کنار می‌آید. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

هیچ بنده‌ای نیست که به اوقات نماز اهمیت بدهد، مگر اینکه من سه چیز را برایش ضمانت می‌کنم: خوشی به هنگام مرگ، پایان غصه‌ها و نجات از آتش.^۴

برای موفق شدن به نماز اول وقت باید:

- باورها را تقویت کرد؛ باور به اینکه برتری نماز اول وقت بر غیر آن وقت، همانند برتری آخرت بر دنیا است،^۵ انگیزه فرد را برای ادای نماز اول وقت بیشتر می‌کند؛
- اهل برنامه‌ریزی بود و بر محور نماز، برنامه‌های زندگی را چینش کرد؛ برای مثال زمان خوابیدن، کیفیت و کمیت شام، اندازه‌ی تماشای تلویزیون و... به گونه‌ای تنظیم شود که بتوان به راحتی برای نماز صبح برخاست؛

۱. الکافی، ج ۲، ص ۶۲.

۲. من لا یحضره الفقیه، ص ۲۱۷.

۳. شیخ صدوق، الامالی، ص ۴۸۴.

۴. شیخ مفید، الامالی، ص ۱۳۶.

۵. امام صادق علیه السلام: «إِنَّ فَضْلَ الْوَقْتِ الْأَوَّلِ عَلَى الْآخِرِ كَفَضْلِ الْآخِرَةِ عَلَى الدُّنْيَا»؛ الکافی، ج ۳، ص ۲۷۴.

- با دوستان مقید به نماز اول وقت معاشرت کرد؛ زیرا معاشرت، مشابهت می‌آورد و پس از مدتی شخص از دوستانش اثر می‌پذیرد؛
- تقیّد به خواندن نماز در مسجد؛
- توسّل به امام عصر علیه السلام برای توفیق بر نماز اول وقت.

نماز جماعت

یکی از مصادیق اقامه‌ی نماز، به جماعت خواندن آن است. از جمله حکمت‌های به کار رفتن ضمیر جمع در قرائت نماز، همین مطلب است. این جماعت می‌تواند همراهی نماز فرد را با نماز امام زمان علیه السلام و بهره‌مندی از ثواب عظیم و برکات عالی آن را در برداشته باشد. پیامبر گرامی خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

مَنْ صَلَّى خَلْفَ إِمَامٍ عَالِمٍ فَكَأَنَّمَا صَلَّى خَلْفَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ الرَّحْمَنِ؛^۱

هرکس پشت سر امام عالمی نماز بخواند مانند این است که پشت سر من (پیامبر) و پشت سر ابراهیم خلیل الرحمن نماز خوانده است.

برتری نماز جماعت بر فرادا به اندازه‌ای است که در خیال آدمی نمی‌گنجد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

پس از نماز ظهر جبرئیل با ۷۰۰۰۰ فرشته نزد من آمد و گفت: ای محمد صلی الله علیه و آله پروردگارت سلام می‌رساند و دو هدیه برای فرستاده که به هیچ یک از پیامبران پیشین نداده است. پرسیدم: آن دو هدیه کدامند؟ جبرئیل فرمود: سه رکعت نماز شفع و و ترو نمازهای پنج‌گانه به جماعت. گفتم: ای جبرئیل، امت من چه بهره‌ای از نماز جماعت می‌برند؟

جبرئیل گفت: «ای محمد صلی الله علیه و آله اگر دو نفر باشند، خداوند برای هریک در مقابل هر رکعت نماز پاداش ۱۵۰ نماز، اگر سه نفر باشند پاداش ۶۰۰ نماز، اگر چهار نفر باشند پاداش ۱۲۰۰ نماز، اگر پنج نفر باشند پاداش ۲۴۰۰ نماز، اگر شش نفر باشند پاداش ۴۸۰۰ نماز، اگر هفت نفر باشند پاداش ۹۶۰۰ نماز، اگر هشت نفر باشند پاداش ۱۹۲۰۰ نماز، اگر نه نفر باشند پاداش ۳۶۴۰۰ نماز، اگر ده نفر باشند پاداش ۷۲۸۰۰ نماز در نظر می‌گیرد و

هنگامی که تعدادشان از ده بگذرد، اگر همه دریا‌های آسمان‌ها و زمین مرکب شوند و درختان قلم گردند و جن و انس و فرشتگان نویسنده شوند، توانایی نوشتن پاداش یک رکعت آن را ندارند...»^۱

فارغ از این پاداش‌های فوق‌العاده، منتظر نمی‌تواند از نماز جماعت کناره بگیرد؛ زیرا انتظار فرج با انزوا و گوشه‌نشینی جمع‌شدنی نیست. منتظر باید در جامعه باشد، در برابر کجی‌ها و انحرافات بایستد و برای اصلاح آن‌ها بکوشد. منتظر باید در کنار دیگر منتظران به کار تشکیلاتی بپردازد و به زمینه‌سازی برای ظهور مشغول باشد و این شدنی نیست مگر با حضور در اجتماعات روزانه مسلمانان. علاوه بر این نباید از نقش نماز جماعت در معرفی دین به دیگران غافل شد. در همان روزهای ابتدایی بعثت، رسول خدا ﷺ در میان مشرکان به همراه علی علیه السلام و خدیجه رضی الله عنها نماز را به جماعت می‌خواند و همین امر توجه بسیاری از مشرکان را جلب و آنان را برای شنیدن پیام دین تشویق می‌کرد.

۴. نماز در مسجد

یکی از مستحبات و آداب بسیار مهم نماز، به جا آوردن آن در مسجد است. این مسئله آنقدر حائز اهمیت است که در روایات، نماز کسی که همسایه‌ی مسجد است و در آن جا نماز نخوانده است را نماز ندانسته است (نماز کامل نیست).

روایاتی که در فضیلت مسجد وارد شده است به حدی تأکید به همراه دارد که بعضی از بزرگان،^۲ نماز فرادای در مسجد را افضل از جماعت در غیر مسجد می‌دانند.

۵. اهتمام به نوافل

از دیگر راه‌های رشد دادن نماز توجه و اهتمام به نافله‌هاست. نوافل فرصتی طلایی هستند که خداوند در اختیار کسانی قرار داده که می‌خواهند خود را بسازند، رشد کنند و به کمال برسند. امام باقر علیه السلام فرمودند:

از نماز بنده یک دوم، یک سوم، یک چهارم یا یک پنجمش بالا می‌رود. به اندازه‌ای از

۱. مستدرک الوسائل، ج ۶، ص ۴۴۴.

۲. مثل مرحوم میرزا جواد آقا ملکی تبریزی.

نماز بالا می‌رود که شخص در آن حضور قلب داشته و مؤمنان به نافله‌ها فرمان داده شده‌اند تا به وسیله‌ی آن‌ها نقص‌های نمازهای واجبشان تکمیل شود.^۱

اهل بیت علیهم‌السلام خود به نوافل اهتمام ویژه داشتند و همواره یکی از علامت‌های مؤمن را اهتمام به نوافل برمی‌شمردند. امام حسن عسکری علیه‌السلام خواندن نافله‌های روزانه و شبانه را در کنار زیارت اربعین، انگشتر به دست راست کردن، گذاشتن پیشانی بر خاک و بلند گفتن «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را از علامت‌های مؤمن دانسته‌اند.^۲ نافله‌ها در رشد یافتن نماز و نمازگزار نقش مؤثری دارند؛ بنابراین منتظر نباید از این فرصت چشم‌پوشد و لازم است کمیت و کیفیت نافله‌های خود را بیشتر کند. راه دیگر برای درک اهمیت نوافل، سفارش اهل بیت علیهم‌السلام به خواندن قضای نوافل است.^۳ فضیلت و پاداش بی‌نظیر قضا کردن نوافل را می‌توان از این روایت برداشت کرد. مردی به امام صادق علیه‌السلام گفت:

فدايت گردم، ای پسر رسول خدا، گاهی یکی دو سه ماه از نماز شب محروم می‌شوم و آن‌ها را در روز قضا می‌کنم. آیا این کار جایز است. امام سه مرتبه فرمود: «مایه‌ی چشم‌روشنی توست، به خدا سوگند مایه‌ی چشم‌روشنی توست. خداوند متعال می‌فرماید: «وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ خِلْفَةً...»؛ و او کسی است که شب و روز را جانشین یکدیگر گردانید.» منظور از این آیه، قضای نماز روز در شب و قضای نماز شب در روز است و این از اسرار مخفی آل محمد علیهم‌السلام است.

فارغ از تأثیر نافله در تکمیل نمازهای واجب، توجه به سفارش امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه نیز عاملی انگیزه‌بخش برای اهتمام به نوافل است.

مرحوم محدث نوری در مفاتیح الجنان از تاجری رشتی به نام سیداحمد نقل کرده است که: «سال ۱۲۸۰ از رشت راهی تبریز شدم تا از آنجا همراه با قافله‌ها به حج بروم. پس از چند روز توقف در تبریز همراه با حاجی جبار سده‌ای راهی طرابوزن شدم. کاروان که به «ارزنة الروم» رسید حمله‌دار هشدار داد که منزل پیش رو ترسناک است و باید کاروان همه با هم حرکت کنند. اندکی پس از حرکت، برف سنگینی بارید و من از قافله جا

۱. تهذیب الاحکام، ج ۲، ص ۳۴۱.

۲. رک: مفید، المزار، ص ۵۳.

۳. در کتاب وسائل الشیعه، فصلی به نام «قضا کردن نوافل» آمده است.

ماندم. اضطراب به سراغم آمد. از اسب پیاده شدم، کنار راه نشستم و به ادامه‌ی سفر اندیشیدم.

ناگاه مقابل خود باغی دیدم که باغبان با بیل برف‌ها را از درختان می‌تکاند. باغبان پس از شنیدن شرح حالم گفت: نافله بخوان تا راه را پیدا کنی. مشغول نافله شدم. پس از پایان تهجد، دوباره آمد و فرمود: نرفتی؟! گفتم: والله راه را نمی‌دانم. فرمود: زیارت جامعه بخوان. با اینکه جامعه را حفظ نبودم، برخاستم و تمام زیارت را از حفظ خواندم. باغبان باز آمد و گفت: نرفتی، هنوز هستی؟ بی‌اختیار گریستم و گفتم: راه را بلد نیستم. فرمود: عاشورا بخوان. با اینکه عاشورا را هم حفظ نبودم، همه را از حفظ خواندم. آن مرد باز سراغم آمد و فرمود: باز که نرفتی؟! برخیز تا تورا به قافله برسانم. در مسیر به من فرمود: شما چرا نافله نمی‌خوانید و سه مرتبه تکرار کرد: نافله، نافله، نافله. باز فرمود شما چرا عاشورا نمی‌خوانید و سه مرتبه تکرار کرد: عاشورا، عاشورا، عاشورا. بار سوم فرمود: شما چرا جامعه نمی‌خوانید و سه مرتبه تکرار کرد: جامعه، جامعه، جامعه. چیزی نگذشت که مرا به دوستانم رساند و رفت. ناگاه به خودم آمدم که مردمان اینجا غالباً ترک بودند و مسیحی؛ پس او چگونه با من فارسی سخن می‌گفت و چگونه مرا با این سرعت به دوستان رساند؟! نگاهی به پشت سرم کردم و دیگر کسی را ندیدم...».

دعوت دیگران به نماز

یکی از معانی مهم اقامه‌ی نماز دعوت دیگران به نماز است. دعوت جامعه به ستون دین، در حقیقت دعوت به همه‌ی دین است و این همان کار انبیاء و اولیاء علیهم‌السلام می‌باشد. نکته مهمی که در این خصوص باید متذکر شد؛ اینکه در صورتی که ظاهراً این دعوت بدون پاسخ بماند باز خداوند مهربان به نیت دعوت‌کننده نظر می‌افکند و از شریک شدن در ثواب نماز افرادی که آن‌ها را دعوت به نماز کرده، محروم نمی‌کند؛ اگر چه آن‌ها به این فراخوانی، لبیک نگفته باشند! پس در حقیقت او در ثواب زنده کردن جامعه شریک است، چون هر فردی را که به این واجب الهی دعوت می‌کند، همانند وقتی خواهد بود که همه‌ی جامعه را نماز خوان کرده باشد:

﴿وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا﴾^۱

و هر کس کسی را زنده بدارد چنان است که گویی تمام مردم را زنده داشته است. از سوی دیگر منتظران راستین می‌کوشند تا با ارائه‌ی نمونه کوچکی از جامعه‌ی مهدوی به دیگران، دل‌های آنان را به سمت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف جذب کنند. منتظر به جای دست روی دست گذاشتن می‌کوشد کارهایی را که قرار است امام در مقیاس جهانی انجام دهد، در هر مقیاس و هر اندازه‌ای که در توانش باشد، انجام دهد؛ بنابراین منتظر نمی‌تواند نسبت به کاهلی اطرافیانش به نماز، بی‌اعتنا باشد.

منتظر در صدد اصلاح محیط پیرامون خود است و این اصلاح بدون استمداد از نماز امکان‌پذیر نیست.^۲ نماز بهترین راهکار برای اصلاح خود و محیط است؛ زیرا درمان‌کننده بدترین درد آدمی است. بدترین دردی که آدمی را از حد چهارپایان نیز پایین‌تر می‌برد، غفلت است. وقتی فرد از مبدأ و معاد خود غافل می‌شود، گرفتار دنیای مادی می‌شود و استعدادهای فطری‌اش را فراموش می‌کند. امام رضا علیه السلام درباره‌ی سبب واجب شدن نمازهای یومیه می‌فرماید:

تا اینکه بنده، آقا، آفریننده و تدبیرکننده‌ی کارهایش را فراموش نکند و طغیان ننماید.^۳

۱. سوره مائده، آیه ۳۲.

۲. قرائتی، شیوه‌های دعوت به نماز؛ داودی، خانه بهشتی؛ آیتی، فرودگاه فرشتگان و... .

۳. مهارت‌های دعوت فرزندان به نماز، ص ۱۶.

پرسش‌ها

۱. چهار مورد از مکانیسم های نماز در آماده سازی و تربیت یاران حضرت مهدی عجّل الله تعالی فرجه الشریف را بیان و یکی را به دلخواه توضیح دهید.
۲. اقامه نماز به چه معناست؟ چهار مورد را بیان کنید.
۳. راه های رشد نماز را بیان کنید.
۴. چگونه می توان در نماز حضور قلب پیدا کرد؟
۵. چه رابطه ای میان امام زمان علیه السلام، نماز جماعت و اقامه آن وجود دارد؟ در این مورد توضیح دهید.
۶. با چه راهکارهایی می توان نماز را در اول وقت آن به جا آورد؟

منابع مطالعاتی

۱. شیوه های دعوت به نماز، محسن قرائتی.
۲. داستان های واقعی، ستاد اقامه نماز.
۳. بیشتر دیده شو، رضا اخوی.
۴. تفسیر آیات نماز، جمعی از نویسندگان.
۵. آداب نماز، محمد مهدی حائری پور.
۶. پرستش آگاهانه، محمدرضا رضوان طلب.

فصل نهم:

خاتم الاوصياء در کلام سید الاوصياء^۱

۱. حجت الاسلام محمود اباذری و حجت الاسلام رضا اخوی.

مقدمه

نهج البلاغه کلامی است که پرتوی از علم الهی بر آن تابیده و عطری از کلام نبوی در آن وجود دارد و نه تنها «نهج البلاغه» است و می‌توان از آن شیوه سخنوری را آموخت؛ بلکه مهم‌تر از آن، «نهج الحیاة» است و راه و روش زیستن را باید از آن فرا گرفت.

بی‌گمان مهم‌ترین عامل حیات ایمانی، شناخت امام زمان عجل الله تعالی فرجه است که «مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»^۱ و چه زیباست که شناخت موعود امم بقیة الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه را در بیان امیر بیان بنگریم.

تولد نهج البلاغه

ابوالحسن محمد بن حسین معروف به سید رضی در همان آغاز جوانی تصمیم می‌گیرد کتابی در مورد ویژگی‌های امامان معصوم علیهم السلام بنویسد. ابتدا این موضوع را با شرح حال امام علی علیه السلام پی می‌گیرد و در پایان این قسمت، گزیده‌ای از سخنان کوتاه ایشان را ذکر می‌کند. دوستانش با ملاحظه‌ی این کلمات قصار، آن چنان مجذوب آن می‌شوند که از سید رضی درخواست می‌کنند کتابی مستقل در این زمینه تألیف کند و گزیده‌ای از سخنان امام علی علیه السلام را از خطبه‌ها، نامه‌ها و موعظه‌ها و آداب گرد آورد.

سید رضی خواسته‌ی آنان را اجابت می‌کند و با جدیت و اخلاصی مثال زدنی، برای روشن‌تر ساختن قدر و عظمت امیر مؤمنان علیه السلام این کار را به انجام می‌رساند و گزیده‌ای از سخنان دربار ایشان را در سه بخش تنظیم می‌کند:

۱. «کسی که بمیرد و امام زمان خویش را نشناخته باشد، مرگ او مانند مرگ افراد دوران جاهلیت باشد که در حال شرک و بت پرستی از دنیا رفتند». مسند احمد بن حنبل، ج ۲، ص ۸۳ و ج ۳، ص ۱۴۴۶ صحیح بخاری، ج ۵، ص ۱۳، باب فتن.

بخش اول: خطبه‌ها و اوامر (۲۴۱ خطبه)؛

بخش دوم: نامه‌ها و رسائل (۷۹ نامه)؛

بخش سوم: کلمات حکمت آمیز و مواعظ (۴۸۰ حکمت).

او نام کتابش را «نهج البلاغة» می‌گذارد تا از این رهگذر، درهای بلاغت را به سوی بیننده بگشاید و در مقدمه این نکته را یاد آور می‌شود که کلمات شگفت‌انگیزی را در این کتاب خواهید یافت که «بَلَّالٌ كُلُّ غُلَّةٍ وَ شِفَاءٌ كُلِّ عِلَّةٍ وَ جِلَاءٌ كُلِّ شُبْهَةٍ؛ سیراب‌کننده‌ی هر تشنگی و شفای هر بیماری و بر طرف‌کننده‌ی هر شبهه‌ای است».

نکته دیگری که ایشان در مقدمه، یاد آور می‌شود، «جامع اضداد» بودن صاحب این سخنان است؛ وقتی در کلمات او در زهد و موعظه شناور می‌شوی، تصور می‌کنی که این‌ها سخن کسی است که جز عبادت کاری بلد نیست! در گوشه‌ی خانه یا دامنه‌ی کوهی عزلت گزیده و فقط خود را می‌بیند و هیچ نقشی در اجتماع ندارد و باور نمی‌کنی که این سخنان همان کسی است که هنگام یاری دین خدا و مبارزه با باطل، شمشیر کشیده و در جنگ غوطه‌ور می‌شود و یلان عرب را به زمین می‌افکند.

ها علی بشر کیف بشر	ما غسری غزوة إلا و ظفر
علی آری نبود جز بشری	بشری، خود به بشر چون پدری
درگهش ملجا هر در بدری	مادر دهر نزاید پسری
أبدال دهر چسوی بسار دگر	ها علی بشر کیف بشر

مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف در نهج البلاغة

اکنون به اجمال موضوع امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را در نهج البلاغة پی می‌گیریم. در خطبه‌های: ۱۰۰، ۱۳۸، ۱۵۰ و ۱۸۲ و همچنین در حکمت‌های: ۱۴۷، ۲۰۹ و حکمت بعد از حکمت ۲۶۰ مباحثی پیرامون امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف وجود دارد.^۱

۱. شماره خطبه‌ها و حکمت‌ها براساس شماره‌گذاری نهج البلاغة صبحی صالح و نهج البلاغة مرحوم دشتی است.

خطبه ۱۰۰

دورنمای خطبه

این خطبه درباره اوصاف رسول الله ﷺ و خدمات آن حضرت و مقامات اهل بیت ایشان  است. این خطبه را امیر مؤمنان  در آغاز خلافت خود بیان فرمودند و نخست به حمد و ثنای الهی می پردازد و از رسالت پیامبر ﷺ و خدمات برجسته آن حضرت و لزوم اطاعت و پیروی از وی سخن می گوید. سپس، با اشاره ی سربسته ای، به پیشگویی وضع خود و مردم عراق می پردازد و در آخرین بخش از خطبه، درباره ی عظمت آل محمد  سخن می گوید و از برکات وجودی آن ها بحث می کند و اینکه هدایت های آن ها استمرار دارد و هر زمان یکی از آنان می رود، دیگری به جای او می نشیند.

سه محور هدایت

در این خطبه آن حضرت به سه محور اساسی و به هم پیوسته اشاره دارند:

اول: ضرورت شناخت نعمت ها و ادای حقوق الهی بر بندگان؛

دوم: ویژگی های پیامبر ﷺ؛

سوم: تداوم امامت تا ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف.

محور اول

امیر مؤمنان علی  در ابتدای این خطبه، پس از حمد و ثنای الهی، حقوق الهی بر انسان ها را یادآوری کرده و می فرماید:

حمد و سپاس مخصوص خدایی است که فضلش را در میان مخلوقات منتشر کرده و دست جود و بخشش را در میان آنان گسترده ساخته است. ما در همه ی امور او را سپاس می گوئیم و از او نسبت به حفظ حقوقی که بر ما دارد کمک می خواهیم و گواهی می دهیم هیچ خدایی جز او نیست.^۱

تردیدی نیست که از مهم ترین حقوق الهی بر بندگان، حق اطاعت است و بر مبنای آموزه های

۱. الْحَمْدُ لِلَّهِ النَّاسِرِقِ الْخَلْقِ فَضْلَهُ وَ الْبَاسِطِ فِيهِمْ بِالْجُودِ يَدَهُ تَحْمَدُهُ فِي جَمِيعِ أُمُورِهِ وَ تَسْتَعِينُهُ عَلَى رِعَايَةِ حُقُوقِهِ وَ نَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ غَيْرُهُ.

قرآنی، اطاعت از خدا با اطاعت از رسول و ولی خدا تحقق می‌پذیرد؛

«مَنْ يَطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ»^۱

«أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ»^۲

محور دوم

سپس امام می‌افزاید:

و گواهی می‌دهیم که محمد ﷺ بنده و فرستاده‌ی اوست.^۳

به دنبال آن، در پنج جمله، اوصافی را برای پیامبر اکرم ﷺ بیان می‌کند که بسیار پرمعنا و پر بار است. می‌فرماید:

او را فرستاد تا فرمان حق را آشکارا بیان کند، و به شرح و تبیین اوصافش بپردازد. او با امانت، رسالت خویش را ادا کرد و با راستی و درستی به راه خود ادامه داد، و پرچم حق را در میان ما به یادگار گذارد.

امام ﷺ در این چند جمله، به ابعاد خدمات پیامبر اکرم ﷺ اشاره می‌کند: از یک سو، اشاره به ابلاغ اوامر و نواهی حق می‌فرماید که به طور شفاف و روشن و آشکار و بدون پرده‌پوشی همه را بیان فرمود و از سوی دیگر، آنچه برای معرفت الله و شناخت پروردگار لازم بود، تشریح کرد. از سوی سوم، در ابلاغ این مأموریت‌ها نهایت امانت را رعایت کرد، و از سوی چهارم، خودش نیز در عمل، این راه را پیمود و سرمشقی برای همگان شد،^۴ و از سوی پنجم، به فکر نسل‌های آینده بود و پرچم حق را که همان کتاب و سنت باشد، در میان مردم به یادگار گذاشت.^۵

محور سوم

یکی از اوصاف و مناقب پیامبر رحمت ﷺ که در فراز قبلی اشاره شد، قرار دادن پرچم حق و به

۱. سوره نساء، آیه ۸۰.

۲. همان، آیه ۵۹.

۳. «وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ أَرْسَلَهُ بِأَمْرِهِ صَادِعاً وَبِذِكْرِهِ نَاطِقاً فَأَدَّى أَمِيناً وَمَضَى رَشِيداً وَخَلَّفَ فِيْنَا رَأْيَةَ الْحَقِّ».

۴. «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ»؛ سوره احزاب، آیه ۲۱.

۵. پیام امام امیرالمؤمنین ﷺ، ج ۴، ص ۳۶۱-۳۵۵.

عبارتی، پرچم ولایت و امامت در میان مردم بود.^۱

امیرالمؤمنین (علیه السلام) سپس درباره خصوصیت این پرچم می‌افزاید:

پرچمی که هر کس از آن پیشی گیرد از دین خارج شود، و هر کس از آن عقب بماند هلاک گردد، و آن کس که ملازم آن باشد (به سر منزل سعادت) می‌رسد.

جمله‌های سه‌گانه‌ی بالا درباره‌ی نحوه‌ی برخورد گروه‌های سه‌گانه‌ی مردم با حق و واقعیت است: گروهی اهل افراطند و از حق پیشی می‌گیرند و در بیراهه‌ها سرگردان و گمراه می‌شوند؛ مانند خوارج که به گمان خود می‌خواستند در عمل کردن به قرآن، از امام زمان خود پیشی بگیرند و با کارهای احمقانه، گرفتار تضاد شدند. یا همچون کسانی که در عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله) هنگامی که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در سفر روزه خود را افطار کرد، آن‌ها گفتند: ما چنین نخواهیم کرد و احترام ماه رمضان را باید حفظ کنیم! که آن‌ها به نام «عصاة» (گردنکشان) نامیده شدند.^۲ گروه دیگر، تفریط‌کاران هستند که چند قدمی به دنبال حق می‌روند و سپس تنبلی و سستی و هواپرستی آن‌ها را از ادامه‌ی پیروی از حق باز می‌دارد.

گروه سوم، ملازمان حقند که نه بر آن پیشی می‌گیرند و نه از آن عقب می‌مانند؛ همیشه در ظل و سایه‌ی حق گام بر می‌دارند و به سر منزل مقصود می‌رسند.^۳

نشانه‌های ولی خدا

امیرمؤمنان (علیه السلام) در ادامه‌ی سخن، به مسئله‌ی مهم دیگری پرداخته، می‌فرماید:

راهنمای این پرچم (دارای این اوصاف است): با تأثی سخن می‌گوید، و دیر به پا می‌خیزد، اما هنگامی که به پا خاست با سرعت و قاطعیت پیش می‌رود!

(او کسی است که) وقتی شما به سویش آمدید و او را پذیرفتید مرگ به سراغش آمده و او را با خود می‌برد!^۴ (آنگاه که باید می‌آمدید نیامدید، وقتی آمدید که دیر شده!).

۱. وَ خَلَفَ فِيمَا زَايَةَ الْحَقِّ مَنْ تَقَدَّمَهَا مَرَقٌ وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا زَهَقٌ وَمَنْ لَزِمَهَا لَحِقَ.

۲. وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۱۲۵، ح ۷.

۳. پیام امام امیرالمؤمنین (علیه السلام)، ج ۴، ص ۳۶۸-۳۶۱.

۴. دَلِيلُهَا مَكِيَّةُ الْكَلَامِ تَطْيِئُ الْقِيَامَ سَرِيعٌ إِذَا قَامَ فَإِذَا أَنْتُمْ أَنْتُمْ لَهُ رِقَابُكُمْ وَأَنْتُمْ إِلَيْهِ بِأَصَابِعِكُمْ جَاءَ التَّوْتُ فَذَهَبَ بِهِ.

امید به آینده روشن

امام علیه السلام برای این که اصحاب و یارانش مأیوس نشوند، آن‌ها را به پیروزی‌های آینده بشارت می‌دهد و می‌فرماید:

بعد از او مدّتی در انتظار خواهید بود، تا خداوند شخصی (حضرت مهدی علیه السلام) را ظاهر کند که شما را جمع نماید و پراکندگی تان را به جمعیت مبدّل سازد.^۱
در تأیید همین سخن، در جمله‌های بعد می‌افزاید:

بنابراین، به چیزی که نیامده دل نبندید و نسبت به آنچه گذشته، مأیوس و نگران نباشید؛ زیرا آن کس که پشت کرده، ممکن است یکی از پاهایش بلغزد و دیگری برقرار ماند؛ سپس هر دو [پاها] باهم به جای خود باز گردد، ثابت شود (و پیروزی بیافریند).^۲
در واقع امام علیه السلام به بیان دو قاعده‌ی کلی می‌پردازد که در پیشامدها و حوادث سخت باید به آن توجه داشت: نخست این که، نباید در این گونه مواقع گرفتار خوش بینی افراطی شد و دل به چیزی بست که هنوز مقدمات آن فراهم نشده و به دنبال آن قیام نسنجیده‌ای صورت گیرد. و دیگر این که، شکست‌ها و مشکلات نیز نباید مایه‌ی یأس گردد و امام علیه السلام آن را تشبیه به کسی می‌کند که در جاده‌ای حرکت می‌کند و ناگهان یک پای او می‌لغزد. مردم خیال می‌کنند برای همیشه سقوط کرد! ولی چیزی نمی‌گذرد که بر پای دیگر تکیه می‌کند و پای اوّل را به جای خود می‌آورد و آماده حرکت می‌شود.

به دیگر سخن، هنگام بروز حوادث سخت، گروهی ناگهان از همه چیز مأیوس می‌شوند، یا به فعالیت‌های خام و ناپخته دست می‌زنند و این یأس مانع مهمّی از فعالیت‌های حساب شده‌ی آینده‌ی آن‌ها خواهد شد؛ همان فعالیت‌هایی که ممکن است شکست را به پیروزی مبدّل سازد و ناکامی را به کامیابی.

توجه عمیق به دو نکته‌ای که امام علیه السلام در بالا فرمود می‌تواند این حالت منفی را برطرف سازد. نخست این که، از کارهای شتاب زده و دل‌بستگی به آنچه مقدمات آن فراهم نشده است بپرهیزند و دیگر این که، از شکست‌های مقطعی و موردی مأیوس نشوند، چرا که می‌شود با تجربه‌های

۱. فَلْيَبْتَغُوا بَعْدَهُ مَا شَاءَ اللَّهُ حَتَّى يَطْلُعَ اللَّهُ لَكُمْ مَنْ يَخْتَصِمُكُمْ وَيَضُمُّ شُرُكُم.

۲. فَلَا تَظْمَعُوا فِي غَيْرِ مُقْبِلٍ، وَلَا تَيَاسُوا مِنْ مُدْبِرٍ، فَإِنَّ الْمُدْبِرَ عَسَى أَنْ تَرْلَ بِهِ إِحْدَى قَائِمَتِيهِ، وَتَثْبُتَ الْآخَرَى، فَتَرْجِعَا حَتَّى تَثْبُتَا جَمِيعاً.

شکست، پل پیروزی ساخت.^۱

نکته‌ی درس آموز دیگر این فراز این است که بر مبنای سنت الهی، وقتی انسان قدر نعمتی را نشناخت و از دست داد، تا تغییری در او رخ ندهد آن نعمت بر نمی‌گردد.^۲ پس باید در مسیر بندگی مراقب بود تا گرفتار دو آسیب «توقع بی‌جا و کوتاهی در انجام وظیفه» و «ناامیدی» نشویم. لذا حضرت به صراحت فرمود:

پس انتظار نداشته باشید (به این زودی) به شما رو کند و بیاید و از طرف دیگر ناامید نشوید از آمدن کسی که رفته است.^۳

(و قطعاً خواهد آمد.)

شرایط ظهور و آمدن موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف

نکته دیگری که از این فراز برداشت می‌شود این است که گویا حضرت به شرایط ظهور و آمدن موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف اشاره دارند. اینکه شیعیان و منتظران قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف بدانند و باور کنند که شرط تحقق عدالت جهانی و اصلاح امور، دو چیز است:

۱. وجود رهبری الهی و معصوم

۲. آمادگی مردم و پذیرش عمومی

فقدان شرط دوم همان است که سبب غیبت شد: «فَإِنَّ الْمُدْبِرَ عَسَى أَنْ تَرِلَّ بِهِ إِحْدَى قَائِمَتَيْهِ» و هر گاه این امر درست شد، ظهور اتفاق می‌افتد. «فَتَرْجِعَا حَتَّى تَثْبُتَا جَمِيعاً».

اتمام نعمت الهی بر ائمت

در قسمت پایانی این خطبه، امام علیه السلام همه‌ی مخاطبان خود را که منحصر به معاصران خویش نیست، خطاب قرار داده و مقام و موقعیت اهل بیت علیهم السلام را در عباراتی کوتاه، اما بسیار پر معنا برای آن‌ها شرح می‌دهد. می‌فرماید:

آگاه باشید! آل محمد علیهم السلام همانند ستارگان آسمانند که هرگاه یکی از آن‌ها غروب

۱. پیام امام امیرالمؤمنین علیه السلام، ج ۴، ص ۳۶۸-۳۶۱.

۲. «ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَى قَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»؛ سوره انفال، آیه ۵۳.

۳. «فَلَا تَظْمَعُوا فِي غَيْرِ مُقْبِلٍ وَلَا تَيَاسُوا مِنْ مُدْبِرٍ».

کند، دیگری طلوع می‌کند.

سپس در تکمیل این سخن می‌افزاید:

«گویا (می‌بینم) در پرتو خاندان پیامبر ﷺ، نعمت‌های الهی بر شما کامل شده و آنچه را آرزو داشته‌اید خداوند به شما ارزانی داشته است».^۱

امام علی (ع) در این سخن کوتاه، به چند نکته اشاره فرموده‌اند؛ نخست اینکه: آل محمد ﷺ همانند ستارگانند که قرآن مجید درباره‌ی آن‌ها می‌فرماید:

﴿وَالنَّجْمُ هُمْ يَهْتَدُونَ﴾^۲

آن‌ها به وسیله ستارگان هدایت می‌شوند.

و در جایی دیگر می‌فرماید:

﴿وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ النُّجُومَ لِتَهْتَدُوا بِهَا فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ﴾^۳

خداوند کسی است که ستارگان را برای شما قرار داد تا در تاریکی‌های صحرا و دریا به وسیله‌ی آن‌ها هدایت شوید.

در زمان‌های قدیم که قطب‌نما اختراع نشده بود و جاده‌ها به صورت امروز نبود، قافله‌ها در صحراها، و کشتی‌ها در دریاها، در شب‌های تاریک به وسیله‌ی ستارگان آسمان راه را پیدا می‌کردند و به منزل مقصود می‌رسیدند و از ظلمات بَر و بحر‌هایی می‌یافتند. نجات در دنیا و آخرت و راه‌یابی به سعادت دازین نیز در پرتو هدایت آل محمد ﷺ امکان پذیر است.

مطلب دیگر اینکه: آسمان، شب خالی از ستاره نمی‌شود؛ هر زمان ستارگانی آرام و آهسته غروب می‌کنند، ستارگان دیگری در افق مشرق ظاهر می‌شوند؛ اهل بیت پیامبر ﷺ نیز چنین هستند؛ هر امامی چشم از جهان فرو می‌بندد، امام دیگری جای او را می‌گیرد تا نوبت به حضرت مهدی (عج) رسد و با قیام خود جهان را پر از عدل و داد کند.

این تعبیر به خوبی نشان می‌دهد که سلسله‌ی امامت گسستنی و تعطیل بردار نیست. یا به تعبیر دیگر، روی زمین از حجت خدا، هرگز خالی نمی‌ماند.

۱. أَلَا إِنَّ مَثَلَ آلِ مُحَمَّدٍ ﷺ كَمَثَلِ نُجُومِ السَّمَاءِ إِذَا خَوَى نَجْمٌ ظَلَعَ نَجْمٌ فَكَأَنَّكُمْ قَدْ تَكَامَلَتْ مِنَ اللَّهِ فِيكُمْ الصَّنَائِعُ وَأَرْكَامُ مَا كُنْتُمْ تَأْمَلُونَ.

۲. سوره نحل، آیه ۱۶.

۳. سوره انعام، آیه ۹۷.

آخرین مطلب اینکه امام علیه السلام می فرماید:

پیروی از آل محمد علیهم السلام سبب می شود که به تمام آرزوهای خویش برسید و نعمت های خداوند بر شما به کمال خود برسد.

و این دلیل بر نقش مؤثر اهل بیت علیهم السلام در رشد دینی و دنیوی در همه زمان هاست.^۱

خطبه ۱۳۸

دورنمای خطبه

این خطبه به حوادث و اتفاقات آخرالزمان پرداخته است و این که پس از آنکه هوا و هوس همه جا فراگیر شده، کج فهمی و بدفهمی قرآن گسترش یافته و جنگ و خونریزی به راه افتاده است، شخصی (امام زمان علیه السلام) خواهد آمد که اوضاع نابسامان را سامان داده و مردم جهان، روی خوش عدالت و نسیم دلنواز آرامش و رفاه را استشمام خواهند کرد.

دو عامل گمراهی

ریشه ی بسیاری از گرفتاری ها و گمراهی ها در طول تاریخ اسلام، پیروی از خواسته های نفس و عمل نکردن به قانون قرآن بوده است. اینکه همواره عده ای بوده اند که هوا و هوس بر ذهن ها و افکارشان چیره گشته و برای رسیدن به مقاصد دنیوی و اهداف مادی، قرآن را تفسیر به رأی کرده، با خواسته و فکر ناقص خود هماهنگ کنند تا مجوزی برای جنایت ها و خیانت هایشان داشته باشند.

به همین جهت است که هنگام ظهور امام زمان علیه السلام، بسیاری از قوانین دینی و قرآنی ناشناخته یا دستخوش تغییر و بدعت گردیده است و سبک و سیاق دینداری، با آنچه قرآن و پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام فرموده اند، تفاوت بسیار دارد؛ از این رو یکی از نکات به ظاهر شگفت انگیزی که در روایات مربوط به آخرالزمان وارد شده، این است که قائم علیه السلام، دین و آیین جدیدی خواهد آورد! در حالی آن حضرت، همان قوانین ناب و حقیقی اسلام را پیاده کرده و بر سیره و سنت رسول الله صلی الله علیه و آله رفتار خواهد نمود.

۱. پیام امام امیرالمؤمنین علیه السلام، ج ۴، ص ۳۷۳-۳۶۹.

به عنوان مثال عبدالله بن عطا می گوید:

خدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کردم: سیره و رفتار مهدی علیه السلام چیست؟ فرمود: همان کاری را که رسول خدا صلی الله علیه و آله انجام داد، مهدی علیه السلام هم انجام می دهد. بدعت های موجود را خراب می کند. چنانکه رسول خدا صلی الله علیه و آله اساس جاهلیت را منهدم نمود، آنگاه اسلام را از نو بنا می کند.^۱

و فرمود:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ دَعَا النَّاسَ إِلَى الْإِسْلَامِ جَدِيداً وَ هَدَاهُمْ إِلَى أَمْرِ قَدْ دَسَرَوْهُ ضَلَّ عَنْهُ الْجُمْهُورُ إِنَّمَا سُمِّيَ الْقَائِمُ مَهْدِيّاً لِأَنَّهُ يُهْدَى إِلَى أَمْرِ مَضْلُوعٍ عَنْهُ وَ سُمِّيَ الْقَائِمُ لِقِيَامِهِ بِالْحَقِّ؛^۲

وقتی قائم ما قیام کرد مردم را از نوبه سوی اسلام دعوت می نماید و به سوی چیزی که کهنه شده و عموم مردم از آن دور افتاده اند، هدایت می کند. آن جناب، مهدی نامیده شده، چون به چیزی که مردم از آن دور شده اند هدایت می شود و قائم نامیده شده چون برای به پا داشتن حق قیام می کند.

براین بابور، امیرمؤمنان علی علیه السلام در خطبه ۱۳۸ نهج البلاغه این اوضاع نابسامان دوران قبل از ظهور را به تصویر کشیده و می فرماید:

او (حضرت مهدی علیه السلام) آنگاه که هدایت را طبق هواها قرار داده اند، خواسته ها را بر اساس هدایت الهی (عقل و وحی) قرار می دهد و آنگاه که مردم قرآن را تفسیر به رأی کرده اند، او دیدگاه ها را تابع قرآن می سازد.^۳

و کمی بعدتر این انحراف از اسلام و احکام الهی را به صورت واضح تبیین کرده و رهاورد قیام حضرت حجت علیه السلام را اینگونه معرفی می نماید:

وَيُحْيِي مَيِّتَ الْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ.

گوشه ای از حوادث هولناک آخر الزمان

این بخش از خطبه در واقع ادامه ی بخش پیشین است، و اشاره به حوادث سخت آخر الزمان

۱. «سَأَلْتُهُ عَنْ سِيرَةِ الْمَهْدِيِّ كَيْفَ سِيرَتُهُ قَالَ يَصْنَعُ مَا صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله يَهْدِي مِمَّا كَانَ قَبْلَهُ كَمَا هَدَى رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أُمَرَ الْجَاهِلِيَّةِ وَ يَسْتَأْنِفُ الْإِسْلَامَ جَدِيداً» بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۳.

۲. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۰.

۳. يَعْطِفُ الْهَوَى عَلَى الْهَدَى إِذَا عَظُمُوا الْهَدَى عَلَى الْهَوَى وَيَعْطِفُ الرَّأْيَ عَلَى الْقُرْآنِ إِذَا عَظُمُوا الْقُرْآنَ عَلَى الرَّأْيِ.

می‌کند که نخست جنگ‌های خونین و ویرانگر، جوامع بشری را تحت شدیدترین فشارها قرار می‌دهد و ظلم و جور همه جا را پر می‌کند، سپس نماینده عدل الهی ظاهر می‌گردد، به جنگ‌ها و ستیزها پایان می‌بخشد، زمین را پر از عدل و داد می‌کند، وسایل رفاه و آسایش را فراهم می‌سازد. حضرت می‌فرماید:

تا این که جنگ تمام قد روی پای خود می‌ایستد و چون شیری غران دندان‌هایش را نشان می‌دهد و سینه‌هایش پر از شیری است که نوشیدنش (ابتدا) شیرین، ولی نهایت و عاقبتش بسیار تلخ است.^۱

پایان شب سیه

سپس به ظهور حکومت الهی اشاره کرده، می‌فرماید: آگاه باشید! فردا - همان فردایی که حوادثی با خود می‌آورد که شما نمی‌دانید - کسی بر شما حکومت خواهد کرد که از غیر آن طایفه (آتش افروزان جنگ‌های خونین و ظالمانه) است، و او اعمال حکومت‌های ظالم پیشین را بر اعمال بدشان کیفر می‌دهد.^۲

آسایش و رفاه عمومی در دوران ظهور

سپس امیر مؤمنان علیه السلام به اوضاع رضایت بخش و پر خیر و برکتی که بعد از قیام او به وجود می‌آید، اشاره کرده، به یکی از دستاوردهای دوران ظهور که همان تأمین رفاه و آسایش اقتصادی بشر در زمان حکومت آن حضرت است اشاره می‌کند، که این مهم از طریق وفور نعمت و برکت‌های زمینی و آسمانی تأمین می‌شود. آن حضرت می‌فرماید:

در آن زمان، زمین گنج‌های درونش را بیرون می‌ریزد و کلیدهایش را تسلیم وی می‌کند، آن وقت او روش عدالت گستری را به شما نشان می‌دهد، که چگونه است و آنچه را از کتاب و سنت مرده است زنده می‌کند.^۳

بر این باور، از یک سو، در حکومت امام مهدی علیه السلام معادن گرانبهای درون زمین به آسانی

۱. حَتَّى تَقُومَ الْحَرْبُ بِكُمْ عَلَى سَاقٍ بَادِيًا تَوَاجِدُهَا تَمْلُوءُ أَخْلَافُهَا حُلُومًا رِضَاغُهَا غَلَقَمًا عَاقِبَتُهَا.

۲. أَلَا وَفِي غَدٍ وَ سَيَاقِي غَدٍ إِنَّا لَا نَعْرِفُونَ يَأْخُذُ الْوَالِي مِنْ غَيْرِهَا عَمَّا هُنَا عَلَى مَسَاوِي أَعْمَالِهَا.

۳. وَ نُخْرِجُ لَهُ الْأَرْضَ أَقَالِيدَ كِبِدِهَا وَ ثُلُقَى إِلَيْهِ سِلْمًا مَقَالِيدَهَا فَيَرِيكُمْ كَيْفَ عَذُلُ السَّيْرِ وَ يَجِي مَيْتَ الْكِتَابِ وَ الشُّعْثَةِ.

کشف می‌شود و ایشان با برخورداری از آن منابع غنی و این حکومت فراگیر، آیین عدالت را در سراسر زمین گسترش می‌دهد و از سوی دیگر، تعلیمات و ارزش‌های فراموش شده‌ی قرآن و سنت را احیا می‌کند، و به این ترتیب مردم از نظر مادی و معنوی در مسیر رشد قرار می‌گیرند.

به عبارت دیگر، در سایه حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف عقل‌ها کامل می‌شود و ارزش‌های انسانی زنده می‌گردد و انواع مواهب الهی در اختیار انسان‌ها قرار می‌گیرد و عوامل ظلم و ستم برچیده می‌شود. شبیه این تعبیرات در روایات مربوط به قیام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به روشنی دیده می‌شود. امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

و تَظْهَرُ لَهُ الْكُنُوزُ وَيَبْلُغُ سُلْطَانُهُ الْمَشْرِقَ وَالْمَغْرِبَ وَيُظْهِرُ اللَّهُ دِينَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ فَلَا يَبْقَى عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ خَرَابٌ إِلَّا غُمِرَ^۱

گنج‌های درون زمین برای او آشکار می‌شود و حکومت او شرق و غرب جهان را می‌گیرد. و آیین او بر همه‌ی آیین‌ها پیروز می‌شود، هر چند مشرکان ناخوش داشته باشند و در آن زمان هیچ ویرانه‌ای بر صفحه زمین باقی نمی‌ماند مگر این که آباد می‌شود.

اوضاع نابسامان قبل از ظهور

امام علی علیه السلام در این بخش خطبه، اشاره به حاکم خونخوار و سنگدل و پر قدرتی می‌کند که در آینده از «شام» سر بر می‌آورد، و تمام کشورهای اسلامی را به زور شمشیر زیر سیطره‌ی خود قرار می‌دهد و اوصاف نه گانه‌ای را برای او می‌شمرد:

گویا او را می‌بینم که ندا (نعره اش) را از شام بلند کند، پرچم‌هایش را در اطراف کوفه به اهتزاز در آورد، و همانند شتران خشمگین به سوی آن رو می‌آورد، زمین را با سرها فرش می‌کند، دهانش باز، گام‌های سنگین، جولان او وسیع و صولت او عظیم است، به خدا سوگند شما را در اطراف زمین پراکنده سازد تا آنجا که جز تعداد کمی از شما، همچون بقایای سرمه در چشم، باقی نماند.^۲

۱. شرح نهج البلاغه خویی، ج ۸، ص ۳۵۳. پیام امام امیرالمؤمنین علیه السلام، ج ۵، ص ۵۲۲-۵۲۹.

۲. کَأَنِّي بِهِ قَدْ نَعَقَ بِالشَّامِ وَقَحَصَ بِرِيَابِهِ فِي صَوَاحِي كُوفَانَ فَعَطَفَ عَلَيْهَا عَظْفَ الصُّرُوسِ وَفَرَشَ الْأَرْضَ بِالرُّؤُوسِ قَدْ فَعَرِثَ فَاغْرِثُهُ وَتَغَلَّثَ فِي الْأَرْضِ وَظَانَّتُهُ بَعِيدَ الْجَوْلَةِ عَظِيمِ الصَّوْلَةِ وَاللَّهِ لَيَسْرِدَنَّكُمْ فِي أَطْرَافِ الْأَرْضِ حَتَّى لَا يَبْقَى مِنْكُمْ إِلَّا قَلِيلٌ كَالْكُخْلِ فِي الْعَيْنِ.

این تعبیرات نه گانه که معرفی کاملی از آن حاکم خونخوار، پر قدرت و بی رحم را در بردارد، نشان می دهد که او چنان اهل ایمان را درهم می کوبد که جز اندکی از آن ها باقی نمی ماند. نفس ها را در سینه ها حبس می کند، و قیام ها را در نطفه خفه می نماید، و با خون ریزی گسترده از شام تا کوفه و از کوفه تا مناطق دیگر را زیر سیطره ی خود قرار می دهد.

در این که این شخص با این اوصاف چه کسی است و مراد امام علی علیه السلام از این ظالم کیست؟ مفسران نهج البلاغه دیدگاه های مختلفی دارند. برخی معتقدند منظور ایشان، عبدالملک مروان و کارگزار ظالمش حجاج است، در حالی که عده ای دیگر معتقدند مراد حضرت، سفیانی است که با ظلم وسیع و گسترده اش روی همه ی ظالمان را سفید خواهد کرد.^۱

وظیفه مؤمنان و منتظران در دوران غیبت

سپس امام علیه السلام در قسمت پایانی این خطبه می فرماید:

این وضع آشفته و ناگوار، (خونریزی ها و ناامنی ها و تبعیدها و پراکندگی ها) همچنان

ادامه می یابد، تا زمانی که عقل و فکر از دست رفته ی عرب، به او بازگردد.^۲

بشر باید به این باور برسد که وقتی عقل و حجت باطنی انسان زیر خروارها خودخواهی و تن پروری و عافیت طلبی دفن شد، اوضاع عالم آشفته خواهد شد؛ با ظهور عقل و تفکر و تعقل است که انسان قدر و منزلت حجت الهی را خواهد دانست و با پذیرفتن امامتش، امور دین و دنیایش اصلاح می شود و نقش انسان در عزت و سعادت و ذلت و شقاوتش به همین موضوع بر می گردد. (غلبه دادن نفس بر عقل و بالعکس). از این رو حضرت، چهار راهکار و دستور ارائه کردند:

پس دنباله رو برنامه های پایدار و آثار روشن اسلام و آن عهد و پیمانی که استمرار نبوت

بر آن قرار گرفته است (امامت) باشید و بدانید که شیطان راه های خویش را برای شما

آسان جلوه می دهد تا از او پیروی کنید.^۳

در واقع، پیام حضرت به تمامی منتظران و عاشقان بقیه الله الاعظم علیه السلام این است که در شرایط سخت و دشوار نیز می توان جزء بهترین ها بود، به شرطی که ثابت قدم بر مسیر قرآن و عترت باشند و

۱. پیام امام امیرالمؤمنین علیه السلام، ج ۵، ص ۵۳۹-۵۳۴.

۲. فَلَا تَزَالُونَ كَذَلِكَ حَتَّى تُنْصَبَ إِلَى الْعَرْشِ عَوَازِبُ أَهْلِهَا.

۳. فَالْزَمُوا الشَّانَ الْقَائِمَةَ وَالْأَمَارَ الْبَيِّنَةَ وَالْعَهْدَ الْقَرِيبَ الَّذِي عَلَيْهِ بَاقِي النَّبُوءَةِ. وَاعْلَمُوا أَنَّ الشَّيْطَانَ إِنَّمَا يَسْتَنِي لَكُمْ طَرَفَهُ لِيَتَّبِعُوا عَقِبَهُ.

هشدار حضرت درباره‌ی ترفندهای شیطان را جدی تلقی کنند و بدانند که او با مسلح شدن به انواع سلاح‌ها و با تجربه‌ای چند هزار ساله، متناسب با هر جنس (مرد و زن) و شغل و رده سنی، برای به دام انداختن آن‌ها، روش و شگرد خاص خود را دارد و این شیعه‌ی منتظر است که باید با کیاست و هوش معنوی خود، با نصب‌العین قرار دادن این آیه، خود را از دام‌های وسوسه‌انگیز شیطان‌های دنیای حقیقی و مجازی، برهاند:

﴿وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ﴾^۱

خطبه ۱۵۰

دورنمای خطبه

این خطبه در مجموع پیش‌گویی از حوادث آینده می‌کند و قرائن و تعبیرات موجود در خطبه، به خوبی نشان می‌دهد که سخنان امام علیه السلام در این خطبه اشاره به حوادث پیش از قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و بشارت به قیام مبارک اوست.

این خطبه از سه بخش تشکیل شده است، ولی از آنجا که تنها بخش نخست آن مربوط به بحث این نوشتار است، به توضیح مختصر آن بسنده می‌کنیم.

در بخش اول خطبه، آن حضرت از گروهی سخن می‌گوید که راه راست را رها کرده و به انحراف کشیده شده‌اند، سپس درباره‌ی رهبری از اهل بیت علیهم السلام سخن می‌گوید که با چراغی روشن در فتنه‌ها وارد می‌شود و هدایت مردم را بر عهده می‌گیرد، رهبری که گره‌ها را می‌گشاید و ملت‌ها را آزاد می‌سازد، کسی که مدت‌ها از دیده‌ی مردم پنهان خواهد گشت و کسی به او دست نمی‌یابد.

ره گم‌کردگان و کوردلان

امیر مؤمنان علیه السلام در آغاز این خطبه از کسانی سخن به میان می‌آورد که از ایمان راستین و تحفه‌ی یقین محروم بوده و به همین جهت از مسیر هدایت منحرف می‌گردند. حضرت در وصف اینان می‌فرماید:

همچنان به چپ و راست متمایل می‌شوند و در ضلالت و گمراهی گام می‌نهند و

۱. سوره بقره، آیه ۱۶۸.

جاده‌های مستقیم هدایت را رها می‌سازند.^۱

این فرمایش حضرت، هماهنگ با روایتی دیگر از مولای متقیان است که فرمودند:

الْيَمِينَ وَالشِّمَالَ مَضَلَّةٌ، وَالطَّرِيقَ الْوُسْطَى هِيَ الْجَادَّةُ.^۲

اما این که چرا عده‌ای اصرار دارند راه نادرست را انتخاب کنند یا دچار افراط و تفریط می‌شوند؛ دلایل گوناگونی دارد، از جمله: حق، سنگین و تلخ است؛^۳ دنیا و شهوات شیرین است؛^۴ بندگی خداوند و کسب بهشت با ناملایمات همراه است؛^۵ وجود رذائلی همانند غرور، حسادت، تعصبات جاهلی و... با کنار هم قرار دادن این قطعه‌های پازل دنیاخواهی و لذت طلبی، چرایی این انحراف و سقوط هم روشن می‌گردد.

غفلت از یار، گرفتار شدن هم دارد از شما دور شدن، زار شدن هم دارد
هر که از چشم بیفتاد، محلش ندهند عبد آلوده شده خوار شدن هم دارد

استعجال و استبطاء؛ دو آسیب باور مهدویت (شتابزدگی و دور انگاری ظهور)

همیشه یک باور ناب و حقیقی را برخی آسیب‌ها و آفت‌ها تهدید می‌کند که اگر به درستی شناخته و برطرف نگردند، چه بسا در درازمدت، اصل آن باور را مخدوش کند.
باور زیبای مهدویت را نیز برخی آسیب‌ها تهدید می‌کند، از جمله:

۱. توقع اصلاح امور، بدون زحمت در حالی که بار اقامه‌ی قسط بردوش مردم است؛ «لَيَقُومَنَّ النَّاسُ بِالْقِسْطِ».^۶ بدین معنا که اگر منتظران ظهور، آمادگی لازم را نداشته باشند و ظهور اتفاق بیفتد، معلوم نیست بتوانند با امام زمان عجل الله تعالی فرجه و همراه ایشان بمانند.^۷

۱. وَ أَخَذُوا بِمِثْنٍ وَ شِمَالًا ظَنَنَّا فِي مَسَالِكِ الْغَىٰ وَ شَرَكَا لِمَتَذَاهِبِ الرُّشْدِ.

۲. خطبه ۱۶ نهج البلاغه.

۳. «قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ لَمَّا حَضَرَتْ أَبِي عَلِيٍّ نَيْنَ الْحُسَيْنِ الْوَفَاءَ ضَمَنِي إِلَى صَدْرِي وَقَالَ يَا بَنِي أَوْصِيكَ بِمَا أَوْصَانِي بِهِ أَبِي حِينَ حَضَرَتْهُ الْوَفَاءُ وَبِمَا ذَكَرَ أَنَّ أَبَاهُ أَوْصَاهُ بِهِ يَا بَنِي اضْبِرْ عَلَى الْحَقِّ وَ إِنْ كَانَ مُرًّا»؛ کافی، ج ۲، ص ۹۱، باب الصبر.

۴. «أَمَّا بَعْدُ فَإِنِّي أَخَذْتُكُمْ الدُّنْيَا فَإِنَّهَا خُلِقَتْ خَضِرَةً حُفَّتْ بِالشَّهَوَاتِ وَ تَحَبَّبَتْ بِالْعَاجِلَةِ»؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۱.

۵. «فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ كَانَ يَقُولُ إِنَّ الْجَنَّةَ حُفَّتْ بِالْمُكَارِهِ وَ إِنَّ النَّارَ حُفَّتْ بِالشَّهَوَاتِ وَ اعْلَمُوا أَنَّهُ مَا مِنْ طَاعَةِ اللَّهِ شَيْءٍ إِلَّا يَأْتِي فِي كُتْرِهِ وَ مَا مِنْ مَغْصِيَةِ اللَّهِ شَيْءٍ إِلَّا يَأْتِي فِي شَهْوَةٍ»؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶.

۶. سوره حدید، آیه ۲۵.

۷. امام صادق ع: إِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ خَرَجَ مِنْ هَذَا الْأَمْرِ مَنْ كَانَ يَرَى أَنَّهُ مِنْ أَهْلِهِ. الغيبة نعمانی، ص ۳۱۷.

۲. نا امید شدن و ظهور را در نقطه‌ای دور دست دیدن و محروم شدن از فیض عظیم

زمینه سازی. «إِنَّهُمْ يَرُؤْنَهُ بَعِيداً وَ تَرَاهُ قَرِيباً»^۱ و «إِنَّ مَوْعِدَهُمُ الصُّبْحُ أَلَيْسَ الصُّبْحُ بِقَرِيبٍ»^۲.

بر این باور، امیر مؤمنان علیه السلام در این خطبه، چنین فرمودند:

درباره‌ی آنچه باید باشد و مهیا است عجله مکنید و آنچه را فردا می‌آید، دور مشمرید، چه این که بسیارند افرادی که برای چیزی عجله می‌کنند که اگر به دست آورند (پشیمان شده) و دوست دارند هرگز به آن نرسیده بودند؛ و چه امروز به فردا نزدیک است.^۳

اشاره به این که، برای پیروزی‌هایی که بعد از فتنه‌ها وعده داده شده (به خصوص ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه العزیز) که در عصر خود پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم وعده‌های صریح درباره‌ی اقامه‌ی عدل و داد در سراسر جهان به وسیله او داده شده است) عجله مکنید، چرا که هر چیز، زمانی دارد و شرایط آن حاصل نشود، همچون میوه خامی است که آن را از درخت بچینند که موجب پشیمانی و ندامت خواهد شد.

آن گاه، مردم را مخاطب قرار داده می‌فرماید:

ای جماعت! اکنون، هنگام فرارسیدن تمام آنچه (به شما) وعده داده شده است، می‌باشد (از ظهور فتنه‌ها و آشوب‌ها و سلطه‌ی ظالمان و تحت فشار قرار گرفتن مظلومان) و نیز هنگام نزدیک شدن طلوع چیزی است که از آن آگاهی ندارید (از حکومت عدل و داد و برچیده شدن ظلم و فساد).^۴

سپس با بیان روشن‌تری از این ظهور بزرگ، سخن می‌گوید و می‌فرماید:

آگاه باشید! آن کس از ما (اهل بیت پیامبر علیهم السلام) که آن فتنه‌ها را دریابد با چراغ روشنی بخش، در آن گام می‌نهد و به سیره و روش صالحان (پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیهم السلام) رفتار می‌کند.^۵

۱. سوره معارج، آیات ۶ و ۷.

۲. سوره هود، آیه ۸۱.

۳. «فَلَا تَسْتَعْجِلُوا مَا هُوَ كَائِنٌ مُرْصَدٌ وَلَا تَسْتَبِطُوا مَا يَجِيءُ بِهِ الْغَدُ فَكَمْ مِنْ مُسْتَعْجِلٍ مِمَّا إِنْ أَذْرَكَهُ وَذَأْنُهُ لَمْ يَذْرِكُهُ وَمَا أَقْرَبَ الْيَوْمَ مِنْ تَبَاشِيرٍ غَدٍ».

۴. «يَا قَوْمِ هَذَا إِنَّا نَزَّوْدُ كُلِّ مَوْعِدٍ وَ [دُنُو] دُنُو مِنْ طَلْعَةٍ مَا لَا تَعْرِفُونَ».

۵. «أَلَا وَإِنْ مِنْ أَذْرَكْهَا مِمَّا يَسْرِي فِيهَا بِسِرَاجٍ مُنِيرٍ وَ يَخْذُ فِيهَا عَلَى مِثَالِ الصَّالِحِينَ».

و در ادامه ی این سخن برنامه های آن مصلح بزرگ را در چند جمله کوتاه و پرمعنی بیان می کند؛
می گوید:

او می آید تا در آن میان گره ها را بگشاید، بردگان (ملت ها و افراد اسیر) را آزاد سازد،
گمراهان و ستمگران متحد را پراکنده کند و حق جویان متفرق را گرد هم آورد، او
(مدتی) در پنهانی از مردم به سر می برد آن گونه که پی جویان اثر قدمش را نبینند، هر
چند برای یافتن او بسیار جستجو کنند.^۱

این تعبیرات کاملاً بر مسأله ی ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریک تطبیق می کند؛ زیرا او زنجیرهای اسارت را پاره
می کند و مظلومان در بند را آزاد می سازد، شوکت ظالمان را درهم می شکند و جمع آن ها را پراکنده
می سازد، سال ها در خفا زندگی می کند بی آن که تیزبین ترین جستجوگران بتوانند جای او را پیدا
کنند.^۲

منتظران راستین

مولای عارفان، امیر مؤمنان علیه السلام در پایان این بخش به اصحاب و یاران آن حضرت و اوصاف آن ها
اشاره کرده، چنین می فرماید:

سپس گروهی برای درهم کوبیدن فتنه ها مهیا می گردند همچون مهیا شدن شمشیر به
دست آهنگر. چشم اینان با قرآن روشنی می گیرد، و معانی آیاتش به گوش آنان افکنده
می شود و شامگاهان و صبحگاهان از جام حکمت و معارف الهی سیراب می گردند.^۳
گویا آن حضرت از ورای مکان و زمان، به مشتاقان و منتظران ظهور منجی آخر الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریک چنین
پیام می دهند که فتنه های آخر الزمان، همانند کوره های آتش و مؤمنان راستین، همانند معادن
طلایند که باید در این کوره ها خالص شوند و تهدیدها را تبدیل به فرصت کنند؛ چرا که هر چه شرایط
برای خوب بودن سخت تر باشد، خوب بودن ارزشمندتر است.

۱. لِيُخْلَ فِيهَا رِبْقًا وَيُعْتَقَ فِيهَا رِقًا وَيُضَدَّ شَعْبًا وَيُشَعَّبَ صَدْعًا فِي سُتْرَةٍ عَنِ النَّاسِ لَا يَبْصُرُ الْقَائِفُ أَثَرَهُ وَلَوْ تَابَعَ نَظْرَهُ.

۲. پیام امام امیرالمؤمنین علیه السلام، ج ۵، ص ۷۲۸-۷۱۹.

۳. ثُمَّ لِيُشْحَذَنَّ فِيهَا قُلُومٌ شَحَذَ الْقَدَمُ النَّصْلَ مُجَلًى بِالتَّنْزِيلِ أَبْصَارُهُمْ وَيَرْمَى بِالتَّفْسِيرِ مَسَامِعَهُمْ وَيُغْتَبُونَ كَأْسَ الْحِكْمَةِ بَغْدَ الصُّبُوحِ.

خطبه ۱۸۲

دورنمای خطبه

این خطبه که آخرین خطبه‌ی امام علی علیه السلام چند روز قبل از شهادت است، به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و دوران غیبت و قیام ایشان اشاره دارد. در این خطبه آن حضرت از حکمت به عنوان سلاح و ابزار دوران حکومت نام برده بر این حقیقت تأکید می‌کنند که آن مرد الهی، برنامه کارش بر اساس حکمت قرار گرفته و قبل از ایجاد هر تحوّل، تحوّل علمی و فرهنگی برقرار می‌کند.

حکمت؛ ابزار قیام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

اگرچه یکی از تصورات نادرست عموم مردم درباره‌ی دوران ظهور، قتل و کشتار گسترده است و مخالفان و ناآگاهان، از امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و یارانش چهره‌ای خشن ارائه می‌دهند، ولی واقعیت چیز دیگری است.

از فرازهای این خطبه امیرمؤمنان علیه السلام به خوبی استفاده می‌شود که بر خلاف این تصوّر، تکیه‌گاه اصلی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بر انقلاب فکری، علمی و فرهنگی است؛ نه قیامی نظامی و مملوّ از خونریزی. آن حضرت چنان سطح افکار مردم را بالا می‌برد که با پای خود به سوی یک حکومت سراسر عدل و داد پیش می‌روند.^۱

بی‌شک در آغاز راه، دشمنان منحرف و گردنکشان زورگو و ظالمی در این طریق سدّ راهند که به طور طبیعی امام با آن‌ها مقابله کرده و با استفاده از قدرت نظامی، آنان را کنار می‌زند.

بر این باور، آن حضرت حکیمی است توانا که علم و دانش و حکمت و تدبیر بر همه‌ی وجود او حاکم است و با استفاده از اصل حکمت، به تدبیر امور پرداخته و اوضاع را سامان خواهند داد.

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

زره «حکمت» را برتن پوشانده، و با تمامی آداب، با توجه و معرفت و آمادگی، آن را فرا گرفته، حکمت گمشده اوست که همواره در جستجوی آن است، و نیاز او است که

۱. به همین جهت است که در روایت امام باقر علیه السلام چنین آمده است: «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بَيْنَ عُقُولِهِمْ وَكَمَلَتْ بَيْنَهُمْ أَخْلَاقُهُمْ؛ هنگامی که قیام کننده ما به پا خیزد دست خود را بر سر بندگان بگذارد (آن‌ها را تحت تربیت خود قرار دهد) و به این وسیله عقل‌های آن‌ها را متمرکز سازد و افکار آن‌ها را کامل کند». بحار الانوار، ج ۲، ص ۳۲۸، ح ۴۷.

پیوسته در طلب آن است.^۱

منتظران حضرت نیز باید در زندگی خود به اصل حکمت مشتاق و پایبند باشند؛ چراکه: [خدا] به هر کس که بخواهد حکمت می‌بخشد، و به هر کس حکمت داده شود، به یقین، خیری فراوان داده شده است و جز خردمندان، کسی پند نمی‌گیرد.^۲

امام صادق علیه السلام در مورد مراد از حکمت در این آیه می‌فرماید:

طاعة الله و معرفة الامام.

بقية الله

حضرت امیر علیه السلام، در ادامه‌ی سخن از بقية الله و آن یادگار نبوت و امامت، به وضعیت اسفناک دوران غیبت و ضعف اسلام و مسلمین به دلیل نبود امام و راهبر معصوم اشاره می‌کنند و می‌فرمایند: او به هنگامی که اسلام غروب کند همچون شتری گردد که از راه رفتن بازمانده، بر زمین قرار گرفته و سینه به آن چسبانده است، پنهان خواهد شد (تا زمانی که فرمان الهی برای قیامش فرا رسد).

سپس می‌فرماید:

بَقِيَّةٌ مِنْ بَقَايَا حُجَّتِهِ خَلِيفَةٌ مِنْ خَلَائِفِ أَنْبِيَائِهِ؛^۳

او باقی مانده‌ای است از حجت‌های خدا و خلیفه و جانشینی است از جانشینان پیامبران.

هنگامی که شتر از راه رفتن باز می‌ماند، بر زمین چنان پهن می‌شود که انتهای دم او به زمین می‌چسبد و حتی پایین کردن خود را نیز بر آن می‌نهد و این نشانه‌ی نهایت خستگی است و عرب از آن به عنوان کنایه برای نهایت ضعف و ناتوانی استفاده می‌کند.

این سخن اشاره‌ی آشکار دیگری به یکی از اوصاف آن مرد الهی است که در دوران غیبت او، اسلام و مسلمین در نهایت ضعف قرار می‌گیرند و دشمنان از هر سو برای محو اسلام و شکست مسلمین قیام

۱. قَدْ لَبَسَ لِلْحِكْمَةِ جُنَّتَهَا وَ أَخَذَهَا بِجَمِيعِ أَدْبَانِهَا مِنَ الْإِقْبَالِ عَلَيْهَا وَ التَّعْرِيفِ بِهَا وَ التَّفَرُّغِ لَهَا فَهِيَ عِنْدَ نَفْسِهِ ضَالَّةٌ الَّتِي يَطْلُبُهَا وَ حَاجَتُهُ الَّتِي يَسْأَلُ عَنْهَا.

۲. «يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَ مَنْ يُوْتِ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَ مَا يَذَكِّرُ إِلَّا الْأُولَوُا الْأَلْبَابِ»؛ سوره بقره، آیه ۲۶۹.

۳. فَهُوَ مُعْتَرِبٌ إِذَا اغْتَرَبَ الْإِسْلَامُ وَ ضَرَبَ بِعَصِيْبِ دَنْبِهِ وَ أَلْصَقَ الْأَرْضَ بِجِرَائِهِ بَقِيَّةٌ مِنْ بَقَايَا حُجَّتِهِ خَلِيفَةٌ مِنْ خَلَائِفِ أَنْبِيَائِهِ.

می‌کنند.^۱

بدیهی است که وقتی اسلام و قرآن مهجور شد، امام نیز مهجور خواهد شد، همان‌گونه که پیش از این ذیل خطبه‌ی ۱۵۰ گفته شد، شرط اقدام امام، یاری و همراهی مردم است:

«لَيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»^۲

درد بی‌کسی

در فرازهای پایانی این خطبه، آن حضرت از نداشتن یاران باوفا و شیعیان واقعی اظهار ناراحتی کرده و می‌فرماید:

راستی برادران ما که خونشان در صفین ریخت اگر امروز زنده نیستند چه زیان دیده‌اند، خوشا به حالشان که نیستند تا (این روزها را ببینند و غصه بخورند) از این لقمه‌های گلوگیر بخورند و از این آب‌های ناگوار بنوشند به خدا سوگند آن‌ها خدا را ملاقات کردند و پاداششان را داد و آن‌ها را بعد از «خوف» در سرای «امن» خویش جایگزین ساخت.

کجا هستند برادران من همان‌ها که سواره به راه می‌افتادند و در راه حق قدم بر می‌داشتند؟ کجاست «عمار»؟ کجاست «ابن تیهان» و کجاست «ذو الشهادتین» و کجایند مانند آنان از برادرانشان که پیمان بر جانبازی بستند، و سرهای آن‌ها برای ستمگران فرستاده شد؟^۳

آن گاه دست به محاسن شریف زد، مدتی بس طولانی گریست، پس از آن فرمود:

آه بر برادرانم! همان‌ها که قرآن را تلاوت می‌کردند و به کار می‌بستند، در فرائض دقت می‌کردند و آن را به پا می‌داشتند، سنت‌ها را زنده و بدعت‌ها را میراندند. دعوت به جهاد را می‌پذیرفتند. و به رهبر خود اطمینان داشتند و صمیمانه از او پیروی می‌کردند.^۴

۱. پیام امام امیرالمؤمنین (ع)، ج ۷، ص ۷۲-۶۷.

۲. سوره حدید، آیه ۲۵.

۳. مَا صَرَّ إِخْوَانَنَا الَّذِينَ شَفَعْتَ دِمَاؤُهُمْ وَهُمْ بِصَفِينٍ إِلَّا يَكُونُوا الْيَوْمَ أَحْيَاءَ يَسْعَوْنَ الْغُصَصَ وَيَشْرَبُونَ الرَّثْقَ قَدْ وَاللَّهِ لَقُوا اللَّهَ فَوَقَّاهُمْ أَجُوزَهُمْ وَأَحْلَهُمْ دَارَ الْأَمْنِ بَعْدَ خَوْفِهِمْ أَيْنَ إِخْوَانِي الَّذِينَ رَكِبُوا الْقَلْبَاقَ وَمَضَوْا عَلَى الْحَقِّ أَيْنَ عَمَارُ أَيْنَ ابْنُ التَّيْهَانِ وَأَيْنَ ذُو الشَّهَادَتَيْنِ وَأَيْنَ نَظَرَاؤُهُمْ مِنْ إِخْوَانِهِمُ الَّذِينَ تَعَاقَدُوا عَلَى الْمُنِيَّةِ وَأُبْرِدَ بِرُءُوسِهِمْ إِلَى الْفَجْرِ.

۴. قَالَ ثُمَّ صَرَبَ بِبِدْوِهِ [إِلَى] عَلَى لِحْيَتِهِ الشَّرِيفَةِ الْكَرِيمَةِ فَأَطَالَ الْبُكَاءَ ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ. (أَوَيْدُ) أَوَيْدُ عَلَى إِخْوَانِي الَّذِينَ تَلَّوْا الْقُرْآنَ فَأَحْكَمُوهُ وَتَدَبَّرُوا الْقُرْآنَ فَأَقَامُوهُ أَحْيَاءَ السُّنَّةِ وَأَمَاتُوا الْبِدْعَةَ دُعُوا لِلْجِهَادِ فَأَجَابُوا وَتَقَبَّلُوا بِالْقَائِدِ فَاتَّبَعُوا.

این فرازهای تلخ، برای شیعیان و محبان آخرین حجت الهی عجل الله تعالی فرجه الشریف پیامی هشداردهنده دارد؛ اینکه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف یاورانی می‌خواهد از جنس عمارها با ویژگی‌هایی همانند: فهم قرآن و عمل به آن، وظیفه‌شناسی (حکمت) و اقدام به موقع، زمان شناس بودن و احیای سنت‌ها و مبارزه با بدعت‌ها و خرافات و مدعیان، باور و اعتماد به امام و رهبر خود و اطاعت محض و گوش به فرمان بودن؛ زیرا اگر زمامدار جامعه شخصیتی چون امیر المؤمنین علیه السلام هم باشد، ولی شیعیان و منتظران کوتاهی و کاهلی کنند، امور سامان نمی‌یابد و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف همچنان در غربت و مظلومیت خواهد ماند.

حکمت ۱۴۷

دورنمای حکمت

در این حکمت، حضرت علی علیه السلام یکی از باورهای قطعی شیعیان که همان ضرورت وجود امام در تمام زمان‌هاست را مورد تأیید و تأکید قرار دادند و اینکه این امام می‌تواند ظاهراً یا غائب و مستور باشد.

امام مستور

برخی از آثار و برکات امام علیه السلام، منوط به حضور او در جامعه است؛ مثل اقامه‌ی عدل، تفسیر و تبیین دین و...، اما امام به عنوان خلیفه‌الله و واسطه‌ی فیض الهی، مسئولیت‌هایی بر عهده دارد که مترتب بر وجود مقدس اوست و غیبت و پنهان‌زیستی، مانع ظهور و بروز آن آثار نیست (همانند خورشید پنهان)؛ مثل وساطت در فیض، هدایت باطنی، حفظ علوم و اسرار الهی و...
امیر مؤمنان علیه السلام در این حکمت، با اشاره به ضرورت وجود امامی از طرف خداوند در هر زمان، می‌فرماید:

آری، هرگز روی زمین خالی نمی‌شود از کسی که به پای دارنده‌ی حجت الهی (علوم و اسرار الهی) باشد، خواه ظاهر و آشکار باشد یا خائف و پنهان، تا دلائل الهی و نشانه‌های روشن او باطل نگردد.^۱

۱. اللَّهُمَّ بَلَى لَا تَخْلُو الْأَرْضَ مِنْ قَائِمٍ لَكَ بِحُجَّتِهِ إِمَّا ظَاهِراً مَشْهُوراً وَإِمَّا خَائِفاً مَغْفُوراً لِنَلَّا نَبْظُلَ كُلِّجِ اللَّهُ وَبَيِّنَاتُهُ.

این باور، همان چیزی است که شیعیان به آن ایمان دارند که زمین هرگز خالی از حجت نمی شود؛ خواه آشکار باشد یا پنهان.

ابن ابی الحدید همانند بسیاری از شارحان «نهج البلاغه» با توجه به جملات و قرائن مندرجه در این فراز از کلام امام - که جز بر پیامبر ﷺ و امام معصوم ﷺ بعد از او، بر هیچ مقام و شخصیتی منطبق نمی شود - نتوانسته است دلالت و صراحت این قسمت از سخنان آن حضرت بر عقیده شیعه در مورد امامت و خلافت علنی یازده امام معصوم ﷺ و امامت و خلافت توأم با غیبت امام دوازدهم حضرت مهدی ﷺ را انکار نماید و نوشته است: این جمله اعتراف صریح امام نسبت به مذهب امامیه است.^۱

برکات وجودی امام غائب

سپس امام علی ﷺ به نکته ی مهمی درباره ی فواید وجود حجت های الهی اعم از غائب و ظاهر پرداخته، می فرماید:

وجود آن ها به این سبب است که دلائل الهی و نشانه های روشن او هرگز باطل نگردد و از دست نرود: «لِئَلَّا تَبْطُلَ حُجَجُ اللَّهِ وَبَيِّنَاتُهُ».

این سخن در واقع یکی از پاسخ ها برای سؤال معروفی است که درباره ی فلسفه ی وجود امام غائب می شود و آن این که امام غائب افزون بر این که وجودش سبب آرامش زمین و برکات الهی و تربیت و پرورش دل های آماده است، از طریق ولایت تکوینی همچون پرورش گل ها و میوه ها به وسیله ی آفتاب پشت ابر، فایده ی دیگری نیز دارد و آن این است که معارف اسلامی و حجج و بینات الهی و احکام شریعت را دست نخورده نگه می دارد تا با گذشت زمان گرد و غبار نسیان و بطلان بر آن ها ننشینند و آیین حق تحریف نگردد تا زمانی که ظاهر شود و همه را از این آب زلال حیات بخش سیراب کند.

حضرت در ادامه ی این سخن به بیان عدد و صفات آن ها می پردازد و بار دیگر بر برکات وجودی آنان تأکید کرده و می فرماید:

آن ها چند نفرند و کجا هستند؟ به خدا سوگند تعدادشان اندک و قدر و مقامشان نزد خدا بسیار والا است. خداوند به واسطه ی آن ها حجت ها و دلایلش را حفظ می کند تا

به افرادی نظیر خود بسپارند و بذر آن را در قلوب افرادی شبیه خود بیفشانند.^۱

صفات برگزیدگان الهی

آن گاه امیر مؤمنان علیه السلام به ذکر اوصاف این اقلیت عظیم الشان و این بندگان والای پروردگار پرداخته و شش صفت برایشان ذکر می کند:

علم و دانش با حقیقت و بصیرت به آن ها روی آورده، و روح یقین را لمس کرده اند و آنچه دنیا پرستان هوس باز مشکل می شمردند، بر آن ها آسان است. آن ها به آنچه جاهلان از آن وحشت دارند انس گرفته اند؛ در دنیا با بدن هایی زندگی می کنند که ارواحشان به جهان بالا پیوند دارد؛ آن ها خلفای الهی در زمینند و دعوت کنندگان به دین خدا. آه آه چقدر اشتیاق دیدار آن ها را دارم.^۲

حکمت ۲۰۹

دورنمای حکمت

در این حکمت، امیر مؤمنان علیه السلام به دوران ظهور و بازگشت حق به اهل آن اشاره می کنند و خبر مسرت بخشی از آینده ی اهل بیت علیهم السلام و پیروان مکتب آن ها می دهد.

دوران تحقق آرزوها

دوران ظهور از زیباترین و پرجاذبه ترین بشارت هایی است که آرزوهای منتظران را جامه عمل می پوشاند و چشم به راه ماندگان تاریخ را به وصال یار می رساند. عصر ظهور، روزگار تحقق رؤیاهای شیرین و آرزوهای بر دل مانده ی بشر است؛ روزگار یکرنگی و همدلی، همراهی و برادری. دنیایی پر از آسایش و آرامش واقعی. روزگار روی خوش دنیا به خوبان و برگزیدگان. روزگار وصل و پایان هجران. روزگار به ثمر نشستن شکوفه های انتظار و امید، با حضور آخرین حجت خدا، بقیه الله الاعظم، منجی موعود، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف.

۱. وَ كَمْ ذَا وَ أَيْنَ أَوْلِيكَ أَوْلِيكَ وَ اللَّهُ الْأَقْلُونَ عَدَدًا وَ الْأَعْظَمُونَ عِنْدَ اللَّهِ قَدْرًا. يُحْفَظُ اللَّهُ بِهِمْ حُجَّتَهُ وَ بَيِّنَاتِهِ حَتَّى يَدْعُوَهَا نَظْرَاءَهُمْ وَ يَزْعُوَهَا فِي قُلُوبِ أَشْبَاهِهِمْ.

۲. هَجَمَ بِهِمُ الْعِلْمُ عَلَى حَقِيقَةِ الْبَصِيرَةِ وَ بَاشَرُوا رُوحَ الْيَقِينِ وَ اسْتَلَاقُوا مَا اسْتَوْعَرَهُ الْمُشْرَفُونَ وَ أَنْسَوُا بِمَا اسْتَوْحَشَ مِنْهُ الْجَاهِلُونَ وَ صَحِبُوا الدُّنْيَا بِأَبْدَانِ أَرْوَاحَهَا مُعَلَّقَةٌ بِالْأَعْلَى أَوْلِيكَ خُلَفَاءُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ الدُّعَاءُ إِلَى دِينِهِ آدَاوُ شَوْفًا إِلَى رُؤْيَيْهِمْ.

امام علی علیه السلام با اشاره به این دوران، چنین فرمودند:

دنیا پس از چموشی - همچون شتری که از دادن شیر به دوشنده‌اش خودداری می‌کند و برای بچه‌اش نگه می‌دارد - به ما روی می‌آورد.
سپس آن حضرت به دنبال این سخن، این آیه را تلاوت کرد:
«وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»^۱
می‌خواهیم بر مستضعفین زمین منت گذاریم و آن‌ها را پیشوایان زمین و وارثان آن قرار دهیم.

یاران خورشید

بزرگ‌ترین پیچ تاریخی منفی، اعراض از غدیر و اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله بود و بزرگ‌ترین پیچ و تحول مثبت تاریخ بشر، روی آوردن به همان راهی‌ست که خالق عالم پیش روی انسان قرار داده است و با تحمل مشقات و خسارت‌های جبران ناپذیر، راستی و درستی آن را فهمیده و با علاقه، در انتظار لبیک گفتن به ندای موعود امت‌ها حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریع است.
استشهاد به آیه‌ی ۵ سوره قصص، بیانگر این حقیقت است که اراده‌ی الهی بر نجات مظلومان عالم قرار گرفته و با نابودی مستکبران، صلح و صفا تمام جهان را دربر می‌گیرد.
پرچم این تحول بزرگ و توجه دادن مردم دنیا به حقیقت غدیر، بردوش ملت ایران قرار گرفته است و شواهد و قرائن متعددی شروع این تحول را تأیید می‌کند.
منتظران به هوش! سپیده دمیده! خواب نمانید تا هنگام طلوع، از یاران خورشید باشید.

حکمت ۲۶۰/۱

دورنمای حکمت

مولای متقیان علیه السلام در این حکمت، دوران قیام و همراهی یاران ایشان را به تصویر کشیده است که به اعتقاد شیعیان و منتظران، ۳۱۳ نفر از خوبان و برگزیدگان هستند.

۱. لَنُعْطِقَنَّ الدُّنْيَا عَلَيْنَا بَعْدَ شَمْسِهَا عَظَفَ الصُّرُوسِ عَلَى وَلَدِهَا وَتَلَا عَقِيبَ ذَلِكَ.

هنگامه‌ی قیام

بی تردید، عالم منتظر نجات بخشی دادگر است و با ظهورش همه‌ی مردم دنیا او را آبی بر عطششان و مرهمی بر زخم‌هایشان و درمانی بر دردهای بی‌درمانشان می‌یابند و شتابان به سمت او می‌روند.

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

هنگامی که وضع بدین منوال شد، پیشوای دین قیام می‌کند. در این موقع همانند ابرهای پاییزی به سرعت اطرافش جمع می‌شوند.^۱

گفته شده که سید رضی، صدر این کلام را ذکر نکرده در حالی که بدون آن، مفهوم کلام امام علیه السلام کاملاً روشن نمی‌شود، ولی علامه مجلسی از کتاب غیبت شیخ طوسی این حدیث را به طور کامل با ذکر سند از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند و می‌گوید:

امیرمؤمنان علیه السلام چنین فرمود:

«لَا يَزَالُ النَّاسُ يَنْقُصُونَ حَتَّى لَا يَقَالَ اللَّهُ فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ ضَرَبَ يَغُثُوبُ الدِّينِ بِذَنْبِهِ فَيَنْبَعَثُ اللَّهُ قَوْمًا مِنْ أَطْرَافِهَا وَيَجِئُونَ قَزَعًا كَقَزَعِ الْحَرِيفِ وَاللَّهُ إِلَيَّ لَا عَرِفُهُمْ وَأَعْرِفُ أَسْمَاءَهُمْ وَقَبَائِلَهُمْ وَأَسْمَ أُمِيرِهِمْ...»

مردم پیوسته (از نظر عقاید مذهبی) رو به نقصان می‌روند تا زمانی که حتی نام «الله» به فراموشی سپرده می‌شود. در این هنگام پیشوای دین در جایگاه خود مستقر می‌شود و خداوند گروهی را از اطراف بلاد برمی‌انگیزد و مانند پاره‌های ابرپاییز به سرعت به سراغ او می‌آیند. به خدا سوگند من آن‌ها را می‌شناسم و حتی نام آن‌ها و قبیله‌های آن‌ها و نام امیر و فرمانده‌شان را نیز می‌دانم.^۲

بر این باور، این حکمت حضرت علی علیه السلام، به قیام حضرت و ۳۱۳ نفر از یاران ایشان اشاره دارد که هنگام ظهور حضرت مهدی علیه السلام که پیروان و حامیان آن مرد الهی سیصد و سیزده نفر مطابق عده رزمندگان اسلام در غزوه بدرند، همگی گرد او جمع می‌شوند و آیه‌ی شریفه‌ی:

«أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»^۳

۱. فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ ضَرَبَ يَغُثُوبُ الدِّينِ بِذَنْبِهِ فَيَجْتَمِعُونَ إِلَيْهِ كَمَا يَجْتَمِعُ قَزَعُ الْحَرِيفِ.

۲. الغيبة، ج ۱، ص ۴۷۷.

۳. سوره بقره، آیه ۱۴۸.

هرجا باشید، خدا همه شما را حاضر می‌کند؛ زیرا او، بر هر کاری تواناست.

نیز اشاره به همین معناست.^۱

پرسش‌ها

۱. با توجه به محور سوم خطبه ۱۰۰، نحوه برخورد مردم با حق و واقعیت چگونه است؟
۲. براساس خطبه ۱۳۸، آسایش و رفاه عمومی در دوران ظهور به چه شکل محقق می‌شود؟
۳. با توجه به خطبه ۱۳۸، امیر مؤمنان علیه السلام در مورد اوضاع نابسامان قبل از ظهور و حاکم خونخوار شام در آن زمان چگونه سخن می‌گوید؟
۴. امیر مؤمنان علیه السلام در خطبه ۱۳۸، چه راه‌کارهایی برای نجات از اوضاع نابسامان قبل از ظهور بیان می‌کنند؟
۵. براساس خطبه ۱۵۰ نهج البلاغه، دو آسیب مهم که باور مهدویت را تهدید می‌کند بیان کنید؟
۶. حکمت ۱۴۷ نهج البلاغه، برکات وجودی امام غائب را چگونه بیان می‌کند؟

منابع مطالعاتی

۱. پیام امام امیرالمومنین علیه السلام، ناصر مکارم شیرازی.
۲. منجی موعود از منظر نهج البلاغه، حسین ایرانی.
۳. مهدی منتظر علیه السلام در نهج البلاغه، مهدی فقیه ایمانی.

۱. «وَهُمْ قَوْمٌ يُحِبُّهُمْ اللَّهُ كَيْفَ شَاءَ مِنْ الْقَبِيلَةِ الرَّجُلِ وَالرَّجُلَيْنِ حَتَّى بَلَغَ تِسْعَةَ فَيَتَوَافُونَ مِنَ الْأَقْبَاقِ ثَلَاثُمِائَةٍ وَثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا عِدَّةَ أَهْلِ بَدْرٍ وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ: أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعاً إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ حَتَّى إِنَّ الرَّجُلَ لَيُخْتَبِى فَلَإِ يَحُلُّ حُبُّوتَهُ حَتَّى يَبْلُغَهُ اللَّهُ ذَلِكَ؛ آن‌ها گروهی هستند که خداوند به هر ترتیبی که اراده بفرماید آن‌ها را گردآوری می‌کند و از هر قبیله و طایفه‌ای يك يا دو نفر تانۀ نفر را خداوند جمع می‌کند. آن‌ها که ۳۱۳ نفر و به تعداد اصحاب بدر می‌باشند از اطراف عالم می‌آیند و جمع می‌شوند و این معنای کلام خداست که می‌فرماید: هرکجا که باشید خداوند همه شما را می‌آورد.... حتی اگر مردی زانوهای خود را بسته باشد، هنوز آن را باز نکرده، خداوند او را هم به سرعت به قیام حضرت می‌رساند». همان مدرک.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. مفاتیح الجنان.
۳. نهج البلاغه، فیض الاسلام.
۴. ابراهیم امینی، دادگستر جهان، قم، شفق، ۱۳۸۰ ش.
۵. ابن بابویه قمی، ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین، خصال، قم، نشر الاسلامی، ۱۴۲۶ ق.
۶. -----، علل الشرایع، قم، مؤمنین، ۱۳۸۰ ش.
۷. -----، کمال الدین، مترجم پهلوان، قم، دارالحديث.
۸. ابن حنبل، احمد، مسند احمد، دار صادر، بیروت، بی تا.
۹. ابو عبد الله محمد بن احمد بن ابی بکر، قرطبی، تفسیر قرطبی (الجامع لاحکام القرآن).
۱۰. احمد بن علی ابی طالب، طبرسی، الاحتجاج، تهران، اسوه، ۱۴۱۶ هـ ق.
۱۱. ألوفین تافلر، به سوی تمدن جدید، تهران، نشر سیمرغ، ۱۳۷۵ ش.
۱۲. بحرانی، سیدهاشم، البرهان، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۳ ق.
۱۳. بخاری، محمد بن اسماعیل ابو عبدالله، صحیح البخاری، بیروت، دار ابن کثیر، ۱۴۰۷ هـ ق.
۱۴. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدا...، المستدرک علی الصحیحین، بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۱۸ ق.
۱۵. حر العاملی، الامام الشیخ محمد بن الحسن، وسائل الشیعه، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.
۱۶. -----، اثبات الهداة، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۱۰۴ ق.
۱۷. خادمی شیرازی، محمد، رجعت، بی جا، مؤسسه الغدیر، ۱۴۱۱ ق.
۱۸. خانی، فاضل، ترجمه تورات، بی جا، بی نا، بی تا.
۱۹. خمینی، روح الله الموسوی، صحیفه نور، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۹ ش.
۲۰. رازی، امام فخرالدین، تفسیر کبیر (مفاتیح الغیب)، سوم، بی جا، بی تا.
۲۱. سجستانی الأزدی، ابی داود سلیمان بن الاشعث دار ابن حزم، سنن ابن داود، بیروت، ۱۴۱۸ ق.
۲۲. شافعی، یوسف بن یحیی بن علی بن عبدالعزیز، عقد الدرر، اسوه، تهران، ۱۴۱۶ ق.
۲۳. الشریف المرتضی، سید ابوالقاسم علی بن حسینی الموسوی (السید مرتضی)، رسائل، قم: دار القرآن الکریم، ۱۴۰۵ ق.
۲۴. شیخ صدوق، ابوجعفر محمد بن علی، معانی الاخبار، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۵ هـ ش.
۲۵. صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر، قم، السیده المعصومه، ۱۴۱۹ ق.
۲۶. صدر، سید صدر الدین، المهدی، بی جا، بی نا، بی تا.

۲۷. صدوق، ابوجعفر محمد، عیون اخبارالرضا، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۳ق.
۲۸. طباطبائی، محمد حسین، تفسیر المیزان، قم، جماعه المدرسین، ۱۴۱۲ق.
۲۹. طبرانی، سلیمان بن احمد، معجم الکبیر، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۶ق.
۳۰. طبرسی نوری، میرزا حسین، نجم الثاقب، قم، مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۰ش.
۳۱. طبسی، محمد رضا، الشیعه و الرجعه، نجف المطبعه الحیدریه، ۱۳۷۵ش.
۳۲. طبسی، نجم الدین، چشم اندازی به حکومت حضرت مهدی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۰ش.
۳۳. طوسی، شیخ الطایفه ابی جعفر محمد بن الحسن، الغیبه، قم، المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۷ق.
۳۴. فریدونی، حسین، زنده روزگاران، تهران، آفاق، ۱۳۸۱ش.
۳۵. قمی، شیخ عباس، سفینه البحار، تهران، اسوه، ۱۴۲۲ق.
۳۶. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، قم، دارالکتاب للطباعه و النشر، ۱۴۰۴ق.
۳۷. کلینی الرازی، ابو جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق، کافی، بیروت، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵ق.
۳۸. متقی هندی، علی بن حسام الدین، کنز العمال، علی، بیروت، موسسه الرساله، ۱۴۰۹ق.
۳۹. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، بیروت، موسسه الوفاء، ۱۴۰۳ق.
۴۰. مروزی، حافظ ابوعبدالله نعیم بن حماد، الفتن، قاهره، توحید، ۱۴۱۲ق.
۴۱. معجم احادیث الامام المهدی، الهیئة العلمیة، المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۱ق.
۴۲. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۸ش.
۴۳. —، حکومت جهانی مهدی علیه السلام، قم، نسل جوان، ۱۳۸۰ش.
۴۴. مهدی پور، علی اکبر، راز طول عمر امام زمان علیه السلام، قم، طاووس بهشت، ۱۳۷۸ش.
۴۵. نعمانی، ابن ابی زینب محمد بن ابراهیم بن جعفر الکاتب، الغیبه، قم، صدوق، ۱۳۷۶ش.
۴۶. پیچک انحراف، جواد اسحاقیان، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام قم.
۴۷. قبیله تزویر، امیر محسن عرفان، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام قم.
۴۸. فصلنامه تخصصی تاریخ معاصر ایران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، سال سیزدهم، بهار ۱۳۸۸ش.
۴۹. آفتاب ولایت، محمد تقی مصباح یزدی.
۵۰. مجله تخصصی انتظار موعود، مرکز تخصصی مهدویت.
۵۱. مجله مشرق موعود، مؤسسه آینده روشن.
۵۲. آخرالزمان در ادیان ابراهیمی، محمد حسین محمدی.